

عزاداری

عليه السلام

درسره اہل بیت

مهدی آقابابایی

مشخصات کتاب :

نام کتاب : عزاداری در سیره اهل بیت علیهم السلام

تألیف : مهدی آقابابایی

ناشر: نورالحیات

چاپ : اول ۱۴۰۱

قطع و صفحه : ۳۶۰ صفحه / وزیری

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۴۳۲۳-۷-۲

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به :

«غَوْثِ اللَّهْفَانِ»

(فریادرس دلسوختگان)

«قُرَّةَ عَيْنٍ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»

(نور چشمان حضرت زهرا علیها السلام سرور زنان جهانیان)

«مَنْ كُسِرَتْ قُلُوبُ شِيعَتِهِ بِغُرْبَتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

(کسی که دل‌های شیعیانش به خاطر غربت او شکسته و
محزون است تا روز قیامت)

« عَلَى الْإِمَامِ الرَّءُوفِ الَّذِي هَيَّجَ أَحْزَانَ يَوْمِ الطُّفُوفِ »

بر امام رئوف و مهربان که فاطرات غم انگیز صمنه کربلا را
زنده کرد.

(فرازهایی از زیارت جوادیه یا زیارت چهارم امام رضا علیه السلام)

فهرست

مقدمه :	۱۷
ریشه‌های عزاداری در قرآن.....	۱۹
فصل اول: سیره عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام برای امام حسین علیه‌السلام	۲۱
مجالس امام حسین علیه‌السلام در قیامت تحت عرش.....	۲۱
عزاداری رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قبل از شهادت امام حسین علیه‌السلام	۲۲
عزاداری رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بعد از شهادت امام حسین علیه‌السلام	۲۳
عزاداری حضرت فاطمه علیها‌السلام در محشر.....	۲۴
عزاداری کاروان اسرای آل الله علیهم‌السلام	۲۵
عزاداری امام رضا علیه‌السلام	۲۷
فصل دوم: تشکیل مجالس عزا.....	۲۹
برگزاری مجلس روضه در زمان تقیه.....	۳۱
منبر روضه خوانی امام سجاد علیه‌السلام	۳۳
احیای امر اهل بیت علیهم‌السلام	۳۶
اینگونه مجالس را دوست دارم.....	۳۷
تاکید و سفارش معصومان علیهم‌السلام به تشکیل مجالس عزا در خانه‌های خود.....	۳۷
وثاقت فضیل بن یسار.....	۳۹
خدمتگزاری در مجالس عزا.....	۴۳
فصل سوم : بذل مال / انفاق ما در عزاداری امام حسین علیه‌السلام	۴۴
انفاق اموال.....	۴۴
جلوه‌هایی از صرف اموال در عزاداری.....	۴۵

- ۴۸..... سنت‌های حسنه در انفاق مال
- ۴۹..... تهیه غذا واطعام در عزاداری
- ۵۲..... اطعام طعام در عزای سیدالشهدا علیه السلام
- ۵۲..... ثواب خرج کردن در عزای امام حسین علیه السلام
- ۵۳..... فتوای حضرت امام (ره) درباره مخارج روضه
- ۵۳..... اطعام فقرا در مجلس عزاداری
- ۵۴..... اقامه عزاداری در کشور بیگانه و اطعام عزاداران
- ۵۴..... اطعام عزاداران یا اطعام فقراء
- سؤال : آیا خرج کردن برای امام حسین علیه السلام بهتر است یا اینکه بتوان به فقیری کمک کرد؟ یا به جای اینکه برای حسینیه‌ها خرج کنیم یا به سفرهای مکرر زیارتی برویم مشکل کسی را حل کنیم؟ آیا ثواب بیشتری نمی‌بریم؟..... ۵۵
- فصل چهارم: نصب پرچم عزاء..... ۵۸**
- ۵۹..... سیاه پوش کردن و نصب پارچه سیاه
- فصل پنجم: سیاهپوشی در عزای سیدالشهداء علیهم السلام..... ۶۱**
- ۶۲..... سیره سیاهپوشی در عزاداری
- ۶۳..... توضیحات:
- ۶۳..... اسماء کیست؟ و وثاقت آن بانو.....
- ۶۸..... منهال کیست؟ و وثاقت وی.....
- ۷۰..... وثاقت سیف عمیره.....
- ۸۲..... برخی فتاوای فقهای شیعه در سیاهپوشی برای امام حسین علیه السلام
- ۱ : شیخ ابن نما حلی (م ۶۴۵ ق) عالم بزرگوار شیعه در قرن هفتم:..... ۸۲
- ۲ : مرحوم شیخ یوسف بحرانی رحمته الله صاحب کتاب «حدائق»:..... ۸۲
- ۳ : مرحوم سید محمد جعفر طباطبایی حائری رحمته الله:..... ۸۳
- ۴ : علامه شیخ محمد حسین کاظمینی رحمته الله معروف به محقق کاظمی (م ۱۳۰۸ ق):..... ۸۵

- ۵ : میرزا ابوالفضل تهرانی (م ۱۳۱۷ق) ، شاگرد مبرز میرزای شیرازی و فيه و
ادیب نامدار عصر قاجار ۸۵
- ۶ : مرحوم میرزا حسین نوری رحمته الله علیه صاحب «مستدرک الوسائل» (م ۱۳۲۰ق) : ۸۶
- ۷ : مرحوم آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی رحمته الله علیه : ۸۶
- ۸ : وصیت نامه مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله علیه : ۸۷
- ۹ : آیت الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی رحمته الله علیه : ۸۷
- ۱۰ : آیت الله العظمی سید علی حسینی سیستانی (مد ظله العالی) : ۸۷
- ۱۱ : آیت الله سید ابراهیم میلانی مینویسد : ۸۸
- ۱۲ : حضرت آیت الله حاج سید محمد صادق روحانی مد ظله العالی : ۸۹
- فتوای فقها بر استحباب سیاه پوشی در عزای ائمه علیهم السلام به استناد حسنه محاسن
برقی ۸۹
- ۱: فتوای استدلالی آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی مد ظله العالی ۹۰
- ۲: رساله «مجمع الدرر فی مسائل اثنتی عشر»، نوشته آیت الله عبدالله مامقانی
در استحباب سیاه پوشی در عزای ائمه علیهم السلام ۹۵
- نتیجه: ۱۰۰
- فصل ششم: مرثیه خوانی ، نوحه سرایی و شعر..... ۱۰۱**
- واژه «رثاء و مرثیه»: ۱۰۱
- واژه «نوحه و نیاحه»: ۱۰۲
- شواهدی از منابع تاریخی: ۱۰۳
- واژه «شعر» ۱۰۶
- احادیث ۱۰۶
- وثاقت حسن بن جهم: ۱۰۷
- وثاقت زید شحام ۱۰۸
- دستور اهل بیت علیهم السلام به مرثیه سرایی ۱۱۰

- مرثیه سرایی حضرت ام البنین علیها السلام ۱۱۵
- از مرثیه های ام البنین علیها السلام ۱۱۵
- کراهت نداشتن مرثیه سرایی اهل بیت علیهم السلام در شب و روز جمعه ۱۱۷
- اجرت گرفتن برای مرثیه خوانی و تعیین آن ۱۱۸
- ۱: پاداش امام سجاد علیه السلام به فرزدق ۱۱۹
- ۲: عطا کردن امام باقر علیه السلام پیراهن خود را به کمیت ۱۲۰
- کمیت در محضر امام صادق علیه السلام ۱۲۰
- ۳: صلّه امام صادق علیه السلام به اشجع اسلمی ۱۲۱
- ۴: صلّه امام رضا علیه السلام به دعبل خزاعی و ابو نواس حسن بن هانی ۱۲۲
- اجرت گرفتن از صاحب مجلس توسط مداحان ۱۲۲
- دستور به مرثیه سرایی اهل بیت علیهم السلام ۱۲۲
- مرثیه سرایی امام حسین علیه السلام بر جناب حر ۱۲۴
- فصل هفتم: حافی / پابرهنه و سربرهنه در عزای مظلوم عالم** ۱۲۵
- منظور از سربرهنه بودن چیست؟ ۱۲۷
- سخن کارشناسان ۱۲۹
- به یاد پا برهنگان! ۱۳۰
- سیره علامه امینی رحمته الله ۱۳۰
- سیره صاحب جواهر ۱۳۱
- فصل هشتم: برداشتن عبا از روی دوش** ۱۳۲
- وثاقت علی بن ابراهیم بن هاشم ۱۳۲
- وثاقت ابراهیم بن هاشم القمی ۱۳۳
- وثاقت محمد بن ابی عمیر ۱۳۶
- پاداش رفتن به زیارت کربلا ۱۳۷

فصل نهم : هروله (راه رفتن سریع و با جنب و جوش شبیه دویدن / حرکت با شتاب).....	۱۳۹
فصل دهم: گریستن در مصیبت امام حسین علیه السلام	۱۴۲
گریه در روز ولادت امام حسین علیه السلام	۱۴۲
گریه فاطمه زهرا علیها السلام	۱۴۳
گریه امیرالمؤمنین علیه السلام	۱۴۴
گریه امام حسن علیه السلام	۱۴۵
پیام امام حسین علیه السلام به شیعیان.....	۱۴۵
چرا امام حسین علیه السلام در کربلا گریستند؟.....	۱۴۶
گریه‌های امام سجاد علیه السلام در سوگ پدر بزرگوارشان.....	۱۴۸
ام البكاء حضرت رقیه علیها السلام	۱۴۹
عزاداری به امام باقر علیه السلام	۱۴۹
گریه امام صادق علیه السلام در عزای جد مظلومش.....	۱۵۰
گریه‌های امام کاظم و امام رضا علیهما السلام	۱۵۲
تأسی شیعیان به اهل بیت علیهم السلام در گریستن بر حضرت سیدالشهداء علیه السلام	۱۵۴
بلند گریستن بانوان اهل بیت علیهم السلام در مصیبت امام حسین علیه السلام	۱۵۵
گریه حضرت زهرا علیها السلام در مصیبت امام حسین علیه السلام	۱۵۷
اسرار گریه صدیقه طاهره علیها السلام	۱۵۹
فصل یازدهم: اشک‌های همیشه جاری.....	۱۶۲
فصل دوازدهم: تداوم عزاداری.....	۱۶۳
شیعیان از عزاداری خود عذر تقصیر بخواهند!.....	۱۶۴
فصل سیزدهم : گردیدن اشک در چشم پیش از جاری شدن آن.....	۱۶۶

فصل چهاردهم : جاری شدن اشک بر صورت (گونه‌ها).....	۱۶۷
فصل پانزدهم : جاری شدن گریه بر صورت ، ریش و سینه.....	۱۶۸
فصل شانزدهم: بلند کردن صدا به گریه.....	۱۶۹
فصل هفدهم: گریستن به گونه‌های که مردم برای او دلسوزی کنند.....	۱۷۰
فصل هجدهم : ممزوج شدن اشک چشم با غذا و آب.....	۱۷۱
فصل نوزدهم: پاره شدن رگ قلب در اثر شدت مصیبت (نیاط القلب)	۱۷۲
فصل بیستم: مردن از شدت گریستن (ازهاق).....	۱۷۳
شرح :	۱۷۳
فصل بیست و یکم : آرزو و تمنای گریستن تا آخرین لحظه زندگی	۱۷۵
فصل بیست و دوم : تباهی.....	۱۷۶
تباهی در لغت:	۱۷۶
احادیث تباهی:	۱۷۹
تباهی در کلام علما	۱۸۲
۱: مرحوم علامه مجلسی	۱۸۲
۲: مرحوم آیت الله شیخ جعفر شوشتری	۱۸۳
۳: مرحوم طریحی در مجمع البحرین	۱۸۴
۴: سایر علما و بزرگان فرموده‌اند که : تباهی یعنی خود را به گریه زدن، حتی اگر کسی نگرید، گرفتن این حالت هم در خود شخص حالت اندوه و حزن ایجاد میکند و هم به مجلس عزا چهره و رنگ غم می‌بخشد.	۱۸۴
نتیجه:	۱۸۴
فصل بیست و سوم : ضجه: ناله و فریاد.....	۱۸۵
ضجه :	۱۸۵
فصل بیست و چهارم: شیون شدید (صرخه).....	۱۸۸
صرخه و شیون‌های بلند و این نوع عزاداری در روز قیامت	۱۹۰

فصل بیست و پنجم: شیون بلند (شهقه).....	۱۹۲
برخی از احادیث مرتبط با شهقه زدن معصومین علیهم السلام	۱۹۲
شهقه حضرت فاطمه علیها السلام در روز قیامت.....	۱۹۳
شهقه امام سجاد علیه السلام	۱۹۵
فصل بیست و ششم: جزع و بی تابى (از خود بیخود شدن).....	۱۹۶
فرمایش امام باقر علیه السلام در معنای جزع.....	۱۹۷
کلام مرحوم آیت الله دربندی درباره جزع.....	۱۹۸
احادیث درباره جزع بر امام حسین علیه السلام	۱۹۹
جزع و بی تابى حضرت ابراهیم علیه السلام در عزای امام حسین علیه السلام	۲۰۱
اهل جزع چه کسانی هستند؟.....	۲۰۳
حدیث معاویه بن وهب :.....	۲۰۷
۱: وثاقت شیخ مفید رحمته الله :.....	۲۰۸
۲: وثاقت ابن قولویه رحمته الله :.....	۲۰۸
۳: وثاقت محمد بن قولویه رحمته الله :.....	۲۰۹
۴: وثاقت سعد بن عبدالله.....	۲۰۹
۵: وثاقت احمد بن محمد بن عیسی.....	۲۱۰
۶: وثاقت حسن بن محبوب.....	۲۱۱
۷: وثاقت ابی محمدانصاری.....	۲۱۲
۸: وثاقت معاویه بن وهب.....	۲۱۲
معنای عدم کراهت جزع در سوگ امام حسین علیه السلام	۲۱۳
فصل بیست و هفتم: دست بر سر نهادن از شدت اضطراب.....	۲۱۴
فصل بیست و هشتم: کئیب و اندوهگین بودن.....	۲۱۵

فصل بیست و نهم: امتناع از خوردن طعام (بی رغبتی به آب و غذا در هنگام	۲۱۸
عزا و ایام عزاداری).....	
فصل سیام: لرزش مدام بدن عزادار حسین علیه السلام تا روز قیامت.....	۲۲۳
فصل سی و یکم: مایل به سیاهی شدن چهره.....	۲۲۴
فصل سی و دوم: سفید شدن موها در عزای سیدالشهداء علیه السلام	۲۲۶
فصل سی و سوم: بی قرار و بی اختیار بودن در عزای امام حسین علیه السلام	۲۲۷
فصل سی و چهارم: واله: مبهوت شدن از شدت مصیبت.....	۲۲۹
فصل سی و پنجم: رائع: وحشت زده از مصیبت.....	۲۳۰
فصل سی و ششم: به هیجان در آوردن.....	۲۳۱
فصل سی و هفتم: تجدید العزاء (سال به سال و نسل به نسل عزاداری را	
تجدید کنیم).....	۲۳۲
فصل سی و هشتم: البهره و خنقته: بیتابی بسته شدن راه تنفس از شدت	
گریه و بریده شدن نفس.....	۲۳۴
فصل سی و نهم: هلع: بالاتر از جزع.....	۲۳۷
فصل چهلم: تمثیل و تعزیه.....	۲۳۹
نظریه صاحب قوانین درباره شبیه خوانی.....	۲۴۱
فصل چهل و یکم: زخم (شدن) نمودن و جراحت چشم و پلک از گریه.....	۲۴۶
فصل چهل و دوم: خراشیدن صورت.....	۲۴۹
برخی از روایات در این زمینه:.....	۲۵۰
عزاداری زنان انصار در سوگ عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم	۲۵۰
خراشیدن صورت توسط اهل حرم.....	۲۵۱
فصل چهل و سوم: از هوش رفتن از شدت گریه.....	۲۵۶
از هوش رفتن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم	۲۵۶

از هوش رفتن امیرالمؤمنین علیه السلام	۲۵۷
از هوش رفتن امام حسین علیه السلام در برخی از مصائب.....	۲۵۷
از هوش رفتن حضرت زینب علیها السلام	۲۵۸
از هوش رفتن امام رضا علیه السلام	۲۵۹
اسرار از هوش رفتن حضرت سیدالشهدا علیه السلام	۲۶۱
فصل چهل و چهارم : خاک بر سر ریختن در عزای سید الشهداء علیه السلام	۲۶۳
مراسم عاشورا.....	۲۶۵
فصل چهل و پنجم : ژولیده و غبارآلود بودن ملائک تا روز قیامت.....	۲۶۸
غبار آلودن بودن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم	۲۶۸
فصل چهل و ششم : مریض شدن از شدت مصیبت سیدالشهدا علیه السلام	۲۷۱
فصل چهل و هفتم: سینه زدن.....	۲۷۲
لدم:.....	۲۷۲
لطم :.....	۲۷۲
سینه زنی در تاریخ و روایات.....	۲۷۳
در وفات امام موسی بن جعفر علیه السلام	۲۷۳
نکته:.....	۲۷۴
دیدگاه مسیحیان درباره سینه زنی برای امام حسین علیه السلام	۲۷۴
استفتاء.....	۲۷۵
حکم سینه زدن، خراشیدن و سیلی زدن به صورت در مصائب اهل بیت علیهم السلام چیست؟	
.....	۲۷۵
بعضی از عزاداران حسینی به گونه‌ای سینه می‌زنند که گاهی مشاهده می‌شود از محل سینه زدن خون خارج می‌شود، نظر مبارک شما چیست؟.....	۲۷۵
فصل چهل و هشتم : لطمه زنی.....	۲۷۷

روایات لطمه زنی	۲۷۷
لطمه زدن حورالعین در عزای سیدالشهداء علیه السلام	۲۸۱
سیر مطلب:	۲۸۲
بانوان در مجالس زنانه موهارا پریشان کنند	۲۸۴
فتاویٰ علما و مراجع بزرگ تقلید	۲۸۵
فصل چهل و نهم: موی پریشان نمودن	۲۸۷
سؤال :	۲۸۸
چگونه ممکن است اهل بیت علیهم السلام با این خصوصیات موجود در زیارت ناحیه از خیام حرم (در حالی که موهای خود را پریشان کرده بودند و ...) خارج شده و به طرف مقتل حرکت کرده باشند؟	۲۸۸
آیا پریشان نمودن موهای سر، شایسته اهل حرم حسینی است؟	۲۸۹
پاسخ:	۲۸۹
فصل پنجاهم : گریبان چاک زدن	۲۹۲
تعریف گریبان چاک زدن:	۲۹۲
گریبان چاک نمودن حضرت زهرا علیها السلام	۲۹۲
جامه دریدن اهل حرم در هنگام اسارت	۲۹۳
پاسخ به وهابیت	۲۹۸
پاسخ نقضی:	۳۰۰
گریبان چاک زدن در مرگ نووی (یکی از علمای پراوازه اهل سنت)	۳۰۱
پاسخ حلی:	۳۰۱
خودداری از رفتارهای جاهلی و کفرآمیز	۳۰۱
ضعف سند روایات مخالفان	۳۰۱
امضای معصوم علیه السلام بر گریبان چاک زدن زنان حرم حسینی علیها السلام	۳۰۲
استثناء شدن چاک زدن گریبان در عزای سیدالشهدا علیه السلام	۳۰۳

۳۰۳.....	روایات عام
۳۰۴.....	موارد دیگر از گریبان چاک زدن ها
۳۰۵.....	گریبان چاک زدن حضرت موسی علیه السلام در وفات برادرش حضرت هارون علیه السلام
۳۰۵.....	گریبان چاک زدن زنان انصار برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۳۰۵.....	گریبان چاک زدن امام عسکری علیه السلام در شهادت برادر بزرگوارش
۳۰۶.....	پزشکی گریبان چاک زدن
۳۰۷.....	نظرات ارکان و بزرگان شیعه
۳۰۷.....	جواهر الکلام
۳۰۹.....	شهید اول علیه السلام
۳۰۹.....	شهید ثانی علیه السلام
۳۱۰.....	مرحوم میرزای قمی علیه السلام
۳۱۰.....	صاحب کتاب شفاء الصدور
۳۱۱.....	ابن ادریس در سرائر:
۳۱۲.....	فصل پنجاه و یکم : لا تبصر من تواتر البكاء
۳۱۳.....	فصل پنجاه و دوم : المصيبة اجلی من البكاء
۳۱۶.....	فصل پنجاه و سوم : خضاب نکردن و روغن نزدن مو عطر نزدن
۳۱۹.....	فصل پنجاه و چهارم : زفره
۳۲۱.....	فصل پنجاه و پنجم : دائم الصوم بودن به خاطر مصیبت
۳۲۴.....	فصل پنجاه و ششم : آسمان ها تا ابد بر مصائب امام حسین علیه السلام گریانند
۳۲۵.....	فصل پنجاه و هفتم : خارج شدن از آبادیها به سوی ویرانه ها
۳۲۸.....	فصل پنجاه و هشتم : مذکور
۳۲۹.....	تعلیقات:
۳۲۹.....	زیارت ناحیه

۳۲۹.....	بررسی زیارت ناحیه مقدسه
۳۲۹.....	مصادر زیارت ناحیه مقدسه
۳۳۱.....	بحثی پیرامون شخصیت ابن مشهدی و کتاب ایشان
۳۳۲.....	صدور زیارت ناحیه
۳۳۴.....	اسناد زیارت ناحیه
۳۳۵.....	زیارت ناحیه دوم (زیارت شهداء)
۳۳۵.....	سند زیارت ناحیه دوم
۳۳۶.....	شبهات
۳۳۶.....	پاسخ:
۳۴۱.....	منابع و مآخذ

مقدمه :

عزاداری بر اهل بیت علیهم السلام از شعائر اصلی مذهب تشیع است و مورد خواست و دستور مؤکد صاحبان شریعت و آمیخته با سرشت پیروان ایشان است.

نگاهی گذرا به عزاداری در سیره اهل بیت علیهم السلام و متون دینی و روایی بیندازیم، تا از طرفی این شعار اصلی شیعه رمز بقای مذهب هر چه پر عظمت تر و سزاوارتر برگزار شود و از طرفی پاسخی باشد به بدخواهان و غرض ورزان که در طول تاریخ، عزاداری شیعیان را مورد حملات فرهنگی خود قرار داده اند و نیز اشارتی باشد برای دوستانی که از سرناآگاهی در این حرکت عظیم خلل و آسیب وارد می کنند و باعث دلسردی دیگر عزاداران می شوند.

عدم انحصار به زمان و مکان خاص

این احادیث منحصر به زمان و مکان خاصی نیست تا گفته شود چون بنی امیه و بنی عباس امروز نیستند پس عنوان جهاد و مبارزه صدق نمی کند؛ زیرا نخست، از دستورات ائمه علیهم السلام در صورتی که قرینه خاصی مبنی بر انحصار به مورد خاصی وجود نداشته باشد استفاده اطلاق و شمول می شود چنانکه در دستورات دیگر اخلاقی و فقهی چنین است. هر چند امروز خلفای بنی امیه و بنی عباس نیستند اما درست همان دو جبهه حق و باطل که در آن زمان صف آرایی داشته، امروز بیشتر از آن زمان به چشم می خورند. آن زمان باطل در چهره بنی امیه و بنی عباس ظهور کرده بودند و امروزه در چهره کسانی که راه آنان را ادامه می دهند و در کشورهای اسلامی از راههای گوناگون نفوذ کرده و بر علیه مسلمانان تلاش می کنند.

در این نوشتار مختصر سعی شده است تا روایات و احادیثی از اهل بیت معصومین علیهم السلام را بیش از ۵۰ نوع عزاداری آن هم در سیره و سنت حضرات معصومین علیهم السلام بوده است تقدیم شود تا مایه درک عمیق تر از عزای اهل بیت علیهم السلام و عمل صحیح و دقیق تر و عزاداری با کمیت و کیفیت بیشتر و بهتر باشد ان شاء الله.

و از آنجا که کلام اهل بیت علیهم السلام نور است و آئینه وحی و کلام الهی، جا دارد با تدبر و تعمق و تأمل هر چه بیشتر در احادیث ایشان، حق این کلمات نورانی را بهتر ادا کرده و بهره‌های کامل‌تری ببریم و چه بسا لازم است هر یک از احادیث را بارها و بارها مطالعه کنیم، تا به تدریج بر درک و معرفت ما از موضوع افزوده شود و این معارف در عمق جان ما مستقر شده و مستحکم گردد و باعث عملی با بصیرت و اخلاص و عشقی بیشتر باشد ان شاء الله.

یا رب الحسین، بحق الحسین، اشف صدرالحسن، بظهور الحجه

مهدی آقابابایی

محرم الحرام ۱۴۴۲ هجری فمری

شهریور ماه ۱۳۹۹ شمسی

قرآن می‌فرماید: ﴿وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيْمَ﴾^۱ ابراهیم فداکاری کرد و تو ای پیغمبر! مأموری یاد ابراهیم را گرامی بداری. ﴿وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ﴾^۲ ای پیغمبر! تو مأموری نام مریم و سختی‌هایی را که به او چشیده شده ، بیان کنی.

قرآن روضه می‌خواند و می‌گوید: ﴿اِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ * وَ اِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ * وَ اِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ * وَ اِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ * وَ اِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ﴾^۳ روز قیامت نور خورشید گرفته می‌شود، دریاها به جوش می‌آید و مردم پا به فرار می‌گذارند، آن روز، ﴿وَ اِذَا الْمَوْؤِدَّةُ سُئِلَتْ * بِاَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾ سؤال می‌شود که به چه گناهی این مظلوم را کشتید؟ پس در سوره شمس هم روضه خوانده شده است.^۴

۱. مریم / ۴.

۲. مریم / ۱۶.

۳. تکویر / ۱ - ۵.

۴. تکویر / ۸ - ۹.

فصل اول: سیره عزاداری اهل بیت علیهم السلام برای امام حسین علیه السلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَطَّلَعَ عَلَى الْأَرْضِ فَاخْتَارَنَا وَاخْتَارَ لَنَا شِيعَةً يَنْصُرُونَا وَيَفْرَحُونَ لِفَرْحِنَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا وَيَبْذُلُونَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ فِينَا وَإِنَّا فَاوْلُئِكَ مَنَا وَإِلَيْنَا وَهُمْ مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ ؛ هَمَانَا خَدَايَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَا رَا از میان زمینیان ابرای هدایت بشر [انتخاب فرموده و برگزید، و برای ما پیروانی برگزید که ما را یاری می کنند، و در سرور و خشنودی ما خشنود و مسرور هستند و در حزن و اندوه ما محزون و اندوهناک، آنان مال و جان خود را در راه ما می دهند، سرشت آنان از ما می باشد و به سوی ما باز می گردند و در بهشت همنشین ما می باشند.»^۱

مجالس امام حسین علیه السلام در قیامت تحت عرش

امام صادق علیه السلام فرمودند:

« مَا مِنْ عَبْدٍ يُحْشَرُ إِلَّا وَ عَيْنَاهُ بَاكِیَةٌ إِلَّا الْبَاكِينَ عَلَى جَدِّي الْحُسَيْنِ علیه السلام فَإِنَّهُ يُحْشَرُ وَ عَيْنُهُ قَرِیرَةٌ وَ الْبِشَارَةُ تَلْقَاهُ وَ السُّرُورُ بَيْنَ عَلَى وَجْهِهِ وَ الْخَلْقُ فِي الْفَزَعِ وَ هُمْ آمِنُونَ وَ الْخَلْقُ يُعْرِضُونَ وَ هُمْ حُدَّاثُ الْحُسَيْنِ علیه السلام تَحْتَ الْعَرْشِ وَ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ لَا يَخَافُونَ سُوءَ يَوْمِ الْحِسَابِ يُقَالُ لَهُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ فَيَأْبُونَ وَ يَخْتَارُونَ مَجْلِسَهُ وَ حَدِيثَهُ وَ إِنَّ الْحُورَ لَتُرْسِلُ إِلَيْهِمْ أَنَا قَدْ اسْتَقْنَاكُمْ مَعَ الْوِلْدَانِ الْمُخَلَّدِينَ فَمَا يَرْفَعُونَ رُءُوسَهُمْ إِلَيْهِمْ لِمَا يَرَوْنَ فِي مَجْلِسِهِمْ مِنَ السُّرُورِ وَ الْكَرَامَةِ ؛ هر بنده ای با دیدگان گریان محشور می گردد ، مگر گریه کنندگان بر جدم امام حسین علیه السلام که در حالی محشور می گردند که دیده اش روشن است و مژده به او می رسد و شادمانی بر چهره اش نمودار است. خلاق در

۱ . غرر الحکم و در الکلم، ص ۲۳۳.

بیم و هراسند در حالی که اینان زیر عرش و در سایه آن با امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ هم سخن خواهند بود. از سختی روز حساب ترسان نیستند، به ایشان گفته می‌شود: داخل بهشت شوید، پس امتناع می‌ورزند و سخن و مجلس آن حضرت را بر می‌گزینند و همانا حوریان به آنها پیغام می‌دهند: ما اشتیاق شما را داریم، پس آن‌ها به سوی حورالعین سر بر نمی‌دارند، به جهت آنچه از خوشی و بزرگواری در مجلسشان می‌بیند.^۱

عزاداری رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قبل از شهادت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ

مصیبت حضرت سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَامُ به قدری عظیم است که قبل از آن که حضرت متولد شوند، هنگامی که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خبر شهادت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را به حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ می‌دهند، ایشان بی تاب شده و گریبان خویش پاره می‌کنند. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید:

«دَخَلَتْ فَاطِمَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ عَيْنَاهُ تَدْمَعُ فَسَأَلَتْهُ مَا لَكَ؟!

فَقَالَ: إِنَّ جَبْرِئِيلَ أَخْبَرَنِي أَنَّ أُمَّتِي تَقْتُلُ حُسَيْنًا فَجَزَعَتْ وَ شَقَّ عَلَيْهَا فَأَخْبَرَهَا بِمَنْ يَمْلِكُ مِنْ وَلَدِهَا فَطَابَتْ نَفْسُهَا وَ سَكَتَتْ؛

حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ به محضر مبارک پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسید و چشمان مبارک ایشان را گریان دید، از آن جناب پرسید: شما را چه می‌شود؟

حضرت فرمودند: جبرئیل به من خبر داده که امتم به زودی حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را می‌کشند. پس فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ به جزع آمده و دست برد و جامه خود را پاره کرد.

۱ . کامل الزیارات، ۸۱، باب ۲۶، ح ۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۴، باب ۴۹، ح ۱۲۰۷۷؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۰۷، باب ۴۰، ح ۱۳.

حضرت رسول ﷺ فرمودند: یکی از فرزندان این مولود مالک امور گشته و انتقام از قاتلین خواهد گرفت. پس از این خبر حضرت فاطمه علیها السلام اندکی آرام و نفس مبارکش تسکین یافت.^۱

عزاداری رسول خدا ﷺ بعد از شهادت امام حسین علیها السلام

«حدَّثَنَا ابُو سَعِيدٍ الْأَشْجِيُّ حَدَّثَنَا ابُو خَالِدٍ الْأَحْمَرُ حَدَّثَنَا رَزِينٌ^۲ قَالَ حَدَّثَنِي سَلْمَى^۳ قَالَتْ دَخَلْتُ عَلَى أُمِّ سَلَمَةَ وَهِيَ تَبْكِي فَقُلْتُ: مَا يُبْكِيكِ؟ قَالَتْ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ تَعْنِي فِي الْمَنَامِ وَ عَلَى رَأْسِهِ وَ لِحْيَتِهِ التُّرَابُ فَقُلْتُ مَا لَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ شَهِدْتُ قَتْلَ الْحُسَيْنِ آفِئاً؛

سلمی می گوید: بر ام سلمه وارد شدم در حالی که ایشان گریه می کردند، عرضه داشتم چرا گریانید؟

ایشان فرمودند: رسول خدا ﷺ را در خواب دیدم در حالی که موهای سر و محاسن ایشان خاک آلود بود، عرضه داشتم: یا رسول الله شما را چه شده است (چرا شما را به این حالت می بینم؟) ایشان فرمودند: هم اکنون شاهد کشته شدن حسین بودم.^۴

همان طوری که در این روایات می بینید رسول خدا ﷺ نیز برای امام حسین علیها السلام به گریه و عزاداری پرداخته اند آن هم سالیان قبل از واقعه عاشورا و شهادت ایشان که

۱ . کامل الزیارات، ص ۵۷؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۳۳.

۲ . رزین: هو ابن حبيب الجهني الكوفي بتياع الرمال، روى عنه احدث ابو خالد الاحمر، و ثقة ابن حنبل و ابن معين. الجرح و التعديل، ج ۳، ص ۵۰۸؛ حلیه الابرار، ج ۴، ص ۱۲۷، پاورقی.

۳ . سلمی: مولاة صفية بنت عبدالمطلب ، امرأة ابي رافع و كانت قابلة بنتي فاطمه بنت رسول الله ﷺ ، و هي التي ساعدت في غسل الصديقة الطاهرة علیها السلام مع اسماء بنت عميس امير المؤمنين علیها السلام. (اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۷۸؛ حلیه الابرار، ج ۴، ص ۱۲۷).

۴ . سنن ترمذی، ج ۱۲، ص ۱۹۵؛ فضائل الصحابه باب مناقب الحسن و الحسين علیهما السلام؛ حلیه الابرار فی احوال محمد و آله الاطهار علیهم السلام، ج ۴، ص ۱۲۷، ح ۱۶.

این خود حکایت از اهمیت و بزرگی این مطلب (عزاداری) دارد. آیا سیره و سنت پیامبر خدا ﷺ در اتفاقات فوق نمی‌تواند بهترین دلیل و حجت شرعی بر اقامه عزا برای امام حسین علیهما السلام باشد؟

عزاداری حضرت فاطمه علیها السلام در محشر

حرکت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در عرصه محشر دلیلی محکم بر اقامه عزاداری بر شهادت امام حسین علیهما السلام می‌باشد. و از این جهت تأسی به تنها یادگار پیامبر گرامی اسلام و وظیفه ارادتمندان به خاندان رسالت و پیروی از روش نیکوی آنان در تشکیل مجالس عزاداری امام حسین علیهما السلام خواهد بود.

علی بن محمد شافعی مغازلی از ابواحمد عامر از حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام و آن حضرت از پدران گرامی‌اش از امیرالمؤمنین علیهما السلام از پیامبر اکرم ﷺ این حدیث را نقل می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود:

تُحْشَرُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَعَهَا ثِيَابٌ مَصْبُوغَةٌ بِدَمِ الْحُسَيْنِ فَتَتَلَقَّى بِقَائِمَةٍ مِنْ قَوَائِمِ الْعَرْشِ - فَتَقُولُ يَا جَبَّارُ احْكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَ قَاتِلِ وَلَدِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَيَحْكُمُ لِابْنَتِي وَرَبِّ الْكَعْبَةِ ؛

هنگامی که روز قیامت فرا رسد دخترم فاطمه علیها السلام در حالی محشور می‌شود که لباس‌های خون آلودی با وی خواهد بود. آن گاه یکی از پایه‌های عرش خدا را می‌گیرد و می‌گوید: ای خدای عادل! بین من و قاتل فرزندانم حکم کن! سپس پیامبر اکرم ﷺ فرمود: به خدای کعبه سوگند! که خداوند برای دخترم [به حق] قضاوت می-

کند؛ زیرا خداوند برای غضب فاطمه علیها السلام غضب می‌نماید و با رضایت وی راضی خواهد شد.^۱

ریشه‌ها و سرچشمه‌های سنت عزاداری را باید در سال‌های قبل از واقعه کربلا جستجو کرد. شاهدان واقعه کربلا به بهترین شیوه قادر بودند زوایای این حادثه غمبار را برای مردم شرح دهند و با اقامه عزای امام حسین علیه السلام و یارانش، رسالت خود را در رسوا کردن حکومت به انجام رسانند و در این زمینه امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام الگو و سرمشق بودند.

عزاداری کاروان اسرای آل الله علیهم السلام

حضرت زینب کبری علیها السلام با همراهان از شام بیرون آمد ولی در هر منزل از منزلگاه‌هایی که می‌رسید مجلس عزاداری به پا می‌کرد و وقایع جانسوز عاشورا را با احساسات پرشور بیان می‌کرد.^۲

کاروان اسرای کربلا هنگام بازگشت از کربلا به مدینه و گذر از شهرهای مسیر حرکت، به خصوص کوفه و شام، با اقامه عزای امام حسین علیه السلام و سایر شهدای کربلا همراه بود، به گونه‌ای که گریه و پشیمانی مسلمانان را به دنبال داشت.

می‌توان گفت: جملات منسوب به حضرت زینب علیها السلام در روز عاشورا پس از شهادت امام حسین علیه السلام و هنگام عبور از کشته برادر، خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مرثیه‌های جانسوزی است که در گرمای داشت خاطره امام حسین علیه السلام و واقعه کربلا سروده‌اند.

۱. مناقب علی بن ابیطالب علیه السلام مغازلی، ص ۶۶؛ ینابیع الموده قندوزی، ج ۳، ص ۴۷؛ کشف الغمه، ج ۲،

ص ۲۶۹؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۹، ح ۲۱، باب ۳۰. (ترجمه بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۴۴)

۲. جلوه‌های عزاداری در تعالیم اهل بیت علیهم السلام، ص ۷۸، به نقل از خصائص الزینبیه، ص ۲۹۶.

قره بن قیس تمیمی^۱ می‌گوید: « فراموش نمی‌کنم هنگامی را که زینب علیها السلام دختر فاطمه علیها السلام از کنار قتله گاه برادرش می‌گذشت در حالی که می‌گفت: یا محمداه! یا محمداه! ملائکه آسمان بر تو درود می‌فرستند ، این همان حسین است زیر آسمان [بی سایه‌بان] قرار گرفته ، به خاک و خون آغشته و اعضایش قطعه قطعه شده است. یا محمداه! دخترانت اسیر گردیده، فرزندان کشته شده‌اند ، باد صبا گرد و غبارش را بر آنان می‌گستراند. [قره که خود جزء لشکر عمر بن سعد بوده می‌گوید:] و الله [زینب] دوست و دشمن را به گریه انداخت به طوری که زنان ضجه زده ، بر صورت-های خویش سیلی می‌زدند.^۲

ابن طیفور در کتاب «بلاغات النساء» می‌نویسد: خدیم اسدی می‌گوید:

در سال ۶۱ ه.ق که سال قتل (امام) حسین علیه السلام بود، وارد کوفه شدم، دیدم زنان کوفه گریبان چاک زده کریه می‌کنند و علی بن الحسین علیه السلام را دیدم که با حالت بیماری خطاب به آنان گفت: بر مظلومیت و مصیبت ما گریه می‌کنید؟ و ...^۳

۱ . قره بن قیس تمیمی حنظلی از گزارشگران و از لشکریان عمر بن سعد در واقعه کربلا است. برخی از حوادث واقعه عاشورا مانند پیوستن حر بن یزید به امام حسین علیه السلام ، عبور دادن اهل بیت امام بر اجساد شهدا و سخنان حضرت زینب کبری علیها السلام هنگامی که از کنار بدن برادرش می‌گذشت از وی نقل شده است. (ویکی شیعه) قره در روز سوم محرم پیام عمر بن سعد را به امام حسین علیه السلام رساند و قبل از رساندن پاسخ امام به عمر بن سعد، حبیب بن مظاهر از وی خواست تا به یاران امام حسین علیه السلام بپیوندد. (انساب الاشراف بلاذری، ج ۳، ص ۱۷۷)

۲ . نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا، ترجمه وقعه الطف، ص ۱۹۳؛ تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۵۶، به نقل از ابی مخنف از ابوזהیر عبسی ، و سبط ابن جوزی جملات حضرت زینب علیها السلام را هنگام عبور از قتله گاه همراه با کمی تعبیر نقل کرده است. ر.ک: تذکره الخواص، ص ۲۵۶ به نقل از هشام بن محمد. ، وقعه الطف، ص ۲۵۹-۲۶۰؛ انساب الاشراف، بلاذری، ج ۳، ص ۲۰۶.

۳ . مواسات با سیدالشهداء علیه السلام ، ص ۴۰ به نقل از سنت عزاداری و منقبت خوانی در تاریخ شیعه امامیه، ص ۲۰.

در برخی از روایات از خواب عجیب و عبرت انگیز همسر یزید ذکر شده که آن ملعون برای دلجویی و جلب رضایت اهل بیت امام حسین علیه السلام خواست آنان را برآورده نمود و اسرای اهل بیت علیهم السلام هفت روز برای امام حسین علیه السلام عزاداری، ندبه و سواگواری کردند.^۱

عزاداری امام رضا علیه السلام

در روایات است که امام رضا علیه السلام شخصاً اقدام به آماده سازی مجلس عزای می نمودند. هنگامی که دعبل^۲ خواست اشعاری در مصائب سیدالشهداء علیه السلام در محضر ثامن

۱. همان، ص ۴۰ به نقل از نصوص من تاریخ ابی مخنف، ج ۱، ص ۵۰۰.

۲. نام اصلی وی محمد بن علی خزاعی و کنیه اش «ابوعلی» یا «ابوجعفر» به او می گفتند، که البته بیشتر به ابوعلی شهرت داشت. (الغدیر، ج ۲، ص ۳۶۸) دعبل خزاعی از ارادتمندان به خاندان اهل-البیت علیهم السلام می باشد. جد اعلایش عبدالله بن بُذیل از صحابی رسول خدا و امیرالمؤمنین علیه السلام که همراه سه برادرش در جنگ صفین در رکاب آقا امیرالمؤمنین علیه السلام به دست معاویه ملعون به شهادت رسید.

دعبل در سال ۱۴۸ قمری همان سال ولادت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در کوفه به دنیا آمد و از ابتدا با بغض اعدا آل الله و محبت ایشان رشد نمود. اشعار او در هجو خاندان خبیث عباسی و در مدح خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام شهره آفاق بود؛ لذا در محضر امام هشتم علیه السلام ابیات تائیه او در منقبت اهل بیت علیهم السلام مشهور و علامه مجلسی رحمته الله و سید نعمت الله جزایری رحمته الله شرحی بر آن دارند. خود آقا به او فرمودند: «یا خُزَاعِی نَطَقَ رُوحُ الْقُدُسِ عَلَی لِسَانِکَ بِهَذَیْنِ الْبَیِّنَیْنِ؛ ای خزاعی! این اشعاری بود که روح القدس به زبان تو جاری ساخت». و حضرتش ده هزار درهم از سکه هایی که به نام خودشان ضرب شده بود و جامه شخصی خود را به او صله دادند و فرمودند بگو: وَ قَبْرُ بَطُّوسٍ یَا لَهَا مِنْ مُصِیْبَةٍ.

در بالای سر مبارک آقا دو بیت معروف تولایی و تبرایی او بر کاشی درشت نوشته شده:

قَبْرَانِ فِی طُوسٍ خَیْرُ النَّاسِ کُلِّهِمْ وَ قَبْرُ شَرِّهِمْ هَذَا مِنَ الْعِیْرِ
مَا یَنْفَعُ الرَّجْسُ مِنْ قُرْبِ الزَّکِیِّ وَ لَا عَلَی الزَّکِیِّ بِقُرْبِ الرَّجْسِ مِنْ ضَرَرٍ

یعنی دو قبر در شهر طوس است بهترین و بدترین خلق خدا (علی بن موسی الرضا علیه السلام و هارون ملعون) که این مایه عبرت است.

الائمہ علیہ السلام قرائت کند، خود حضرت برخاستند و پرده‌ای نصب کردند، که در یک طرف آن دوستان و محبین و در طرف دیگر خانواده و منسوبین آن حضرت قرار گیرند و در مصائب جدشان امام حسین علیہ السلام گریه کنند.^۱

امام رضا علیہ السلام می‌فرماید: روز حسین علیہ السلام چشم‌های ما را از کثرت گریه و اشک زخم کرده و اشک‌های ما را جاری ساخته و عزیز ما را در کربلا ذلیل نموده، و تا پروز قیامت اندوه و گرفتاری برای ما باقی گذاشته است، پس بر مثل حسین علیہ السلام گریه کنندگان گریه کنند، چون گریه بر او گناهان بزرگ را می‌ریزد.^۲

همچنین امام رضا علیہ السلام فرمودند:

این روزهای محرم، روزهای حزن و اندوهی است که بر ما اهل بیت علیهم السلام وارد شده است.^۳

آن پلید یعنی هارون منفعتی از این همجواری نمی‌برد و برای آقا هم ضرری نیست . مثل آن دو ملعونی که غاصبانه در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دفن شدند . (دعبل ابوذر امام رضا علیہ السلام ، ص ۹)

۱ . احرام محرم، ص ۵۶، به نقل از بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۵۷.

۲ . امالی صدوق، مجلس ۲۷، ج ۲؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۳؛ روضةالواعظین، (ط قدیم)، ج ۱، ص ۱۷۰؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۸۶.

۳ . بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۵۷. (فاذا کان یوم عاشر کان ذلک الیوم یوم مصیبه و حزنه و بکائه و یقول هو الیوم الذی قتل فیہ الحسین علیہ السلام . (امالی صدوق، ص ۱۲۸، مجلس ۲۷).

فصل دوم: تشکیل مجالس عزّا

هر سال روز اول محرم تا روز عاشورا، پیراهن خونین و پاره پاره سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَامُ را از طرف عرش به طرف زمین معلق می‌نمایند. لذا از ابتدای محرم کلیه موجودات عالم علویه بلکه مادیات عوالم سفلیه که تعلق به آن حضرت دارند، منقلب و عزادار و محزون‌اند.^۱

امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

«قولوا لا ولیائنا یهتمون فی اقامه مصائبنا؛

به دوستان و شیعیان ما بگویید در اقامه و برپایی (مجالس) عزّا و مصیبت‌های ما همت و کوشش نمایند.»^۲

در زمان ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نسبت به سخت گیری‌های حاکمان جور، (مجالس و عزاداری‌ها) شدت و ضعف داشته است. اما در هر زمانی عزاداری در منازل دوستان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ترک نشده است.^۳

شخصی خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کرد: ما خادمه‌ای داریم که به آنچه ما از امامت و محبت شما اهل بیت معتقدیم اعتقاد ندارند؛ ولی هرگاه تقصیری از او سر می‌زند و می‌خواهیم او را مؤاخذه کنیم، ما را چنین قسم می‌دهد:

«لَا وَحَقِّ الَّذِیْ إِذَا ذَكَرْتُموهُ بِكَيْتُمْ؛ نه به حق کسی که وقتی او را یاد می‌کنید گریه می‌کنید»

امام عَلَيْهِ السَّلَامُ در حق آن خانه دعا کردند و فرمود: رَحِمَکُمُ اللّهُ مِنْ أَهْلِ بَیْتِ.^۱

۱. خصائص الزینبیه، ص ۱۳۱، خصیصه ۱۹.

۲. منتهی الآمال، وداع حضرت با اهل بیت خویش.

۳. احرام محرم، ص ۳۰.

این روایت دلالت دارد که در منازل شیعیان ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام می‌شده که آن کنیز چنین قسمی بر زبان جاری کرده است.^۲

در مورد کیفیت و مدت برگزاری مراسم عزاداری در حضور امامان شیعه علیهم السلام نیز از روایات و شواهد تاریخی بر می‌آید که بر خلاف ادعای پنهانی بودن این مراسم در زمان ایشان، امامان شیعه علیهم السلام برای رسیدن به اهداف مقدس خویش سعی می‌کردند این مراسم را به صورت دسته جمعی، حتی در صورت امکان با حضور خانواده خویش، علنی و در ملأ عام و در هر فرصت ممکن برپا دارند.^۳

در روایتی از حضرت امام رضا علیه السلام رسیده است:

« مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنَا وَ بَكَى لِمَا ارْتَكَبَ مِنَّا كَانَ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ ذَكَرَ بِمُصَابِنَا فَبَكَى وَ أَبَكَى لَمْ تَبْكْ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونُ وَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيَا فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ ؛

آن کس که مصائب ما را به یاد آورد و بر مصائب ما بگرید، در قیامت با ما و در درجه ما خواهد بود و کسی که مصیب ما را به یاد دیگران بیندازد و خود بگرید و دیگران را بگریاند، روزی که چشم‌ها گریان است چشم او گریان نخواهد بود و کسی که در مجلسی بنشیند که امر ما (مکتب ما) در آن احیاء می‌گردد، روزی که دل‌ها می‌میرد قلب او نمی‌میرد.^۴»

۱. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۳۴؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۰۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۹۳؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۲، ص ۱۶۸.

۲. احرام محرم، ص ۳۰.

۳. مواسات با سیدالشهداء علیه السلام، ص ۴۲، به نقل از سنت عزاداری و منقبت خوانی در تاریخ شیعه امامیه، ص ۴۲.

۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۲۹؛ امالی طوسی، ج ۱، ص ۱۱۷؛ اقناع اللائم، سیدمحسن امین، ص ۱۹۳؛ امالی، صدوق، ص ۱۷۳، مجلس ۱۶.

در سیره معصومان علیهم السلام می‌بینیم در خفقانی ترین شرایط برای امام حسین علیه السلام مجلس عزا برپا می‌کردند و گاه مجلس عادی را هم تبدیل به مجلس عزای امام حسین علیه السلام می‌ساختند.

برگزاری مجلس روضه در زمان تقیه

عَنْ سُفْيَانَ بْنِ مُصْعَبٍ الْعَبْدِيِّ^۱ ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ: قُولُوا لَأُمِّ فَرْوَةَ تَجِيءُ فَتَسْمَعُ مَا صَنَعَ بِجَدِّهَا . قَالَ: فَبَجَاءَتْ فَقَعَدَتْ خَلْفَ السِّتْرِ ، ثُمَّ قَالَ : أَنْشِدْنَا ، قَالَ فَقُلْتُ : فَرَوْ جُودِي بِدَمْعِكِ الْمَسْكُوبِ ، قَالَ : فَصَاحَتْ وَ صَحْنُ النِّسَاءِ ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام : الْبَابُ الْبَابُ ، فَاجْتَمَعَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ عَلَى الْبَابِ ، قَالَ: فَبَعَثَ إِلَيْهِمْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام صَبِيًّا لَنَا غُشِيَ عَلَيْهِ ، فَصَحْنُ النِّسَاءِ ؛

سفیان بن مصعب عبدی [شاعر اهل بیت علیهم السلام] گوید: به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم. آن حضرت فرمودند: به ام فروه بگویید بیاید و مصائبی را که بر جدش

۱ . ابومحمد سفیان بن مصعب ، از اصحاب گرانقدر امام صادق علیه السلام و از شعرای متعهد شیعی بوده است. وی به سال ۱۰۴ق متولد شد. او با شعر خود به اهل بیت علیهم السلام تقرب جسته و با صدق نیت و خلوص ارادت از مقبولین درگاه آنان گردیده است. شعر او متضمن بسیاری از مناقب مشهور امیرالمؤمنین علی علیه السلام و ستایش فراوانی از آن جناب و خاندان پاک اوست. شیوه کارش این بود که از امام صادق علیه السلام حدیثی را در مناقب عترت طاهره فرا می‌گرفت و آن را به نظم در می‌آورد و بر امام علیه السلام عرضه می‌کرد. مرحوم علامه امینی ، سفیان بن مصعب را از شعرای غدیر شمرده و قسمتی از ابیات بلند او را در این باره و سایر فضائل علی علیه السلام و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است و نیز راجع به صحت مذهب و حسن عقیده او استدلال و تأکید کرده است. (الغدیر، ج ۲، ص ۲۹۴) امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: ای شیعیان! شعر عبدی را به فرزندان خود بیاموزید که او بر دین خدا است. (اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۷۰۴) عبدی کوفی به سال ۱۷۸ق در کوفه از دنیا رفت. (الغدیر، ج ۲، ص ۲۹۷ و ادب الطف، ج ۱، ص ۱۷۰.)

وارد کردند، بشنود. راوی می گوید: ام فروه آمد و پشت پرده نشست. سپس حضرت به من فرمودند: برای ما شعر بخوان. من نیز این شعر را خواندم: ای ام فروه اشکهای جاری خود را هدیه کن و ارزانی بدار. در این هنگام فریاد گریه ام فروه بلند شد و تمام بانوان به گریه فریاد کردند. در این حال امام صادق علیه السلام هشدار دادند: درب خانه درب خانه [مراقب درب خانه باشید]. در اثر این صداها، مردم مدینه بر در خانه حضرت اجتماع کرده بودند. راوی می گوید: امام صادق علیه السلام کسی را به نزد آنان فرستاد تا بگوید: کودکی از ما غش کرد و بانوان برای این امر فریاد بر آوردند.^۱

نکات در این روایت:

۱: در زمان وقوع این روایت، شرایط تقیه به حدی وبده است که در شهر مدینه که مأمّن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، امام صادق علیه السلام و خانواده اش از طرف همسایگان، عابرین کوچه و خیابان و اغلب مردم مدینه مورد تهدید و خطر بوده‌اند.

۲: خاندان اهل بیت علیهم السلام در هنگام ذکر مصائب کربلا آنچنان از خود بی خود شده و به گریه و عزاداری می پرداخته اند که فریاد گریه ایشان از درون اتاقها و پشت پرده‌ها به گوش همسایگان و عابرین کوچه می رسیده است.

۳: امام صادق علیه السلام برای دفع خطر دشمنان به مردمی که اجتماع کرده بودند، فرمودند: کودکی از ما غش کرد. بر ما پوشیده است که آیا بعضی از کودکان و نوباوگان خانه حضرت که در مجلس عزای جدشان بودند، از ذکر این مصائب بی تاب شده و غش کردند و حضرت این خبر را برای دفع خطر دشمنان به مردم دادند، یا اشاره حضرت به آن کودکانی است که در کربلا از شدت تشنگی یا ضرب تازیانه و کعب نی غش کردند، یا در هنگام به آغوش گرفتن بدنهای بی سر و پاره پاره عزیزان خود از هوش رفتند و فریاد زنان در خانه حضرت در اثر شنیدن داستان مظلومیت آن کودکان است!^۲

۱. الفروع من الکافی، (دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۱ق)، ج ۸، ص ۲۱۶.

۲. جلوه‌های عزاداری در تعلیم اهل بیت علیهم السلام، ص ۵۹.

منبر روضه خوانی امام سجاد علیه السلام

بشیر بن جذلم^۱ می گوید: وقتی به نزدیکی شهر مدینه رسیدیم، حضرت امام سجاد علی بن الحسین علیه السلام از مرکب فرود آمد: ... مرا امر نمود تا اشعاری در مرثیه سیدالشهداء علیه السلام بخوانم و بعد از خواندن اشعارم: «فخرج و معه منديل يمسح بها دموعه و خلفه خادم معه كرسی، فوضعه له و جلس عليه و هو يتماك عن العبرة، وارتفعت اصوات الناس بالبكاء و حنین انسوان و الجواری و الناس يعزونه من كل ناحية فضجت تلك البقعة ضجة شديدة، فأومأ عليه السلام بيده الى الناس ان اسكتوا فسكتت فورتهم، فقال: ايها القوم! ان الله و له الحمد ابتلانا بمصائب جلييلة و ثلثة في الاسلام عظيمة، و داروا براسه في البلدان من فوق عامل السنان، و هذه الرزية التي لامثلها رزية. ايها الناس! فاي رجالات منكم يسرون بعد قتله، ام اي فؤاد لا يحزن من اجله ام اية عين تحبس دمعها و تضنّ عنا انهما لها فلقد بكت السبع الشداد لقتله و بكت البحار بامواجها و السماوات باركانها و الارض بارجائها و الاشجار باغضانها و الحيتان و لحج البحار و الملائكة المقربين و اهل السماوات اجمعون.

يا ايها الناس! اي قلب لا ينصدع لقتله ام اي فواد لا يحن اليه ام اي سمع يسمع عذة الثلثة التي ثلمت في الاسلام و لا يصم.»

... آن حضرت از خیمه خارج شد در حالی که دستمالی در دست داشت که با آن اشکهای خود را پاک می کرد و پشت سر او خادمی بود که صندلی ای به همراه

۱. از یاران امام سجاد علیه السلام و شاعران صدر اسلام است در بازگشت کاروان اسیران کربلا از شام به مدینه به دستور امام سجاد علیه السلام قبل از کاروان به داخل شهر مدینه رفت و مردم را از رسیدن خاندان امام حسین علیه السلام با خبر ساخت. پدر وی شاعر بود و او نیز از شاعری بهره ای داشته است. (ادب الطف، شبر، سید جواد، دارالمرتضی، ج ۱، ص ۶۵) (سایت ویکی شیعه)

داشت. صندلی را برای حضرت قرار داد و آن حضرت بر روی آن نشست و در این حال حضرت نمی‌توانست جلوی اشک‌های خود را بگیرد و بی اختیار گریه می‌کرد. [با دیدن این صحنه] صدای گریه مردم بلند شد. زنان و کنیزان با صدای بلند گریه می‌کردند و مردم از هر طرف حضرت را تعزیت می‌دادند. آن سرزمین یکسره ضجه و ناله شد و فریاد گریه مردمان شدت گرفت. در این هنگام حضرت با دست خود به مردم اشاره فرمود که ساکت باشند. جوشش مردم فرو نشست و ساکت شدند. آن گاه حضرت پس از حمد و ستایش خداوند و رسولش، خطاب فرمود:

ای قوم! به درستی که خداوند که حمد و سپاس مخصوص اوست، ما را مبتلا کرد به مصیبت‌های بزرگ و رخنه‌های عظیم که در اسلام به وجود آمد بیازمود. کشته شد اباعبدالله الحسین علیه السلام و عترت او!! و اسیر شدند زنان و فرزندان او!! و سر مقدس او را در شهرهای بر بلندای نیزه گرداندند!! و این مصیبتی است که هیچ مصیبتی به پایه آن نمی‌رسد.

ای مردم! حال، کدام یک از مردان شما بعد از کشته شدن او شادی می‌کنند؟ بلکه کدام قلبی است که برای او محزون نشود؟ یا کدام چشمی است که اشک خود را حبس کند و از فرو ریختن و جاری شدن آن بر ما بخل ورزد؟ در جایی که آسمان-های مستحکم هفت‌گانه برای کشته شدن او گریه کردند و دریاها با موج‌هایشان گریه کردند و آسمان‌ها با پایه‌هایشان و زمین با گوشه اش و درختان با شاخه‌هایشان و ماهی‌ها و قعر دریاها و ملائکه مقرب و اهل آسمان‌ها همگی برای او گریه کردند.

ای مردم! کدام قلبی است که برای قتل او پاره پاره نشود؟ بلکه کدام دلی است که برای او به ترحم نیاید [و مشتاق او نشود] و کدام گوشی است که این رخنه و صدمه-ای را که رخ داده بشنود و کر نشود؟^۱

امام سجاد علیه السلام در طول ۳۵ سال امامت خویش در هر شرایطی کربلا و عاشورا به یاد می‌آورد.

۱. معالی السبطين، ج ۲، ص ۱۹۲-۱۹۴.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«بکی علی بن الحسین علیه السلام عشرين سنة و ما وضع بين يديه طعام الا بکی»

امام سجاد علیه السلام بیست سال گریه کرد و هرگاه در مقابل آن حضرت غذایی گذاشته می شد، می گریست.^۱

هرگاه غذایی نزد حضرت گذاشته می شد چشمان مبارک حضرت پر اشک می شد، روزی یکی از خدمتگزاران آن حضرت گفت: یابن رسول الله! آیا هنوز زمان پایان حزن و اندوه شما فرا نرسیده؟

حضرت فرمود:

«وَيَحْكُ إِن يَعْقُوبَ النَّبِيَّ عليه السلام كَانَ لَهُ اثْنَا عَشَرَ ابْنًا فَغَيَّبَ اللَّهُ عَنْهُ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَأَيَّضَتْ عَيْنَاهُ مِنْ كَثَرَةِ بُكَائِهِ عَلَيْهِ وَ شَابَ رَأْسُهُ مِنَ الْحُزْنِ وَ أَحْدَوْدَبَ ظَهْرُهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَانَ ابْنُهُ حَيًّا فِي الدُّنْيَا وَ أَنَا نَظَرْتُ إِلَى أَبِي وَ أَخِي وَ عَمِّي وَ سَبْعَةَ عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي مَقْتُولِينَ حَوْلِي فَكَيْفَ يَنْقُضِي حُزْنِي؛

وای بر تو! حضرت یعقوب دارای ۱۲ فرزند بود، خداوند یکی از آنان را از جلوی چشمش پنهان نمود در حالی که فرزندش زنده بود، چشمان یعقوب از اندوه سفید شد. اما من در جلو چشمم شاهد بودم پدرم، برادرم، عمویم و هفده تن از اهل بیتم و گروهی از یاران پدرم را به قتل رساندند، چگونه اندوه من پایان می پذیرد.^۲

مالک جهنی می گوید: امام باقر علیه السلام درباره روز عاشورا فرمود:

«ثُمَّ لِيَنْدُبِ الْحُسَيْنَ عليه السلام وَ يَبْكِيهِ وَ يَأْمُرُ مَنْ فِي دَارِهِ بِالْبُكَاءِ عَلَيْهِ وَ يَقِيمُ فِي دَارِهِ مُصِيبَتَهُ بِإِظْهَارِ الْجَزَعِ عَلَيْهِ وَ يَتَلَاقُونَ بِالْبُكَاءِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا فِي الْبُيُوتِ وَ لِيُعَزَّ بَعْضُهُمْ

۱ . مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۶۵؛ خصال، ج ۲، ص ۵۱۸.

۲ . کامل الزیارات، ص ۱۰۷، ح ۱؛ خصال، ج ۲، ص ۵۱۸؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۶۳، باب ۵.

بَعْضاً بِمُصَابِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَنَا ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ لَكُمْ إِذَا احْتَمَلُوا ذَلِكَ أَنْ يُعْطِيَهُمْ ثَوَابَ الْفِي حُجَّةٍ وَ عَمْرَةٍ وَ غَزْوَةٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَ الْإِثْمَةِ الرَّاشِدِينَ»

در روز عاشورا برای امام حسین علیه السلام زاری کرده و بگریید و اهل خانه را هم امر به گریستن به حضرت کنید، در خانه برای حضرت مجلس عزا بر پا کرده و داغ خویش را ابراز کنید و ضمن دیدار و ملاقات همدیگر بر آن حضرت گریه کنید و یکدیگر را در داغ امام حسین علیه السلام تعزیت دهید و هر کس این عمل را انجام دهد پس من برای آنها در نزد خداوند ثواب دو هزار حج و عمره و جهاد در رکاب رسول خدا ﷺ و امامان راشدین علیه السلام را ضمانت می کنم.^۱

احیای امر اهل بیت علیهم السلام

همچنین این که روزهایی برای عزادای اختصاص یابد از سنتها و سیره های اهل بیت علیهم السلام است. همان گونه که حضرت فاطمه علیها السلام ایامی را برای عزاداری پیامبر ﷺ اختصاص داد؛ هم چنین اهل بیت علیهم السلام دستور داده اند که ایامی برای عزای اهل بیت علیهم السلام به ویژه امام حسین علیه السلام اختصاص یابد و آن ایام را ایام حزن و اندوه بدانند و شادی نکنند.

اما رضا علیه السلام به دعبل (شاعر) فرمود:

«يَا دِعْبِلُ! أَحِبُّ أَنْ تُنْشِدَنِي شِعْرًا فَإِنَّ هَذِهِ الْأَيَّامَ أَيَّامَ حُزْنٍ كَانَتْ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ ای دعبل! دوست دارم که برایم شعری بسرایی و بخوانی، چرا که این روزها (ایام عاشورا) روز اندوه و غمی است که بر ما خاندان رفته است.»^۲

۱. همان، ص ۱۷۴، باب ۷۱، ثواب من زار الحسین علیه السلام.

۲. جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۶۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۸۶، باب ۸۳.

برگزاری مراسم عزادای در حقیقت احیاء خط اهل بیت علیهم السلام است تا این که جامعه از حقیقت مقامات و مقاصد اهل بیت علیهم السلام دور نشوند و در همان مسیر آنها، سبک زندگی خود را انتخاب کرده و عمل نمایند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«... تَزَاوَرُوا وَ تَلَاقُوا وَ تَذَاكُرُوا أَمْرًا وَ أَحْيَاؤُهُ؛ به زیارت و دیدار یکدیگر بروید، با هم به سخن و مذاکره بنشینید و امر ما را زنده کنید.»^۱

مجالس حسینی علیه السلام یکی از مهم‌ترین شیوه‌های احیای امر اهل بیت علیهم السلام و مقاصد و مطالب ایشان است.

این‌گونه مجالس را دوست دارم

تاکید و سفارش معصومان علیهم السلام به تشکیل مجالس عزا در خانه‌های خود
«تَجْلِسُونَ وَ تَتَحَدَّثُونَ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ نَعَمْ قَالَ إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبُّهَا فَأَحِبُّوا أَمْرَنَا إِنَّهُ مَنْ ذَكَرَنَا وَ يَا فَضِيلَ مَنْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الذُّبَابَةِ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ»^۲

امام صادق علیه السلام از فضیل بن یسار پرسید:

آیا مجالس عزا بر پا می کنید و از اهل بیت علیهم السلام و آنچه بر آنان گذشته است، صحبت می کنید؟

فضیل گفت: آری قربانت گردم.

امام فرمود: این‌گونه مجالس را دوست دارم، پس امر (امامت) ما را زنده گردانید که هر کس امر ما را زنده کند، مشمول لطف خدا قرار می‌گیرد. فضیل، هر کس از ما

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۵۲؛ امالی، طوسی، مجلس ۲، ص ۶۰؛ مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۷۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۱، باب ۶۶، ح ۱۹۶۹۱؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲؛ قرب الاسناد، ص ۳۶.

یاد کند یا نزد او از ما یاد کنند و به اندازهٔ بال مگسی اشک بریزد، خدا گناهانش را می‌آمرزد، اگر چه بیش از کف دریا باشد.»

شبهه همین روایت از امام صادق علیه السلام در کتاب ثواب الاعمال و عقاب الاعمال شیخ صدوق آمده است که:

«حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ تَجْلِسُونَ وَتَتَحَدَّثُونَ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ نَعَمْ قَالَ إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبُّهَا فَأَحِبُّوا أَمْرَنَا إِنَّهُ مَنْ ذَكَرَنَا وَذَكَرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الذُّبَابَةِ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ»^۱

بکر بن محمد ازدی گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: شما خاندان آیا گرد هم می‌نشینید و ذکر احادیث ما می‌کنید؟

گفتم: قربانت گردم آری،

فرمود: راستی که این نوع مجالس را دوست دارم و بدان علاقمندم، آری امر ما را زنده کنید؛ زیرا هر کس ما را یاد کند، یا نزد او یادی از ما بشود، و به اندازهٔ بال مگسی از دیده‌اش اشک جاری گردد، خداوند همه گناهان او را اگر چه به اندازهٔ کف‌های دریا باشد بیامرزد.

شرح: این حدیث شریف از نظر سند در درجهٔ اعلای صحت است، و راوی آن بکر بن محمد ازدی خود اهل کوفه و ثقه و از خاندانی است بس جلیل که همه از شیعیان و مخلصین و طرفداران اهل بیت عصمت علیهم السلام هستند، عمه‌اش «غنیمه» از روات امام صادق و موسی بن جعفر علیه السلام است، و پسر عمش «موسی بن عبد السلام» نیز از اصحاب امام صادق و موسی بن جعفر علیه السلام است، و دو عمویش شدید بن عبد الرحمن و عبد السلام بن عبد الرحمن هر دو از طرفداران سر سخت اهل بیت علیهم السلام می‌باشند و بدین سبب هم زندانی شدند و مدتی در زندان بسر بردند، فضل ابن شاذان از ابن ابی

۱. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۱۸۷.

عمیر از بکر بن محمد از زید شحام روایت کرده گوید: من با امام صادق علیه السلام مشغول طواف کعبه بودیم و دست من در دست امام علیه السلام بود در حالی که امام می‌گریست فرمود: ای شحام! فهمیدی که خداوند با من چه کرد؟

این می‌گفت و اشک می‌ریخت و دعا می‌کرد، عرض کردم بفرمایید، امام علیه السلام فرمود: ای شحام! من از خدا خواستم این دو را به من ببخشد و از زندان خلاصشان کند، خدا دعایم را در باره آن دو مستجاب فرمود و هر دو آزاد شدند.

پس این خاندان که به غامدیین معروفند جملگی از موالیان و هواداران خاندان عصمتند و امام علیه السلام به این چنین مردی فرمود مجالس شما را دوست دارم و اشک چشم شما موجب غفران گناهان شما است، و این جهت را در بیان حدیث باید رعایت نمود و به عموم «من» در جمله «من ذکرنا أو ذکرنا عنده» نباید تمسک کرد به نحوی که موجب تجرّی بی‌مایگان و یا مردم بی‌بندوبار شود، و واضح است که مورد این قبیل روایات شیعیان خالص و شایسته‌اند که در اعتقاد به ولایت راسخند، و در شناخت اولی الامر کاملاً عارفند، و در راه ترویج مرام ایشان علیه السلام جان نثار و کوشایند.^۱

برگزاری مراسم سوگواری در خانه‌ها نیز سنت و سیره اهل بیت علیه السلام است.

وثاقت فضیل بن یسار

شیخ کشی در فضل و بزرگی این فقیه چنین می‌گوید: «تمام عالمان و دانشمندان شیعه بر عدالت و وثاقت فضیل اتفاق داشته و احادیث او را صحیح می‌دانند و او را فقیه ترین یاران امام باقر و امام صادق علیه السلام دانسته‌اند.»^۲

نجاشی می‌گوید: فضیل بن یسار اصالتاً عرب و از اهل بصره بود و چهره موجهی است که از امام باقر و امام صادق علیه السلام روایت نقل می‌کند.^۳

۱. ثواب الاعمال، ترجمه غفاری، ص ۴۱۶.

۲. طوسی، اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۵۱۷.

۳. خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۳۳۵.

شیخ طوسی در رجال خود به وثاقت او تصریح کرده است.^۱
 علامه حلی نیز او را فقیهی موجه و محدثی بسیار جلیل القدر دانسته است.^۲
 بنابراین جمیع ناقلان این حدیث، امامی و مورد اطمینان بوده و این روایت صحیح محسوب می شود.

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

«.. ثم ليندب الحسين عليه السلام و يبكيه و يأمر من في داره بالبكاء و يقيم في داره مصيبتيه باظهار الجزع عليه و يتلاتون بالبكاء بعضهم بعضاً في البيوت و ليعز بعضهم بعضا بمصاب الحسين عليه السلام سپس باید بر امام حسین علیه السلام ندبه و گریه کند و اهل خانه اش را به گریه بر او امر کند و مجلس مصیبت را با آشکار نمودن جزع بر آن بزرگواران در خانه اش برپا کند. اهل مجلس همدیگر را در مصیبت امام حسین علیه السلام تعزیت و تسلیت بگویند...»^۳

حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى الْهَمْدَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الطَّيَالِسِيِّ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ وَ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ جَمِيعاً عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيِّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مَالِكِ الْجُهَنِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عليه السلام يَوْمَ عَاشُورَاءَ مِنَ الْمُحَرَّمِ - حَتَّى يَظْلَ عِنْدَهُ بَاكِياً لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِثَوَابِ أَلْفِ [أَلْفِ] أَلْفِ حِجَّةٍ وَ أَلْفِ [أَلْفِ] أَلْفِ عُمْرَةٍ - وَ أَلْفِ أَلْفِ غَزْوَةٍ وَ ثَوَابُ كُلِّ حِجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ وَ غَزْوَةٍ كَثَوَابٍ مِنْ حَجٍّ وَ اعْتَمَرٍ وَ غَزَاً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ مَعَ الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ - فَمَا لِمَنْ كَانَ فِي بُعْدِ الْبِلَادِ وَ أَقَاصِيهَا وَ لَمْ يُمْكِنَهُ الْمَصِيرُ [الْمَسِيرُ] إِلَيْهِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ قَالَ

۱. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۱۰.

۲. طوسی، رجال الطوسی، ص ۱۳۴.

۳. کامل الزیارات، ص ۱۷۵.

إِذَا كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمُ بَرَزَ إِلَى الصَّخْرَاءِ أَوْ صَعِدَ سَطْحاً مُرْتَفِعاً فِي دَارِهِ وَ أَوْماً إِلَيْهِ بِالسَّلَامِ وَاجْتَهَدَ عَلَى قَاتِلِهِ بِالدُّعَاءِ وَ صَلَّى بَعْدَهُ رَكَعَتَيْنِ يَفْعَلُ ذَلِكَ فِي صَدْرِ النَّهَارِ قَبْلَ الزَّوَالِ ثُمَّ لِيُنْدِبَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيُنْكِيهِ وَيَأْمُرُ مَنْ فِي دَارِهِ بِالْبُكَاءِ عَلَيْهِ وَيَقِيمُ فِي دَارِهِ مُصِيبَتَهُ بِإِظْهَارِ الْجَزَعِ عَلَيْهِ وَ يَتَلَقَّوْنَ بِالْبُكَاءِ بَعْضُهُمْ بَعْضاً فِي الْبُيُوتِ وَ لِيُعْزَّ بَعْضُهُمْ بَعْضاً بِمُصَابِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّا ضَامِنٌ لَهُمْ إِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ جَمِيعَ هَذَا الثَّوَابِ فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ أَنْتَ الضَّامِنُ لَهُمْ إِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ وَ الزَّعِيمُ بِهِ قَالَ أَنَا الضَّامِنُ لَهُمْ ذَلِكَ وَ الزَّعِيمُ لِمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ قَالَ قُلْتُ فَكَيْفَ يُعْزَى بَعْضُهُمْ بَعْضاً قَالَ يَقُولُونَ عَظَّمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ جَعَلَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَأْرِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ^١.

امام علیه السلام فرمودند:

وی در چنین روزی به صحراء رفته یا به پشت بام بلندی در خانه‌اش برآید و با سلام به حضرت اشاره کرده سپس در نفرین بر قاتلان آن حضرت سعی و کوشش نموده و پس از آن دو رکعت نماز بخواند.

البته توجه داشته باشد که این زیارت را در روز قبل از ظهر انجام دهد، سپس برای امام حسین علیه السلام ندبه و گریه نموده و به کسانی که در خانه می‌باشند نیز امر نماید که برای آن حضرت بگیرند و با اظهار جزع و فزع بر آن جناب در خانه‌اش اقامه مصیبت نماید و مواظب باشند هر گاه اهل خانه یک دیگر را ملاقات کردند با گریه باشند و لازم است برخی از آنها بعضی دیگر را نسبت به مصیبت حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام تسلیت دهند و در صورتی که به این دستورهای که داده شد عمل کنند من ضامن می‌شوم که حق تعالی تمام ثواب‌هایی که ذکر شد را به ایشان اعطاء فرماید.

۱. کامل الزیارات، ص ۱۷۵.

محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم شما برای ایشان ضامن این ثوابها می‌شوید؟

حضرت فرمودند:

در صورتی که به دستورهای داده شده عمل کنند البته من ضامن آن می‌باشم. علقمه می‌گوید: محضر مبارک امام عَلَيْهِ السَّلَام عرض کردم: اگر بعضی خواهند برخی دیگر را تسلیت بدهند چگونه و چه بگویند:

حضرت فرمودند:

بگویند: عَظَّمَ اللَّهُ اجورنا بمصابنا بالحسين عَلَيْهِ السَّلَام ، و جعلنا و إِيَّاكم من الطالبيين بشاره مع وليّه الإمام المهدي من آل محمد صلوات الله عليهم (خداوند متعال اجرها و ثوابهای عزادار بودن ما را برای امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام زیاد گردانده و ما و شما را در رکاب ظفر قرین ولیّ آن حضرت، حضرت امام مهدی قائم آل محمد صلوات الله عليهم اجمعين از طلب‌کنندگان خون آن جناب قرار دهد).^۱

آن حضرت در روز عاشورا برای امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام مجلس عزا بر پا نموده و بر مصائب آن حضرت گریستند.^۲

امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام در زیارت ناحیه مقدسه، خطاب به جد بزرگوارشان امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام عرضه می‌دارند:

«مجالس ماتم برای شما در اعلیٰ علیین برپا شد و حوریان بهشتی بر سر و رصورت زدند و آسمان و ساکنانش گریستند.»^۳

۱. کامل الزیارات-ترجمه ذهنی تهرانی، ص ۵۸۱ و ۵۸۰.

۲. اشک حسینی سرمایه شیعه، ص ۶۳، به نقل از مصباح المتعجد، ص ۷۱۳.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۳.

خدمتگزاری در مجالس عزا

خدمتگزاری در آستان اهل بیت علیهم السلام گذشته از اجر و ثوابی که دارد، تأسی به امام معصوم علیه السلام نیز هست که حضرت زین العابدین علیه السلام برای زنان عزادار فاطمیات و علویات غذا آماده می کردند.^۱
در حدیث قدسی آماده است:

هر درهم و دیناری که در راه امام حسین علیه السلام مصرف شود، خداوند هفتاد هزار برابر آن را در دنیا برکت می دهد.^۲

باید در راه عزاداری سید الشهداء علیه السلام از مال و هستی خود تا حد امکان دریغ نکنیم تا مشمول کلام امام علی علیه السلام شویم که می فرماید:

«وَيَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَأَنْفُسَهُمْ فِينَا ...؛ آنان که در راه ما، مال و جان خود را بذل می کنند...»^۳

امام صادق علیه السلام در حق صرف کنندگان اموال در راه عزای امام حسین علیه السلام چنین دعا فرمودند:

«اغْفِرْ لِي وَلِإِخْوَانِي وَزُورِ قَبْرِ أَبِي الْحُسَيْنِ الَّذِينَ أَنْفَقُوا أَمْوَالَهُمْ وَأَشْخَصُوا أَبْدَانَهُمْ رَغْبَةً فِي بَرٍّ وَرَجَاءً لِمَا عِنْدَكَ فِي صِلَتِنَا وَسُرُوراً أَدْخَلُوهُ عَلَى نَبِيِّكَ ...؛ بارالها! مرا و برادران مرا که مال خود را از روی میل در راه نیکی به ما و امید به فضل تو و صلۀ ما و مسرور نمودن نبی تو انفاق کردند، بیامرزد...»^۴

۱. احرام محرم، ص ۸۰ به نقل از وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۸۳؛ نفس المهموم، ص ۴۷۳.

۲. احرام محرم، ص ۵۴.

۳. خصال، ج ۲، ص ۶۳۵؛ تحف العقول، ص ۱۲۳.

۴. کافی، ج ۴، ص ۵۸۲؛ کامل الزیارات، ص ۲۲۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۴۱۲.

فصل سوم : بذل مال / انفاق ما در عزاداری امام حسین علیه السلام

اصولاً هر آنچه در جامعه اسلامی از ارزش و اهمیت والایی برخوردار است، پذیرایی و اطعام نمودن اندیشه‌ای است که ریشه در اعتقادات، سنت‌ها و باورهای مردم دارد و در بین سایر جوامع زبازد خاص و عام است. موضوع بحث و مشترک بین تمامی جوامع است، که از زمان‌های بسیار دور و در میان تمام ملل و اقوام مختلف وجود داشته است و همه انسان‌ها با هر خصوصیت، تیره و نژادی در هر منطقه دنیا که زندگی می‌کنند، این خصیصه را در جان و دلشان ثبت کرده و این کار پسندیده را ارج می‌نهند و به آن عمل می‌کنند.

این خصلت بسیار خوب و نیک، با ظهور دین مقدس اسلام در بین جوامع و پذیرش آن از طرف مردم برای همیشه ثبت و جاودانی شد و دین مبین اسلام، این خصلت نیک را تأیید و بر آن تأکید می‌کند.

انفاق اموال

انفاق مال در مواد مختلف جهت عظمت نام اهل بیت علیهم السلام بالاخص عزاداری حضرت سیدالشهداء علیه السلام از مهم‌ترین و بالاترین اعمال است.

بذل مال در عزای سیدالشهداء علیه السلام از آثار حزن و اندوه بر آن بزرگوار است. عده‌ای از کثرت محبت و وفای به اهل بیت علیهم السلام و احساس مسئولیت در این امر مهم اموالی را قرض می‌کنند تا در عزای امام حسین علیه السلام اطعام و پذیرایی کنند. عده‌ای در طول سال مبلغی را جهت پذیرایی از عزاداران حسینی علیهم السلام پس انداز می‌کنند. گروهی از دوستان اهل بیت علیهم السلام اضافه بر پرداخت خمس مال خود، یک دهم یا کمتر و بیشتر از سود مال خود را با امام حسین علیه السلام شریک می‌شوند، تا در راه عزاداری حضرت قدمی برداشته باشند و مالشان نیز برکت پیدا کند.

مبالغ بسیاری توسط افراد متمکن در ایام عزاداری صرف آذوقه، گوشت، برنج، قند و چای و غیره می‌شود. این مبالغ مخصوصاً در جاهایی که افراد مستمند هستند کمکی به قرا به حساب می‌آید. بارها دیده شده که افراد بی بضاعت سرسفره و یا وقت رسیدن غذا به منزل آنها بانی و ساعی را دعا نموده‌اند. این علاوه بر عنایت خداوند و اهل بیت علیهم‌السلام بالاخص امام حسین علیه‌السلام برکت در مال و توفیق در صالح اعمال است. گاهی با خرید پرچم و کتیبه و پارچهٔ مشکی انفاق می‌کنند. گاهی با خرید چند تابلوی مربوط به عزاداری، نام امام حسین علیه‌السلام، مناظری از کربلای معلی و مکان‌های زیارتی و سفره و دیگر لوازم پذیرایی، گاهی با خرید پرده برای جلوی عزاخانهٔ امام حسین علیه‌السلام، گاهی با خرید فرش زیر پای عزاداران و گاهی با خرید وسیله‌ای برای گرما یا خنکی مکان عزاداری انفاق می‌کند.

جلوه‌هایی از صرف اموال در عزاداری

سفارش اکید برای صرف اموال در عزای امام حسین علیه‌السلام، نه تنها از چهارده معصوم علیهم‌السلام رسیده، بلکه سابقهٔ آن به دوران انبیای گذشته باز می‌گردد.

حدیث اول:

در حدیث مناجات حضرت موسی علیه‌السلام با خداند متعال است:

در آنجا که از خداوند سؤال کرد: پروردگارا! چرا امت حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را بر سایر امتها برتری دادی؟

خداوند فرمود: به جهت ده خصلت.

حضرت موسی علیه‌السلام عرض کرد: آن خصلت ها که امت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عمل می‌کنند، کدام است تا من نیز به بنی اسرائیل دستور دهم به آنها عمل کنند؟
خداوند تعالی فرمود: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، جمعه، جماعت، قرآن، علم و عاشورا.

حضرت موسیٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال کرد: پروردگارا عاشورا چیست؟ [و چگونه عملی است؟] خداوند فرمود: گریه کردن و خود را به گریه زدن [تلاش برای گریه] بر فرزند دختر حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و مرثیه خوانی و عزاداری در مصیبت فرزند مصطفی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است. هیچ بنده‌ای نیست که از مال خود به اندازه درهم یا دیناری در راه محبت فرزند دختر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، طعام یا چیز دیگری را انفاق کند، مگر آنکه برکت دهم برای او در عالم دنیا هر درهمی را به هفتاد مقابل و بهشت ارزانی او خواهد بود و گناهان او را خواهیم بخشید.

به عزت و جلالم قسم! هر مرد یا زنی، در روز عاشورا یا روز دیگر، یک قطره اشک از چشمش [در عزای بر حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ] جاری شود، برای او اجر صد شهید نوشته خواهد شد.^۱

حدیث دوم:

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در حق صرف کنندگان اموال در راه عزای امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ چنین دعا فرموده‌اند:

اغْفِرْ لِي وَلِإِخْوَانِي، وَلِزُورِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ، الَّذِينَ أَنْفَقُوا أَمْوَالَهُمْ، وَأَشْخَصُوا أَبْدَانَهُمْ، رَغْبَةً فِي بَرٍّ، وَرَجَاءً لِمَا عِنْدَكَ فِي صَلَاتِنَا، وَسُرُوراً أَدْخَلُوهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجَابَةً مِنْهُمْ لِأَمْرِنَا، وَغِيْظاً أَدْخَلُوهُ عَلَى عَدُوِّنَا، أَرَادُوا بِذَلِكَ رِضْوَانَكَ.

فَكَفِهِمْ عَنَّا بِالرِّضْوَانِ، وَاكْلَاهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَاخْلَفَ عَلَى أَهَالِيهِمْ وَأَوْلَادِهِمُ الَّذِينَ خَلَّفُوا بِأَحْسَنِ الْخَلْفِ، وَاصْحَبَهُمْ، وَاكْفِهِمْ شَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، ...، وَاعْطِهِمْ أَفْضَلَ مَا أَمْلَأُوا مِنْكَ فِي غُرْبَتِهِمْ عَنْ أَوْطَانِهِمْ، وَ مَا آثَرُونَا عَلَى أَبْنَائِهِمْ وَأَهَالِيهِمْ وَ قَرَابَاتِهِمْ ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ تِلْكَ الْأَنْفُسَ، وَ تِلْكَ الْأَبْدَانِ، حَتَّى تُرَوِّيَهُمْ مِنَ الْحَوْضِ يَوْمَ الْعَطَشِ.

۱. مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۸۴.

بار الها! مرا و برادران مرا که مال خود را از روی میل در راه نیکی به ما و امید به فضل تو و صلۀ ما و مسرور نمودن نبی تو انفاق کردند بیامرز.

بار الها! در مقابل این نیکی آنان را در رضوان خود جای ده و شب و روز از نعمت‌های بهشتی به آنان بچشان، و از شر هر جبار بد اندیش حفظ کن، و به آنان و فرزندان و خانواده و نزدیکانشان در قبال آنچه فدای ما کرده‌اند بیشتر و بهتر از آنچه به آن امید و آرزو دارند عطا کن.

خدایا! این روح‌ها و بدن‌ها را نزد تو امانت می‌گذارم تا آنچه به آنها وعده داده‌ایم در روز تشنگی (قیامت) در کنار حوض وفا کنیم.^۱

حدیث سوم:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَاخْتَارَنَا وَ اخْتَارَ لَنَا شِيعَةً يَنْصُرُونَنَا وَ يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا وَ يَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَ أَنْفُسَهُمْ فِينَا أُولَئِكَ مِنَّا وَ إِلَيْنَا.

امیرالمؤمنین علی عليه السلام فرمود:

به درستی که خداوند بر زمین مطلع شد [و نظر کرد] و ما اهل بیت عليه السلام را انتخاب فرمود و برای ما شیعیانی را انتخاب فرمود که ما را یاری و نصرت کنند و برای شادی ما شاد شوند و با غم و حزن ما غمگین شوند و اموال خود و جان‌هایشان را در راه ما بذل کنند. آنها از ما هستند و به سوی ما می‌آیند.^۲

حدیث چهارم:

امام حسین عليه السلام فرمودند:

۱. کافی، ج ۴، ص ۵۸۲؛ کامل الزیارات، ص ۱۱۶، باب ۴۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۱۲؛ بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۵۲، ح ۸؛ ثواب الاعمال، ص ۹۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۳۱، باب ۲۶، ح ۱۱۹۱۴؛ مزار ابن المشهدی، ص ۳۳۴؛ روضه المتقین، ج ۵، ص ۳۶۸؛ مرآة العقول، ج ۱۸، ص ۳۰۹، ح ۱۱.

۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۷.

من دوستانی دارم که برای ما عزاداری و سوگواری می‌نمایند و در راه ما اموال خود را صرف می‌کنند و از جان خود هم دریغ نمی‌کنند و اشک از دیدگان جاری می‌نمایند و از راه دور و نزدیک ما را زیارت می‌کنند. بدانید وقت مردن و شب اول قبر به دیدار آنان می‌آیم و مادرم زهرای مرضیه علیها السلام برای ایشان اشک جاری می‌کند و اقامه عزاداری جهت آنان می‌نماید و روز قیامت آنها را شفاعت کرده و داخل بهشت می‌نمایم.^۱

بدون تردید نصرت و یاری ائمه اطهار علیهم السلام با بذل مال، محب را به ائمه علیهم السلام نزدیکتر می‌نماید.

امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ نَصَرَنَا بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَعَنَا فِي الْغُرْفَةِ الَّتِي نَحْنُ فِيهَا ... ؛ هر کس ما را به دل و زبان و دست دوست بدارد با ما در بهشت در غرفه‌ای است که ما هستیم.»^۲

سنت‌های حسنه در انفاق مال

در اکثر شهرها و روستاهای شیعه نسیت یکی از باقیات صالحات که اجر و ثواب بسیاری دارد، وقف در اموال جهت عزاداری سیدالشهداء علیه السلام است. کمتر جایی پیدا می‌شود که جه عزاداری سیدالشهداء علیه السلام موقوفه‌ای نداشته باشد؛ که از در آمد حاصل از آن موقوفه، قند و چای و فرش و برنج و گوسفند و روغن و غیره برای اطعام و پذیرایی عزاداران امام حسین علیه السلام تهیه می‌شود.

۱. نهضت حسینی، حاج شیخ علی فلسفی نقل از بحرالمصائب تبریزی، ج ۱، ص ۲۸۷.

۲. امالی شیخ مفید، ص ۳۳؛ بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۱۰۱.

در بعضی مناطق اطعام برای امام حسین علیه السلام در **دهه اول محرم** برقرار است. عده‌ای تا **اربعین** و برخی **دو ماه محرم و صفر** را هم ادامه می‌دهند. بعضی در ایام شهادت دیگر معصومین علیهم السلام هم اطعام و پذیرایی می‌کنند.

آیت الله بروجردی رحمته الله وصیت فرمود: **ثلث اموال** ایشان وقف عزاداری حضرت سیدالشهداء علیه السلام و سایر ائمه بشود.^۱

علمای گذشته و مخلصین در عزای سیدالشهداء علیه السلام و ارادتمندان به اهل بیت علیهم السلام بذل و انفاق مال در عزاداری در حیات و بعد از فوتشان را، از بزرگ‌ترین و بهترین سنت‌ها می‌دانسته‌اند.

یکی از خواص مهم انفاق مال در راه اهل بیت علیهم السلام بالاخص در عزای سیدالشهداء علیه السلام **ترویج مذهب شیعه** و تبلیغ ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و تعظیم شعائر الله^۲ است، که تعظیم ولایت اهل بیت علیهم السلام و نام مبارک ایشان خواهد بود.

تهیه غذا و اطعام در عزاداری

یکی از سنت‌های عزاداری امام حسین علیه السلام مخصوصاً در ایران – که گذشت زمان نه تنها تأثیری بر آنها نداشته بلکه روز به روز وسعت بیشتری یافته- **نذری پزان در روزهای ماه محرم و صفر** خصوصاً روز عاشورا است. نوع غذا در کشورهای مختلف و شهرهای مختلف متناسب با آداب و رسوم همان منطقه است. هر کس سعی دارد به طریقی در این راه قدم بردارد. عده‌ای هم حوائجشان برآورده شده، و نذری می‌دهند. تمام شیعیان و محبین به احترام سیدالشهداء علیه السلام غذا تهیه نموده، به دوستان و عزاداران امام حسین علیه السلام هدیه می‌دهند و به این عمل خود افتخار می‌نمایند.

۱. عزاداری سنتی شیعیان، ج ۲، ص ۱۲۰.

۲. «و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب». (حج / ۳۲).

کسانی که قصد غذا دادن دارند، سعی کنند مجلس را با عظمت و سخاوت برگزار کنند و غذا را به مقداری تهیه کنند که به همه برسد. از بهترین مواد استفاده کنند و در بهترین ظروف منزل از عزاداران پذیرایی کنند. چنان که خداوند می‌فرماید: «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون؛ هرگز به نیکی دست نمی‌یابید تا انفاق کنید از آنچه دوست دارید.»^۱

با این ضابطه بهترین‌ها را برای بهترین‌های عالم باید صرف کرد. در حدیث شریف آمده است: آن چیزی را که از همه بیشتر دوست دارید در اه اهل بیت علیهم‌السلام انفاق کنید.^۲

نمونه‌های جالبی برای اهدای بهترین‌ها در مجالس عزاداری به چشم می‌خورد. در فصل گرما، بر سر راه ها و جلوی حسینیه‌ها و تکایا و مساجد، ظرف های مخصوص آب سرد پوشیده با پارچه‌های مشکی همراه با جملاتی از قبیل «سلام بر حسین»، «فدای لب تشنه‌ات یا حسین»، «لعنت بر یزید» به چشم می‌خورد.

حدیث اول:

عن الصادق علیه‌السلام: ... وکان علی بن الحسین علیه‌السلام یعمل لهن الطعام للمآتم...؛ امام صادق علیه‌السلام فرمود: .. حضرت علی بن الحسین امام سجاد علیه‌السلام برای زنانی که [در مصیبت اما حسین علیه‌السلام] مجلس ماتم بر پا کرده بود غذا می‌پخت ...^۳

حدیث دوم:

فی الحدیث: من سقی یوم عاشورا عند قیر الحسین علیه‌السلام کان کمن سقی عسکر الحسین علیه‌السلام و شهد معه؛

۱. آل عمران/ ۹۲.

۲. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۱۶؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۵۸.

۳. معالی السبطين، ج ۲، ص ۲۰۰.

در روایت است که: هر کس در روز عاشورا نزد قبر امام حسین علیه السلام به مردم آب بدهد مانند کسی است که به لشکر امام حسین علیه السلام آب داده باشد و با امام حسین علیه السلام در لشکر او همراه و حاضر بوده باشد.^۱

طبق این دو حدیث، خوشا به سعادات کسانی که در مجالس عزاداری و ایام مناسبات اهل بیت علیهم السلام مسئولیت تهیه و طبخ غذا و رساندن آب و غذا به عزاداران را به عهده می گیرند و با تحمل زحمت این کار چه بسا خود ظاهراً از شرکت در مجلس محروم می شوند، ولی در نهایت موفق به درک فیض عظیم اقامه عزا و بر پا نمودن محافل اهل بیت علیهم السلام می شوند. و چه بسا مؤمنین غالباً کراماتی از اهل بیت علیهم السلام در هنگام تهیه مقدمات مجالس عزا و خصوصاً تهیه غذا در این مجالس مشاهده کرده اند که گویای اهمیت دادن حضرات معصومین علیهم السلام به این امر است. در این جا خوب است به یک قضیه در این باب اشاره کنیم:

علامه دربندی رحمته الله در کتاب اسرار الشهادات می فرماید:

بدان که در گفته های جمعی از صالحان و افرادی که در نقل موثق هستند چنین آمده: جماعتی از زنان اهل بحرین و قطیف در بعضی مجالس عزا امور عجیبی مشاهده کردند، من جمله این که: در خانه هایی که برای عزای امام حسین علیه السلام اختصاص داده شده و جایی که متعلق به مجالس ذکر مصائب است، گروهی از زنان که مشغول تدارک مقدمات مجلس روضه بودند، جمعی از بانوان پاک و نورانی و ملکوتی را مشاهده کردند که با حالت مصیبت زده و زعادار و ندبه کنان و صرخه زنان، در حالی که لباس های سیاه بر تن داشته و موها را پیریشان کرده و بر صورت و سینه خود لطمه می زنند، در آن منزل حاضر شدند. جمع زیادی از زنانی که آنجا حاضر بودند از دهشت و عظمت این امر بیهوش شدند و جمع کمی به هوش باقی ماندند و مشاهده کردند که آن بانوان ملکوتی شروع کردند به تهیه مقدمات و

۱. کامل الزیارات، باب ۷۱، ح ۵۵۳.

مایحتاج مجلس روضه و بعضی به روشن کردن آتش اجاق و بعضی دیگر به پختن غذا برای مجلس که بنا بود در آنجا روضه زنانه و مردانه برگزار شود و برخی دیگر به مرتب کردن امور دیگر پرداختند. در اینجا تعدادی از زنان که هنوز به هوش بودند از آن بانوان سؤال کردند که: شما چه کسانی هستید و برای چه امری به اینجا آمده‌اید؟

یکی از بانوان جواب داد: من کلثوم دختر امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ هستم ... و یان بانو زینب عَلَيْهَا السَّلَامُ دختر امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ است ... و آن بانوی دیگر خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ جدۀ ماست ... و اما آن بانویی که نور او از زمین تا آسمان متلاً است و نور او بر نور ماه و خورشید و ستارگان غلبه دارد، او مادر مظلومه سید الشهداء حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ است. ما در اینجا جاضر شدیم تا از آنجایی که وقت شما برای مرتب کردن مقدمات مجلس عزای مظلوم شهیدی که لب تشنه سر او را بریدند، تنگ شده است، به شما کمک کنیم تا مردهای شما از میهمانان حاضر در مجلس عزای سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَامُ خجالت زده نشوند و شما نیز نزد مردانتان و زنانی که در مجلس شما حضور پیدا کرده و گریه و عزاداری می‌کنند خجالت زده نباشید.^۱

اطعام طعام در عزای سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَامُ

ثواب خرج کردن در عزای امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ

از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت است جبرئیل به آن حضرت عرض کرد:

«الا و من انفق درماً علی عزائه او زیارته تاجرت الاملائکه يوم القيامة

هر درهمی که در زیارت یا عزای آن حضرت خرج کنند، هفتاد حسنه و قصری در بهشت خداوند به صاحب آن درهم عطا می‌فرماید و اشک‌ها را در قواریر ملائکه ضبط کنند و روز قیامت به او گویند:

۱. جلوه‌های عزاداری در تعلیم اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ص ۱۸۲ و ۱۸۳ به نقل از اسرارالشهادت، ج ۱، ص ۱۹۷.



ای دوست خدا بگیر این اشک‌های توست که در دنیا بر امام حسین علیه السلام جاری نمودی. پس به وسیله آنها آتش دوزخ از تو دور می‌شود آن آتشی که بیش از ۵۰۰ سال می‌باشد.»

پس روی حضرت رسول خدا از شنیدن آن خبر - از جبرئیل علیه السلام - درخشان شد و آثار شادمانی بر آن حضرت ظاهر شد.^۱

فتوای حضرت امام (ره) درباره مخارج روزه

امام خمینی رحمته الله علیه در مورد افرادی که می‌گفتند مخارج روزه صرف جنگ زندگان شود فرموده‌اند:

اشخاصی که می‌گویند مخارج روزه را صرف جنگ زندگان کنید اشتباه می‌کنند. هر کدام از این دو از اهمیت خاصی برخوردارند که باید کاملاً رعایت شوند یعنی هم باید اهل ایمان که معتقد به مکتب انبیا و اوصیا هستند اهمیت به امر عزاداری بدهند و هم به امر جهاد و جنگ زندگان در راه اسلام که متحمل مصائب شده‌اند باید توجه نمود.^۲

اطعام فقرا در مجلس عزاداری

حکیم فرزانه ملاهادی سبزواری رحمته الله علیه به خاطر عشق و علاقه به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام و احترام زیادی به سادات می‌گذاشت و همه ساله روزهای عید غدیر به فقرا کمک می‌کرد. او در این روز به سادات احترام بیشتری می‌گذاشت و بیشتر از دیگران به آنها کمک می‌کرد.

۱. این البکائون، آداب و سیره علما و بزرگان در عزای سیدالشهدا علیه السلام، ص ۹۵ به نقل از کبریت احمر، ص ۱۷۸.

۲. این البکائون، ص ۹۹ - ۱۰۰؛ عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه، ص ۱۵.

این حکیم عارف، هر ساله، سه شب از دهه آخر ماه صفر را در منزل خویش مجلس روزه خوانی برپا می‌کرد و پس از پایان ذکر مصیبت که توسط یکی از روزه‌خوانان سبزواری صورت می‌گرفت، فقرا و مستمندان حاضر در مجلس را با آبگوشت پذیرایی می‌کرد و پس از صرف شام به هر نفر یک قرآن هدیه می‌داد.^۱

اقامه عزاداری در کشور بیگانه و اطعام عزاداران

در شب عاشورا در نوفل لوشاتو بعد از اینکه نماز جماعت تمام شد، امام خمینی علیه السلام فرمودند: کسی هست روزه بخواند؟ و به یکی از برادرها امر فرمودند که روزه بخواند همه ناظر بودند تا ذاکر شروع به ذکر مصیبت کرد، امام دستمالشان را در آورده و شروع کردند به گریه کردن.

این عمل امام به ما آموزش داد که در حادترین جریانات سیاسی، اجتماعی، هدف و مقصد که احیای سنت رسول الله می‌باشد، نباید فراموش شود.

در نوفل لوشاتو روز عاشورا که فرا رسید امام فرمودند: تمام حضار در منزل ایشان را، به مناسبت این روز اطعام کنند.^۲

اطعام عزاداران یا اطعام فقراء

سؤال: نداری دادن و اطعام عزاداران چه معنا دارد و آیا بهتر نیست غذاهایی که در

مجالس عزای اهل بیت علیهم السلام داده می‌شود بین فقراء تقسیم شود؟

جواب: باید به فقرا کمک کرد و همیشه هم متمکنین مالی این کار را می‌کنند ولی اطعام عزاداران ثواب دارد و موجب بقاء مکتب می‌شود و اگر ترک شود همین سائل اصل امامت و شهادت او را انکار می‌کند.^۳

۱. این البکائون، ص ۱۰۲ و ۱۰۳؛ سیل اشک دیدار با ابرار، ش ۱۳، ص ۶.

۲. این البکائون، ص ۹۹؛ برداشتهایی از سیره امام خمینی، ج ۳، ص ۳۵.

۳. استفتائات مکتوب دفتر آیت الله صافی گلپایگانی مد ظله العالی.

سؤال : آیا خرج کردن برای امام حسین علیه السلام بهتر است یا اینکه بتوان به فقیری کمک کرد؟ یا به جای اینکه برای حسینیه‌ها خرج کنیم یا به سفرهای

مکرر زیارتی برویم مشکل کسی را حل کنیم؟ آیا ثواب بیشتری نمی‌بریم؟

ابتدا دقت کنیم که راه‌های وسوسه شیاطین انس و جن متفاوت است و به هر کسی نیز از راه خودش وارد می‌شوند. قرار دادن هزاران هزار کار دیگر در مقابل زیارت رفتن و یا خرج کردن برای مساجد، حرم‌ها، حسینیه‌ها و مراسم، یکی از همین وسوسه‌های شیطانی و القائات دشمنان می‌باشد.

تردید ننمایید اگر برای همان فردی که ایجاد سؤال می‌کند «آیا خرج کردن برای حسینیه یا مراسم یا زیارت بهتر است یا فقرا؟»، مراسمی مثل جشن نامزدی و عروسی یا سفر تفریحی و یا هزاران هزینه‌ی تفریحی و اسراف‌ی دیگر پیش آید، هرگز فکر فقرا را به مخیله‌اش راه نمی‌دهد.

یک مثال ملموس:

شما در میان مسلمین و مؤمنینی که از توان مالی برخوردارند، بسیار دیده‌اید که روزی چند وعده سفره‌ی آنچنانی می‌اندازند و غذای چرب و لذیذ می‌خورند، ماهی چند وعده نیز از پیتزا و مرغ سوخاری و فست فود گرفته تا شیشلیک و برگ، غذای رستورانی می‌خورند، اما در عید فطر که نوبت به پرداخت فطریه برای سیر کردن گرسنگان می‌رسد، بحث می‌کنند که آیا برنج‌خوار هستند یا نان‌خوار و سعی می‌کنند آن که کمتر است را به خود اختصاص دهند. در حالی که اساساً نه نان‌خوار هستند و نه برنج‌خوار، بلکه گوشت‌خوار و لذیذ خوار هستند و یک وعده طعام نیز قیمتی ندارد که به این همه بحث بیارزد.

الف - امر خیر، یکی و دو تا و هزار تا نیست. لذا هر امر نیکو و خیری، در جای خودش خوب و گاه لازم است. رسیدگی به فقرا، نیازمندان و مستضعفین، به ویژه اگر در میان خویشاوندان یا نزدیکان و همسایگان باشند، نه تنها امری بسیار نیکو، بلکه لازم و ضروری است و اگر کسی عمداً اهمال کند، مورد مؤاخذه نیز قرار می‌گیرد. بر پایی شعائر اسلامی، حفظ آنها، تبلیغات و ...، به ویژه در مباحث و مسائلی که در

آگاهی و بیداری مردم و جهت دادن به اذهان عمومی نقش آفرین است نیز امری بسیار نیکو و البته لازم و ضروری است و اهمال در آن نیز مورد سؤال خواهد بود.

ب - هیچ لزومی به «قیاس» یا قرار دادن «این به جای آن» وجود ندارد. شما از یک سو می‌توانید بگویید: «این فرد گرسنه است، پس من چرا به حسینه کمک کنم، بلکه برای او نان و گوشت می‌خرم» - از سوی دیگر می‌توانید بگویید: «البته عقل، قلب، روح و اعتقادات مردم، به مراتب مهم‌تر و حیاتی‌تر از معده‌ی آنهاست؛ مضاف بر این که با برپایی حسینه‌ها و مساجد، دین احیا می‌گردد و کمک‌های مالی به نیازمندان نیز به صورت مستمر و بیشتر صورت می‌پذیرد و ...».

ج - پس، هر کس هر دلیلی برای توجیه کار خود می‌تواند بیاورد و این که گفته می‌شود به جای حسینه، مسجد، زیارت و عزاداری به فقرا و گرسنگان و ... کمک کنیم، ظاهرش قشنگ است، اما باطنش به خاطر اولاً دور کردن مردم از تفکرات و گرایش‌های اعتقادی و سرمایه‌های معنوی و ارتباط با اهل عصمت و اولیاء الله است و ثانیاً به خاطر مادی کردن فکر و قلب مردم است. و گرنه فرد مؤمن از هیچ کدام باز نمی‌ماند. هم به نیازمند کمک می‌کند، هم به مسجد و هیئت و هم زیارت می‌رود و همه نیز خیر و صواب است و ثواب دارد.

ج - اما این که ثواب (پاداش) کدام بیشتر است؟

باید دقت کنیم که برای خدا چرتکه نیاندازیم، محاسبه حق تعالی عددی، ریالی، کیلویی و متری نیست و بسیار دقیق و عادلانه است و به قول معصوم علیه السلام: «خداوند متعال راجع به بهشت‌اش گول نمی‌خورد». لذا نزد خداوند متعال آن عملی از واجب یا مستحب، نیکوتر و مأجورتر است که با اخلاص بیشتری انجام پذیرد. خواه کمک به مستمند باشد و خواه زیارت یا عزاداری یا کمک به ساخت مسجد و مدرسه و بیمارستان.

ضربه شمشیر امیرالمؤمنین علی علیه السلام، به خاطر شدت اخلاصش وزین‌تر و والاتر از عبادات انسان‌ها و ملائک گردید و نه به خاطر طول شمشیر و یا شدت ضربه.

از این رو خداوند متعال در کلام وحی تصریح می‌نماید که از این قربانی‌های شما، گوشت و خونس به من نمی‌رسد، بلکه اخلاص و تقوای شما ملاک محاسبه است:

«لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ»^۱

هرگز [نه] گوشت‌های آنها و نه خون‌هایشان به خدا نخواهد رسید ولی [این] تقوای شماست که به او می‌رسد این گونه [خداوند] آنها را برای شما رام کرد تا خدا را به پاس آنکه شما را هدایت نموده به بزرگی یاد کنید و نیکوکاران را مژده ده. پس، اصلاً ذهن خود را درگیر این «این بهتر است یا آن»، یا «این به جای آن» ننمایید و سعی کنید با اخلاص و بصیرت، از هر صوابی (کار خیری) بهره‌ای ببرید.

فصل چهارم: نصب پرچم عزا

حدیث ۱: (قالت زينب الكبرى عليها السلام لعلي بن الحسين عليهما السلام حينما رآته يجود نفسه) : ... لَا يَجْزَعَنَّكَ مَا تَرَى فَوَ اللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَعَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى جَدِّكَ وَأَبِيكَ وَعَمِّكَ وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ أَنَاسٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ - لَا تَعْرِفُهُمْ فَرَاغِنَةُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ هُمْ مَعْرُوفُونَ فِي أَهْلِ السَّمَاوَاتِ أَنَّهُمْ يَجْمَعُونَ هَذِهِ الْأَعْضَاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ فَيُؤَارُونَهَا وَ هَذِهِ الْجُسُومَ الْمُضَرَّجَةَ وَ يَنْصِبُونَ لِهَذَا الطِّفِّ عِلْمًا لِقَبْرِ أَبِيكَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ لَا يَدْرُسُ أَثَرُهُ وَ لَا يَفُوقُ رَسْمُهُ عَلَى كُرُورِ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ وَ لِيَجْتَهِدَنَّ أَيْمَةُ الْكُفْرِ وَ أَشْيَاعُ الضَّلَالَةِ فِي مَحْوِهِ وَ تَطْمِيسِهِ فَلَا يَزْدَادُ أَثَرُهُ إِلَّا ظُهُورًا وَ أَمْرُهُ إِلَّا عُلوًّا ... ؛

حضرت زینب کبری عليها السلام هنگامی که دید امام سجاد عليه السلام در اثر دیدن منظره شهدا نزدیک است جانش را از کف دهد، به آن حضرت عرض کرد: آنچه می بینی ، تو را بی تاب نکند؛ به خدا قسم! این به خاطر عهدهی است از طرف رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَانَ رَسُولُهُ با جد تو و پدر و عمویت به تحقیق خداوند از گروهی از این امت که فرعون های این زمین [و این امت] آنها را نمی شناسند، ولی در نزد اهل آسمانها معروف و شناخته شده می باشند عهد و میثاق گرفته است که این عضوهای جدا افتاده از هم را جمع کنند و این بدن های به خون رنگین را دفن نمایند و پرچمی را در این سرزمین طف او ساحل فرات [برای قبر پدرت سیدالشهدا عليه السلام نصب کنند که هیچگاه [در طول دوران ها] و گذشت روزها و شبها اثر آن محو نشود و نشان آن پاک نگردد و سردمداران کفر و پیروان ضلالت هر آینه سعی خواهند کرد که آن را محو کنند و بپوشانند، اما [هر چه بیشتر تلاش کنند] اثر آن [روز به روز] ظاهرتر و آشکارتر و شأن و منزلت آن بالاتر و عالی تر خواهد شد.»^۱

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۷۹-۱۸۰.

حدیث ۲: فی الدمعه الساکبه عن بعض المقاتل: لمادخل بشیر بن حذلم المدینه و اخبر الناس بقتل الحسین علیه السلام و ضج الناس بالبكاء و النحیب کان محمد بن الحنفیه مریضاً و لم یکن له علم بذلك الخبر الشنیع، فسمع اصواتاً عظیمه و رجة عظیمه ... ثم اركبوه جواده و اتت خدامه امامه حتی خرج من المدینه فلم یر الا اعلاماً سوداً فقال: ما هذه الاعلام السود و الله قتل الحسین علیه السلام بنوامیه! فصاح صیحه عظیمه و خر عن جواده الى الارض مغشياً علیه ...؛

در کتاب الدمعه الساکبه از بعضی از مقاتل نقل شده است:

هنگامی که بشیر بن حذلم وارد شهر مدینه شد و خبر شهادت امام حسین علیه السلام را به مردم داد و مردم ضجه کردند و صدای آنان به گریه بلند شد، محمد بن حنفیه مریض بود و هنوز از این خبر ناگوار مطلع نشده بود. در این هنگام صداهاى هولناکی را [در اثر ضجه مردم مدینه] شنید و لرزش و حرکت شدید [شهر مدینه] را حس کرد ...

پس از آن سوار بر اسبش کردند و خادمان او در پیش روی او می رفتند تا از شهر مدینه خارج شد. در آنجا چیزی به چشم او نخورد، مگر پرچم‌های سیاه! سؤال کرد: این پرچم‌های سیاه چیست؟ [او قبل از آنکه منتظر جواب شود خودش فرمود]: به خدا قسم! بنی امیه حسین علیه السلام را کشتند؛ سپس فریاد بلندی زد و از بالای اسبش بیهوش بر روی زمین افتاد ...»^۱

سیاه پوش کردن و نصب پارچه سیاه

در هنگام خروج اهل بیت علیهم السلام از شام هودج‌ها و شترها را با پارچه‌های پر زرق و برق آراستند، حضرت زینب علیها السلام فرمود:

اجعلوها سوداء حتى یعلم الناس اننا فی مصیبه و عزاء لقتل اولاد الزهراء علیهم السلام؛

۱. معالی السبطين، ج ۲، ص ۱۹۵.

پارچه های شترها و محمل ها را با پارچه سیاه عوض کنید و شترها و محمل ها را سیاه پوش کنید تا مردم بدانند که ما برای کشته شدن فرزندان زهرا علیها السلام در مصیبت و عزا هستیم.^۱

۱. حضرت زینب علیها السلام، فروغ تابان کوثر، ص ۲۶۱، به نقل از خصائص الزینبیه.

فصل پنجم: سیاهپوشی در عزای سیدالشهداء علیه السلام

این جامه سیاه فلک در عزای کیست؟

وین جیب چاک گشته صبح از برای کیست؟^۱

سیاه، تیره‌ترین رنگ‌هاست.^۲

و نگاه به آن سبب افسردگی روح می‌شود، بنابراین - به خاطر طبیعت این رنگ - مصیبت دیدگان لباس سیاه به تن می‌کنند تا گرفتگی و ناراحتی خویش را ابراز کنند. این مسأله پیش از اسلام نیز وجود داشت و اختصاص به اسلام ندارد، بلکه در بین غیر مسلمانان رواج داشته است؛ ایرانیان، رومیان، روس‌ها و آلمانی‌ها نیز هرگاه حادثه‌ای مثل زلزله، غرق کشتی، و ... پیش می‌آمد، پرچم‌های سیاه نصب می‌کنند و نوار و علامت‌های سیاه رنگی به هنگام فوت یکی از نزدیکان حمل می‌کنند.

شیعیان پوشیدن لباس مشکی و سیاه پوش کردن دیوارها را به خاطر فاجعه عظیم کربلا از پیشینیان خود به ارث برده‌اند و این عمل، کاری شعارگونه است که جوی غمناک و حزن ایجاد می‌کند و مقدمات احیای قیام امام شهید را از طریق ناراحتی و عزاداری ایجاد می‌کند.

لباس سیاه بر دل کسانی که پوشیده‌اند، اثر عمیق می‌گذارد و همواره به یادشان می‌آورد که چه حادثه عظیمی اتفاق افتاده است و به این طریق همواره به یاد قیام امام حسین علیه السلام بر ضد یزید و اهداف ایشان خواهند بود.

لباس مشکی برتری بر گریه نیز دارد؛ چرا که اثر گریستن موقت است و شخص پس از مدتی آرام می‌گیرد، لیکن رنگ لباس سیاه اثر عمیق بر قلب شخص می‌گذارد و همواره او را چونان ساعت دقیقی تذکر می‌دهد. بنابراین که لباس سیاه، نشان دهنده مصیبت وارده بر انسان است، طبیعی است در سالروز شهادت امام حسین علیه السلام برای کسانی که عزای او را اقامه می‌کنند، مستحب باشد.^۳

۱. محتشم کاشانی.

۲. جهت اطلاع بیشتر در مورد خواص رنگ‌ها، ر.ک: اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱۸ و بهداشت لباس، ص ۱۱۸.

۳. شیوه‌های یاری غریب کربلا، ص ۸۸-۸۹.

شکی نیست که سیره علما، صلحا، ابرار و اخیار در همه قرون و اعصار بر این بوده است که در مصیبت جامه سیاه بپوشند و همین طور در ایام عزای معصومین علیهم السلام، خصوصاً حضرت سیدالشهدا علیه السلام، بلکه سیره همه عقلا بر این جاری بوده است. زیرا لباس سیاه را لباس حزن و اندوه می دانستند. در شرع مقدس اسلام هیچ گونه ردع و منعی از این سیره نرسیده، بلکه احادیث و شواهد فراوانی بر تأیید آن وارد شده است، ما در چند قضیه که دلالت بر وجود سیره می کنیم می آوریم، سپس احادیث دال بر مطلوبیت سیاه پوشی در عزای ائمه علیهم السلام را نقل می کنیم در پایان فتوای بعضی از فقها را می آوریم.

سیره سیاه پوشی در عزاداری

موارد زیر شامل فعل معصوم علیه السلام در سیاه پوشی در عزاداری و همچنین تقریر ایشان می باشد و در بردارنده نقل قول هایی از سیره مؤمنان متصل به زمان و در حضور امام معصوم علیه السلام است:

- ۱: در جنگ احد که هفتاد تن از مسلمانان شهید شدند، زنان مسلمان از جمله ام المؤمنین ام سلمه در سوگ شهیدان جامه سیاه در بر کردند.^۱
- ۲: عمادالدین ادریسی قرشی از ابونعیم اصفهانی به سندش از ام سلمه نقل کرده که: «انها لما بلغها مقتل الحسين ضربت قبة في مسجد رسول الله جلست فيها و لبست سواد»

هنگامی که خبر شهادت امام حسین علیه السلام به ام سلمه رسید در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قبه و خیمه ای زد و جامه سیاه پوشید.^۲

۱. سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۱۵۹.

۲. مقتل ابی مخنف، ص ۲۲۲ و ۲۲۳؛ عیون الاخبار و فنون الآثار، ص ۱۰۹؛ شرح الاخبار، قاضی نعمان، ج ۳، ص ۱۷۱، ح ۱۹۱۹؛ مدینه المعاجز، سید هاشم بحرانی، ج ۴، ص ۱۹۶؛ تاریخچه عزاداری اهل سنت بر امام حسین علیه السلام، ص ۱۳۷.

توضیحات:

این دو روایت به بانوی جلیل القدری مربوط می‌شود که هفت سال همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود و بیش از ۵۰ سال با امامان معصوم علیهم السلام از نزدیک مربوط، محشور و مأنوس بود. ودایع حضرت امیرمؤمنین و امام حسین علیهما السلام در نزد او بود و امام حسین علیه السلام او را مادر خطاب می‌کرد. با توجه به اینکه اقامه مراسم عزا از مسائل مبتلا به بود و همواره رخ می‌داد، می‌توان عمل او را به تقریر معصومین علیهم السلام نیز نسبت داد و عمل او را علاوه بر سیره، کاشف از سنت دانست.

۳: اسماء بنت عمیس، پس از جنگ موته در عزای همسر خویش «جعفر طیار» به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم لباس سیاه پوشید.^۱

اسماء بنت عمیس همواره در محضر حضرت فاطمه زهرا و امیرالمؤمنین علیهما السلام حضور داشت. و عمل او نیز بیش از مسأله سیره برای ما مطرح می‌باشد.

اسماء کیست؟ و وثاقت آن بانو

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را از زنان بهشتی خواند و بر صدق ایمان او شهادت داد.^۲ و از وی و خواهرانش با تعبیر خواهران مؤمن یاد کرد.^۳ اسماء از زنان محدثه و راویان اخبار نبوی صلی الله علیه و آله و سلم است که با نقل ۶۰ روایت، نقش مهمی در حوزه فکری فرهنگ جامعه ایفا نموده است.^۴ اسما از نزول آیه: «الیوم اکملت لکم دینکم» در غدیر خم خبر داده است.

۱. مجمع الزوائد هیشمی، ج ۳، ص ۱۶؛ البدایه و النهایه، ج ۴، ص ۲۸۸؛ فتح الباری، ج ۹، ص ۴۰۲؛ لسان العرب، ج ۱، ص ۴۷۳.

۲. طرائف، سید بن طاووس، ص ۲۴۹.

۳. طبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۰۹.

۴. رجال طوسی، ص ۵۳؛ المغازی، ج ۲، ص ۷۶۶.

نزدیکی اسماء به خانواده پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا بدانجا رسید که حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام او را مادر خطاب می‌کرد.^۱ احادیثی که از وی در منزلت حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام رسیده، حاکی از عشق و علاقه وافر او به حضرت و خاندان رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.^۲ ایشان از اهل سرّ ایشان بود به گونه‌ای که در تغسیل حضرت صدیقه اطهر عَلَيْهَا السَّلَام دخیل بوده است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در حق اسماء دعا کرد و مرحوم مامقانی به استناد همین دعا، وی را در نقل حدیث، ثقه دانسته است.^۳

اسماء از کسانی بود که در قصه فدک به نفع بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام گواهی داده و در این مورد، همپای ام ایمن و ام سلمه بوده، و از کسانی بوده است که در ماجرای شهادت حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام که آزمونی دشوار برای مسلمانان بود در جناح حق حضور داشته و از این آزمون سربلند بیرون آمده است. سخن عمر درباره اسماء که حامی از محبت و علاقه اسماء به خاندان ابی طالب است و این که اسماء، به نفع بنی هاشم شهادت داده است.^۴ اسماء چه در کتب شیعه و چه در کتب اهل تسنن ستایش شده است. دشمن با آن که در نهایت دشمنی و عناد بوده، اما نه تنها اسماء را ستوده، بلکه نسل و ذریه گرامی این بانو را مورد اعتماد^۵ دانسته و آنان را تمجید کرده است. اهل تسنن گفته‌اند: آنان، بهترین بندگان خداوند.^۶

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۵۶.

۲. مناقب، ج ۳، ص ۹۴.

۳. مامقانی، ج ۳، ص ۶۹.

۴. نک: عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۶۳۵، باب ۳، ح ۲۷.

۵. در علم حدیث و رجال.

۶. الخصائص الفاطمیه، کجوری، ترجمه سید علی اشرف، ج ۲، ص ۱۶۲.

اسماء عون را نیز از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام به دنیا آورد که در واقعه کربلا جزو شهیدان لشکر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام بود.^۱ امام باقر و امام صادق عَلَيْهِمَا السَّلَام او را ستوده‌اند.^۲ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام او را در شمار هفت خواهر اهل بهشت نام برد و برای آنان دعا کرد.^۳ این دعا نشان می‌دهد که اسما تا پایان زندگی بر ایمان خود استوار بود و هیچ‌گاه در لغزش‌های فکری و سیاسی نلغزد.

۴: زنان بنی هاشم در ماتم امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام لباس‌های سیاه و ضخیم پوشیدند. روی عن عمر بن زین العابدین (علی بن الحسین) عَلَيْهِ السَّلَام انه قال: «لما قتل جدی الحسین المظلوم الشہید لبس نساء بنی هاشم فی ماتمه ثياب السواد و لمیغیرنها فی حرّ او برّد و کان الامام زین العابدین یصنع لهن الطعام فی المأتم.»

یکی از فرزندان امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند: هنگامی که جدم حسین عَلَيْهِ السَّلَام شهید شد، زنان بنی هاشم لباس سیاه و ضخیم پوشیدند و از گرما و سرما شکایتی نمی‌کردند و امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام برای آنها غذای ماتم زدگان و عزاداران تهیه می‌کرد.^۴

الحسن بن طریف بن ناصح عن ابیه عن الحسین بن زید عن عمر علی بن الحسین عَلَيْهِ السَّلَام قال: «لما قتل الحسین بن علی صلوات الله لبس نساء بنی هاشم السواد و المسوح و کن لا یشتکین من حرّ و لا برّد و کان علی بن الحسین عَلَيْهِمَا السَّلَام یعمل لهن الطعام للمأتم.»

۱. ام البنین عَلَيْهَا السَّلَام، مادر پرچمدار کربلا، ص ۲۰۰.

۲. اختیار معرفة الرجال، ص ۶۳-۶۴؛ خصال، صدوق، ج ۲، ص ۳۶۳.

۳. خصال شیخ صدوق، ج ۲، ص ۳۶۳.

۴. المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۰، ح ۱۹۵؛ نفس المهموم، ص ۴۷۳؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۸۸ و ج ۸۲، ص ۸۴؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۳۸، باب ۶۷ از دفن، ح ۱۰؛ تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ص ۲۰۹؛ طبقات الکبری، ابن سعد، ج ۸، ص ۱۶۹؛ مستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۷۳؛ اسدالغابه، ابن اثیر، ج ۱، ص ۴۹۳؛ تاریخچه عزاداری اهل سنت بر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۱۳۸.

احمد بن ابی عبدالله برقی رحمته الله روایت کرده است که چون امام حسین علیه السلام شهید شد، زنان بنی هاشم لباس سیاه و خشن پوشیدند و از گرما و سرما شکایتی نمی کردند و امام سجاد علیه السلام برای آنها غذای ماتم زندگان و عزاداران تهیه می کرد.^۱

سند روایت هیچ گونه مشکلی ندارد و از نظر دلالت هم دلالت این روایت کاملاً بر رجحان پوشیدن لباس سیاه روشن است؛ زیرا از شخصیت هایی همچون خواهر، همسر، دختران سیدالشهداء و ام البنین همسر وفادار مولای متقین بعید است کاری سر زند که بر خلاف موازین شرع باشد.

توضیحات: باید گفت که وجود افرادی چون عقیله بنی هاشم، نائبه حضرت زهرا، قهرمان کربلا، حضرت زینب کبری علیه السلام در میان بانوان سیاه پوش، مسأله را از حد سیره بالاتر می برد. مخصوصاً از نظر اینکه این بانوان در حضور امام زین العابدین علیه السلام بودند و حضرت شخصاً برای آنها غذا تهیه می کرد و طبعاً وضع لباس آنها را می دید و نهی نمی کرد، به عنوان تقریر معصوم حجت شرعی می شود و مطلوبیت آن را اثبات می کند.

این عمل و سیره هاشمیات - که از زنان بزرگوار و عالم بودند - از قبیل خواهران، همسران و دختران سیدالشهداء علیهم السلام و سایر بنی هاشم و زنانی همچون ام المؤمنین ام سلمه، و حضرت زینب کبری علیه السلام آن هم در حضور حضرت سجاد علیه السلام می تواند برای ما الگو و سرمش خوبی باشد.

۵: هنگامی که یزید، اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را طلبید و آنان را میان ماندن در شام و در برگشتن به مدینه مخیر نمود، گفتند: «ما بیش از هر چیز دوست داریم که برای امام مظلوم مجلس ماتم و عزا بر پا کنیم و گریه و زاری کنیم». یزید گفت: آنچه می خواهید انجام دهید. آن گاه خانه هایی را برای آنها مهیا ساخت، پس از زنان بنی هاشم و طایفه قریش کسی باقی نماند، جز اینکه (به نشانه عزاداری)

۱. محاسن، ص ۴۲۰؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۸۸؛ نفس المهموم، ص ۴۷۳؛ بحار رحمت، ص ۸۱۰.

برای حسین علیه السلام لباس سیاه پوشیدند، و به مدت هفت روز برای آن حضرت ندبه و زاری کردند.^۱

این روایت هم مانند روایت قبل می‌باشد و در حد حجت شرعی می‌باشد.

۶: پس از پایان خطبه تاریخی و افشاگرانه امام سجاد علیه السلام در مسجد دمشق، منهال برخاست و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! چگونه صبح کردی؟

امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

«کیف حال من اصبح و قد قتل ابوه و قلّ ناصره و ينظر الی حرم من حوله اساری فقد فقدوا الستر و الغطاء و قد اعدموا الکامل و الحمی، فما ترانی الا اسیراً ذلیلاً قد عدمت الناصر و الکفیل قد د لسیت انان و اهل بیتی ثياب الّاسی و قد حرمت علینا جدی العری»

چگونه است حال کسی که پدرش به قتل رسیده و یارانش اندکند و اهل و عیالش اسیر و بی پوشش و حجاب و بی سرپرست و حامی هستند. پس مرا جز (به هیئت) اسیری خوار (و گرفتار در چنگ دشمن) که یاور و سرپرست خویش را از دست داده نمی‌بینی، همانا من و اهل بیتم لباس عزا پوشیده‌ایم و (پوشیدن) لباس نو بر ما روا نیست.^۲

این روایت بیش از روایات قبل دلالت دارد، جز اینکه به لفظ سیاه تصریح نشد، بلکه به عنوان لباس عزا مطرح شده است.

سیاه پوشیدن هاشمیان تحت اشراف امام معصوم حضرت زین العابدین علیه السلام بوده، ایشان نه تنها از این کار نهی نمی‌فرمودند بلکه فعل امام علیه السلام در عزای ایشان به عنوان تقریر، تأیید و رجحان فعل هاشمیان و نوعی خدمت به سیاه پوشان بر عزای امام حسین علیه السلام است. و دلیل صحت و مقبول بودن آن است.

۱. مستدرک، ج ۳، ص ۳۲۷، باب ۴۸، احکام ملابس، ح ۳۱؛ منتخب طریحی، ج ۲، ص ۴۸۲؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۹۶؛ مقتل ابی مخنف، ص ۲۲۰.

۲. ناسخ التواریخ، زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۳؛ بلاغۃ الامام علی بن الحسین علیه السلام، ص ۹۳؛ مقتل ابی مخنف، ص ۳۱۷.

هاشیمان چند سال بعد از شهادت حضرت امام حسین علیه السلام، لباس مشکی زبر و ضخیم خود را بیرون نیاوردند.

منهال کیست؟ و وثاقت وی

منهال بن عمرو اسدی، بی واسطه از امام سجاد علیه السلام و با واسطه از امام علی علیه السلام روایت نقل کرده است. او از طریق عبدالله بن حارث نوفل حدیث منزلت^۱ و از طریق عباد بن عبدالله حدیثی از حضرت علی علیه السلام نقل کرده که بر اساس آن فقط امام علی علیه السلام صدیق اکبر است.^۲ همچنین روایتی با واسطه عباد بن عبدالله از حضرت علی علیه السلام نقل کرده که آن حضرت شأن نزول تمام آیات قرآن را می دانسته است.^۳ برخی از رجالیان اهل سنت او را ثقه دانسته^۴ و به یحیی بن معین نیز نسبت داده اند که او را ثقه می دانسته است.^۵

وی راوی نفرین امام سجاد علیه السلام در حق حرمله می باشد.

شیخ طوسی رحمته الله منهال را از اصحاب حضرت سجاد علیه السلام شمرده است.^۶ برخی او را از اصحاب امام حسین و امام باقر و امام صادق علیهم السلام نیز به شمار آورده اند.^۷

۷: و بالاسناد عن محمد بن عیسی بن رشید عن ابیه قال: «رَأَيْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام وَ عَلَيْهِ دُرَاعَةٌ سَوْدَاءُ وَ طَيْلَسَانُ أَزْرَقُ»

۱. البرهان، بحرانی، ج ۴، ص ۱۸۶.

۲. عمده عیون صحاح الاخبار، ص ۲۲۱.

۳. شواهر التنزیل، ج ۱، ص ۴۶-۴۷.

۴. معرفه الثاقت، ج ۲، ص ۳۰۰.

۵. الجرح و التعدیل، ج ۸، ص ۳۵۷.

۶. رجال الطوسی، ص ۱۱۹.

۷. مستدرک علم رجال، نمازی شاهرودی، ج ۷، ص ۵۱۵.

سلیمان بن راشد از پدرش نقل می‌کند که امام سجاد علیه السلام را دیدم که جبه‌ای سیاه رنگ و جلو باز پوشیده بودند.^۱

۸: امام سجاد علیه السلام:

«... انا و اهل بیتی ثياب الأسى و قد حرمت علينا جدید العری؛ همانا من و اهل بیتم لباس عزا پوشیده‌ایم و (پوشیدن) لباس نو بر ما روا نیست.»^۲

باید گفت که وجود افرادی چون نائبة الزهرا علیها السلام، عقیله بنی هاشم، حضرت زینب کبری علیها السلام در میان بانوان سیاه پوش، مسأله را از حد سیره بالاتر می‌برد. و حجت شرعی است. علاوه بر آن تقریر امام زین العابدین علیه السلام تأییدی محکم در این قضیه است.

۹: نعمان بن بشیر هنگامی که خبر شهادت امام حسین علیه السلام را به گوش اهالی مدینه رسانید، همه مردها سیاه پوشیدند و فریاد ناله سر دادند.^۳ و در روایتی هم آمده که: (در مدینه زنی نبود جز آنکه از پشت پرده بیرون آمد و لباس مشکی پوشیده، مشغول عزاداری شد).^۴

۱۰: سلیمان بن ابی جعفر (عموی هارون) در تشییع پیکر مطهر حضرت کاظم علیه السلام جامه سیاه پوشیده بود.^۵

۱۱: سیف بن عمیره، در سوگنامه خود می‌گوید:

«والبس ثياب الحزن يوم مصابه ما بین اسود حالک او اخضر»

در روز شهادت آن حضرت (روز عاشورا) جامه‌های عزا بر تن کن، جامه‌هایی به رنگ سیاه تند و یا سبز تیره.^۱

۱. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۶۱، ح ۵۷۶؛ کافی، ج ۶، ص ۴۴۹؛ مستدرک، ج ۳، ص ۲۱۰، ب ۱۷.

لباس مصلی، ج ۲، ح ۳۳۸۷؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۵، ب ۱۸، احکام ملابس، ح ۲.

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۳.

۳. مقتل ابی مخنف، ص ۲۲۲.

۴. عیون الاخبار و فنون الآثار، ص ۱۰۹.

۵. بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۲۷.

سیف بن عمیره نخعی کوفی از اصحاب بزرگوار امام صادق و امام کاظم علیهما السلام و از راویان برجسته و مشهور شیعه است، فقه را از ائمه علیهم السلام روایت کرده است. سیف بن عمیره، همچنین از جمله راویان زیارت معروف عاشورا به نقل از امام باقر علیه السلام است که قرائت آن در طول سال، از سنن رایج میان شیعیان می‌باشد.^۲

وثاقت سیف عمیره

شیخ طوسی در «الفهرست» فرموده‌اند: سیف بن عمیره ثقة له کتاب. نجاشی در رجال فرمودند: سیف بن عمیره النخعی، عربی، کوفی، ثقة، روی عن ابی عبدالله علیه السلام و ابی الحسن علیه السلام له کتاب یرویه جماعات من اصحابنا.^۳ محدث نوری در مستدرک الوسائل می‌فرمایند: سیف بن عمیره، صحیح فی الفهرست. از این رو بر وثاقت او تصریح شده و هیچ کس ایرادی بر او وارد نکرده است. علاوه بر تصریحات مذکور درباره وی، وثاقت او را می‌توان در ضمن برخی توثیقات عام دیگر نیز یافت که عبارتند از:

- ۱: از جمله مستثنی منه از رجال کتاب «نوادر الحکمه» است.
 - ۲: از قسم اول و دوم از رجال کتاب «تفسیر قمی» است.
 - ۳: از جمله رجال کتاب «المزار ابن مهدی» است.
 - ۴: از جمله رجالی است که مشایخ ثقات، از او روایت کرده‌اند.
- علاوه بر آنچه گذشت او از کسانی است که کتابشان مشهور بوده و از اجلائی به شمار می‌رود که روایتش از دیگری دلیل بر وثاقت او می‌شود و این رتبه فوق وثاقت است.^۴ مرحوم نجاشی، شیخ طوسی و ابن شهر آشوب صراحتاً او را توثیق کرده‌اند.^۱

۱. منتخب طریحی، ج ۲، ص ۴۳۷.

۲. سیاه پوشی در سوگ ائمه نور علیهم السلام، ص ۱۴۰ - ۱۴۱.

۳. رجال النجاشی، ج ۱، ص ۴۲۵.

۴. فصلنامه علوم حدیث، سال ۱۱، ش ۳، پاییز ۱۳۸۸ش، ص ۱۳۰-۱۳۱.

عظمت او به حدی است که حتی مخالفین نیز او را جزء مشایخ فقها و روات امامیه شمرده‌اند.^۲

برخی از اصحاب اجماع و بزرگان از روات امامیه مثل «ابن ابی عمیر»، «علی بن اسباط»، «حماد بن عثمان»، «یونس بن عبدالرحمان»، «حسن بن علی بن بقاح»، «حسن بن محبوب» از او روایت مستقیم دارند.^۳

تعبیر نجاشی که فرموده: «له کتاب یرویه جماعات من اصحابنا» حاکی از عظمت، مقام علمی و جایگاه روایی اوست. در رجال نجاشی هر جا تعبیر «له کتاب یرویه جماعات من اصحابنا» آمده است، راوی ثقة است.^۴ بر خلاف تعبیر «له کتاب یرویه جماعه» گاهی در مورد ضعاف هم به کار برده شده است.^۵

سیف بن عمیره را شیخ در «فهرست» و نجاشی و علامه در «خلاصه» تصریح به وثاقت کرده‌اند.^۶

اسم ایشان در کتاب شریف «کافی» حدود ۱۵۱ مرتبه آمده است و در کتاب «من لا یحضر الفقیه» حدود ۸ مرتبه و در کتاب «تهذیب الاحکام»، حدود ۱۲۴ مرتبه و در «وسائل الشیعه» حدود ۳۱۳ مرتبه و در «بحار الانوار» حدود ۱۵۳ مرتبه و در منابع دیگر هم آمده است.^۷

۱. رجال نجاشی، رقم ۵۰۴، ص ۱۸۹؛ فهرست شیخ طوسی، ص ۷۸، رقم ۳۳۳؛ معالم العلماء، رقم ۳۶۹.
۲. میزان تشیع بررسی سند زیارت عاشورا، ص ۱۵۵ به نقل از فهرست ابن ندیم، ص ۳۰۸؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۳۵۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۳۴۴.
۳. جامع الرواة، ج ۱، ص ۳۹۶.
۴. رجال نجاشی، رقم ۵۰۴.
۵. میزان تشیع، ص ۱۵۵.
۶. خلاصه الاقوال، ص ۸۲؛ شفاء الصدور، ص ۵۷؛ الفهرست، ص ۷۸؛ رجال نجاشی، ص ۱۸۹.
۷. اشک‌های رقیه علیها السلام، ص ۵۵.

این موارد از قضایای مربوط به صدر اسلام به روشنی ثابت می‌کند که در قرون اولیه اسلام^۱ نیز همانند روزگار ما، لباس سیاه علامت عزای بوده و افراد مصیبت زده لباس مشکی و یا حداقل لباس تیره به تن می‌کردند.

اینک به روایاتی که حاکی از قول معصوم علیه السلام می‌باشد می‌پردازیم:

۱: اصبع بن نباته گوید: بعد از شهادت مولای متقیان امیرالمؤمنین علیه السلام وارد مسجد کوفه شدم، دیدم که:

«ان الحسنین لبسنا السواد علی ابیهما فی الکوفة بعد شهادته...»

به درستی امام حسن و امام حسین علیهما السلام بعد از شهادت پدر بزرگوارشان علیه السلام در کوفه در عزای پدرشان مشکی پوشیدند.^۲

۲: بعد از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام، عبدالله بن عباس به سوی مردم بیرون آمد و گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام از میان ما رفت و برای خود جانشینی گذاشت که اگر دوست دارید به سوی شما بیرون آید و گر نه کسی را بر کسی (اجباری) نیست. مردم به گریه افتادند و گفتند: بیرون آید. پس امام حسن علیه السلام در حالی که جامه‌های سیاه پوشیده بود به سوی مردم بیرون آمد و برای آنان خطبه خواند.^۳

۱. ابن کثیر می‌نویسد: در سال ۳۵۲ق معزالدوله احمد بن بویه امر کرد: دهه اول محرم در بغداد همه بازارها را ببندند و مردم لباس سیاه بپوشند و مراسم عزاداری و نوحه سرایی بر پا کنند و مردان و زنان به سینه و صورت خود بزنند و با این هیئت به سوی حرم کاظمین علیهما السلام بروند و مصیبت امام حسین علیه السلام را به آن و امام همام تعزیت بگویند. (البدایه و النهایه، ج ۱۱، ص ۲۴۳؛ تاریخچه عزای حسینی، ص ۲۲۵)

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۸؛ حدائق الناظره للیوسف بحرانی، ج ۷، ص ۱۲۸؛ اثبات الوصیه، ص ۱۵۷؛ مقتل الامام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، فصل امر ابن ملجم و قتله، ص ۹۵، ح ۸۹؛ مجمع الدرر فی المسائل للآئینی عشر، شیخ عبدالله مامقانی.

۳. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۴۶؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۲.

ابن ابی الحدید در جای دیگر از شرح نهج البلاغه از مدائنی نقل می‌کند که چون امیرالمؤمنین علی علیه السلام به شهادت رسید، امام حسن علیه السلام در حالی که لباس مشکی بر تن داشت، خطبه‌ای ایراد فرمود.^۱

امام حسن علیه السلام پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام بر مسجد کوفه برای مردم خطبه خواند در حالی که لباس سیاه بلندی بر تن داشت و عمامه مشکی بر سر داشت و در عزای پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام می‌گریست.^۲

این روایات صراحت دارند که امام حسن و امام حسین علیهما السلام در شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام لباس سیاه بر تن کرده بودند و به روشنی دلالت بر رجحان این کار از نظر دو حجت پروردگار دارد.

۳ : در شهادت امام مجتبی علیه السلام اهل مدینه تا هفت روز به تبعیت از خاندان عصمت، سیاه پوشیدند.^۳

۴ : دو شخصیت برجسته اهل سنت (ابن عساکر^۴ و حاکم^۵) به سند متصل از عایشه دختر سعد روایت کرده است که: زنان بنی هاشم در سوگ امام حسن مجتبی علیه السلام یک سال زینت را ترک کردند و لباس سیاه پوشیدند.

۵ : رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آستانه شهادتش سیاه پوشیدند، چنانکه امام صادق علیه السلام فرمودند: روزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رحلت فرمود، در حالی که پیراهن سیاهی بر تن

۱ . شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۲.

۲ . الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه، سید علی خان مدنی، مؤسسه الوفاء، ص ۱۴۷۴؛ ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۲؛ اثبات الوصیه للإمام علی بن ابیطالب، ص ۱۳۳؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۲۶۷ و ص ۲۷۲.

۳ . آداب عزاداری شهیدان کربلا، ص ۱۵۰ به نقل از چرا سیاه می‌پوشیم، از وحیدالدین شربانی، ص ۹۲.

۴ . تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، ص ۲۹۱.

۵ . المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۹.

داشتند، نماز صبح را به جماعت در مسجد خواندند و سپس به ایراد خطبه پرداختند.^۱

در این روایت علت سیاه پوشیدن رسول خدا ﷺ بیان نشده؛ ولی روشن است که رسول خدا ﷺ در آستانه انقطاع وحی، یتیمی حضرت زهرا علیها السلام، هجوم ددمنشانه ستمگران به خانه وحی، آتش افروزی دژخیمان برای سوزانیدن در خانه حضرت فاطمه علیها السلام و شهادت حضرت محسن علیها السلام بر خلاف شیوه همیشه‌اش جامه سیاه بر تن کرده، مسلمانان را از جنایات فجیعی که به وسیله دو بت بزرگ قریش در شرف تکوین بود، آگاه ساخت.^۲

۶ : امام باقر علیها السلام می‌فرماید: هنگامی که امام حسین علیها السلام کشته شد، لباس تیره مایل به مشکی یا مشکی در تن شریف حضرت بود.^۳

۷ : پس از شهادت امام حسین علیها السلام فرشته‌ای از آسمان به دریاها فرود آمد و صیحه‌ای زد و گفت: «البسوا ثواب الحزن فان فرخ رسول الله مذبوح، جامه‌های عزا بپوشید که فرزند پیامبر ﷺ را سر بریدند.»^۴

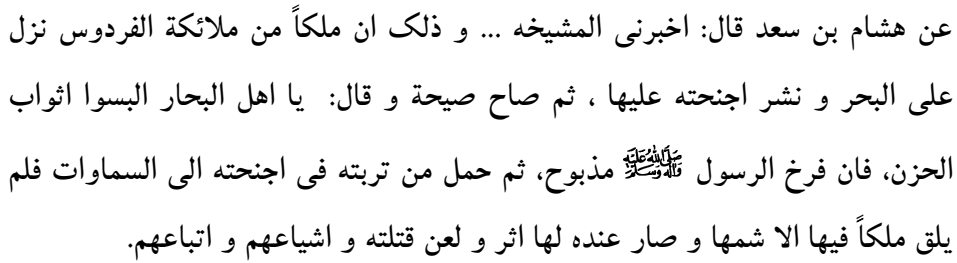
(فرشته ای از فرشتگان بهشتی بر دریاها فرود آمد و بال‌های خویش را بر فراز آن گسترد ، سپس صیحه‌ای کشید و گفت: ای اهل دریاها! جامه عزا بر تن کنید که فرزند رسول خدا ﷺ را سر بریدند.)

۱ . بصائر الدرجات، ص ۳۰۴، جزء ۶، باب ۱۶، ح ۱۰.

۲ . صحاب رحمت، ص ۱۸۹.

۳ . کافی، ج ۶، ص ۴۵۲؛ دلائل الامامه، ص ۱۷۸؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۹۴؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۶۵، ح ۳۸۳.

۴ . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۲۸؛ کامل الزیارات، باب ۲۱، ح ۳، ص ۱۴۳؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۲۱؛ مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۶۲، ف ۸.



هشام بن سعد گوید: اساتیدم برای من روایت کرده‌اند ... و چنین بوده است که: یکی از فرشتگان بهشت بر دریا نازل شد و بال‌های خود را بر آن گسترد، سپس فریاد زد و گفت: ای اهل دریاها! لباس‌های حزن و غم را در بر کنید، چرا که فرزند رسول خدا ﷺ سر بریده شده است. سپس بال‌های خود از تربت امام حسین علیه السلام برداشت و به آسمان‌ها برد و این ملک با هیچ فرشته‌ای در آسمان‌ها ملاقات نکرد، مگر آنکه او از آن تربت بویید و اثری از آن تربت نزدش باقی ماند و بر قاتلان امام حسین علیه السلام و پیروان و دنباله‌روهای آنان لعنت فرستاد.^۱

همچنین فرشته‌ای دیگر در آسمان‌ها و زمین ندا کرد: «یا عبادالله البسوا اثواب الاحزان و اظهروا التفجع و الاشبان ؛ ای بندگان خداً لباس‌های حزن بپوشید و ناراحتی و ناله‌های خود را آشکار کنید».^۲

گرچه در این روایات به لفظ سیاه تصریح نشده ؛ ولی تعبیر جامهٔ عزا به روشنی، آن معنی را ایفاء می‌کند.

۸: حضرت سکینه دختر امام حسین علیه السلام خطاب به یزید ملعون فرمود:
«دیشب خواب دیدم که ... سپس خادم بهشتی دستم را گرفت و داخل قصر نموده
آنجا ب ۵ بانوی بزرگ و نورانی روبرو شدم که در میان آنها زنی بزرگوار و نورانی تر از

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۲۱؛ کامل الزیارات، ۶۷، باب ۲۱، ح ۳؛ مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۶۲، ف ۸.

۲. احرام محرم، ص ۶۸.

این عادت که امروزه میان شیعیان رواج دارد که تا روز نهم ربیع الاول سیاه می پوشند و در این روز از عزا در می آیند دنباله همان تقریر و امضای معصوم علیه السلام است. از پاره ای از احادیث چنین فهمیده می شود که از نظر شیعه در عصر ائمه طاهرين علیهم السلام عادت بر این بوده که مقداری از ماه محرم و صفر تا ماه ربیع الاول لباس سیاه می پوشیده اند ، و این عمل مورد تقریر و امضاء فعلی و قولی ائمه علیهم السلام قرار گرفته است. مرحوم علامه مجلسی به مناسبت روز نهم ربیع الاول حدیث مفصلی نقل می کند و سپس می فرماید: ما احادیث دیگری یافته ایم که مؤید این مطلب است ، و به این احادیث اعتماد می کنیم. از احمد بن اسحاق قمی نماینده امام حسن عسکری علیه السلام روایت می کند که ضمن روایتی گفت: «... امروز روز بیرون آوردن لباس سیاه است». و مرحوم سید بن طاووس قریب به این حدیث را در کتاب «الاقبال» از کتاب «نشروطی» با اسناد خود از حضرت امام رضا علیه السلام نقل می کند. بنابراین مادام که معصومین و اهل بیت علیهم السلام در عزای امیرالمؤمنین و امام حسین علیهم السلام لباس سیاه می پوشیده اند چرا نباید ما لباس سیاه بر تن کنیم و به آنان اقتدا کنیم.^۱

برخی از بزرگان در این رابطه کتب مستقلی نوشته اند که از آن جمله است:

- ۱ : ارشاد العباد الی الاستحباب لبس السواد علی سیدالشهداء علیه السلام و الائمة الامجاد، تألیف: سید جعفر طباطبایی، نوۀ صاحب ریاض، متوفی ۱۳۲۱ق، چاپ ۱۴۰۴ق. قم.
- ۲ : تبیین الرشاد فی استحباب لبس السواد علی الائمة الامجاد، تألیف: سید حسن صدر، متوفی ۱۳۵۴ش.^۲

۳ : سیاهپوشی در سوگ ائمه نور علیهم السلام، تألیف: مرحوم علی ابوالحسنی منذر - معاصر- چاپ ۱۳۷۵ش، در ۳۹۲ صفحه، قم. در این کتاب علاوه بر بررسی ابعاد

۱ . در سوگ امام حسین علیه السلام ، ص ۷-۸ .

۲ . الذریعه، ج ۳، ص ۳۳۳.

مختلف مسأله فتوای دهها مرجع بزرگ تقلید، از زمان صاحب حدائق و صاحب عروه تا مراجع عصر. از رساله‌های عملیه، کتب فقهیه و استفتائات موجود نقل شده است. کتاب‌های دیگری نیز درد ست است که به گردآوری فتوای فقها از گذشته دور تا عصر حاضر اختصاص دارد و آنها متن پرسش و پاسخ مراجع بزرگ تقلید با مهر و امضاء آنها چاپ و گراور شده است که از آن جمله است:

۴: عزاداری سید الشهداء علیه السلام، تألیف: سبط حسین زیدی - معاصر - چاپ ۱۴۱۵ق، ۲۱۶ صفحه. در این کتاب صدها فتوا از مراجع گذشته تا معاصر در مورد ابعاد مختلف عزاداری از جمله پوشیدن لباس سیاه در سوگ سیدالشهداء علیه السلام عیناً گراور شده است.

۵: عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه، تألیف: علی ربانی خلخالی - معاصر - چاپ ۱۴۱۵ق، در ۲۴۰ صفحه، قم. در این کتاب نیز فتوای صدها مرجع بزرگ شیعه پیرامون مسائل مختلف عزاداری از جمله پوشیدن لباس مشکی گردآوری شده است.

۶: مجمع الدرر فی مسائل اثنی عشر، تألیف: مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالله مامقانی متوفی ۱۳۱۵ق، چاپ سنگی.

۷: الدعاء الحسینیة، تألیف: مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد علی نخجوانی، متوفی ۱۳۳۴ق، گزیده این کتاب اخیراً به پیوست دهها استفتاء از مراجع معاصر در ۲۴۰ صفحه در قم چاپ و منشتر شده است.

۸: نجاه الامة فی اقامة اعزاء علی الحسین و الائمة، تألیف: حاج سید محمد رضا حسنی فهام - معاصر - چاپ ۱۴۱۳ق، قم. ایشان در این کتاب و در کتاب دیگرش «احسن الجزاء فی اقامة العزاء علی سیدالشهداء علیه السلام» چاپ ۱۳۹۹ق، قم. مسأله را دقیقاً بررسی نموده و بر رجحان شرعی آن استدلال کرده است.

در بعضی از این کتاب‌ها و دهها کتاب دیگر «کراهت لباس مشکی»^۱ مورد تشکیک قرار گرفته و تصریح شده که برای اثبات آن راهی وجود ندارد زیرا:

۱: اجماعی بر آن محقق نشده است.

۱. مانند فتوای آیت الله سیستانی و آیت الله روحانی.

۲: حجیت شهرت فتوایی ثابت نیست. به ویژه در جایی که مستند فتاوی معلوم باشد.

۳: روایات وارده همه مرسل و ضعیف هستند.

۴: استناد اصحاب به این روایات از باب «تسامح در ادله سنن» می باشد و ضعف سند آنها را جبران نمی کند.

۵: بر فرض صحت سند، دلالت هم ندارد؛ زیرا معطل می باشند. در این روایات آمده است که لباس مشکی، لباس فرعون و آل فرعون می باشد، و حداکثر بر کراهت شعار قرار دادن دلالت می کند نه مطلق پوشیدن. از این روایات و روایات امام صادق علیه السلام که می فرمایند: «من آن را می پوشم و می دانم که لباس اهل آتش است». به خوبی روشن می شود که این روایات ناظر بر بنی عباس و تعریض بر خلفای ستمگر آن زمان است که لباس مشکی را شعار خود قرار داده بودند.

داوود رقی می گوید: گروهی از شیعیان از امام صادق علیه السلام در مورد لباس مشکی - پرسیدند، در حالی که ایشان جبه سیاهی بر تن و قلنسوه سیاهی بر سر و کفش سیاهی در پا داشتند. امام صادق علیه السلام در پاسخ آنها، رشته ای از لباس خود را به دست گرفت و فرمود: «پنبه این لباس سیاه است، شما دل های خود را سفید کنید و هر چه می خواهید بپوشید»^۱. امام علیه السلام با این بیان لطیف اشاره کردند که تیرگی محبت دشمنان ما را از دل خود بزدايید و دلها را با نور محبت ما نورانی کنید. آن گاه هر چه خواستید بپوشید. همه اینها اشاره به این است که نهی از لباس مشکی تعریض به بنی عباس بوده که آنها به پیروی از آل فرعون لباس مشکی را شعار خود قرار داده بودند و در مقام بیان حکم شرعی نیست.^۲

آنچه از ملاحظه مجموع اخبار وارده در باب لباس نمازگزار فهمیده می شود این است که بهترین رنگ ها، رنگ سفید است و هر رنگ تیره ای مکروه است و سیاه نیز که تیره ترین رنگ هاست. البته هر مکروهی جایز است؛ خداوند عزوجل اگر در چیزی

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۸۵، باب ۱۹، از لباس مصلی، ح ۹.

۲. سحاب رحمت، ص ۱۹۴

مصلحتی نمی‌دید، قطعاً آن را حرام می‌کرد. پس در رنگ سیاه نیز مصلحتی وجود دارد که حرام نشده است. پس نهی وارد شده در این احادیث، دلالت بر کراهت رنگ سیاه دارد که در فقه ما نیز ثابت شده است.

این که چیزی لباس اهل جهنم یا زبان آنان باشد، دلیل بر حرمت آن چیز در دنیا نمی‌شود؛ چرا که اگر چنین بود، در اخبار بسیاری وارد شده که دعای اهل جهنم، لباس آنان و زبانشان و ... را تعیین کرده و اگر همه این‌ها در دنیا حرام باشد، بسیاری از اشیاء و کارهای مباح و بلکه مستحب، حرام خواهد شد.

اضافه بر این، اگر لباس جهنمیان حرام باشد و همان‌گونه که در دنیا حرام بوده، به جهت اضافه شدن بر عذابشان به علت کفرشان، اجازه به پوشیدن آن نمی‌دادند؛ همان‌گونه که انجام سایر منکرات هم بدان‌ها اجازه داده می‌شود. همه اخباری که دلالت بر کراهت لباس سیاه دارد، بنابر این است که فرعون انجام داد و قسسیس‌ها و راهبان انجام می‌دهند و یا کار بنی عباس است.

در کتاب «وسائل الشیعه» از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که فرمودند: لباس سیاه نپوشید، چرا که لباس فرعون است.^۱

پس پوشیدن لباس سیاه به دلیلی که فرعون پوشید مکروه است، نه مطلق سیاه پوشیدن. بنابراین اخبار و روایاتی که دال بر کراهت لباس سیاه دارند، به این خاطر است که آن رنگ، شعار و مظهر دشمنان خدا بوده است. اما پوشیدن لباس مشکی به دلیل مصیبت و در زمان موقت و یا در تمام طول عمر به دلیل مصیبتی یا حتی بدون مصیبت مکروه نیست؛ همان‌گونه که ائمه اطهار علیهم السلام انجام دادند.

شایان ذکر است اگر این روایات و اخبار درباره حرمت پوشیدن لباس سیاه صحیح باشند واجب است که یا به آن‌ها توجهی نشود و یا حرمت را حمل بر کراهت کرد؛ چرا که بسیاری از امامان علیهم السلام در مصایب یا حتی غیر مصایب لباس مشکی به تن می‌کردند.

۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۳.

محدث نوری رحمته الله و شیخ صدوق رحمته الله از امام جعفر صادق عليه السلام نقل کرده اند: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم روزی لباس سیاه پوشیده بود و از خانه خارج شد. فقیل له یا رسول الله! من کساک هذه الخميص؟ فقال: کسانی حبیبی.

پرسیدند: یا رسول الله! چه کسی لباس مشکی بر تن شما کرده؟ فرمود: حبیبم بر تنم کرده است.^۱

(عبا و چادر سیاه در نماز استثناء شده است.)

آنچه در این رابطه مورد استفاده مخالفان شیعه قرار گرفته و می گیرد، می گویند: چون لباس سیاه سنت عباسیان بوده است مکروه است و متأسفانه عده ای از این دوش خصمانه شیعه ستیزان تبعیت کرده اند در صورتی که با توجه به طرح دو موضوع در این زمینه چنین توطئه ای که از جمله روش های تخریب تشیع است جواب داده می شود.

۱: حکم مکروه بودن پوشیده سیاه در عزای حسینی را که چون لباس سیاه عباسیان بوده است از مراجع عظام تقلید سؤال کرده اند نه اینکه بلا مانع دانسته اند، بل پوشیدن سیاه را در عزای شهیدان کربلا مستحب و حتی بعضی واجب دانسته اند.^۲

۲: این که عباسیان چون در طول به دست آوردن حکومت، داعیه خون خواهی حضرت سیدالشهدا عليه السلام را داشتند؛ دولت خود را دولت آل محمد عليه السلام و ادامه خلافت علی امیرالمؤمنین عليه السلام قلمداد می کردند لباس سیاه را انتخاب کرده بودند تا با این ترفند دوستداران اهل بیت عليه السلام را به دور خود گرد آورند و برای آنان که این تبلیغ

۱. امالی صدوق، ص ۱۵۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۱۰-۲۱۱. در المنجد آمده است که: «خميص» نوعی پارچه سیاه چهارگوش است.

۲. آداب عزاداری شهیدان کربلا، تالیف حسین حسن سمنانی، ص ۱۵۰.

ظاهری را در اذهان مردم زنده نگه دارند؛ پس از به قدرت رسیدن هم در ظاهر، سیاهی پرچم و لباس را شعار همیشگی خویش ساختند.^۱

به همین لحاظ حضرت امام صادق علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام به رنگ و لباس سیاه تعرضاتی داشته‌اند.

برخی فتاوی فقهای شیعه در سیاهپوشی برای امام حسین علیه السلام

فقهای شیعه پس از بررسی دو دسته روایات نهی کننده از پوشش سیاه و روایات جواز، دسته نخست را بر کراهت حمل نموده و پوشیدن لباس سیاه در ایام عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام را جایز، بلکه مستحب می‌دانسته‌اند.

۱: شیخ ابن نما حلی (م ۶۴۵ ق) عالم بزرگوار شیعه در قرن هفتم:

شیعیان را در سوگ اهل بیت سیدالشهدا علیه السلام و شهدای کربلا، به ظاهر ساختن شعار اندوه و پوشیدن لباس عزاداران (لبس شعار الاحزان) دعوت کرده و کسانی را که چنین نمی‌کنند سرزنش می‌کند.^۲

۲: مرحوم شیخ یوسف بحرانی رحمته الله صاحب کتاب «حدائق»:

این فقیه نام آور، پس از آن که نظر خود را در مورد کراهت رنگ سیاه در نماز ابراز می‌کند، می‌فرماید: بعید نیست پوشیدن لباس سیاه در عزای امام حسین علیه السلام را به خاطر روایات مستفیضه در امر به اظهار شعائر حزن، از این اخبار استثناء کرده و قائل به عدم کراهت شویم.^۳

۱. زیارت عاشورا میراث جاودان عاشورا، ص ۶۷ به نقل از اخبار الدوله العباسیه، ۲۳۰، ۲۳۲ و ۲۴۲.

۲. سیاهپوشی در سوگ ائمه نور علیهم السلام، ص ۲۲۴؛ مشیرالاحزان، ص ۱۲ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۱۷.

۳. ثم اقول: لا یبعد استثناء لبس السواد فی مأتم الحسین علیه السلام من هذه الاخبار لما استفاضت به الاخبار من الامر باظهار شعائر الاحزان. (الحدائق الناطره، ج ۷، ص ۱۱۶، باب استثناء لبس السواد فی مأتم الحسین علیه السلام، یوسف بن احمد البحرانی (۱۳۱۸ ق) النشر الاسلامی لجماعه المدرسین، قم، تحقیق: محمد تقی الایروانی.

همو در پایان، کلامش را مستند به روایاتی در این زمینه می‌سازد. جایگاه فقهی مرحوم صاحب «حدائق» به قدری است که دیگر فقها نیز در کتب فقهی خود، با استفاده از روایات اهل بیت علیهم‌السلام و اشاره به سخنان مرحوم بحرانی رحمته‌الله همان حکم را استنباط می‌نمایند؛ به عنوان نمونه از محضر مرحوم آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی رحمته‌الله در مورد نظر مرحوم بحرانی در رجحان لباس سیاه در عزای امام حسین علیه‌السلام پرسیده شد و ایشان نیز با تأیید نظر مرحوم بحرانی، پوشیدن لباس سیاه را از مظاهر حزن در مصیبت سیدالشهدا و اهل بیت علیهم‌السلام دانسته و اظهار اندوه را در مصائب آنان با توجه به روایات از نظر شرعی مستحب می‌داند.

پرسش: به عقیده شما پوشش در عزای امام حسین علیه‌السلام و سائر ائمه علیهم‌السلام رجحان شرعی دارد؟ چنان چه صاحب حدائق نظرش همین است. پاسخ: نظر صاحب حدائق صحیح است؛ زیرا پوشش سیاه از مظاهر حزن در مصیبت سیدالشهدا علیه‌السلام و اهل بیت علیهم‌السلام و یاران او و سائر ائمه هدی علیهم‌السلام است و اظهار حزن در مصیبت آنان به خاطر روایات فراوانی که میان آنها روایت صحیح هم وجود دارد، مستحب است.^۱

۳: مرحوم سید محمد جعفر طباطبایی حائری رحمته‌الله:

۱. سؤال: هل ترون ما ذهب اليه صاحب الحدائق من ان لبس السواد في عزاء سيدالشهدا و بقية الائمة عليهم‌السلام، راجح شرعاً؟

جواب: ما ذهب اليه صاحب الحدائق قدس سره صحیح، فان لبس السواد من مظاهر الحزن على ما اصاب سيدالشهدا و اهل بيته و اصحابه و كذا سائر الائمة عليهم‌السلام و اظهار الحزن في مصائبهم مندوب شرعاً، للنصوص الكثيرة و فيها الصحيح. (الانتصار، ج ۹، ص ۲۴۷؛ الشيخ الكوراني العاملي (معاصر)، دارالسيرة بيروت، ۱۴۲۲ هـ.ق، لبنان، الطبعة الاولى).

۲. وی از نوادگان صاحب ریاض است. رساله‌ای فقهی - استدلالی قرن سیزدهم و چهاردهم هجری است که در تبیین ادله و مبانی فقهی پوشیدن لباس مشکی در تعزیت و عزاداری امام حسین علیه‌السلام و امامان معصوم علیهم‌السلام می‌باشد. نویسنده نحوه استنباط و استخراج حکم کراهت و استحباب را در یک

وی در کتابی که در همین مورد و با همین نام نگاشته، پس از آن که نظرش را بر استحباب پوشی در مراسم عزاداری سالار شهیدان علیه السلام اقامه داشته در بخشی از کتابش می‌گوید:

زنان بنی هاشم در محضر امام سجاد علیه السلام در سوگ سیدالشهدا علیه السلام به ماتم و عزاداری پرداختند و لباس سیاه را در بر کرده و امام هم با سکوتش کار آنان را تأیید فرمود. اگر این کار، مورد تأیید آن حضرت نبود یا جایز نمی بود، حتماً آن حضرت مانع می شد و در صورت نهی، اطاعت امام زمانشان بر آنان واجب بود، سکوت و تأیید امام دلیل بر جواز و استحباب این کار است؛ به ویژه این که در میان زنانی که جامه سیاه پوشیده، حضرت زینب علیه السلام بوده که بالاترین مقام را پس از معصوم دارد.^۱

موضوع با دو هدف متفاوت بررسی و تحلیل کرده و روایات و ادله مختلفی از اصول کافی، من لا یحضر الفقیه و دیگر کتب حدیثی نقل نموده است. سپس به تفصیل، مصادیق و نمادها و پوشش سیاه و نحوه نجام این مستحب شرعی را در عزاداری توضیح داده و از قواعد اصولی و فقهی برای تبیین و تحلیل کمک گرفته است. توضیح مطلب این است که عنوان تلبس بر لباس حزن در ماتم و عزاداری‌ها و دیگر اغراض صحیح بر آن حمل نشود. فی المثل جایی که از پوشش سیاه قصد تجمل و فخر فروشی باشد طبق ادله مستحکم فقهی این لباس غیر شرعی و پوشیدن آن کراهت دارد. نویسنده به تفصیل از تحقق مفهوم حزن و انجام عزاداری و ارتباط آن با پوشش سیاه بحث کرده و معنای حزن را تبیین کرده و بر پایه آن پوشش سیاه در عزاداری امام حسین علیه السلام را جزو شعائر شیعی و مستحب دانسته است. (نرم افزا مجموعه جامع فقه اهل البیت، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)).

۱. وجه الدلاء علی الاستحباب هو لبسهن ذلک بمحضه علیه السلام و عدم منعهن عن لبسه و امرهن بغيره من مراسم العزاء و خصوصاً بعد وجود مثل الصدیقه الصغری زینب الکبری علیه السلام الذی لا یقصر فعلها عن فعل المعصوم لکونها تالیة له فی المقامات العالیة و الدرجات السامیه. کما یدل له انه شعار الحزن و العزاء علی المفقود العزیز الجلیل من قدیم الزمان و سالف العصر و الاوان: و کما هو الموسوم فی جمیع نقاط العالم. (ارشاد العباد الی استحباب لبس السواد علی سیدالشهدا و الائمه الامجاد، ص ۲۸؛ میرزا جعفر طباطبایی الحائری حفید صاحب الریاض (۱۳۲۱ ه.ق)، تحقیق: الحسینی الفحام).

او در جای دیگر عقیده و رفتار پدرش (حاج میرزا علامه سید علی نقی طباطبایی که از اعظام مجتهدین کربلا بوده) را این گونه بیان می‌کند: در اواخر عمر پدرم علامه، پوشیدن لباس سیاه و ندبه او در ایام عزاداری مولای ما امام حسین علیه السلام در فتوا و عمل تا هنگامی که به رحمت حق پیوست دیده می‌شود.^۱

۴: علامه شیخ محمد حسین کاظمینی رحمته الله معروف به محقق کاظمی (م ۱۳۰۸ق):

ایشان نیز در تأیید سیاه پوشی برای اقامه عزای اباعبدالله الحسین علیه السلام چنین می‌نویسد: در استثنای پوشش سیاه در عزای امام حسین علیه السلام و مانند آن (از کراهت) بعید نیست. چنان که در کتاب «حدائق» نیز استثناء شده است. دلیل استثنای آن [روایاتی] است که بر اظهار سعائر حزن بر امام حسین علیه السلام دلالت می‌کند و دلیل دیگر، روایتی است که زنان بنی هاشم در ماتم آن حضرت، سیاه پوشیدند که حتی در گرما و سرما هم از تن بیرون نکردند و امام زین العابدین علیه السلام در مدتی که زنان مشغول عزاداری بودند، غذا آماده می‌فرمود و هرگز زنان را از این کار باز نداشت.^۲

۵: میرزا ابوالفضل تهرانی (م ۱۳۱۷ق)، شاگرد مبرز میرزای شیرازی و فیه و ادیب نامدار عصر قاجار

پوشیدن جامه سیاه در عزای امام حسین علیه السلام را «قیام به وظیفه عزاداری» و «تعظیم شعار و احیای امر ائمه» می‌داند.^۳

۱. و کان والدی العلامة اعلی الله مقامه فی اواخر امره و عمره یری حسن التلبس بهذا اللباس فی ایام ماتم مولانا الحسین علیه السلام الموعود و ندبته فتوی و عملاً الی ان انتقل الی رحمه الله. (ارشاد العباد، ص ۵۴)
 ۲. و فی استثناء لبسه فی ماتم الحسین علیه السلام و نحوه وجه غیر بعید کما فی «حدائق» لما دل علی اظهار سعائر الحزن علیه علیه السلام و لما روی من لبس نساء بنی هاشم السواد و لم یغیرنها فی حرّاً و برد و کان زین العابدین علیه السلام یصنع لهن الطعام فی الماتم و لم ینکره علیه السلام علیهن. (هدایة الانام فی شرح شرایع الاسلام، ص ۴۵۴، محمد حسین الکاظمینی (۱۳۰۸ه.ق)، طبع نجف، ۱۳۳۰ه)

۳. سیاهپوشی در سوگ ائمه نور علیهم السلام، ص ۲۲۷ به نقل از: شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور، بمبئی، ۱۳۰۹ق، ص ۳۲۴.

۶: مرحوم میرزا حسین نوری رحمته الله علیه صاحب «مستدرک الوسائل» (م ۱۳۲۰ق):

محدث فقیه ، مرحوم میرزای نوری رحمته الله علیه در «مستدرک الوسائل» پس از نقل اخبار دال بر کراهت جامه سیاه و وراثت محاسن برقی نظر خود را بر استحباب را این گونه بیان می‌فرماید: در این اخبار و قصه‌ها، اشاره یا دلالت بر عدم کراهت پوشش سیاه یا رجحان آن در حزن حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است همچنان که سیره بسیاری در ایام حزن و ماتم آن حضرت بر این است.^۱

۷: مرحوم آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی رحمته الله علیه:

این بزرگوار در پاسخ به استفتایی چنین فرموده است: پرسش: مستدعی است نظرتان را دربارهٔ مسأله‌ای که پس از مسألهٔ مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام جایگاه مهمی در کویت پیدا کرده، بیان فرمایید. و آن مسأله پوشیدن لباس سیاه و سینه زنی در اثنای مراسم عزاداری سیدالشهدا علیه السلام در ماه محرم و ایام عزاداری ائمه علیهم السلام است.

پاسخ: بدون شک میان شیعه اختلافی نیست که سینه زنی و پوشیدن لباس سیاه از شعائر اهل بیت علیهم السلام و از مصادیق بارز این آیه کریمه است که می‌فرماید: «هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانهٔ تقوای دل‌هاست».^۲ چنانچه این کارها از مظاهر جزع در مصائب و سوگواری اهل بیت علیهم السلام است که روایات فراوان بر رجحان آن دلالت می‌کند. هر کس در تضعیف یا کم رنگ نمودن اهمیت آن در میان جوانان شیعه تلاش نماید از جفاکاران در حق اهل بیت علیهم السلام و از جمله کسانی است که در

۱. قلت و فی هذه الاخبار، و القصص، اشاره او دلالة علی عدم کراهة لبس السواد او رجحانه حزناً علی ابی عبدالله علیه السلام كما علیه سیره کثیر فی ایام حزنه و ماتمه. (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۲۸، ح ۳۳، باب ۴۸، المیرزا حسین النوری (۱۳۲۰ق) تحقیق و الناشر: مؤسسه آل البيت علیهم السلام للاحیاء التراث، بیروت، ۱۴۰۸هـ، الطبعة الثانية).

۲. حج / ۲۰.

قیامت به خاطر به اشتباه انداختن مردم درباره ظالمان به اهل بیت علیهم السلام مورد سؤال قرار خواهد گرفت. خداوند مؤمنان را بر ایمان و ولایت اهل بیت علیهم السلام ثابت قدم نگه دارد و خداوند هدایت کننده به راه راست است.^۱

۸ : وصیت نامه مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمه الله :

ایشان در وصیت نامه خود این چنین می نویسد:
به پسر و وصیت می کنم لباس سیاهی که جهت حزن و اندوه در مصائب آل رسول صلی الله علیه و آله و سلم در ماه محرم و صفر می پوشیدم با من دفن نماید.^۲

۹ : آیت الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی رحمه الله :

سیاه پوشی در عزای سالار شهیدان سیره مستعمره شیعه در طول تاریخ بوده و امری مجاز و مستحسن است.

۱۰ : آیت الله العظمی سید علی حسینی سیستانی (مد ظله العالی) :

۱ . سؤال: یرجى من سماحتكم بیان رأيكم فى هذه المسألة التى اخذت منحنى حظيراً فى الكويت بعد مسألة مظلومية الزهراء عليها السلام و التى لا تخفى عليكم و المسألة فى ما هو رأيكم المبارك فى لبس السواد، و اللطم على الصدور اثناء احياء مراسيم العزاء لسيد الشهداء عليه السلام فى شهر محرم الحرام و لباقي الائمة الاطهار عليهم السلام ؟

جواب: لا اشكال و لا ريب و لا خلاف بين الشيعة الامامية فى ان اللطم و لبس السواد من شعائر اهل البيت عليهم السلام و من لمصاديق الجلية للآية: «و من يعظم شعائر الله فانها من تقوى القلوب» كما انها من مظاهر الجزع الذى دلت النصوص الكثيرة على رجحانه فى مصائب اهل البيت و ماتمهم. و من يحاول تضعيف هذه الشعائر و التقليل من اهميتها بين شباب الشيعة، فهو من الآثمين فى حق اهل البيت عليهم السلام و من المسؤولين يوم القيامة عما اقترفه فى تضليل الناس عن مظالم الائمة عليهم السلام ثبت الله المؤمنين على الايمان و الولاية. والله الهادى الى سواء السبيل. (الانتصار، ج ۹، ص ۲۴۷، الشيخ الكوراني العاملي (معاصر)، دار السيرة، بيروت، ۱۴۲۴ق، الطبعة الاولى).

۲ . شهاب شریعت، درنگی در زندگی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ص ۳۶۶، علی رفیعی، علاء مرو دشتی، طبع کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی، قم، ۱۳۷۳ش.

در کتاب استفتائات آیت الله العظمی سیستانی این چنین آمده است:

پرسش: نظر شما در مورد پوشیدن لباس مشکی در عزای امام حسین علیه السلام (خامس اصحاب کساء) چیست؟

پاسخ: پوشیدن لباس سیاه در عزای سیدالشهداء علیه السلام امر پسندیده‌ای است.^۱ و همچنین وی، می‌فرمایند: کراهت لباس سیاه ثابت نیست.^۲

۱۱: آیت الله سید ابراهیم میلانی می‌نویسد:

«در صورتی که آل عصمت و طهارت علیهم السلام در عزای ختمی مرتبت و علی مرتضی و صدیقه شهیده فاطمه زهرا و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین سیاه پوشیده‌اند، بدون هیچ تردیدی نه تنها استفاده از لباس سیاه کراهت ندارد، بلکه به لحاظ حفظ سیره آن ذوات مقدسه در ایام عزای اهل بیت علیهم السلام نوعی احیاء امر ایشان بوده، مستحبی است که نباید تحت هیچ عنوان و بهانه‌ای ترک شود و چه بسا به جهت عنوان ثانوی و وجوب انزجار و نفرت از قاتلان شهدا علیهم السلام حفظ فرع با اهمیت تولا و تبرا تشیع جنبه وجوب پیدا کند. و اگر در لسان بعضی از بزرگان قوم -رحمه الله علیهم اجمعین- برای استفاده آن کراهت نقل شده اولاً در غیر ایام عزای آل البيت علیهم السلام بوده که استفاده آن تشبّه به بنی العباس به شمار می‌رفته است با توجه به این مورد اخیر نیز پوشیدن سیاه در عزای ائمه طاهرین علیهم السلام نوعی احیاء امر و مظلومیت آل رسول صلی الله علیه و آله و سلم محسوب می‌شود و چون به روزگار ما اشقیاء و خبثاء اموی و عباسی وجود خارجی ندارد و سیاه پوشی نشانه انزجار و تنفر از برخورد ظالمانه آنان با خاندان وحی است می‌باید به طور جدی سنت پوشیدن در عزای ائمه

۱. السؤال: ما هو رأيكم في لبس السواد في عزاء خامس اصحاب الكساء؟

الجواب: لبس السواد في عزاء سیدالشهدا روحی فداء امر مطلوب. (استفتائات (فتاوی مراجع) السید السيستانی، ص ۱۹۲.

۲. شبهات عزاداری، ج ۱، ص ۴۵۰-۴۵۶.

۳. سایت دارالصادق علیه السلام.

اطهار علیه السلام خاصه حضرت سیدالشهدا علیه السلام مراعات گردد و بر آن اصرار داشت و اگر جایی بر اثر عدم استطاعت مالی ترک سیاه پوشی می‌شود باید در تهیه آن کوشا بود حتی در مواردی که با غرض عده‌ای را فریب می‌دهند و مانع پوشیدن سیاه در عزای آل البيت علیهم السلام می‌شوند باید مانند سایر امور که امر به معروف و وظیفه می‌شود تا حدی که تولید فساد نشود و موجب تضعیف وحدت ضروری عصر ما که امویان و عباسیانی دیگر سعی در تخریب و تحذیف و تخریب اسلام دارند نگرند، امر به معروف نموده ...»^۱

۱۲: حضرت آیت الله حاج سید محمدصادق روحانی مد ظله العالی :

سیاه پوشیدن در عزای ائمه علیهم السلام بدون شک مکروه نیست بلکه مستحسن است. من خودم مقیدم به پوشیدن سیاه ، در غیر ایام عزاداری هم کراهت پوشیدن سیاه معلوم نیست ، بلکه در زمان خاصی (خلافت بنی العباس) چون شعار آنان پوشیدن سیاه بود نهی شده است، فعلاً هیچ اشکالی ندارد.^۲

آنچه در بالا از نظرات علمای بزرگوار بیان شد از باب نمونه بود، علاوه بر این که علمای بزرگ معاصر شیعه نیز در ایام شهادت سالار شهیدان علیه السلام و ایام شهادت ائمه اطهار علیهم السلام لباس سیاه پوشیده و به عزاداری پرداخته و هم اکنون نیز چنین می‌کنند.

فتوای فقها بر استحباب سیاه پوشی در عزای ائمه علیهم السلام به استناد حسنه محاسن برقی

«اتقان سند» و «وضوح دلالت حسنه» برقی بر جواز سیاه پوشی در سوگ سالار شهیدان علیه السلام سبب شده که این حدیث شریف، که مفاد آن، مؤیدات گوناگونی نیز در کتب سیره و حدیث و تاریخ دارد، مورد توجه خاص فقها قرار گیرد و مراجع قله پویی چون صاحب عروه طبق آن فتوا دهند.

۱. شیعه و عاشورا ، ص ۱۹۹.

۲. آداب عزاداری شهیدان کربلا، ص ۱۷۶.

توجه شما را به نوشته محققانه دو تن از فقهای بزرگ دوران اخیر که در باب جواز بل استحباب سیاه پوشی در وفیات ائمه علیهم السلام به حدیث محاسن برقی استدلال کرده‌اند، جلب می‌کنیم:

۱: فتوای استدلالی آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی مدظله العالی

مرجع عالیقدر حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی در پاسخ به سؤال از «رجحان شرعی پوشیدن لباس سیاه در عزای امام حسین علیه السلام و دیگر امامان علیهم السلام» در تاریخ ۸ ذی الحجه ۱۴۱۵ ق جواب مفصل و مستدلی مرقوم داشته‌اند که خود بخشی مستوفی و منقح در استدلال به حدیث محاسن برقی بر رجحان سیاه پوشی در مصیبت حضرت سیدالشهدا علیه السلام است. متن استفتاء و پاسخ ارزشمند و خواندن ایشان را، برای ثبت در تاریخ، نقل می‌کنیم:

سؤال:

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی دامت برکاته به نظر مبارک حضرتعالی پوشیدن لباس سیاه در عزای امام حسین علیه السلام و دیگر امامان علیهم السلام چنانکه از کلام صاحب «حقائق» استفاده می‌شود رجحان شرعی دارد یا خیر؟ ۱۳/۲/۱۳۷۴.

جواب:

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام الله و سلام انبیائه و ملائکته علی سیدنا و مولانا ابی عبدالله الحسین المظلوم سیدالشهدا و ابی الاحرار و علی اهل بیته و اولاده و اصحابه. با توجه به اینکه پوشیدن لباس سیاه شعار اهل مصیبت و علامت سوگواری و عزاست، پوشیدن آن در عزای سیدالشهدا علیه السلام و سایر حضرات معصومین - صلوات الله علیهم اجمعین - بی شبهه راجح و تعظیم شعائر و اعلان ولایت و برائت از اعداء آل محمد - صلوات الله علیهم اجمعین - ، تجلیل از ایثار و فداکاری و شهادت در راه خدا، پاسداری از دین و مذهب، و مصداق عناوین و جهات راجحه دیگر است. یکی از شعائر شیعیان در عراق در دهه عاشورا برافراشتن پرچم‌های سیاه عزا بر بالای خانه‌ها

بود، که حتی کسی که در وسط بیابان تنها در یک خانه و کوخ محقر زندگی می‌کرد ملتزم به این اعلام عزا و سوگواری بود. یقیناً این برنامه‌ها و سیاه پوشیدن و سیاه پوش کردن در و دیوار خانه‌ها و حسینیه‌ها و تکایا و مجالس که متضمن درس‌های بسیار آموزنده و موجب تعالی افکار و اهداف و تبلور شعور مذهبی و انسانی است، همه راجح و سبب احیاء و بسط امر مذهب و تحکیم علائق و روابط با خاندان رسالت و تجدید میاق تشیع و پیروی از آن بزرگواران و محکوم کردن ظلم و استضعاف و استکبار است.

و ما مسئله کراهت پوشیدن لباس سیاه که به اجماع و اخبار بر کراهت آن استناد شده است:

اولاً: اصل حکم به کراهت قابل خدشه و اشکال است؛ زیرا عمده دلیل آن که اجماع است محصل نیست، و به فرض محصل بودن، با وجود احتمال استناد مُجمَعین به اخبار، حجت و کاشف از قول معصوم عَلَيْهِ السَّلَام نیست و روایاتی که بر آنها استناد شده است اخباری مُرسل و ضعیف است و تمسک به آنها - به عنوان تسامح در ادله مکروهات جریا علی التسامح فی ادله المستحبات - مثبت حکم شارع مقدس به کراهت نیست. علاوه بر اینکه اثبات حکم موضوعی برای موضوع دیگر یا اثبات حکم موضوع ذی الخصوصية برای فاقد خصوصیت، بدون یقین به تساوی هر دو موضوع در موضوعیت برای حکم و بدون یقین به عدم دخالت خصوصیت (مثل ما نحن فیه) قیاس و حکم به غیر علم است.

بنابراین با اخبار تسامح در ادله سنن، جواز تسامح در ادله مکروهات و حکم به کراهت ثابت نمی‌شود، مضافاً بر اینکه در اصل مقیس علیه نیز استفاده محکم به استحباب ما بلغ فیهِ الثواب عن النبی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ محل تأمل و اشکال است.

غایة الامر نقول: انه یستفاد من هذه الاخبار ان من بلغه عن النبی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ثواباً علی امر ثبت رجحانه بالشرع سواء کان مستحباً او واجباً او لم یثبت عدم رجحانه ان اتی به

التماساً لهذا الثواب يعطى به ذلك الثواب و يوجز ربه؛ و این هذا من الحكم بالاستحباب حتى يقال به فى غيره؟!

به هر حال، اخبار داله بر کراهت از جهت سند فاقد اعتبارند، و جبران ضعف آنها به عمل اصحاب - بنابراینکه عمل جابر ضعف سند باشد- در صورتی است که استناد ایشان در فتوی به نفس خبر باشد، ولی در مثل این مورد که محتمل است بر اساس همان تسامح در ادله مشی کرده باشد، عمل به استناد به نفس حدیث ثابت نمی‌شود. مضافاً بر اینکه، به فرض جبر ضعف سند به عمل، دلالت روایات بر کراهت مطلقه مورد اشکال است؛ زیرا از خود آنها استفاده می‌شود که حکم در این موضوع به عنوان اولی موضوع نیست، بلکه به جهت تَعَنُّونِ آن به عنوان ثانوی و شعار و لباس بنی عباس بودن است که پوشیدن آن تشبّه به آنها و موجب ارائه نفوذ و کثرت جمعیت پیروان آنها است. و در واقع، نهی از آن به ملاحظه این بوده که یکی از مصادیق تلبّس به لباس ظلمه و تشبّه به آنهاست و مثل این حکم طبعاً دائر مدار بقاء تعنون موضوع به عنوان مورد نظر است. بنابراین اگر بنی عباس از بین رفتند و این شعاریت و عنوان، بی موضوع و منتفی شد، یا رنگ دیگر شعار آنها یا ظلمه و کنار و اهل باطل شد، موضوع عوض می‌شود و حکم بر موضوع خود مترتب می‌گردد و پوشیدن لباسی که شعار فعلیه مثل کروات دارد مکروه می‌شود.

ثانیاً: با قبول اینکه اصل حکم فی الجملة ثابت است، دلیل آن اگر اجماع باشد دخول پوشیدن لباس سیاه در عزا - که ظاهراً در اعصار ائمه علیهم‌السلام و بعد از ایشان متداول بوده - در معقد اجماع معلوم نیست و قدر متیقن از آن، مواردی است که این عنوان عزا را نداشته باشد و تلبس به لباس و شعار اعدا بر آن صادق باشد؛ و اگر احادیث را هم مستند حکم بشماریم شمول و ظهور اطلاق یا عموم آنها در این مورد به مناسبت حکم و موضوع قابل منع است. و بعد از تمام این تفاسیل، همان روایتی که صاحب حدائق به عنوان تأیید نفی بُعد استثناء لبس سواد در عزای حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام از جلاء العیون علامه مجلسی رحمته‌الله نقل کرده دلیل است و به نظر حقیر، با آن حصر

مفاد روایات کراحت در غیر موارد عزا فهمیده می‌شود، و هم می‌توان به فرض قبول اطلاق یا عموم روایات آن را مقید یا مخصص آنها دانست، و جهت اینکه صاحب حدائق صریحاً به آن استناد نفرموده ظاهراً عدم ذکر سند آن در جلاء و عدم اطلاع یا عدم مراجعه ایشان به واسطه ضیق مجال به کتاب‌های دیگر بوده است. اینک حدیث شریف:

محدث مشهور احمد بن محمد بن خالد برقی از طبقه سابعه در کتاب محاسن، ص ۴۲۰، ح ۱۹۵ از پدرش محمد بن خالد از حسن بن ظریف بن ناصح از طبقه ششم از پدرش ظریف بن ناصح از طبقه پنجم از حسین بن زید که ظاهراً حسین بن زید بن علی بن الحسین علیه السلام معروف به ذی الدمه و از طبقه پنجم است و او از (عمویش) عمر بن علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده است و سند و لفظ حدیث به این شرح است:

«عنه عن الحسن بن ظریف بن ناصح عن ابیه عن الحسین بن زید عن عمر بن علی بن الحسین علیه السلام قال: لما قتل حسین بن علی علیه السلام لبس نساء بنی هاشم السواد المسوح و کن لا تشتکین من حرّ و لا برد، و کان علی بن الحسین علیه السلام يعمل لهن الطعام للمأتم»^۱

از این حدیث شریف که مورد اعتماد و حجت است و شخصیت‌هایی از مشاهیر و از ثقات و اکابر اهل بیت علیهم السلام آن را روایت نموده اند استفاده می‌شود:

۱: اینکه پوشیدن لباس سیاه در ماتم و عزا از صدر اول مرسوم بوده است. و لذا بانوان معظمه بنی هاشم در ماتم حضرت سیدالشهدا علیه السلام لباس سیاه پوشیده‌اند و ظاهر این است که این عادت و سنتی بوده است که قبل از آن تا عصر رسالت هم سابقه داشته است و مثل این است که لباس سیاه به عنوان ترک تزئین و شعار عزادار بودن متداول و مرسوم بوده است بنابراین، روایات کراحت لبس سواد شامل این گونه لبس موقت و معمول نمی‌شود و منصرف به این است که لباس متعارف و رسمی شخص، سیاه باشد

۱. این حدیث را علامه مجلسی رحمته الله از محاسن در بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۸۴، باب التعزیه و المأتم، ح ۲۴ روایت فرموده است.

و به فرضی که اطلاق یا عموم داشته باشد این روایت آن اطلاق یا عموم را تقیید یا تخصیص می‌دهد.

۲: تشویق و ترغیب امام عَلَيْهِ السَّلَامُ از این عمل، دلیل بر رجحان آن است و از آن فهمیده می‌شود که ادامه آن، جهت فراموش نشدن این واقعه بسیار بزرگ تاریخی و بزرگداشت موقف عظیم سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَامُ، راجح و مستحب است.

گفته نشود: که حدیث، حکایت از عمل بانوان و تصویب امام عَلَيْهِ السَّلَامُ دارد و دلالت بر رجحان پوشیدن لباس سیاه در عزای آن حضرت برای مردها ندارد؛ زیرا گفته می‌شود : وجه تصویب و تشویق امام عَلَيْهِ السَّلَامُ حال حزن و مصیبتی است که به وسیله پوشیدن لباس سیاه ظاهر می‌شود و خصوصیت صدور این حال از زن یا مرد ملحوظ نیست و این حال در هر کس ظاهر شود، مطلوب است؛ البته اگر پوشیدن لباس سیاه فقط ظهور این حال را از زن‌ها نشان می‌داد اختصاص به آنها پیدا می‌کرد. ولی وقتی در هر دو - عندالعرف - علی السواء ظاهر می‌شود یا گاهی در مردها ظاهرتر است وجهی برای اختصاص نیست و مثل رجل شک بین الثلاث و الاربع است که چون این شک برای زن و مرد - هر دو - علی السواء حاصل می‌شود از آن، اشتراک زن یا مرد در حکم معلوم می‌شود. این حدیث مانند کلام امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ است: «الخضاب زینة و نحن قوم فی مصیبة» که از آن استفاده می‌شود زینت مناسب مصیبت زدگی نیست، خواه خضاب باشد یا چیز دیگر؛ مصیبت زده مرد باشد یا زن. از این حدیث هم استفاده می‌شود ، اظهار عزاداری به وسیله پوشیدن لباس سیاه مورد تصویب و تشویق است خواه از مرد صادر شود یا از زن. و چنان نیست که با اینکه از جانب مرد نیز این اظهار ممکن باشد رجحان اظهار آن مختص به زن باشد؛ زیرا عرف آنچه را موضوع مطلوبیت این عمل می‌یابد ارائه حال عزا و سوگواری است که صدور آن از زن و مرد - هر دو - مطلوب است.

بلکه می‌توانیم بگوییم ا ز مثل این حدیث می‌فهمیم که: ارائه حال سوگواری در مصیبت حضرت سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَامُ به هر نحو مشروع که عندالعرف حال سوگواری باشد

مطلوب است؛ خواه به وسیله پوشیدن لباس سیاه یا صیحه زدن در مجالس عزا یا ناله و گریه کردن یا مرثیه خواندن یا پا برهنه رفتن یا صورتهای مشروع و مقبول دیگر، موجب اجر عظیم الهی در آخرت خواهد بود. جعلنا الله من القائمين بها و حشرنا فی زمرةم بحق محمد و آله الطاهرين، صلوات الله عليهم اجمعين.

۸ ذی الحجه ۱۴۱۵، لطف الله صافی.^۱

۲: رساله «مجمع الدرر فی مسائل اثنتی عشر»، نوشته آیت الله عبدالله

مامقانی در استحباب سیاه پوشی در عزای ائمه علیهم السلام

مرجع عالی قدر، آیت الله شیخ عبدالله مامقانی اثری به نام کتاب «الاثنتی عشر» دارند که سال ۱۳۴۴ ق در مطبعه مرتضویه نجف اشرف به چاپ رسیده است. این کتاب حاوی ۱۲ رساله است که یکی از آنها تحت عنوان «مجمع الدرر فی مسائل اثنتی عشر» به بحث پیرامون استحباب سیاه پوشی در عزای ائمه علیهم السلام اختصاص دارد. متن رساله «مجمع الدرر» را ذیلاً می خوانید:

بسم الله الرحمن الرحيم

احمدالله علی جزیل نعمه و اصلی علی اشرف رسله و اله و عترته سیما ابن عمه و صهره و خلیفته.

و بعد فیقول الفقیر الی الله الغنی و الجانی الفانی عبدالله المامقانی عفی عنه ربه ابن الشیخ قدس [سرهمانه لما كان بعض المستفتين يلتمس التعرض في الجواب الدليل الفتوى اجمالاً و كنت اجيب الالتماس احببت ضبط صورها لتكون للمبتدى تبصرة و للمنتهى

۱. سیاهپوشی در سوگ ائمه نور علیهم السلام، ص ۲۱۶-۲۱۷.

تذكرة و تنفعنى يوم الفقر و الفاقة و سميتها بمجمع الدرر فى مسائل اثنتى عشر و من الله استمد و به استعين.

السؤال الاول: ما يقول شيخنا و ملاذنا - ادام الله ظلّه العالى - فى لبس السواد فى مصيبة الاعزة من الاموات خصوص عزاء مولينا سيدالشهدا عليه افضل الصلوة و السلام و ساير المعصومين صلوات الله عليهم اجمعين هل هو مكروه او مباح او فى عزاء المعصومين عليه السلام مستحب و راجح؟ فان اطلاق الاخبار يقتضى الكراهة الشديدة حتى ورد ان الاسود من الالبسة ما عدا الخف و العمامة و الكساء لباس فرعون و ورد أنه لباس اهل النار و ورد النهى عن الصلوة فيه سيّما لامام الجماعة فماوجه تداول الشيعة لبس السواد ايام عزاء الائمة عليه السلام و فى مصيبة موتاهم و اقامتهم الصلوة فيه و هل لذاك مخرج عن العمومات او أنه مندرج تحتها؟ افيدونا ادام البارى سبحانه تاييدكم.

الجواب: لا ريب فى قيام السيرة القويمة من العلماء و الصلحاء و المتدينين و الابرار فى كافة الامصار على لبس اهل المصيبة السواد و كذا فى ايام عزاء المعصومين صلوات الله عليهم اجمعين سيّما سيدالشهداء ارواحنا له الفداء حتى صار ذلك من شعارهم و الذى به يمتازون عن غيرهم، و من البعيد جداً ان تستمرّ سيرتهم القويمة و طريقتهم المستقيمة خلفلا عن سلف من غير تحاشى منهم و لا نكير على ارتكاب مثل هذا المكروه كراهة شديدة من غير مستند شرعى. فالمصنف المتدبر يستكشف بالتزامهم بذلك و استمرارهم عليه عن وجو مقيد لاطلاقات كراهة لبس السواد سيّما فى الصلوة و مخصّص لعموماتها، بل يستكشف بذلك عن وجود مايفيد رجحانه اذ لولا الرجحان لما التزموا به هذا الالتزام التام و ما اهتموا به هذا ال اهتمام؛ بل السيرة قائمة على لبس السواد فى عزاء الآباء و الارحام و حملة شرع سيّد الانام ايضاً، فيكشف ذلك عن وجود مخرج المطلق العزاء عن العموم.

و لك ان تتمسك لرجحان لبس السواد فى عزاء المعصومين عليهم السلام و نوابهم و اباحتهم بالمعنى الاخص فى عزاء الارحام بما دلّ عموماً على رجحان اظهار الحزن لى نوابهم (رض) و المؤمنين الابرار و ما دلّ على اباحة اظهار الحزن على الابوين و الارحام. غاية ما هناك وقوع التعارض من وجه بين هذه العمومات و بين عمومات كراهة لبس السواد سيّما فى الصلوة، و لا مانع من ترجيح هذه العمومات بالسيرة القويمة المذكورة.

و يؤيد المطلوب بل يدل عليه جملة من الاخبار:

فمنها الحسن الذى رواه الفاضل المجلسي رحمته الله فى البحار فى باب الوقائع المتأخرة عن قتل سيّدنا المظلوم ابي عبدالله الحسين - صلوات الله عليه - عن المحاسن عن الحسن بن ظريف عن ابيه عن الحسين بن زيد عن عمر بن على با الحسين عليه السلام قال لما قتل الحسين بن على عليه السلام لبس نساء بنى هاشم الوساد و المسوح و كن لا يشنكن حرّاً و لا برداً و كان على بن الحسين عليه السلام يعمل لهن الطعام للمأتم. فان لبس الهاشميات السواد فيهنّ محرام على بن الحسين عليه السلام كعمّاته و اخواته، و سكوته عليه السلام عنهنّ و عمله الطعام لهنّ تقرير لهنّ على لبس السواد فى العزاء و لو كان ذلك مكروها لمنعهنّ البتّة ، و تقريره عليه السلام حجة فلا مجال لتوهم انّ فعل الهاشميات مع عدم عصمتهم ليس بحجّة.

و منها ما رواه فى الباب المذكور فى خبر طويل الى ان قال عليه السلام فلما اصبح - يعنى يزيد لعنه الله - استدعى بحرم رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فقال لهنّ ايّما احبّ اليكنّ: المقام عندى او الرجوع الى المدينة؟ و لكم الجئزة السنّية، قالوا نحبّ اولاً ان ننوح على الحسين عليه السلام. قال افعلوا ما بدا لكم ثمّ اخليت لهنّ الحجر و البيوت فى دمشق و لم تبق هاشمية و لا قرشيّة الا و لبست السّواد على الحسين و ندبوه على ما نقل سبعة ايام (الحديث). فان لبسهن

السَّوَادُ بِمَحْضَرِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْ عَدَمِ مَنَعِهِ إِيَّاهُنَّ عَنْ ذَلِكَ يَكْشِفُ عَنْ كَوْنِ الْعِزَاءِ مُسْتَثْنَى، وَكَيْفَ يَغْضَى صَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ اتِّفَاقِ أَهْلِ بَيْتِ الطَّهَارَةِ وَالْعَصْمَةِ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ عَلَى ارْتِكَابِ الْمَكْرُوهِ كِرَاهَةً شَدِيدَةً؟!

وَمِنْهَا مَا رَوَاهُ (رِه) فِي الْبَابِ الْمَذْكُورِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّعْفَرَانِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو النَّصِيبِيِّ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ أَخْبَرَنِي الْمَشِيخَةُ أَنَّ الْمَلِكَ الَّذِي جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَخْبَرَهُ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَلِكَ الْبَحَارِ وَذَلِكَ أَنَّ مَلَكًا مِنْ مَلَائِكَةِ الْفَرْدَوْسِ نَزَلَ عَلَى الْبَحْرِ وَنَشَرَ أَجْنَحَتَهُ عَلَيْهَا ثُمَّ صَاحَ صَيْحَةً وَقَالَ يَا أَهْلَ الْبَحَارِ الْبَسُوا أَثَوَابَ الْحُزْنِ عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ وَلِبَاسِ الْحُزْنِ عِنْدَ النَّاسِ لَيْسَ إِلَّا الثُّوبُ الْأَسْوَدُ، فَتَأَمَّلْ.

وَمِنْهَا مَا رَوَاهُ (رِه) فِي الْبَابِ الْمَذْكُورِ إِلَى أَنْ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْوَصِيفُ يَا سَكِينَةَ اخْفُضِي صَوْتَكَ فَقَدْ أَيْبَمْتُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَوْبَ الْوَصِيفِ أَخَذَ بِيَدِي فَأَدْخَلَنِي الْقَصْرَ فَذَا بِخَمْسِ نِسْوَةٍ قَدْ عَظَّمَ اللَّهُ تَعَالَى خَلْقَهُنَّ وَزَادَهُ فِي نُورِهِنَّ وَبَيْنَهُنَّ امْرَأَةً عَظِيمَةَ الْخَلْقَةِ نَاشِرَةً شَعُورَهَا وَعَلَيْهَا ثِيَابٌ سَوْدٌ بِيَدِهَا قَمِيصٌ مَضْمُخٌ بِالدِّمِّ وَإِذَا قَامَتْ يَقْمَنُ مَعَهَا وَإِذَا جَلَسَتْ جَلَسَ مَعَهَا فَقُلْتُ لِلْوَصِيفِ مَا هَؤُلَاءِ النِّسْوَةُ اللَّاتِي قَدْ عَظَّمَ اللَّهُ خَلْقَهُنَّ فَقَالَ يَا سَكِينَةُ هَذِهِ حَوَاءُ أُمِّ الْبَشَرِ وَهَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَهَذِهِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَهَذِهِ سَارَةُ وَهَذِهِ الَّتِي بِيَدِهَا الْقَمِيصُ الْمَضْمُخُ وَإِذَا قَامَتْ يَقْمَنُ مَعَهَا وَإِذَا جَلَسَتْ يَجْلِسُ مَعَهَا هِيَ جَدَّتُكَ فَاطِمَةُ الزَّهْرَا عَلَيْهَا السَّلَامُ فَذَنُوتُ مِنْهَا وَقُلْتُ لَهَا يَا جَدَّتَاهُ قَتَلَ اللَّهُ أَبِي وَأَوْتَمَتَ عَلَى صَغُرِ سَنِيٍّ فَضَمَّتَنِي إِلَى صَدْرِهَا وَبَكَتُ بِكَاءٍ شَدِيدًا وَبَكَيْنِ النِّسْوَةِ كُلِّهِنَّ وَقُلْتُ لَهَا يَا فَاطِمَةُ وَيَحْكُمُ اللَّهُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ يَزِيدٍ يَوْمَ فَصْلِ الْقَضَاءِ (الْحَدِيثُ). فَإِنْ لَبَسَ سَيِّدَتُنَا الزَّهْرَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا الصِّيَابَ السَّوَدَ يَكْشِفُ عَنْ عَدَمِ كِرَاهَةِ ذَلِكَ لِلْحُزْنِ، إِلَّا أَنْ يَنْاقِضَ

بأنّ لبسها للسّواد بعد ارتحالها عن هذا العالم لا يدل على عدم كراهة لبس الثوب في هذا العالم الذى هو عالم التكاليف، فتأمل.

و منها ما فى شرح ابن ابى الحديد على نهج البلاغة عن الاصبغ بن نباتة قال دخلت مسجد الكوفة بعد قتل اميرالمؤمنين عليه السلام و رأيت الحسن و الحسين عليهما السلام لابسى السواد؛ فان فعلهما حجة و فى نهاية العبد اقدمهما على ارتكاب المكروه كراهة شديدة، بل اقدمهما عليهما السلام على ذلك يكشف عن رجحانه لانه الاصل فى افعالهم كما تقرر فى محله. و منها ما فى جزء السادس عشر من الشرح المذكور عن المداينى انه قال لما توفى على عليه السلام خرج عبدالله بن العباس بن عبدالمطلب الى الناس فقال ان اميرالمؤمنين عليه السلام توفى و قد ترك خلفا فان احببتم خرج اليكم و ان كرهتم فلا احد على احد فبكى الناس و قالوا بل يخرج الينا فنخرج الحسين عليه السلام فخطبهم فقال ايها الناس فانا امرائكم و اوليائكم و انا اهل البيت الذين قال الله فينا انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت فبايعه الناس و كان خرج اليهم و عليه ثياب سود، و دلالتة كسابقه؛ الى غير ذلك مما يقف عليه المتتبع من الاخبار.

و قد تحصل من ذلك كلّ عدم كراهة لبس السواد فى عزاء الائمة عليهم السلام بل رجحانه بل عدم كراهة لبس السواد فى عزاء مطلق المؤمن احتراماً له بل رجحانه لما دل من العقل و النقل على حسن احترام المؤمن حيّاً و ميّتاً و ما دل على رجحان العزاء عليه؛ و النسبة بين تلك الادلة و بين ادلة كراهة لبس السواد - و ان كان هو العموم من وجه - الا ان ترجّح تلك الادلة بالسيرة القويمة و الله العالم.

و يؤيد ما ذكرنا ما عن ابن شهر آشوب من ان السّواد حداد آل محمد صلّى الله عليه و آله و سلم و شهداء كربلاء و زيد و يحيى، و ما عن ابن فهد فى التحصين من أنّه قيل لراهب رأى عليه مدرعة

شعر سوداء ما الذى جعلت على لبس السواد؟ فقال هو لباس المحزونين و انا اكبرهم،
فقليل له و من اى شىء انت محزون؟ قال لاننى اصبت فى نفسى و ذلك اننى قتلتها فى
معركة الذنوب فانا حزين عليها ثم اسبل دمعته. القصة.^۱

نتیجه:

سیاه پوشی شیعیان در عزاداری یک نوع اظهار محبت و ارادت به ساحت مقدس
امامان اهل بیت علیهم السلام و اظهار همدردی با صاحب عزای اصلی و حجت الهی حضرت
حجت بن الحسن المهدی ارواحنا فداء است.

سیاه پوشی حضرات معصومین علیهم السلام فعل خود معصوم است.
سیاه پوشیدن ، اقتدا به سیره اهل بیت علیهم السلام در عزاداری ها می باشد.

۱ . سیاهپوشی درسوگ ائمه نور علیهم السلام ، ص ۲۱۸ - ۲۲۱.

فصل ششم: مرثیه خوانی ، نوحه سرایی و شعر

از آیین‌های عزای امام حسین علیه السلام در فرهنگ و سیره اهل بیت علیهم السلام مرثیه سرایی و مرثیه خوانی است.

واژه «رثاء و مرثیه»:

در لغت نامه‌های عرب «رثاء» از ریشه «ر ث ی» به معنای «گریستن بر مرده» و «برشمردن نیکویی‌های او» و «شعرگفتن درباره مرگ کسی با اظهار دلسوزی» است.^۱ در لغت فارسی ، «مرثیه» عبارت است از: «عزاداری»، «در عزای کسی شعر سرودن» ، «گریستن بر مرده و بر شمردن خوبی‌های او» را سوگواری، «روضه»، «مراسم سوگواری که یاد شهدای کربلا بر پا کنند»، «اشعاری که در ذکر مصیبت‌های معصومان علیهم السلام می‌خوانند».^۲

در کتاب امالی شیخ مفید رحمته الله از قول ابراهیم بن واحد نقل شده است:

«اول شعر رثی به الحسین بن علی علیه السلام قول عقبه بن عمرو السهمی؛ اولین شهری که برای حسین علیه السلام سروده شد، کلام عقبه بن عمر سهمی است».^۳

توصیه‌های اهل بیت علیهم السلام مبنی بر بزرگداشت واقعه دلخراش طف و عمق و شدت تراژدی عاشورا از عواملی است که بسیاری از ادیبان متعهد را از دوره‌های خفقان بار اموی و عباسی تاکنون تحت تأثیر قرار داد و عواطفشان را شعله ور ساخت و آنان سوگ سروده‌هایی از خود پیرامون واقعه کربلا به جای گذاشته‌اند. و در تاریخ شیعه شعرای برجسته همچون فرزددق، کمیت، عبدالله بن کثیر، دعبل و سید حمیری،

۱ . زبیدی، تاج العروس، ج ۱۹، ص ۴۴۷؛ ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۵، ص ۹۰؛ فراهیدی، العین، ج ۸،

ص ۲۳۴؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۰۹.

۲ . دهخدا، لغت نامه، ج ۱، ص ۱۴۵۲؛ معین، فرهنگ معین، ص ۷۲۸.

۳ . مفید، امالی، ص ۳۲۴.

فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام به ویژه شهدای کربلا را به بهترین شکل ترسیم کرده-
 اند. استاد جواد شبر بخشی از مراثی سیدالشهدا علیهم السلام را در فرهنگی قطور به نام «ادب
 الطف»^۱ و کتاب «عبرات المصطفین» اثر: آقای محمودی، «شعراء کربلا او
 الحائریات» اثر: آقای علی الخاقانی محتوی معرفی ۸۴ تن شاعر این شهر می باشد^۲ و
 «عاشورا فی الادب العاملی المعاصر» اثر: سید حسن نورالدین، پیرامون شاعران جبل
 عامل و محتوا و سبک های شعری آنان پیرامون حادثه کربلا را می توان نام برد.

واژه «نوحه و نیاچه»

در لغت نامه های عربی، «نوحه» و «نیاچه» از ریشه «ن و ح» به معنای گریه و زاری
 و شیون بر مرده تعریف شده است.^۳
 در لغت نامه های «العین» و «الصاح» به معنای: «اجتماع زنان در مرگ و اندوه» و
 همچنین «شیون زنان بر مردگان خود» آمده است.^۴

۱. ادب الطف او شعراء الحسین علیهم السلام من القرن الاول الهجری حتی القرن الرابع عشر، اثر: سید جواد
 شبر مشتمل است بر شرح حال و نمونه اشعار بیش از ۵۰۰ شاعر که درباره امام حسین علیهم السلام به
 عربی شعر سروده اند. (ویکی نور)

این کتاب مجموعه ای ده جلدی به زبان عربی است که به بیان اشعار و معرفی شاعران حسینی در
 طول ۱۴ قرن می پردازد. نخستین شاعر معرفی شده، عقبه بن عمرو سهمی است که در اواخر قرن
 اول، شعری درباره امام حسین علیهم السلام و شیهدان کربلا سروده است. آخرین شاعر هم شیخ مهدی
 حجار است که در سال ۱۳۸۵ق درگذشت. (کتابشناسی تاریخی امام حسین علیهم السلام، ص ۱۷۸-۱۷۹،
 محمد اسفندیاری)

کتاب ادب الطف، به سال ۱۴۰۹ق توسط انتشارات دارالمرتضی در بیروت منتشر شد. (ویکی شیعه)
 ۲. الذریعه، ج ۱۴، ص ۱۹۴.

۳. ابن درید، جمهره اللغه، ج ۱، ص ۵۷۵؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۶۲۷.

۴. جوهری، الصاح، ج ۱، ص ۴۱۴؛ فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۳۰۴.

اشکالی ندارد که «نوحه» به معنای شیون و اندوه و گریه باشد؛ زیرا اجتماع زنان نیز بدین جهات است.^۱

در لغت نامه‌های فارسی «نوحه» این‌گونه تعریف شده است: «بیان مصیبت، گریه کردن با صدا و شیون و زاری، شعری که در سوگوباری با صوت حزین و ناله و زاری خوانده، اعم از سوگوباری برای کسی که تازه وفات کرده، یا برای امامان شیعه علیهم‌السلام». ^۲

شواهدی از منابع تاریخی:

۱: در جنگ اُحُد، شهادت مجاهدان فداکار به ویژه شهادت حضرت حمزه علیه‌السلام برای پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله و سلم و مسلمانان بسیار سخت بود، به طوری که وقتی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه و آله و سلم پس از بازگشت به مدینه از کنار خانه انصار گذشتند، صدای نوحه و گریه زنان انصار را که بر شهدای خود می‌گریستند شنیدند (فسمع بكاء النواضح) چشمان مبارکشان پر از اشک شد آنگاه فرمودند: عمویم حمزه امروز گریه کن ندارد.^۳ لکن حمزه لا بواکی له اليوم . جماعت بسیاری در سوگ حضرت حمزه علیه‌السلام و شهدای اُحُد مرثیه سرایی نموده‌اند از جمله:

صفیه در سوگ برادرش حضرت حمزه علیه‌السلام ؛ کعب بن مالک انصاری در قصائد بسیار؛ حسان بن ثابت در قصیده‌های متعدد مرثیه سرایی نموده‌اند.^۴

۱. لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴، ذیل کلمه ماتم.

۲. دهخدا، لغت نامه، ج ۲، ص ۳۰۵۸؛ معین، فرهنگ معین، ص ۱۷۰۴.

۳. حضرت حمزه علیه‌السلام حامی رسالت، ص ۶۳؛ حلبی، السیره الحلبیه، ج ۲، ص ۲۶۰.

کتاب «حضرت حمزه علیه‌السلام حامی رسالت» توسط محققین و پژوهشگران حوزه علمیه اصفهان در سال ۱۳۹۷ش به زیور طبع آراسته گردید.

۴. حضرت حمزه علیه‌السلام حامی رسالت، صص ۶۴-۶۹.

در کتاب شریف «وسائل الشیعه» بابی منعقد شده است با عنوان: «باب جواز النوح و البكاء علی المیت و القول الحسن عند ذلک الدعاء» باب جواز نوحه کردن و گریستن بر مرده و گفتار نیکو و دعا کردن در آن وقت.^۱

هنگامی که رسول خدا ﷺ به شهادت رسید، نزدیکان، یاران و صحابه ایشان در فقدان آن حضرت، عزاداری و مرثیه سرایی نمودند از جمله:

حضرت زهرا علیها السلام؛ صفیه دختر عبدالمطلب^۲؛ حسان بن ثابت^۳؛ ابوسفیان بن حارث بن عبدالمطلب بن هشام^۴؛ ابوذؤیب هذلی^۵؛ ابوهیثم بن تیهان^۶؛ ام رعله قشیری^۷؛

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۴۱.

۲. العقد الفرید، ج ۳، ص ۲۱۸؛ النهایه، ج ۳، ص ۱۵۶؛ تاج العروس، ج ۲، ص ۲۰۶.

۳. ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۱۲. صفیه دختر عبدالمطلب بن هاشم به عبدمناف، عمه پیامبر و حضرت علی علیه السلام، مادر زبیر بن عوام و خواهر حمزه سیدالشهدا علیه السلام می باشد که اضافه بر قدرت سرودن شعر و داشتن شجاعت و رسیدن به حضور رسول خدا ﷺ، از آن حضرت حدیث هم روایت کرده است. زنان دانشمند و راوی حدیث، ص ۱۸۷.

صفیه اولین زن مسلمانی است که، مردی از مشرکین را به قتل رسانده است. همان، ص ۱۸۷ به نقل از اسدالغابه، ج ۵، ص ۴۹۳.

۴. سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۶۶۶-۶۶۹.

۵. ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۴۴.

۶. همان، ص ۹۷.

۷. ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۴، ص ۱۸۴.

۸. الاصابه، ج ۴، ص ۲۷۶.

اُمّ رعله قشیری: این زن از بانوان شاعر، خوش بیان، فصیح و روای حدیث می باشد. تاریخ نویسان می گویند: ام رعله از مدینه خارج شد و دیگر در شهر مدینه دیده نشد، تا اینکه رسول خدا ﷺ وفات یافت، وقتی به شهر آمد که مدینه، دیگر رسول خدا ﷺ را نداشت و مردم هم عموماً به «ارتداد» و ترک سخنان و سفارش های پیامبر خدا ﷺ (درباره خلافت) گرفتار شده بودند. (الاصابه، ج ۴، ص ۴۵۰) وی به حضورا مام حسن و امام حسین علیهما السلام رسید، به آنان احترام و اظهار علاقه زیادی کرد و همچون پروانه دور آنان می چرخید. (ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۹۶) و بعد هم

عامر بن طفیل^۱؛ سواد بن قارب^۲ و^۳.

۲: حضرت زهرا علیها السلام، سرور زنان دو جهان، در رثای پدر بزرگوارشان شعرهایی را خوانده که موجب برانگیختن حزن و اندوه انسان می‌شود از جمله:

ان حزنی علیک حزن جدید
و نوادی واللّه صب عیند
کل یوم یرید فیه شجونى
واکتیابی علیک لیس یبید
همانا حزن من برای تو حزن تازه‌ای است و قلبم به خدا قسم جریحه دار و سخت
شده و هر روز غصه‌ام گلوگیرتر می‌شود و چهره‌ام در غم تو شکسته می‌شود، که این
نابود شدنی نیست.^۴

۳: امیرالمؤمنین علیه السلام در مصیبت شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این مرثیه را ایراد فرمود:

نَفْسِی عَلَی زَفَرَاتِهَا مَحْبُوسَةٌ
يَا لَيْتَهَا خَرَجَتْ مَعَ الزَّفَرَاتِ
لَا خَيْرَ بَعْدَكَ فِي الْحَيَاةِ وَإِنَّمَا
أُبْكِي مَخَافَةَ أَنْ تَطُولَ حَيَاتِي
جانم در ناله‌ها زندانی است، کاش با این ناله‌ها خارج می‌شد؛ زندگی بعد از تو خیری
ندارد و من گریه می‌کنم از ترس طولانی شدن عمرم.^۱

در کوچه‌ها و محله‌های مدینه می‌گشت و آه و ناله سوزناکی سر می‌داد، به طوری که با شنیدن ناله‌های سوگوارانه وی، همه خانه‌های انصار همنوا می‌شدند، و در سوگ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و بر حوادث تلخ پس از شهادت آن وجود نازنین، آوای ناله‌ها، فضای مدینه را انباشته می‌ساخت! (الاصابه، ج ۴، ص ۴۵۰؛ اعلام النساء المومنات، ص ۱۵۴) یکی از چکامه‌ها و مرثیه‌های «ام رعله» هم چنین است:

یا دار فاطمه المعمور ساحتها!
هیجت لی حزنا حییت من دار
ای خانه فاطمه! ای که روزگاری فضای تو را عمران و آبادی انباشته ساخته بود.
امروز امواج غم و اندوه را شعله‌ور می‌سازی، و اما خانه دلم با وجود یاد تو آباد و زنده می‌گردد! (زنان دانشمند و راوی حدیث، ص ۸۴).

۱. الاصابه، ج ۳، ص ۵۴.

۲. الروض الانف، ج ۳، ص ۲۴۹.

۳. تاریخچه عزاداری اهل سنت بر امام حسین علیه السلام، صص ۹۳-۱۰۴.

۴ - بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۶.

بعضی از بزرگان این اشعار حضرت علی علیه السلام را در مصیبت همسر بزرگوارشان حضرت زهرا علیها السلام نقل نموده‌اند.

در روایت آمده است که امام حسین علیه السلام بعد از شهادت برادر بزرگوارشان امام حسن مجتبی علیه السلام هنگامی که او را در قبر قرار دادند در رثای آن بزرگوار اشعاری ایراد فرمودند.^۲

واژه «شعر»

«شعر» از ماده «ش ع ر» به معنای «شناخت دقیق همراه با فطانت و موشکافی» است.^۳

برای همین شاعر به کسی گفته می‌شود که با قدرت تحلیل خود، دقیق‌ترین مطالب را که دیگران از فهم و درک آن عاجزند، به خوبی درک کند و در قالب سخنانی موزون و زیبا به دیگران بفهماند.^۴

احادیث

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

يَا بَشِيرُ رَحِمَ اللَّهُ أَبَاكَ لَقَدْ كَانَ شَاعِرًا فَهَلْ تَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ مِنْهُ قُلْتُ بَلَى يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي لَشَاعِرٌ قَالَ فَادْخُلِ الْمَدِينَةَ وَانْعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ .

«ای بشیر! خداوند رحمت کند پدرت را که شاعر بود. آیا تو نیز می‌توانی چند شعری بگویی؟

گفتم: بلی ای فرزند رسول خدا! من نیز شاعرم.

۱. دیوان امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۱۲۳؛ بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۵۴۷؛ تسلیه المجالس، ج ۱، ص ۲۴۱.

۲. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۶۰.

۳. جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۶۹۸؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۴۱۰.

۴. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱، ص ۴۵۶.

فرمود: داخل مدینه شو و خبر شهادت اباعبدالله الحسین علیه السلام را به مردم برسان.^۱
 ابوطالب قمی شعری در فضیلت امام سجاد علیه السلام سرود و آن را برای امام باقر علیه السلام نوشت
 و اجازه خواست درباره آن حضرت نیز شعر بسراید. امام باقر علیه السلام در جای خالی بالای
 همان کاغذ نوشت: «کار نیکی انجام دادی، خداوند پاداش خیر به تو عنایت فرماید».^۲
 حسن بن جهم می گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: «هیچ مؤمنی در مدح
 ما شعری نمی سراید، مگر آنکه خداوند برای او شهری در بهشت بنا کند که هفت
 مرتبه از تمام دنیا بزرگ تر باشد و در آن شهر تمام ملائکه مقرب و انبیای مرسل به
 دیدار او می آیند».^۳

وثاقت حسن بن جهم:

نجاشی می گوید: حسن بن جهم بن بکیر، ابومحمد ثقه است. از ابوالحسن موسی بن
 جعفر و امام رضا علیه السلام روایت کرده و دارای یک کتاب است که عده ای از اصحاب آن
 را برای ما روایت کرده اند.^۴

وی از کسانی است که امام رضا علیه السلام از شهادتشان به او خبر داده است.^۵
 زید شحام می گوید: ما گروهی از اهل کوفه در محضر امام صادق علیه السلام بودیم که جعفر
 بن عفان خدمت آن حضرت رسید. حضرت او را به سوی خود فرا خواند و نزدیک
 خود جای داد. سپس به او فرمود: ای جعفر! به من خبر رسیده که تو درباره امام
 حسین علیه السلام شعر می گویی و این کار را به خوبی انجام می دهی؟

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۷، لهوف، ص ۱۹۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۶۸.

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۹۸.

۴. رجال نجاشی، ص ۴۰.

۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۴-۵؛ بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۵۳، ۱۸۹.

عرض کرد: بله. سپس جعفر شروع به خواندن اشعار کرد و امام صادق علیه السلام با کسانی که گرداگردشان بودند گریستند؛ به طوری که اشک‌های حضرت بر صورت و محاسن شریفش جاری شد. سپس فرمود: ای جعفر! قسم به خداوند! ملائکه مقرب خدا در اینجا حاضر بودند و سخن تو را درباره امام حسین علیه السلام شنیدند و همانا آنها نیز مثل ما، بلکه بیشتر، گریستند و حق تعالی در همین ساعت بهشت را با تمام نعمت‌های آن برای تو واجب گردانید و گناهان تو را آمرزید. سپس فرمود: ای جعفر! می‌خواهی زیادتر بگویم؟

جعفر عرض کرد: بله، سرور من.

حضرت علیه السلام فرمود: هر که در مرثیه حسین علیه السلام شعری بگوید و بگیرد و بگریاند، حق تعالی او را می‌آمرزد و بهشت را برای او واجب می‌گرداند.^۱

وثاقت زید شحام

زید بن محمد بن یونس، ابواسامه لقبش شحام، اهل کوفه روایت می‌کند از دو تن از پیشوایان بزرگوار شیعه، حضرت امام صادق و امام کاظم علیهما السلام، این بزرگوار کتابی دارد که شاگرد بلند مرتبه اش «صفوان بن یحیی» از او روایت می‌کند.^۲ شیخ مفید، زید شحام را یکی از فقیهان و برگزیدگان شیعه می‌داند که شیعیان در مسائل شرعی و احکام دین آموزه‌های مکتب تشیع و فراگیری فتاوا به آن مراجعه می‌کردند.^۳

شیخ طوسی در دو اثر گرانسنگ خود که در زمینه زندگی‌نامه و معرفی چهره‌های محدثان پدید آورده است، زید را بدین‌سان می‌شناساند:

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۹۴؛ البکاء، ص ۳۵۹.

۲. رجال نجاشی، ص ۱۷۵.

۳. معجم رجال الحدیث خویی، ج ۸، ص ۳۷۵.

زید شحام، کنیه‌اش ابواسامه، نام پدرش محمد، شهروند کوفه، و از تبار ازدیان است. او یکی از از راویان موجّه و قابل اعتماد شیعه است.^۱

ابن شهر آشوب: زید الشحام کان من خواص اصحاب ابی عبدالله؛ زید شحام یکی از یاوران ویژه امام صادق علیه السلام بود.^۲ و حامل اسرار آن حضرت به شمار می‌رفت.

علامه مجلسی رحمته الله بعد از نقل دیدگاه نجاشی و شیخ طوسی چنین می‌نگارد: زید شحام در حوزه نشر و گسترش روایات آل البيت علیهم السلام از جایگاه بلند و ممتازی برخوردار است. افزون بر آنکه او چهره بزرگی از محدثان شیعی است.^۳

کشی می‌نویسد: زید شحام به امام صادق علیه السلام عرض کرد: آیا نام من در سلسله گروه اصحاب الیمین – مؤمنان و شیعیان خالص و ولایت‌مدار – قرار دارد؟ حضرت فرمودند: بلی.^۴

از شاگردان وی می‌توان افراد زیر را نام برد:

جمیل بن دراج، ابان بن عثمان، عمار بن مروان، حماد بن عثمان، علی بن نعمان، حسن بن محبوب، سیف بن عمیره، معاویه بن عمار، بکر بن محمد بن ازدی، جعفر بن بشیر، حریر بن عبیدالله سجستانی، ابن ابی عمیر، عبدالرحمان بن حجاج، عبدالله بن مسکان، درست بن ابی منصور و ابراهیم بن عمر الیمانی و ...^۵

قال الصادق علیه السلام: مَا قَالَ فِينَا قَائِلٌ بَيْنَنَا مِنَ الشَّعْرِ حَتَّى يُؤَيَّدَ بِرُوحِ الْقُدُسِ؛ گوینده‌ای در حق ما بیت شعری را نسروده است، مگر آنکه روح القدس او را تأیید کرده باشد.^۶

۱. رجال طوسی، ص ۱۲۲ و ص ۱۹۵؛ فهرست طوسی، ص ۱۲۹.

۲. المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۸۱.

۳. خلاصه الاقوال، ص ۱۴۸.

۴. رجال الکشی، ج ۲، ص ۶۲۸.

۵. فهرست طوسی، ص ۱۲۹؛ رجال نجاشی، ص ۱۲۵؛ جامع الرواة، ج ۱، ص ۳۴۵؛ تنقیح المقال، ج ۲۴، ص ۳۶.

۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۷؛ بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۹۱.

مطابق این سخن، شعر دربارهٔ معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ با تأیید و الهام جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ بر زبان شاعر متعهد جاری می‌شود و شاعر این خاندان حامل پیام الهی روح القدس است. با توجه به اینکه روح القدس امتیاز بزرگی است که هر کسی از آن برخوردار نیست، می‌توان به جایگاه عالی شاعر اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ پی برد.

دستور اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به مرثیه سرایی

۱: علامه مجلسی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ به نقل از متأخرین از دعبل نقل می‌کند که امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ در روز عاشورا فرمود: ای دعبل! هر کس بر مصیبت جدم حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ گریه کند، خداوند حتماً گناهانش را می‌آمرزد. آن گاه امام عَلَيْهِ السَّلَامُ برخاست و پرده‌ای میان ما و خانواده‌اش زد. اهل بیت خود را پشت پرده نشاند تا بر مصیبت جدش حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ گریه کنند. آن گاه رو به من کرد و فرمود: ای دعبل! برای حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ مرثیه بخوان.^۱

۲: امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ به دعبل شاعر فرمود:

یا دعبل! ارث الحسین عَلَيْهِ السَّلَامُ فانت ناصرنا و مادحنا مادمت حیا فلا تقصر عن نصرنا ما استطعت؛ ای دعبل! برای امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ مرثیه بگو، تا زنده‌ای یاور و ستایشگر مایی، پس تا می‌توانی از یاری ما کوتاهی مکن.^۲

(طبق این روایت یکی از شیوه‌های یاری اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بالاخص امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ مرثیه گفتن می‌باشد).

۳: حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره سیرهٔ جدش فرمودند:

«نیح علی الحسین بن علی سنة فی کل يوم و ليلة و ثلاث سنین من الیوم الذی اصیبک فیه»

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۵۷.

۲. جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۶۷.

یک سال تمام، هر شب و روز بر حسین بن علی علیه السلام نوحه خوانی شد و سه سال در روز شهادتش سوگواری برپا گشت.^۱

اجاره کردن نوحه خوان نیز عملی است که در سنت و سیره امامان علیهم السلام برای امام حسین علیه السلام گزارش شده است.

۴: امام صادق علیه السلام می فرماید: پدرم امام باقر علیه السلام به من فرمود:

یا جعفر! اوقف لی من مالی کذا و کذا النوادب تندبنی عشر سنین بمنی ایام منی»
ای جعفر! از مال خودم فلان مقدار وقف نوحه خوانان کن که به مدت ده سال در منا در ایام حج، بر من نوحه خوانی و سوگواری کنند.^۲

۵: امام باقر علیه السلام فرمودند:

بر حسین علیه السلام ندبه و زاری کنید و در خانه ها و اهل آن، عزاداری بر پا نمایید و یکدیگر را در حالت ماتم و تعزیت گویی ملاقات کنند.^۳

۶: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ... ثُمَّ قَالَ: بَلَّغْنِي أَنَّ قَوْمًا يَأْتُونَهُ مِنْ نَوَاحِي الْكُوفَةِ وَ نَاسًا [أَنَاسًا] مِنْ غَيْرِهِمْ وَ نِسَاءً يَنْدُبْنَهُ، وَ ذَلِكَ فِي النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ، فَمِنْ بَيْنِ قَارِيٍّ يقرأ، وَ قَاصٍّ يَقُصُّ، وَ نَادِبٍ يَنْدُبُ، وَ قَائِلٍ يَقُولُ الْمَرَاثِي، فَقُلْتُ: نَعَمْ جَعَلْتُ فِدَاكَ قَدْ شَهِدْتُ بَعْضَ مَا تَصِفُ، فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي النَّاسِ مَنْ يَفِدُ إِلَيْنَا وَ يَمْدَحُنَا وَ يَرْتِي لَنَا وَ جَعَلَ عَدُوَّنَا مَنْ يَطْعُنُ عَلَيْهِمْ مِنْ قَرَابَتِنَا وَ غَيْرِهِمْ يَهْدُونَهُمْ [يَهْدِدُونَهُمْ] وَ يَقْبَحُونَ مَا يَصْنَعُونَ.

عبدالله بن حماد بصری از امام صادق علیه السلام نقل می کند :

۱. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۰۲.

۲. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۰.

۳. کامل الزیارات، ص ۱۷۵.

.... سپس حضرت فرمودند: به من خبر رسیده است که قوم و گروهی از نواحی کوفه و مردمان دیگری از جاهای دیگر برای زیارت امام حسین علیه السلام می آیند و زنانی [به زیارت او می آیند که] در عزای او ندبه می کنند.^۱ و این امر در نیمه شعبان است [که مردم دسته دسته برای زیارت امام حسین علیه السلام مشرف می شوند و در بین مردم گروه-های مختلفی هستند]. خوانندگان [در عزای او] می خوانند و قصه گویند و قصه های مختلف می گویند و بازگو می کنند و ندبه کنندگان بر او ندبه می کنند و خوانندگان مرثیه، به مرثیه خوانی می پردازند. راوی گوید: به حضرت عرض کردم: بلی فدایت کردم، من خود شاهد برخی از آنچه توصیف فرمودید بوده ام.

پس از آن حضرت فرمودند: شکر و سپاس مخصوص خداوندی است که در بین مردم کسانی را قرار داده که به زیارت ما می آیند و به مدیحه سرایی برای ما می پردازند و برای ما مرثیه می خوانند و [شکر خدا که] دشمنان ما را کسانی قرار داده که طعنه می زنند و عیب جویی می کنند اعم از اینکه خویشان ما باشند یا غیر آنان و خون آنان را هدر می دانند و کارهای آنان را تقبیح می کنند و زشت می پندارند.^۲

۷: ابوهارون مکفوف می گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، حضرت مرا امر کرد که ذکر مصیبتی بخوان و من نیز اشعاری خواندم، هارون مکفوف تا مصرع اول مرثیه را برای حضرت خواند، امام صادق علیه السلام چندان گریست که ابوهارون ساکت شد، حضرت فرمود: او را بخوان و تمام کن اشعار را، بیشتر بخوان، که بعد از آن، صدای فریاد و ناله و گریه و ولولۀ زنان در منزل بلند شد.^۳

۱. ندبه کردن: گریه کرد و نوحه گری بر میت به گونه ای که میت را به بهترین اوصافش یاد کند و محاسن و کارهای خوب او را بشمارد.

۲. کامل الزیارات، باب ۱۰۸، ص ۳۲۵-۳۲۶، ح ۸۲۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۹۹؛ هدایة الامه الی احکام الائمه علیهم السلام، ج ۵، ص ۵۰۵.

۳. بزرگترین مصیبت عالم، محمد خادمی، ص ۹۳، به نقل از کامل الزیارات، ص ۸۶.

۸: عن ابی هارون مکفوف قال: «دخلت علی ابی عبدالله علیه السلام: فقال لی: انشدنی، فانشدته فقال: لا، کما تنشدون و کما ترثیه عند قبره، فانشدته: امرر علی جدت الحسین علیه السلام فقل لاعظمه الزکیه، قال: فلما بکی امسکت انا فقال: مر فمررت، قال ثم قال: زدنی قال: فانشدته:

یا مریم قومی اندبی مولاک و علی الحسین علیه السلام فاسعدی بیکاک
قال فبکی و تهاجج النساء. قال: قلما ان سکتین قال لی: یا ابا هارون! من انشد فی الحسین علیه السلام فابکی عشرة فله الجنة، ثم جعل ینتقص واحداً و احداً حی بلغ الواحد، فقال: من انشد فی الحسین علیه السلام فابکی و احدا فله الجنة ثم قال: من ذکره فبکی فله الجنة؛ از ابوهارون مکفوف روایت شده است که گفت:

بر حضرت صادق علیه السلام وارد شدم حضرت به من فرمود: برای من [در مرثیه اباعبدالله الحسین علیه السلام] شعر بخوان. من نیز برای حضرتش به شعر خواند پرداختم.
حضرت فرمود: نه [به این کیفیت]، بلکه آن چنان که شما [در بین خود] شعر می-خوانید^۱ [بخوان] و آنچنان که رثای آن حضرت را در نزد قبر او می خوانی رایم بخوان! من نیز شروع کردم به خواندن این اشعار: بر قبر حسین علیه السلام گذر کن و به استخوان-های پاک او بگو ...

راوی می گوید: هنگامی که آن حضرت گریه کردند من از خواند بقیه اشعار خودداری کردم؛ حضرت فرمودند: به شعر خواندن ادامه بده. من نیز ادامه دادم. راوی گوید: سپس حضرت به من فرمودند: بیشتر برایم بخوان [و این جمله را تکرار کردند]. من نیز این اشعار را برای حضرت خواندم: ای مریم برخیز و برای مولای خود ندبه کن و با گریه خود حسین علیه السلام را یاری کن.

۱. در بعضی از نسخه ها آمده است: یعنی با رقت و لحن رقت انگیز.

راوی گوید: آن حضرت گریه کردند و بانوان از شدت گریه به جوشش و التهاب آمدند. هنگامی که ساکت شدند حضرت به من فرمود: ای اباهارون! هرکس دربارهٔ حسین علیه السلام شعر بخواند و ده نفر با بگیراند بهشت برای او خواهد بود. سپس شروع کردند یک نفر یک نفر کم کنند تا رسیدند به یک نفر و فرمودند: هر کس دربارهٔ حسین علیه السلام شعر بخواند و یک نفر را با آن بگیراند بهشت برای او خواهد بود سپس فرمودند: هر کسی حسین علیه السلام را به یاد آورد و گریه کند بهشت برای او می باشد.^۱

۹: بعد از واقعه کربلا، حضرت ام البنین علیها السلام همواره به بقیع می رفت و با سوزناک ترین ناله، بر سیدالشهدا و اصحابش نوحه گری می کرد.^۲

۱۰: امام صادق علیه السلام به جعفر بن عفان فرمود:

«ما من احد قال في الحسين شعراً فبكي و ابكى به الا اوجب الله له الجنة و غفر له؛ هیچ کس نیست که درباره امام حسین علیه السلام شعری بسراید و بگیرد و با آن بگیراند مگر آن که خداوند، بهشت را بر او واجب می کند و او را می آمرزد.^۳

۱۱: امام صادق علیه السلام نیز فرموده است:

«من انشد في الحسين بيتا من شعر فبكي و ابكى عشرة فله و لهم الجنة و من انشد في الحسين فبكي و ابكى تسعة فله و لهم الجنة ...»

کسی که یک بیت شعر درباره امام حسین علیه السلام بسراید و گریه کند و ده تن یا نه تن را بگیراند جایگاه آنان بهشت است...^۴

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۷.

۲. مقاتل الطالبین، ص ۸۴.

۳. رجال، شیخ طوسی، ص ۲۸۹.

۴. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۹، باب ثواب البكاء علی مصیبة الحسین علیه السلام؛ نفس المهموم، ص ۵۹-۶۰، ح ۱۳.

مرثیه سرایی حضرت ام البنین علیها السلام

علامه سماوی در «ابصار العین» آورده است: حضرت ام البنین علیها السلام هر روز به بقیع می‌رفت و بر حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام مرثیه خوانی می‌کرد. او فرزند حضرت عباس علیه السلام، عبیدالله را با خود می‌برد و مردم برای شنیدن مرثیه خوانی ام البنین علیها السلام گرد می‌آمدند و در میان آنان مروان بن حکم نیز بود. مردم از سوز گریه‌ام البنین علیها السلام می‌گریستند.

از مرثیه های ام البنین علیها السلام

یا من رأى العباس كرّ على جماهير النقد و وراه من ابناء حيدر كلّ ليث ذى لب
أنبت أن ابني أصيب برأسه مقطوع يد ويلي على شبلى أمال برأسه ضرب العمد
لو كان سيفك فى يدىك لما دنى منه أحد^۱

ای کسی که عباس را دیده است که بر دشمنان هجوم می‌آورد، و در پی او دیگر فرزندان حیدر هر یک بسان شیر بیشه‌ای است. به من خبر داده اند که بر سر فرزندم عمود آهنین زدند، در حالی که دست هایش را بریده بودند. وای بر فرزندم! آیا بر سرش عمود آهن فرود آمد؟ اگر شمشیر در دست داشتی، هیچ کس به او نزدیک نمی‌شد!

همچنین می‌خواند:

لا تدعوتى ویک أم البنین تذکّرینى بلیوث العرین
کانت بنون لى ادعى بهم و الیوم أصبحت و لا من
بنین أربعة مثل نسور الرّبی قد واصلوا الموت بقطع الوتین
تنازع الخرصان أشلاء هم فکلّهم أُمسى صریعاً طعین

۱. سفینه البحار، ج ۳، ص ۳۰۸.

یا لیت شعری اکما أخبروا

بأنَّ عَبَّاسًا قَطِيعَ الْيَمِينِ

دیگر مرا «ام البنین» نخوانید؛ که مرا به یاد شیرهای بیشه‌ام می‌اندازد. من پسرانی داشتم که مرا به آنان می‌خواندند، در حالی که امروز هیچ پسری ندارم. چهار پسر همانند باز شکاری داشتم که رگ گردنشان را دشمنان بریدند و پسرانم کشته شدند. نیزه‌های بسیاری بر جسم آنان فرود آمد و آنان در حالی روز به پایان رساندند که همگی با بدن‌های چاک چاک بر روی خاک افتاده‌اند.

کاش می‌دانستم؛ آیا این خبر درست است که دست‌های عباس علیه السلام را بریده‌اند؟^۱ حضرت ام البنین علیه السلام در خروج به بقیع، از فاطمه زهرا علیه السلام الگو گرفته بود. چنانکه آن مظلومه شهیده، حسنین علیه السلام را به همراه گرفته و به بقیع می‌رفت و در آن مکان بر پدر گرامی‌اش می‌گریست.

ابوالفرج اصفهانی می‌گوید: ام البنین مادر آن چهار برادر شهید به بقیع می‌رفت و به سوزناک‌ترین و اندوهناک‌ترین گریه‌ها بر فرزندانش می‌گریست. مردمان نیز نزد و گرد آمده، به او گوش می‌سپردند. مروان نیز در میان آنان برای شنیدن گریه‌های ام البنین می‌آمد و همواره گریه ام البنین را می‌شنید و می‌گریست.^۲

۱. سفینه البحار، ج ۳، ص ۳۰۸؛ ام البنین، مادر پرچمدار کربلا، ص ۲۴۵-۲۴۶، به نقل از ابصار العین، ص ۳۱-۳۲.

۲. مقاتل الطالبین، ص ۹۰.

سید جمال اشرف در پاورقی کتاب ام البنین، ص ۲۴۴ می‌نویسد: گریه‌های ام البنین بسیار اندوهناک بود؛ اما این گریه‌ها نمی‌تواند دل مروان بن حکم، وزغ بن وزغ، را متأثر گرداند. از سخن ابوالفرج چنین استفاده می‌شود که گریه ام البنین علیه السلام، آتش در دل‌ها می‌افکند، به گونه‌ای که مروان با تمام سنگدلی‌اش متأثر می‌شد. اما این موضوع، در خصوص این لعین، غیر قابل تصور است؛ زیرا مروان کسی است که با اهل بیت علیه السلام پیکار کرد و لحظه‌ای از عمر نامبارک خویش را از پیکار با آنان نایستاد. او کسی است که دشمنان را علیه اهل بیت علیه السلام گرد می‌آورد و دیگران را علیه آنان می‌شوراند و در زمان حیات و پس از زمان وفات اهل بیت علیه السلام، علیه آنان حيله و نیرنگ به کار

کراحت نداشتن مرثیه سرایی اهل بیت علیهم السلام در شب و روز جمعه

برخی روایات دلالت دارد به اینکه شعر خواندن در شب‌ها، شب و روز جمعه و تمام ماه مبارک رمضان کراحت دارد.^۱

اما از کلمات نورانی معصومین علیهم السلام و سیره علمی آنان معلوم می‌شود که کراحت یاد شده، شامل اشعار مرتبط با مدح و سوگ اهل بیت علیهم السلام نمی‌شود از جمله:

۱: از امیرمؤمنان علیه السلام نقل است که در شب ۱۹ رمضان اشعاری درباره شهادت خود خواندند.^۲

۲: اشعار متعددی از امام حسین علیه السلام در روز عاشورا که مطابق با روز جمعه بود نقل کرده‌اند.^۳

۳: خَلَفَ بْنِ حَمَّادٍ^۴ از امام رضا علیه السلام پرسید: شیعیان از پدران شما روایت می‌کند که شب و روز جمعه و ماه رمضان و شب‌ها شعر خواندن کراحت دارد و من تصمیم

می‌بست وی کسی است که قلبش از شهادت امام علیه السلام شفا یافت . هنگامی که سر مبارک امام را نگریست با این اشعار اظهار خوشحالی و شادکامی نمود:

يَا حَبْدًا بَرْدَكَ فِي الْيَدَيْنِ وَ لَوْ نَكَ الْأَحْمَرُ فِي الْخَدَيْنِ
كَأَنَّهُ بَاتَ بِمَجْسِدَيْنِ شَفَيْتَ مِنْكَ النَّفْسَ يَا حُسَيْنَ

به به! از سردی تو در میان دست‌ها و رنگ قرمزی که در گونه‌های خویش داری، گویا در میان طلا و نقره خوابیده [که گونه‌هایش چنین گلگون و درخشان است]. از خون حسین ، قلبم شفا یافته است.

۱ . نک: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ يُكْرَهُ رَوَايَةُ الشَّعْرِ لِلصَّائِمِ وَ لِلْمُحْرِمِ وَ فِي الْحَرَمِ وَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ أَنْ يُرَوَى بِاللَّيْلِ.» طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۹۵.

۲ . ارشاد، ج ۱، ص ۱۱۷.

۳ . ارشاد، ج ۲، ص ۹۵.

۴ . خلف بن حماد: راوی شیعی قرن ۲ و ۳ ، از اصحاب امام کاظم علیه السلام است. رجالیان شیعه وی را توثیق کرده اند. نام او در اسناد نزدیک به ۸۰ روایت در کتب اربعه شیعه آمده است که غالباً

گرفته‌ام برای امام کاظم علیه السلام مرثیه سرایی کنم. با اینکه ماه رمضان است. حضرت فرمود: مرثیه سرایی کن برای آن حضرت در شب جمعه و ماه رمضان و بقیه ایام، خداوند تو را پاداش خواهد داد.^۱

بر پایه همین روایات است که فقهای شیعه اشعار مربوط به اهل بیت علیهم السلام را نه تنها از حکم کراهت خارج کرده‌اند، بلکه به استحباب آن در تمام اوقات فتوا داده‌اند.^۲

اجرت گرفتن برای مرثیه خوانی و تعیین آن

شاعر اهل بیت علیهم السلام با هنر زیبا و کلام رسای خود، امامان علیهم السلام را بر مردم می‌شناساند و آنها را به پیروی از ایشان دعوت می‌کند، امامان معصوم علیهم السلام هنگامی که

مضمون فقهی دارند. (دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۶، ص ۱۹) نجاشی وی را ثقه خوانده است. علامه حلی در خلاصه الاقوال، ص ۱۳۹ و ابن داوود حلی در کتاب الرجال، ص ۸۸ نیز به تبع توثیق نجاشی او را در بخش اول کتاب رجال خود (ممدوحین و معتمدین) آورده و به تصحیف ابن غضائری نیز اشاره کرده است. رجالیان متأخر و معاصر نیز توثیق نجاشی را ترجیح داده‌اند. (تنقیح المقال، ج ۲۵، ص ۳۸۱؛ معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۶۶؛ قاموس الرجال، ج ۴، ص ۱۹۴؛ الوجیزه فی الرجال مجلسی، ص ۷۴)

بزرگانی چون ابراهیم بن هاشم، حسن بن علی و شاء، صفوان بن یحیی، علی بن اسباط، محمد بن خالد برقی، محمد بن سنان، محمد بن عیسی از او روایت کرده‌اند. (معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۶۳-۶۴؛ روایات وی در کتب اربعه شیعه ر.ک: معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۳۹۲-۳۹۶).

خلف بن حماد کتابی داشته است که محمد بن حسین بن ابی خطاب و محمد بن خالد برقی آن را روایت کرده‌اند. (فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، ص ۱۷۶)

۱. عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَادٍ قَالَ: قُلْتُ لِلرَّضَا عِ إِنَّ أَصْحَابَنَا يَرَوْنَ عَنْ آبَائِكَ عليهم السلام - أَنَّ الشَّعْرَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ - وَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ فِي اللَّيْلِ مَكْرُوهٌ وَ قَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَرْتِي أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام وَ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ - فَقَالَ لِي ارْتِ أَبَا الْحَسَنِ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ - وَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ فِي اللَّيْلِ وَ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ فَإِنَّ اللَّهَ يُكَافِئُكَ عَلَى ذَلِكَ. (وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۵۹۹)

۲. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۲۰.

شاعران و مرثیه سرایان خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حضورشان شرفیاب می شدند آنان را مورد تشویق و دلجویی قرار داده و عمل آنها را نوعی دفاع از مکتب اهل بیت علیهم السلام تلقی کرده و از آنها درخواست می کردند که سروده های خویش را در حضورشان بخوانند که به برخی از این عطایا اشاره می کنیم:

۱: پاداش امام سجاد علیه السلام به فرزدق

هشام بن عبدالملک ، پادشاه اموی ، به حج آمده بود. در ازدحام مسجدالحرام نتوانست حجرالاسود را استلام کند. در جایگاهی نشست و اهل شام او را طواف می دادند. در این حال، امام سجاد علیه السلام وارد مسجدالحرام و مشغول طواف شد. او دید که مردم کنار می روند و به امام راه می دهند تا ایشان به راحتی حجرالاسود را استلام کند. مردی شامی از هشام پرسید: «امیرمؤمنان! این مرد کیست؟» هشام برای اینکه اهل شام به امام رغبت پیدا نکنند، به دروغ گفت: «او را نمی شناسم».

ابوفراس فرزدق شاعر حاضر بود. گفت: «ولی من او را می شناسم.» سپس شعر زیبایی در وصف امام سجاد علیه السلام سرود و آن را خواند. هشام خشمگین شد. جایزه های که به او نداد، به او هم عتاب کرد و گفت: «چرا درباره ما چنین شعری نمی سازی؟»

فرزدق پاسخ داد: «تو جدی همانند جد امام سجاد علیه السلام و پدری مثل پدر او و مادری نظیر مادر او برای خود بیاور تا درباره تو نیز مثل آن بسرایم!»

هشام وی را در عُسفان ، جایی بین مکه و مدینه، زندانی کرد. خبر به امام سجاد علیه السلام رسید، امام، دوازده هزار درهم برایش فرستاد و فرمود: «ای ابافراس! عذر ما را بپذیر. اگر بیش از این داشتیم آن را به تو می دادیم».

فرزدق پول را برگرداند و عرض کرد: «ای پسر رسول خدا! آن اشعار را جز برای خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم نگفتم و در صدد پاداش مادی آن نبودم».

امام سجاد علیه السلام دوباره پول را برایش فرستاد و فرمود: «به حقّی که من بر تو دارم، آن را بپذیر. خداوند از جایگاهت آگاه است و نیت تو را می‌داند». فرزدق صلّه امام را پذیرفت و در زندان هشام با شعر خویش، هشام را هجو می‌گفت.^۱

۲: عطا کردن امام باقر علیه السلام پیراهن خود را به کمیت

امام باقر علیه السلام پس از شنیدن شعر کمیت رو به کعبه کرد و سه بار فرمود: بار خدایا! رحمت نما و او را بیمارز. سپس فرمود: ای کمیت! این صد هزار درهم است که از اهل بیتم برایت جمع کرده‌ام. کمیت عرض کرد: نه، به خدا سوگند! پول را نمی‌گیرم تا خدای متعال پاداشم را بدهد؛ ولی خواهشمندم یکی از پیراهن‌های خود را به من هدیه دهید. امام هم پیراهنی به وی داد.^۲

کمیت در محضر امام صادق علیه السلام

کمیت در ایام تشریق^۳ شرفیاب محضر مبارک امام صادق علیه السلام شد، اجازه گرفت تا اشعارش را بخواند، حضرت اشاره به عظمت ایام تشریق فرمود، او عرض کرد که اشعارم مربوط به شماسست، ابیات گذشته را قرائت کرد، صدای گریه حاضرین بلند شد و بسیار اشک ریختند. هنگامی که چهار بیت اخیر را درباره سیدالشهدا علیه السلام خواند، امام صادق علیه السلام دست‌های مبارک را بلند کرده و دعا نمود: خدایا! گناهان گذشته و آینده، مخفی و آشکار کمیت را بیمارز، آن قدر به او عطا کن تا راضی و خشنود گردد. سپس حضرت هزار سکه طلا و لباس‌هایی به او عنایت فرمود.

کمیت سوگند یاد نمود که: من برای دنیا به شما محبت نمی‌ورزم و گرنه نزد اهل دنیا (یعنی خلفا) می‌رفتم. من شما را برای (خدا و) آخرت دوست دارم، لباس‌هایی

۱. بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۲۴.

۲. بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۳۳۳.

۳. ایام منی پس از عید قربان، یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه. (مجمع البحرین).

که به بدن (پاک و طاهر) شما اصابت کرده برای تبرک می‌پذیرم ولی مال (و سکه-های طلا) را نه.^۱

۳: صله امام صادق علیه السلام به اشجع اسلمی

اشجع اسلمی شاعر به عیادت امام صادق علیه السلام آمد و دو بیت برای امام علیه السلام خواند.
امام علیه السلام به خادم خود فرمود: چقدر پول همراه داری؟
عرض کرد: چهارصد درهم. امام صادق علیه السلام چهارصد درهم به او صله داد. اشجع شکرکنان می‌رفت. امام علیه السلام او را طلبید و انگشتی خود را به او عطا کرد که ده هزار درهم قیمت داشت.^۲

۱. عزاداری رمز محبت، ج ۱، ص ۲۰۰، ح ۱۷۲، به نقل از: الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه سید علی خان مدنی، ص ۵۷۰-۵۷۱؛ الغدیر، ج ۲، ص ۱۹۲.

قال محمد بن سعد: دخلت مع الكمیت علی ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام فی ایام التشریق، فقال: جعلت فداک الا أنشدک؟ قال: انها ایام عظام! قال: انه فیکم، قال علیه السلام: هات، فانشدته قصیدته التي اولها:

الا هل عم فی رأیه متأمل و هد مدبر بعد الإساءة مقبل ...

فکثر البکاء و ارتفعت الاصوات، فلما امر علی قوله فی الحسین علیه السلام :

کان حسینا و البهالیل حوله
لا سیافهم ما یختلی المتقبل
یخضن بهم من آل احمد فی الوغی
دما ظل منهم کالبهیم المحجل
فلم ار مخذولاً اجل مصیبه
و اوجب منه نصره حین یخذل
یصیب به الرامون عن قوس غیرهم
فیا آخر اسدی له الغی اول

رفع ابو عبدالله علیه السلام یدیه، و قال: اللهم اغفر للکمیت ما قدم و آخر، و ما أسرّ و اعلن، و اعطه حتی یرضی.

ثم اعطاه الف دینار و کسوه، فقال له لکمیت: و الله ما احببتکم للدنیا، و لو اردتها لاتیت من هی فی یدیه، و لکنی احببتکم للآخرة، فاما الثیاب التي اصابت اجسادکم فانی اقبلها لبرکتها، و اما المال فلا اقبله.

۲. بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۴.

۴: صله امام رضا علیه السلام به دعبل خزاعی و ابونواس حسن بن هانی

یاسر خادم گزارش کرده است: «ابونواس حسن بن هانی» در مدم امام رضا علیه السلام شعری سرود و آن را خواند. امام رضا علیه السلام به او فرمود: ای حسن بن هانی! ابیاتی را گفتی که پیش از تو کسی مثل آن را نسروده است. خداوند جزای خیرت دهد. سپس به خادم خویش فرمود: چقدر پول داریم؟ عرض کرد: سیصد دینار. امام علیه السلام به او امر کرد آنها را به ابونواس بدهد. علاوه بر آن اسب خویش را هم به او بخشید.^۱

اجرت گرفتن از صاحب مجلس توسط مداحان

بر اساس این احادیث، اجرت گرفتن و پول از صاحب مجلس توسط مداحان اگر بدون شرط و تعیین مبلغ باشد، هیچ اشکالی ندارد؛ ولی اگر مرثیه سرایی اهل بیت علیهم السلام را به شرط گرفتن مبلغ هنگفت قبول کنند، اگر چه حرام نیست، مذموم است و با اخلاصی که شایسته آنان است منافات دارد. همان طور که امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: اصل الاخلاص الیأس عما فی ایدی الناس؛ ریشه اخلاص ناامید شدن از چیزهایی است که در دست مردم است.^۲

دستور به مرثیه سرایی اهل بیت علیهم السلام

۱: سفیان گوید: نزد امام صادق علیه السلام رفتم، حضرت فرمود: به ام فروه - دختر حضرت - بگویند بیاید تا بشنود چه بر سر جدش آمده است. او آمد و پشت پرده نشست، حضرت به من فرمود: بخوان، شروع کردم به خواندن اشعارم، ناله ام فروه بلند شد و فریادی کشید، صیحه بانوان دیگر نیز به گوش می رسید، مردم مدینه از شنیدن صدای شیون و ناله (تعجب کرده سراسیمه) درب خانه حضرت اجتماع کردند،

۱. بشارة المصطفی لشعبة المرتضی، ص ۱۳۴.

۲. تمیمی آمدی، غررالحکم و درالکلم، ص ۱۹۸.

حضرت بلافاصله دستور داد که به آنها گفته شود: کودکی از ما غش کرد، زنان بر او شیون نمودند.^۱

قال الشيخ المازندرانی فی شرح قوله: (عن سفیان بن مصعب العبدی): شاعر کوفی من أصحاب الصادق عليه السلام، و فی رواية قال له عليه السلام: قل شعرا تنوح به النساء.^۲ و فی اخرى قال عليه السلام: «یا معشر الشيعة علموا أولادکم شعر العبدی».^۳

در شرح کافی آمده: سفیان عبدی شاعری از اهل کوفه است، در روایت آمده که امام صادق عليه السلام به او فرمود: شعری بگو تا زنان با آن نوحه سرایی نمایند. در حدیث دیگر نقل شده که فرمود: ای شیعیان! اشعار عبدی را به فرزندانان بیاموزید.

۲: عبدالله بن غالب گوید: شرفیاب محضر مبارک امام صادق عليه السلام شده و در عزای سیدالشهدا عليه السلام مرثیه سرایی نمودم، هنگامی که به بیت گذشته رسیدم، شیون و ناله بانویی که گریه می کرد از پشت پرده بلند شد: (آه) ای پدر!^۴

۱. کافی، ج ۸، ص ۲۱۵-۲۱۶؛ الغدير، ج ۲، ص ۲۹۴. سُفْيَانُ بْنُ مُصْعَبٍ الْعَبْدِيُّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ: قُولُوا لَأُمِّ فَرْوَةَ تَجِيءُ فَتَسْمَعُ مَا صَنَعَ بِجَدِّهَا، قَالَ: فَجَاءَتْ فَقَعَدَتْ خَلْفَ السُّتْرِ، ثُمَّ قَالَ: أَنْشِدُنَا، قَالَ: فَقُلْتُ:

فَرُّوْهُ جُوْدِي بِدُمْعِكِ الْمَسْكُوبِ ...

قَالَ: فَصَاحَتْ، وَ صَحْنُ النِّسَاءِ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْبَابُ الْبَابُ، فَاجْتَمَعَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ عَلَى الْبَابِ، قَالَ: فَبَعَثَ إِلَيْهِمْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: صَبِيٌّ لَنَا غُشِيَ عَلَيْهِ فَصَحْنُ النِّسَاءِ.

۲. شرح اصول کافی، ج ۱۲، ص ۲۸۷.

۳. شرح اصول کافی، ج ۱۲، ص ۲۸۷.

۴. کامل الزیارات، ص ۱۰۵؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۸۵.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَأَنْشَدْتُهُ مَرثِيَةَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى هَذَا الْمَوْضِعِ -

۳: عَنْ أَبِي طَالِبٍ يَعْنِي عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الصَّلْتِ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ بْنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَذِنَ لِي أَنْ أُرِثِي أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَغْنَى أَبَاهُ - قَالَ وَ كَتَبَ إِلَيَّ أَنْدُبِي وَ أَنْدُبَ أَبِي.

عبدالله بن صلت گوید: به حضرت جواد الائمه علیه السلام نامه‌ای نوشته و از آن حضرت رخصت طلبیدم که برای پدر بزرگوارش مرثیه سرایی کنم. حضرت در پاسخ نوشت: برای من و پدرم نوحه سرایی (و مرثیه سرایی) کن.^۱

مرثیه سرایی امام حسین علیه السلام بر جناب حر

... ثُمَّ قُتِلَ فَاتَاهُ الْحُسَيْنُ عليه السلام وَ دَمُهُ يَشْخَبُ، فَقَالَ بَخْ بَخْ يَا حُرُّ، أَنْتَ حُرٌّ كَمَا سُمِّيتَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. ثُمَّ أَنْشَأَ الْحُسَيْنُ عليه السلام يَقُولُ:

لَنِعَمَ الْحُرُّ حُرُّ بَنِي رِيَّاحٍ
و نِعَمَ الْحُرُّ إِذْ نَادَى حُسَيْنًا
صَبُورَ عِنْدَ مُخْتَلَفِ الرِّمَاحِ
فَجَادَ بِنَفْسِهِ عِنْدَ الصَّبَاحِ
و زاد بعضهم:

فيا ربّي أضفه في جنان و زوجته مع الحور الملاح

هنگامی که جناب حر به شهادت رسید، حضرت بالای سر او آمد، خون از بدن او جاری بود، حضرت دست به صورت او کشیده و فرمود: تو آزادمردی، چنانکه مادرت نامیده.

و بنابر روایتی فرمود: به به ای حرا! چنانکه نامت را نهاده‌اند تو در دنیا و آخرت حر هستی. سپس شعر مذکور را سرود.^۲

لَبْلَبِيَّةٌ تَسْقُوْا حُسَيْنًا
فَصَاحَتْ بِأَكْيَافٍ مِنْ وَرَاءِ السُّتْرِ وَ أَبْنَاهُ.
بِمِسْقَاةِ الثَّرَى غَيْرُ الثُّرَابِ

۱. رجال کشی، ص ۵۶۷-۵۶۸؛ بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۳۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۹۸.

۲. امالی شیخ صدوق، ص ۱۶۰؛ ارشاد، ج ۲، ص ۱۰۰؛ روضه الواعظین، ص ۱۸۶.

فصل هفتم: حافی / پابرهنه و سربرهنه در عزای مظلوم عالم

در روایت وارد شده است:

«صاحب المصیبة ... يستحب ان يمشي حافياً حاسراً مكشوف الرأس؛ صاحب مصیبت مستحب است که پابرهنه و سربرهنه و سرباز باشد»^۱.

عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَرَ بِغُسْلِ سَعْدِ بْنِ مُعَاذٍ حِينَ مَاتَ ثُمَّ تَبِعَهُ بِلَا حِذَاءٍ وَلَا رِدَاءٍ، فَسُئِلَ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ: إِنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ بِلَا رِدَاءٍ وَلَا حِذَاءٍ فَتَأَسَّيْتُ بِهَا؛

امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: هنگامی که سعد بن معاذ فوت کرد، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور داد که او را غسل دهند. سپس آن حضرت پشت سر جنازه او بدون کفش و عبا حرکت کردند. درباره این موضوع از حضرت سؤال شد، فرمودند: ملائکه [را دیدم که پشت سر جنازه] بدون کفش و عبا حرکت می کردند، من نیز به آنان تأسی کردم»^۲.

عن الصادق علیه السلام: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام مَاشِياً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ فَإِذَا أَتَيْتَ الْفُرَاتَ فَاعْتَسِلْ وَعَلِّقْ نَعْلَيْكَ وَامْشِ حَافِياً وَامْشِ مَشْيَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ؛

هر کسی که پیاده به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بیاید، خداوند برای او به ازای هر قدم هزار حسنه می نویسد و هزار [گناه و] عمل بد از او پاک می کند و هزار درجه برای او بالا برده می شود. تو نیز هرگاه که [برای زیارت او] به نزد نهر فرات آمدی، غسل کن، و کفش های خود را بیاویز و پابرهنه راه برو و مانند راه رفتن بنده ذلیل حرکت کن ...»^۳

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۱۰، باب ۱۹، ح ۱۵۶۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۶۵۴، ابواب الاحتضار، باب: استحباب وضع صاحب المصیبة حذاءه و ردائه، ح ۵.

۳. کامل الزیارات، باب ۴۹، ح ۳۸۱.

در ورود اهل بیت علیهم السلام به مدینه گویی بانک بشیر نفخه صور بود ... با صورت‌های مکشوفه و گیسوهای آشفته و پاهای برهنه بیرون دویدند.^۱

در مورد عزاداری اهل بیت علیهم السلام، اموری مجاز شمرده شده است که در مصائب دیگر مجاز نمی‌باشد. مثل لطم و خدش و خاک بر سرریختن و... در این روایات فرموده است که در مصائب معمولی مستحب است که فرد پابرنه و سر برهنه باشد، پس به طریق اولی، استحباب آن در عزای اهل بیت علیهم السلام ثابت است.

همچنین در مورد نساء طاهرات حرم حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام وارد شده است که: «ثُمَّ أُخْرِجَ النِّسَاءُ مِنَ الْخِيْمَةِ وَ أَشْعَلُوا فِيهَا النَّارَ فَخَرَجْنَ حَوَاسِرَ مُسَلِّبَاتٍ حَافِيَاتٍ بَاكِياتٍ يَمْشِينَ سَبَايَا فِي أَسْرِ الذِّلَّةِ ... ؛ سپس بانوان را از خیمه خارج کردند و آتش در خیمه‌ها افروختند، بانوان هم از خیمه‌ها خارج شدند، در حالی که قناع از سرافکنده و غارت زده و پابرنه بودند و گریان بودند و راه می‌رفتند در حالی که در بند ذلت اسیر بودند.»^۲

و در روایت دیگر:

«وخرج بنات سيدالانبياء و قرّة عين الزهراء حاسرات مبديات للنياحة و العويل يندبن على الشباب و الكهول و اضرمت النار في الفسطاط فخرجن هاربات؛ و دختران سيدالانبياء و نور دیدگان فاطمه زهرا علیها السلام خارج شدند در حالی که سر برهنه بودند و برای نوحه و طلب یاری خواستن ظاهر شدند و با صدای بلند می‌گریستند بر جوان‌ها و پیرانشان و آتش بر خیمه‌هایشان شعله می‌کشید، پس خارج شدند در حالی که می‌گریختند.»^۳

همچنین روایت شده است که:

۱. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۲۴.

۲. مقتل ابی مخنف، ص ۳۴۴؛ معالی السبطین، ج ۲، ص ۸۳.

۳. اللهوف، ص ۶۶؛ مثير الاحزان، ص ۷۷.

«... قداجتمع فيها جل بنی هاشم من الطالبین و العباسین و القوَّاد و غیرهم و اجتمع خلق من الشيعة، خرج بعده ابو محمد عليه السلام حاسراً مكشوا الرأس مشقوق الثياب و عليه مبطنة ملحم بيضاء...؛ ... بزرگان بنی هاشم از طالبین (از نسل حضرت ابوطالب عليه السلام) عباسی ها و رهبران و ایشان و جمعی از شیعیان در (خانه ابی الحسن امام هادی عليه السلام) خارج شدند در حالی که عمامه بر سر نداشت و پیراهنش دریده شده بود و آستر لباسشان کاملاً دیده می شد) پارچه سفید بود ...»^۱

منظور از سربرهنه بودن چیست؟

قابل توجه آنان که می گویند دشمنان ما را تمسخر می کنند. امام عسکری عليه السلام در مصیبت امام هادی عليه السلام را در جمعی که بسیاری از دشمنان حاضر بودند اند بی عمامه و با گریبان چاک زده حاضر می شوند. و لو این که حضرت را تمسخر کنند و بگویند چرا حاسر و چرا گریبان دریده است، باز امام به صورت هیأت عزادار بیرون می آید و البته باید توجه داشت که مصیبت امام حسین عليه السلام از هر مصیبتی عظیم تر است. از این روست که برخی علمای اعلام در ایام عاشورا، بدون عمامه در جمع عزاداران حاضر می شدند.

به راستی چقدر حرف آن عده احمق شبیه با حرف هایی است که این روزها می شنویم که: آیا دیده اید ائمه عليهم السلام در عزاداری این چنین کنند؟

باور کنید! اگر اینها روزی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیهم هم برخورد کنند همین ایرادات را بگیرند چنانکه این عده شیعیان ضعیف الایمان حتی به امام حسن عسکری عليه السلام ایراد گرفتند.

۱ . مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۵۷؛ من لا یحضر الفقیه، ج ۱، ص ۱۷۵؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۷۴؛ بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۰۵؛ رجال کشی، ص ۵۷۲.

همچنین در مورد حضرت زینب علیها السلام وارد شده است که امام زین العابدین علیه السلام فرمودند:

«و هی امراة و من شأن النساء الرق و الجزع فلم تملک نفسها و ثبت ثوبها و هی حاسرة حتی انتهیت الیه و قالت: ائکلاه لیت الموت اعدمنی الحسیا الیوم ماتت امی فاطمة و ابی علی و اخی الحسن؛ و چون او زن بود و رقت قلب و بی تابی از خصوصیت زنان است، بی قرار شد و از جا پرید و پیراهنش را پاره کرد و در حالی که سرش باز بود سریع به طرف پدرم دویدم و عرض کرد: وای از مصیبت! ای کاش مرک مرا نابود می کرد. امروز مادرم فاطمه و پدرم علی و برادرم حسن از دنیا رفتند.^۱

البته پر واضح است که روسری برداشتن حضرت زینب علیها السلام در خیمه خصوصی ایشان بوده است و جای آن دارد که بانوان در اوج عزاداری در مجالس خودشان روسری از سر بکنند و موهای خود را پریشان کنند.

اقتداءً به ام المصائب زینب الکبری.

و البته در روایاتی که می فرماید:

مخدرات حرم به صورت حاسر از خیمه بیرون آمده اند، منظور این است که مکشوف الرأس باشند. بلکه حجاب آن زمان ها تنها مقنعه و چادر و روبند نبوده است. تا برداشتن یک روسری، مکشوف الرأس شوند. مخصوصاً حجاب نوامیس الهی لذا اینکه به صورت حاسر بوده باشند منظور این است که نساء طاهرات به نشانه عزا پارچه یا روسری از سر خود باز می کردند به گونه ای که مکشوف الرأس باشد. و در روایتی ذکر شده است که شایسته است فرد عزادار حافی، حاسر و مکشوف الرأس باشد که در کنار گرفتن این سه لفظ این را می رساند که ظاهراً این سه لفظ مباین هستند حداقل بدین معناست که لزوماً فردی که حاسر است، مکشوف الرأس نمی باشد. همچنین در روایت آمده است که:

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲.

«... فسمع اولاد مسلم بن عقيل ذلک الکلام و تنفسوا الصعداء و بکوا بکاءً شديداً و رموا بعمائمهم الى الارض و نادوا مسلما و ابن عقيله ؛ ... فرزندان مسلم بن عقيل آن سخن را شنیدند و از سوز دل نفس‌های بلند کشیدند و گریهٔ شدیدی کردند و عمامه‌ها را از سر به روی زمین انداختند و ندا سر دادند: وامسلما [وای از مصیبت مسلم] وای از مصیبت فرزند عقيل!»^۱

سخن کارشناسان

امروزه کارشناسان می‌گویند: زمانی که کسی با پای برهنه روی چمن راه می‌رود به میدان مغناطیسی زمین که به نوبهٔ خود بر میدان الکتریکی و مغناطیسی بدن تأثیر می‌گذارد، متصل می‌شود و این اتصال به خنثی کردن آثار منفی در بدن و کاهش استرس و بهبود بیماری و پاک سازی بدن کمک می‌کند.

لذا یکی از آداب زیارت پابرنه بودن است. مردم به ویژه انبیا و اولیا در مکان‌های مقدس پابرنه بودند. امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: هر کس پابرنه و با فروتنی و خشوع به مسجد در آید خداوند گناهان او را می‌بخشد.^۲

پای برهنه نشان بندگی حق و تواضع است. داستان خلع نعلین حضرت موسی علیه السلام که مورد توجه خدا به موسی علیه السلام امر می‌کند تا کفش را بیفکند؛ زیرا پا برهنگی در برابر معبود باتواضع و حسن ادب سازگارتر است به همین دلیل، از آن روست که شرافت آن وادی به قدم‌های موسی برسد و از برکت آن زمین نصیب برد. افراد گاه برای بیان خواسته‌ای بزرگی و بهنشانه عجز و پریشانی و نیاز و یا توبه پا برهنه می‌شدند.

کفش نماد آلودگی‌های خاکی است و آن که پابرنه است از این آلودگی‌ها به دور است. خلق زینت ظاهر را می‌بیند و آن که حق را می‌بیند جویای زینت باطن است، پابرنه می‌گردد تا وجودش نظرگاه خلق نباشد.^۱

۱. معالی السبطين، ج ۱، ص ۲۶۸.

۲. کافی، ج ۴، ص ۴۰.

به یاد پا برهنگان!

محفل عزای سرور مظلومان حسین بن علی علیه السلام در هر کجای عالم که باشد گوشه‌ای از حرم حسین علیه السلام و دیدگاه نظر او و محل حضور مادر غمدیده او و جد بزرگوار و پدر و برادر و فرزندان معصوم اوست.

خوشا به حال کسی که در ایام خاص عزاداری با پای برهنه در این محضر حاضر شده و به این حرم مشرف می‌شوند و به زبان حال می‌گویند: ای حسین! اگر عصر عاشورا فرزندان و اهل حرمت پابرنه از خیمه‌ها بیرون دویدند، اکنون عزاداران به احترام آن قدم‌های نازنین که از سنگ و خار بیابان آزرده شده بود، پابرنه عزاداری می‌کنند و عزای تو را تا روز قیام منتقم استمرار می‌بخشند...

پابرنه در عزا بیرون آمدن از یک سو علامت شدت تأثر عزادار است و از سوی دیگر یادی از پابرنه دویدن آل الله در بیابان کربلاست. در نجف اشرف در ایام عاشورا جمع کثیری از علما که پیشاپیش آنان میرزا محمد نائینی و سید جمال گلپایگانی و سید محمد هادی میانی و جمعی دیگر از علما بودند بر سر و سینه می‌زدند و خاک بر سر می‌ریختند و بعضی سر و صورت خود را به گل آغشته کرده، جهت عزاداری وارد صحن مطهر علوی می‌شدند. شبیه به همین هیئت عزاداری در شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام هم حرکت می‌کرده است.^۲

حضرت علی علیه السلام در شهادت حضرت زهرا بدون عبا و عمامه بودند.

سیره علامه امینی رحمته الله

حضرت آیت الله سیدمرتضی نجومی در مورد حالات علامه امینی رحمته الله در روز عاشورا می‌نویسد:

۱. دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه، ش ۱۸، سال ۵، بهمن و اسفند ۹۶، ص ۲۳۶-۲۴۵.

۲. احرام محرم، ص ۱۰۴.

در روز عاشورا با «پای برهنه» به مجالس عزای حسینی در حسینیه بوشهری‌های نجف اشرف می‌آمد و فرش را به کناری زده و بر روی زمین می‌نشست و به مجرد نشستن، نهیب و گریه‌اش بلند می‌شد.^۱

سیره صاحب جواهر

در مجلس روضه‌ای که مرحوم «صاحب جواهر» دهه عاشورا در منزل خود برپا می‌نمود در روز عاشورا رسم بر این بود که پذیرایی را ترک نموده و همگی حزن و ماتم زده نشسته و به یاد مصائب امام حسین علیه السلام می‌گریسته‌اند. در آن روز، مقتل امام حسین علیه السلام خوانده می‌شد و شور و هیجانی از حزن و گریه برپا می‌شد. مرحوم صاحب جواهر و اولادشان عادت داشته‌اند که روز عاشورا را با پای برهنه در مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام حرکت می‌کرده‌اند.^۲

مرحوم حاج سید حسین قمصری، روز عاشورا زیر آسمان با سر و پای برهنه در حالی که اشک می‌ریخت، زیارت عاشورا می‌خواند سپس داخل اتاق می‌شد و ظرف آبی مقابل خود می‌گذاشت و به آن نگاه می‌کرد و برای تشنگی حضرت سیدالشهدا علیه السلام و اهل بیت و اصحاب آن حضرت می‌گریست.^۳

۱. این البکائون، ص ۱۴۸.

۲. عزاداری سنتی شیعیان، ج ۲، ص ۷۰۳.

۳. این البکائون، ص ۱۵۳؛ احرام محرم، ص ۱۰۷.

فصل هشتم: برداشتن عبا از روی دوش

حدیث ۱: امام صادق علیه السلام: علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر من بعض اصحابه عن ابی عبدالله علیه السلام قال:

يَنْبَغِي لِصَاحِبِ الْمُصِيبَةِ أَنْ يَضَعَ رِدَاءَهُ حَتَّى يَعْلَمَ النَّاسُ أَنَّهُ صَاحِبُ الْمُصِيبَةِ؛

با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت شده که حضرت فرمودند: برای صاحب مصیبت سزاوار است که عبا را از دوش بردارد تا مردم بدانند که او صاحب عزا و مصیبت زده است.^۱

راویان ذکر شده در سند این حدیث همه راویان ثقه و امامی هستند و در نتیجه این حدیث صحیح می باشد.

وثاقت علی بن ابراهیم بن هاشم

نجاشی در رجالش وی را ثقه، معتمد و صحیح المذهب معرفی کرده است.^۲
علامه حلی و ابن داوود نیز از تعابیر نجاشی برای او استناد کرده اند.^۳
آیت الله خویی او را از مشایخ کلینی می داند که او برخی روایاتش را در کتاب «الکافی» ذکر می کند.^۴

۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۶۵۵. (ابواب الاحتضار، باب: استحباب وضع صاحب المصیبه حذاءه و رداءه...، ح ۸)؛ الکافی، ج ۳، ص ۲۰۴.
۲. رجال النجاشی، ص ۲۶۰، رقم ۶۸۰.
۳. ابن داوود، رجال ابن داود، ص ۲۳۷؛ خلاصه الاقوال، علامه حلی، ص ۱۰۰.
۴. خویی، معجم الرجال الحديث، ج ۱۱، ص ۲۱۳.

وثاقت ابراهیم بن هاشم القمی

نجاشی در رجالش از قول ابو عمر کشی نقل می‌کند: «وی از یاران امام رضا علیه السلام و شاگرد یونس بن عبدالرحمان بوده و اصحاب شیعه در مورد وی می‌گویند: او اولین کسی بود که حدیث کوفیین را در قم نشر داد.»^۱

بسیاری از دانشمندان به وثاقت و عدالت وی تصریح کرده‌اند.^۲

برخی علمای قدیم، به جهت اینکه کلام مشخصی در وثاقت او به دوستان نرسیده است روایت او را حَسَن^۳ خوانده‌اند.^۴

ابن طاووس درباره حدیثی که ابراهیم در روایاتش باشد می‌گوید: «روایت گران این حدیث، همگی از موثقین هستند»^۵

ابن قولویه به وثاقت تمام کسانی که احادیث کتابش، کامل الزیارات، روایت نقل می‌کنند، شهادت می‌دهد که از جمله آنها ابراهیم بن هاشم است.^۶

علامه حلی درباره وی می‌گوید: من هیچ یک از دانشمندان را پیدا نکردم که او را مذمت کرده باشد و نیز کسی که به عدالت او تصریح کرده باشد احادیث او بسیار

۱. رجال النجاشی، ص ۱۶، رقم ۱۸.

۲. استرآبادی، تعلیقه بر منهج المقال، ص ۲۱.

۳. حَسَن روایتی است که واجد تمام شروط روایت صحیح است، به استثنای آنکه در میان سلسله راویان، درباره یکی از چند راوی در منابع رجالی تصریح به عدالت نشده و تنها به مدح و ستایش او اکتفا شده باشد. سبحانی، اصول الحدیث، احکام فی علم الدرایه، ص ۶۳.

۴. سلوک ماتم، ص ۶۵. حَسَن روایتی است که واجد تمام شروط روایت صحیح است، به استثنای آنکه در میان سلسله راویان، درباره یکی از چند راوی در منابع رجالی تصریح به عدالت نشده و تنها به مدح و ستایش او اکتفا شده باشد. (سبحانی، اصول الحدیث، احکام فی علم الدرایه، ص ۶۳).

۵. فلاح السائل، ص ۱۵۸.

۶. خویی، معجم الرجال الحدیث، ج ۱، ص ۳۱۷.

است و نظر قوی تر نزد من قبول آن روایات است.^۱ شهید ثانی حدیث وی را از بهترین مراتب «حسن» و روش روایی او را از بهترین راه‌ها می‌شناسد.^۲

شیخ بهایی به نقل از پدرش گفته است: «من حیا می‌کنم حدیث ابراهیم را صحیح ندانم».^۳

از عبارات محقق اردبیلی و محقق بحرانی بر می‌آید که وی جزو موثقان شیعه بوده است.^۴

علامه مجلسی نیز احادیث او را «حسن» ، اما در مرتبه، صحیح معرفی می‌کند.^۵

علامه بحر العلوم می‌نویسد: «قول قوی نزد من آن است که او ثقة و روایتش صحیح است».^۶

سید داماد نیز احادیث ابراهیم را نزدیک روایت صحیح می‌داند.^۷

به نظر می‌رسد علاوه بر مطلب ذکر شده، با مراجعه به کتاب‌های رجال می‌توان شواهد بسیاری بر صحت روایات و وثاقت ابراهیم بن هاشم به دست آورد، از جمله آن شواهد می‌توان به این‌ها اشاره کرد:

فرزند بزرگوار ابراهیم در مقدمه تفسیرش می‌نویسد: «احادیثی را که به ما رسیده است، بیان می‌داریم مشایخ و ثقات ما، از کسانی که خداوند اطاعت و ولایت آنها را بر ما واجب ساخته است [اهل بیت]، آن را روایت کرده‌اند». بنابراین تصریح وی مبنی بر وثاقت ناقلان این کتاب، که از جمله آنها پدرش ابراهیم است که ناقل بیشترین روایات است، بدین معناست که به وثاقت ابراهیم نیز اذعان کرده است.^۸

۱ . خلاصة الاقوال، ص ۱۳۸.

۲ . شهید ثانی، مسالک الافهام، ص ۵۰.

۳ . مامقانی، تنقیح المقال، ج ۱، ص ۴۰۰.

۴ . سلوک ماتم، ص ۶۶ به نقل از: آقاخان، قنادعلی، ابراهیم بن هاشم کوفی قمی، نامه قم، تابستان ۱۳۸۰، ش ۱۴، ص ۱۲۷.

۵ . همان.

۶ . بحر العلوم، الفوائد الرجالية، ج ۱، ص ۴۶۲.

۷ . همان، ص ۴۵۱.

۸ . «و نحن ذاکرون و مخبرون بما انتهى الینا و رواه مشایخنا و ثقاتنا عن الذین فرض الله طاعتهم و اوجب ولايتهم» قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۴؛ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۴۱.

بسیاری از علمای متأخر، دانشمندان بعد از علامه حلی، وی را توثیق کرده‌اند. توثیق نکردن صریح متقدمان، علمای قبل از علامه حلی، نیز به علت دست نیافتن به سبب‌های توثیق بوده است.^۱

احادیث ابراهیم را در موارد بسیار، علمای شیعه از قبیل: شهید اول، شهید ثانی و علامه حلی به «صحت» توصیف کرده‌اند.^۲

مقدمان و متأخران بر قبول احادیث ابراهیم بن هاشم اتفاق داشته و در قبول روایاتش درنگ نکرده‌اند؛ با آنکه در حجیت حدیث «حسن» نظریات گوناگونی بیان کرده‌اند.^۳ دانشمندان رجال شیعه، از قبیل کشی، و نجاشی و شیخ طوسی، در توصیف ابراهیم نگاشته‌اند: «او اولین کسی بود که حدیث کوفیین را در قم نشر داد». حال با توجه به اینکه حوزه قم در پذیرش روایات شیوه سخت گیرانه‌ای داشته است، نمی‌توانسته نسبت به روایات ابراهیم و انتشار آنها بی‌اعتنا باشد. این خود دلیل مستقلى بر وثاقت ابراهیم است؛ زیرا طرد او از جانب بزرگان قم، دلیل بر نهایت وثاقت اوست.^۴

آیت الله خویی بعد از ذکر برخی شواهد فوق می‌نگارد که در وثاقت ابراهیم بن هاشم هیچ تردیدی سزاوار نیست. در بسیاری از ابواب فقهی و اخلاقی او روایت نقل شده است و کمتر بابی است که از روایات او تهی باشد. وی متجاوز از ۶۴۰۰ حدیث نقل کرده و رجالیان مشایخ و استادان او را در حدود ۱۶۰ تن ذکر کرده اند. این مطالب بر مقام بزرگ و ارزشمند او می‌افزاید.^۵

بر این اساس، با توجه به شواهد بیان شده، نتیجه می‌گیریم ابراهیم بن هاشم بزرگتر از آن است که در وثاقت او تردید روا باشد.

۱. معجم الرجال الحديث، ج ۱، ص ۳۱۷.

۲. الفوائد الرجالية، ج ۱، ص ۴۶۴.

۳. الفوائد الرجالية، ج ۱، ص ۴۶۴.

۴. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۱، ص ۴۱.

۵. خویی، معجم الرجال الحديث، ج ۱، ص ۳۱۸.

و ثافت محمد بن ابی عمیر

نجاشی درباره او می گوید: اصالت او بغدادی است . زمان امام کاظم علیه السلام را درک کرده است و از آن حضرت و امام رضا علیه السلام روایت شنیده است. در برخی روایات حضرت کاظم علیه السلام او را کنیه «ابامحمد» خوانده است. وی شخصیتی جلیل القدر و دارای مرتبه بالا در میان ما و اهل سنت است.^۱

شیخ طوسی در کتابش می نویسد: وی نزد شیعه و اهل تسنن، شخصی موثق و متقی است.^۲

حدیث ۲: (فی الزیارة الصادرة من الناحية المقدسة): ... وَقَامَ نَاعِيكَ عِنْدَ قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَنَعَاكَ إِلَيْهِ بِالذَّمْعِ الطُّوْلَ قَائِلًا يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَتَلَ سَيْطُوكَ وَفَتَاكَ وَاسْتَبِيحَ أَهْلُكَ وَحِمَاكَ وَسَبَّى بَعْدَكَ ذُرَارِيَّكَ وَوَقَعَ الْمُحْذَرُ بِعَثْرَتِكَ وَبَنِيكَ فَنَزَعَ الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرِّدَاءَ وَعَزَاهُ بِكَ الْمَلَائِكَةُ وَالْأَنْبِيَاءُ ...؛

.... خبر آورنده شهادت تو نزد قبر جدت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حاضر شد و با اشکی که پی در پی و لاینقطع از چشمانش جاری بود خبر کشته شدن تو را برای او آورد و گفت: ای رسول خدا! کشته شد میوه تو و فرزند جوانمرد [او کریم] تو و حلال دانسته شد [ریختن خون] اهل تو و حریم تو و به اسارت گرفته شد بعد از تو ذریه تو، و آنچه نباید واقع شود در مورد عترت و فرزندان واقع شد. آنگاه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ردا را از دوش خود برداشت و ملائکه و انبیاء درباره تو به آن حضرت تعزیت دادند.^۳

حدیث ۳: امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: هنگامی که سعد بن معاذ درگذشت. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور داد او را غسل دهند. سپس آن حضرت پشت سر جنازه او

۱ . رجال النجاشی، ص ۳۲۶.

۲ . الفهرست، ص ۲۱۸.

۳ . بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۴۱.

بدون کفش و عبا حرکت کرد. درباره این موضوع از حضرت سؤال کردند فرمود: ملائکه بدون کفش و عبا حرکت می کردند، من نیز به آنان تأسی کردم.^۱ با توجه به این روایت می توان برداشت کرد که حرکت کردن با پای برهنه نیز در سوگواری مناسب دارد؛ همچنانکه بنابر احادیث، زائر کربلا نیز برای همدلی با امام حسین علیه السلام و یاران و همراهانش مستحب است کفش های خود را در بیاورد و با پای برهنه، مثل راه رفتن بنده ذلیل حرکت کند. « فَإِذَا أَتَيْتَ الْفُرَاتَ فَاغْتَسِلْ وَ عُلِّقْ نَعْلَيْكَ وَ امْشِ حَافِيًّا وَ امْشِ مَشْيَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ »^۲

پاداش رفتن به زیارت کربلا

جابر مکفوف به نقل از ابی الصامت می گوید: از حضرت ابی عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

کسی که پیاده به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود خداوند متعال به هر قدمی که بر می دارد هزار حسنه برایش ثبت و هزار گناه از وی محو می فرماید و هزار درجه مرتبه اش را افزایش می دهد، سپس فرمودند: وقتی به فرات وارد شدی ابتدا غسل کن و کفش هایت را در آور و پای برهنه مانند بنده ذلیل راه برو ...^۳

عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعِجْلِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ قَادِمٌ مِنْ خُرَّاسَانَ مَاشِيًّا فَأَخْرَجَ رَجُلِيهِ وَقَدْ تَغَلَّفَتَا وَقَالَ أَمَا وَاللَّهِ مَا جَاءَ بِي مِنْ حَيْثُ جِئْتُ إِلَّا حُبُّكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام وَاللَّهِ لَوْ أَحَبَّنَا حَجْرٌ حَشَرَهُ اللَّهُ مَعَنَا وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ إِنَّ

۱. امالی، ابن بابویه، ص ۳۸۵. (تبعه رسول الله بلا حذاء و لا رداء ... فقال ان الملائكة كانت بلا رداء و لا حذاء فتأسيت بها.)

۲. کامل الزیارات، ص ۱۳۳.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۴۱.

اللَّهُ يَقُولُ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَقَالَ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَهَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحَبُّ^۱

استاد مطهری رحمته الله در توضیح و ترجمه این روایت می‌فرماید: شخصی که اهل خراسان بود، از راه دور با رنج فروان آمد خدمت امام باقر علیه السلام (عشق به اهل بیت او را کشانده بود) در حالی که چون با پای پیاده آمده بود کفش هایش از بین رفته و پایش ترک خورده و پاشنه آن شکاف زیادی برداشته بود. آمد خدمت امام با یک عشق و ولعی. خدا را شکر کرد که بالاخره به مقصود خودش رسید. بعد پایش را نشان داد و با آن شکاف‌ها که خون آمده بود، و عرض کرد: یابن رسول الله! نکشید مرا به اینجا جز محبت شما اهل بیت که از خراسان تا اینجا پیاده آمدم ام. امام این جمله را فرمود: هر کس هر چه را دوست داشته باشد با هموست و حقیقتش همان می‌شود و با همان محشور می‌شود.^۲

از اعمال روز عاشورا این است که عبا از دوش بردارند و و بدون عمامه باشند.

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۶۷، و الآیه الأولى فی آل عمران: ۲۹ و الثانیة فی الحشر: ۹.

۲. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۲، ص ۴۴۷.

فصل نهم: هروله (راه رفتن سریع و با جنب و جوش شبیه دویدن / حرکت با شتاب)

تعریف: «هروله» مصدری از ریشهٔ «ه ر ل»^۱ یا «ه ر و ل»^۲ است و به معنای شتاب در راه رفتن، به گونه‌ای که ما بین راه رفتن معمولی و دویدن است.^۳
هروله به معنای راه رفتن بین راه عادی و معمولی و دویدن است.^۴
حالت هروله نشان از نوعی سردرگمی و حیرت دارد. شاید به همین دلیل عده‌ای در عزای امام حسین علیه السلام این گونه رفتار می‌کنند.

هروله را خداوند عملی مستحب برای مردان در میان صفا و مروه قرار داده است. حکمت‌هایی نیز دارد که یکی از آن‌ها بنا بر فرمایش امام صادق علیه السلام، تجدید خاطرهٔ هاجر علیه السلام، همسر حضرت ابراهیم علیه السلام، در طلب آب است.^۵

هروله کردن در مراسم سوگواری یادآوری مصائب اهل بیت علیهم السلام است، از قبیل آنچه در زیارت ناحیه مقدسه آمد است که:

«... فَلَمَّا رَأَيْنِ النَّسَاءَ جَوَادِكَ مَخْزِيًّا، وَ نَظَرْنَ سَرَجَكَ عَلَيْهِ مَلُويًّا، بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ، ... وَإِلَى مَصْرَعِكَ مُبَادِرَاتٍ.»

۱. فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۴۳؛ ابن درید، جمهرة اللغة، ج ۲، ص ۸۰۲.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۶۹۶؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۴۹۸.

۳. دهخدا، لغت نامه، ج ۲، ص ۳۱۶۲؛ معین، فرهنگ معین، ص ۱۳۰۹.

۴. راغب اصفهانی، المفردات، ج ۱۱، ص ۶۹۵.

۵. إِنَّ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام لَمَّا خَلَفَ إِسْمَاعِيلَ بِمَكَّةَ عَطِشَ الصَّبِيُّ فَكَانَ فِيمَا بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ شَجَرٌ فَخَرَجَتْ أُمُّهُ حَتَّى قَامَتْ عَلَى الصَّفَا فَقَالَتْ هَلْ بِالْبَوَادِي مِنْ أُنَيْسٍ فَلَمْ تُجِبْهَا أَحَدٌ فَمَضَتْ حَتَّى انْتَهَتْ إِلَى الْمَرْوَةِ فَقَالَتْ هَلْ بِالْبَوَادِي مِنْ أُنَيْسٍ فَلَمْ تُجِبْ ثُمَّ رَجَعَتْ إِلَى الصَّفَا وَقَالَتْ ذَلِكَ حَتَّى صَنَعَتْ ذَلِكَ سَبْعًا فَأَجْرَى اللَّهُ ذَلِكَ سُنَّةً». (کلبینی، الکافی، ج ۴، ص ۲۰۲، ح ۲)

«... آن هنگام که بانوان اسب تو را دیدند که خوار و ذلیل گردیده و نگاه کردند به زین اسب که کج شده [و در هم پیچیده] است، از حریم و پناهگاه خیمه خارج شدند و به سوی محل کشته شدند شتابان می‌رفتند.

و همچنین ، مانند آنچه در مقاتل ذکر شده است:

.... و لما سقط الحسين عليه السلام الى الارض خرجت زينب عليها السلام من باب الفسطاط و هي تنادي: وا اخاه واسيده...

هنگامی که امام حسین عليه السلام از اسب به زمین افتاد، حضرت زینب عليها السلام از درب خیمه خارج شد در حالی که ندا سر می‌داد؛ وای از مصیبت برادرم! وای از مصیبت آقا و بزرگم! و فی تظلم الزهرا عليها السلام: ان زينب عليها السلام لما علمت بالوقعة خرت مغشياً عليها، فلما افقت من غشيتها ركضت نحو المعركة و هي تارة تعثر باذيالها و تارة تسقط على وجهها من عظم دهستها، حتى انتهت الى المعركة فجعلت تنظر يمينا و شمالاً فرأت اخاها الحسين عليه السلام على وجه الارض...

و در کتاب تظلم الزهرا عليها السلام آمده است: وقتی حضرت زینب عليها السلام از واقعه مطلع شد بی هوش بر روی زمین افتاد. آن گاه که به هوش آمد دوان دوان به سمت معرکه رفت و در این حال گاهی پایش به پایین لباسش گیر می‌کرد و گاهی از شدت مصیبت و دهشت با صورت بر زمین می‌افتاد. تا وقتی که به آنجا رسید. در آن لحظه شروع کرد به نگاه کردن به سمت چپ و راست و برادر خود حسین عليه السلام را دید که بر روی زمین افتاده است...^۲

همچنین روایت شده است که:

۱ . بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۲۲.

۲ . معالی السبطين، ج ۲، ص ۳۷.

... ان زينب الكبرى عليها السلام اقبلت على زين العابدين عليه السلام و قالت: يا بقية الماضين و ثمال الباقين قد اضرموا الناس في مصاربنا فما رأيك فينا؟ فقال عليه السلام: عليكم بالفرار. ففررن بنات رسول الله صلى الله عليه وآله صائحات باكيات نادبات ...

... حضرت زينب الكبرى عليها السلام به سوى حضرت زين العابدين عليه السلام رو آورد و فرمود: ای باقی مانده از گذشتگان و ای سرپرست و مددکار بازماندگان! اینان در خیمه‌های ما آتش افروختند. اینک درباره ما چه دستوری می‌فرمایی؟

امام سجاد عليه السلام فرمود: بر شما باد به فرار کردن. آن‌گاه دختران رسول خدا صلى الله عليه وآله از دشمنان فرار کردند در حالی که صیحه می‌زدند و گریه می‌کردند و ندبه می‌نمودند.^۱ با توجه به مطالب ذکر شده می‌گوییم: هروله کردن در مراسم سوگواری، اگر به نحو متعارف و به گونه‌ای باشد که از مظاهر اندوه محسوب شود، سنخیت و قابل نماد بودن با عزاداری را دارد و مصداق حرام و ضرر معتنا به و وهن مذهب نیست. عن ابی عبدالله عليه السلام، عن ابیه عليه السلام : ان قوماً مشاة ادرکهم النبی فشکور الیه شده المشی. فقال لهم: استعینوا بالسنل.

امام صادق عليه السلام از قول پدرشان عليه السلام فرمودند: گروهی پیاده به پیامبر صلى الله عليه وآله برخوردند و از خستگی راه رفتن به آن حضرت شکایت کردند. پس حضرت به آنها فرمود: از هروله کردن کمک بگیرید.^۲

در این موضوع شش روایت از معصومین عليهم السلام وارد شده است. لذا یکی از راه کارهای اربعین هروله، یعنی دویدن آهسته که سبب زدودن خستگی در راهپیمایی می‌شود می‌باشد.

۱. معالی السبطين، ج ۲، ص ۸۳.

۲. ۸۰۰۰ متر عشق، ص ۶۱، به نقل از: المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۷.

فصل دهم: گریستن در مصیبت امام حسین علیه السلام

با نگاهی به شیوه عزاداری برای امام حسین علیه السلام در اهل بیت علیهم السلام می‌توان دریافت که مهم‌ترین آیین در عزاداری آن حضرت علیه السلام گریستن است که از آدم تا خاتم بر مصائب سیدالشهداء علیه السلام گریسته‌اند.

احادیث و روایت‌های فراوانی از معصومین علیهم السلام در مورد گریه کردن بر مصیبت سیدالشهداء علیه السلام، گریه انداختن دیگران، اظهار کردن حزن برای سالار شهیدان و دیگر مواردی که دخالت مستقیم و یا غیر مستقیم به زنده نمودن شعائر حسینی علیه السلام دارد، نقل شده است که همه و همه بر اظهار نمودن حزن در مصیبت سیدالشهداء علیه السلام دلالت دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«... أَلَا وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى الْأَبَاكِينِ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليهما السلام رَحْمَةً وَ شَفَقَةً...»

آگاه باشید که خداوند بر گریه کنندگان امام حسین علیه السلام از روی رحمت و مهربانی درود می‌فرستد.^۱

نه تنها پیامبران الهی برای حضرت اباعبدالله علیه السلام عزاداری کردند که اهل بیت علیهم السلام نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تا حضرت حجت و علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام همه و همه در عزای آن حضرت گریه سر دادند و ناله زدند و می‌زنند.

گریه در روز ولادت امام حسین علیه السلام

در روز ولادت امام حسین علیه السلام تمام ملائکه به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمده و حضرت را به میلاد نور دیده‌اش تبریک گفته و در همان حال خبر شهادت او را داده

۱. بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۳۰۴.

و هر یک به گونه‌ای مرثیه شهادت را برای رسول خدا ﷺ می‌خواند و حضرت اشک می‌ریخت.^۱

گریه فاطمه زهرا علیها السلام

حضرت رسول اکرم ﷺ فرمود:

رَوَى أَنَّهُ لَمَّا أَخْبَرَ النَّبِيُّ ﷺ ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ بِقَتْلِ وَلَدِهَا الْحُسَيْنِ وَ مَا يَجْرِي عَلَيْهِ مِنْ الْمِحَنِ بَكَتْ فَاطِمَةُ بُكَاءً شَدِيداً وَ قَالَتْ يَا أَبَهْ مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ فِي زَمَانٍ خَالَ مِنِّي وَ مِنْكَ وَ مِنْ عَلِيٍّ فَاشْتَدَّ بُكَاءُهَا وَ قَالَتْ يَا أَبَهْ فَمَنْ يَبْكِي عَلَيْهِ وَ مَنْ يَلْتَزِمُ بِإِقَامَةِ الْعَزَاءِ لَهُ فَقَالَ النَّبِيُّ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ نِسَاءَ أُمَّتِي يَبْكُونَ عَلَى نِسَاءِ أَهْلِ بَيْتِي وَ رِجَالُهُمْ يَبْكُونَ عَلَى رِجَالِ أَهْلِ بَيْتِي وَ يُجَدِّدُونَ الْعَزَاءَ جَيْلاً بَعْدَ جَيْلٍ فِي كُلِّ سَنَةٍ فَإِذَا كَانَ الْقِيَامَةُ تُشْفَعِينَ أَنْتَ لِلنِّسَاءِ وَ أَنَا أَشْفَعُ لِلرِّجَالِ وَ كُلُّ مَنْ بَكَى مِنْهُمْ عَلَى مُصَابِ الْحُسَيْنِ أَخَذْنَا بِيَدِهِ وَ أَدْخَلْنَاهُ الْجَنَّةَ يَا فَاطِمَةُ كُلُّ عَيْنٍ بَاكِيَةٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَيْنُ بَكَتْ عَلَى مُصَابِ الْحُسَيْنِ فَإِنَّهَا ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ بِنَعِيمِ الْجَنَّةِ.

هنگامی که رسول خدا ﷺ خبر شهادت امام حسین علیه السلام و مصائبی که بر آن حضرت وارد می‌شود برای حضرت فاطمه علیها السلام بیان کرد، حضرت فاطمه علیها السلام گریه

شدیدی نمود، بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سؤال نمود، پدرم این واقعه در چه زمانی است؟

پیامبر خدا ﷺ فرمود: در زمانی این حادثه واقع می‌شود که من و تو و علی علیه السلام

نیستیم، گریه حضرت فاطمه علیها السلام بیشتر شد و فرمود: پدرم چه کسی بر حسینم گریه خواهد کرد؟ و چه کسی مجالس عزا برای پسر من بر پا می‌کند؟

۱. مقتل حافظ ابوالمؤید خوارزمی، ج ۱، ص ۸۸.

رسول خدا ﷺ فرمود: ای فاطمه! زنان امت من بر زنان اهل بیتم گریه می کنند و مردان امتم بر مردان اهل بیتم گریه می کنند. و این عزاداری را هر سال بر پا می کنند (و پاداش این عزاداری ها این است که) روز قیامت تو برای زنان امتم شفاعت می کنی و من هم برای مردان، و هر کس از این امت من بر مصیبت حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ گریه کرده باشد، این چشم روز قیامت خندان است و بشارت بر او به نعمت های بهشتی باد. ای فاطمه! هر چشمی روز قیامت گریان است مگر چشمی که بر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ گریسته باشد، پس همانا آن چشم در روز قیامت خندان است و به نعمت های بهشتی مژده داده می شود.^۱

گریه امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ

۱: امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ بارها و بارها برای مصیبت فرزندش اشک ریخت، از جمله هنگامی که به طرف صفین می رفتند گذرشان از کربلا بود، به این سرزمین که رسیدند گریه سختی کرده تا جایی که اشک حضرت روی سینه مبارکشان ریخت و فرمودند:

«أَوْهٍ أَوْهٍ مَا لِي وَ لَيْلٍ أَبِي سُفْيَانَ مَا لِي وَ لَيْلٍ حَرْبٍ حِزْبِ الشَّيْطَانِ وَ أَوْلِيَاءِ الْكُفْرِ صَبْرًا يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَقَدْ لَقِيَ أَبُوكَ مِثْلَ الَّذِي تَلَقَّى مِنْهُمْ»

«آه آه! مرا با آل ابی سفیان چه کار؟ مرا با آل حرب حزب شیطان و سردمداران کفر چه کار؟ ای اباعبدالله! صبر کن همانا پدر تو نیز از این گروه دید آنچه راکه تو می بینی».^۲

۲: امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ در سفر خود به صفین به نینوا رسیدند. نام آن منطقه را سؤال فرمودند. به ایشان عرض شد، نام اینجا کربلاست.

۱ . بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۳.

۲ . بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۲۵۲.

«فبکی حتی بل الارض من دموعه من دمعت عیناه فینا دمعة او قطرت عیناه فینا قطرة
اتاه الله عزوجل الجنة.»

به قدری امیرالمؤمنین علیه السلام گریه کردند که زمین جلوی ایشان از اشک چشمان
حضرت خیس و گل شد. پس فرمودند: کسی که برای ما گریه کند یا قطره اشکی در
عزای ما بریزد (خداوند) پاداش اشکش را بهشت قرار خواهد.^۱
این روایت را حتی مخالفین شیعه نقل کرده‌اند.

گریه امام حسن علیه السلام

حضرت امام حسن علیه السلام در روز شهادت خود هنگامی که امام حسین علیه السلام برای غربت و
مظلومیت برادر گریه می‌کردند، فرمودند:
«... لا یوم کیومک یا اباعبدالله»
«روزی، به سختی روز شهادت تو نیست ای اباعبدالله».^۲

پیام امام حسین علیه السلام به شیعیان

امام حسین علیه السلام در آخرین لحظات جانسوز خود، به امام سجاد علیه السلام فرمودند:
«پسرم! به شیعیانم سلام مرا برسان و به آنها بگو: پدرم غریبانه از دنیا رفت، پس بر او
با ناله گریه کنید، و شهید از دنیا رفت پس بر او اشک بریزید.»^۳

۱. الصواعق المحرقة، ص ۱۹۸.

۲. معالی السبطين، ج ۲، ص ۱۰؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۶.

۳. شجرة طوبی، ج ۲، ص ۴۵.

چرا امام حسین علیه السلام در کربلا گریستند؟

با وجودی که خود آن جناب طالب شهادت بودند و با شوق و شغف تمام در این مرحله اقدام می نمودند، پس علت چه بود که آن سرور در مصیبت دوستان، یاوران، برادران، برادرزادگان و فرزندان گریان و نالان بودند؟
جواب از این سؤال - چنانچه در مهیج الاحزان ذکر شده (مجلس نهم، صفحه ۴۱۹) به چند وجه است:

وجه اول:

گریه ایشان برای ناشکیبایی و راضی نبودن به قضای خداوند نبود؛ زیرا اگر گریه بر مصیبت را دلیل بر ناراضی بدانیم، پس باید گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و علی مرتضی علیه السلام نیز راضی نبودند؛ زیرا ایشان نیز در این مصیبت بسیار گریستند. چنانچه پیغمبران گذشته بر مصائب خود و مصائب آن سرور نیز بسیار گریستند. چنانچه حکایت گریستن یعقوب و یوسف معروف، و گریه آدم و نوح علیهم السلام مشهور است. و گریستن سیده نساء علیها السلام و سیدالساجدین علیه السلام معروف است.

وجه دوم:

گریه بر مصائب اهل بیت علیهم السلام از بالاترین عبادت و برترین قربات است و محزون بودن در مصیبت ایشان عبادت و بندگی است. و این عبادت چنانچه از ما و تو مطلوب است، از ایشان نیز مطلوب است. و چه مصیبتی بالاتر از کشته شدن جوانان اهل بیت، تشنگی جوانان محنت نصیب، غریبی و بی کسی خواهران، اطفال و زنان آن امام مظلوم و غریب است؟!

وجه سوم:

بعد از آنکه آن سرور مشاهده می فرماید که شریعتی که در نصب پرچم های آن سال های سال پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله زحمت کشیده؛ در مرتب شدن آن کوشش بسیار نموده، و پدر بزرگوارش علی بن ابیطالب علیه السلام جهادها نموده و بنای آن را محکم گردانده، می بیند که به سبب کشته شدن او، اقربا و خویشان آن سرور، کهنه و از هم پاشیده

می‌گردد؛ بنای آن ویران می‌شود؛ آثار هدایت و معرفت بر طرف می‌گردد؛ پرچم علم و حکمت سرنگون می‌گردد و بازار کفر و نفاق رواج می‌یابد. چنانچه گردیده.

حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه در یکی از فقرات زیارت آن سرور می‌فرماید: «لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ الْإِسْلَامَ، وَ عَطَلُوا الصَّلَاةَ وَ الصِّيَامَ، وَ نَقَضُوا السُّنَنَ وَ الْأَحْكَامَ؛ با کشتن تو اسلام را کشتند؛ نماز و روزه را تعطیل نمودند و سنت و احکام را نقض نمودند.»^۱

با وجود این حال، آن برگزیده ذوالجلال چرا محزون نگردد و اشک از دیده ببازند؟! و اگر به مجرد گریستن از درجه صبر و شکر بیرون می‌رفتند، پس باید انبیاء نیز بیرون روند. در حالی که خداوند جلیل در کلام خود مکرراً ایشان را صابر یاد فرموده است؛ چنانچه می‌فرماید: «فاصبر کما صبر اولوالعزم من الرسل؛ پس صبر کن و شکویا باش چنانکه پیغمبران اولوالعزم و دارندگان احکام و آنچه را که خدا بر بندگانش واجب کرده، صبر کردند.»^۲

وجه چهارم:

شکی نیست که ایشان بشر بودند و اندوه وقت محنت و مصیبت؛ و خوشحالی هنگام نعمت از لوازم بشریت است. همچنانکه گرسنگی و تشنگی از لوازم بشریت است، هم چنانکه وقت گرسنگی گرسنه در تشنگی تشنه می‌شود، بی اختیار می‌شود، هم چنین هنگام وقوع ناراحتی‌ها بی اختیار گریان می‌شود. بلی العیاذ بالله اگر کار مکروهی انجام دهد یا شکایت و مثل آن نماید، با مقصود منافات دارد.

وقتی حضرت یوسف علیه السلام را به زندان بردند، آن قدر گریست که اهل زندان از گریه او به تنگ آمدند پس سیدالشهدا روحی و ارواح العالمین له الفداء که از یک جانب بدن کشتگان، از طرفی جسد پاره پاره نوجوانان، از یک جانب تشنگی کودکان، از یک سمت غریبی زنان و از یک جانب نوحه و زاری خواهران را در مصیبت نوجوانان

۱. ادامه: وَ هَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ، وَ حَرَّفُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ، وَ هَمَلَجُوا فِي الْبَغْيِ وَ الْعُدْوَانِ...

(مزار کبیر مرحوم مشهدی، ص ۵۰۵).

۲. احقاف / ۳۵.

مشاهده می‌نمود، چگونه محزون نشود و اشک از دیده‌اش نبارد؟! بلکه نسوختن دل بر آن‌ها، علامت قساوت قلب و بی رحمی است و این از صفات رذیله و از اخلاق قبیحه است و آن سرور از آن صفات عاری بودند.^۱

گریه‌های امام سجاد علیه السلام در سوگ پدر بزرگوارشان

حضرت سجاد علیه السلام از بعد از عاشورا تا به هنگام شهادتشان هر زمان که غذا یا آب برای حضرت می‌آوردند، به یاد تشنگی و گرسنگی پدر و اهل حرم و کودکان گریه می‌کردند.^۲ از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

«إِنَّ زَيْنَ الْعَابِدِينَ علیه السلام بَكَى عَلَى أَبِيهِ أَرْبَعِينَ سَنَةً صَائِمًا نَهَارَهُ وَقَائِمًا لَيْلَهُ فَإِذَا حَضَرَ الْإِفْطَارُ جَاءَ غُلَامُهُ بِطَعَامِهِ وَشَرَابِهِ فَيَضَعُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَيَقُولُ كُلْ يَا مَوْلَايَ فَيَقُولُ قَتَلَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم جَائِعًا! ، قَتَلَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم عَطْشَانًا فَلَا يَزَالُ يُكْرِّرُ ذَلِكَ وَ يَبْكِي حَتَّى يَبْتَلَّ طَعَامُهُ مِنْ دُمُوعِهِ ثُمَّ يُمَزْجُ شَرَابَهُ بِدُمُوعِهِ فَلَمْ يَزَلْ كَذَلِكَ حَتَّى لَحِقَ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

به درستی که امام زین العابدین علیه السلام چهل سال بر پدرش گریه کرد در حالی که روزها را روزه می‌گرفت و شب‌ها را تا صبح به عبادت می‌پرداخت. هنگامی که موقع افطار می‌شد، خادم آن حضرت غذا و نوشیدنی او را می‌آورد و در مقابل حضرت قرار می‌داد و عرض می‌کرد: میل کنید آقای من، آن حضرت می‌فرمود: فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کشته شد در حالی که گرسنه بود! فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کشته شد در حالی که تشنه بود! و دائماً این جملات را تکرار می‌کرد و گریه می‌کرد، تا جایی که غذای خود را از اشک‌های جاری‌اش خیس می‌نمود و نوشیدنی خود را با قطرات اشکش ممزوج

۱. امواج البكاء، گریه‌های حضرت سیدالشهداء علیه السلام، ص ۵۱-۵۳.

۲. جلاء العیون، علامه مجلسی، ص ۸۳۶.



می‌کرد. آن حضرت تمام عمر را به همین حال سپری کرد تا زمانی که به دیدار خداوند عزوجل شتافت.^۱

ام البكاء حضرت رقیه علیها السلام

هنگامی که حضرت رقیه علیها السلام ریحانه و دختر سیدالشهداء علیه السلام سر مطهر بابا را به دو دستش گرفته و ساکت نمی‌شد و گریه می‌کرد، امام سجاد علیه السلام خواهر را در آغوش گرفت تا او را ساکت نماید، ولی او گریه می‌کرد، ناگهان نفس بی بی رقیه علیها السلام قطع شد و صدای ناله حضرت زین العابدین علیه السلام بلند شد و خرابه یک پارچه اشک و ناله شد.^۲

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

«هر مؤمنی که چشمانش برای کشته شدن حسین علیه السلام گریان شود به طوری که اشک بر گونه‌هایش سرازیر گردد، خداوند به سبب آن، او را در غرفه‌های بهشتی جای دهد که روزگاران درازی را در آنها به سر برد.»^۳

عزاداری به امام باقر علیه السلام

کمیت شاعر به مدینه آمد و در حضور امام باقر علیه السلام قصیده‌ای خواند. وقتی به این بیت رسید:

و قتیل بالطف غودر منهم بین غوغاء امة و طعام

امام باقر علیه السلام گریست و فرمود: ای کمیت! اگر نز ما مالی بود به تو می‌دادیم، ولی برای تو همان چیزی هست که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حسان بن ثابت فرمود: «همیشه مورد تأیید روح القدس خواهی بود مادامی که از ما اهل بیت حمایت می‌کنی...»^۱

۱. معالی السبطين، ج ۲، ص ۲۰۰.

۲. ریاض القدس، ج ۲، ص ۳۲۲.

۳. ثواب الاعمال، ص ۱۰۸؛ منتخب میزان الحکمه، ص ۲۰۳۸۰.

گریه امام صادق علیه السلام در عزای جد مظلومش

راوی می‌گوید: محضر امام صادق علیه السلام بودیم یادی از امام حسین بن علی علیه السلام کردیم، حضرت گریه کرد ما هم گریه کردیم، سپس حضرت سرش را بلند کرد و فرمود، امام حسین علیه السلام فرمود: «من کشته اشک‌هایم، هیچ مؤمنی مرا یاد نمی‌کند مگر آنکه می‌گرید.»^۲

در روایتی آمده است:

«روزی که نام امام حسین علیه السلام در محضر امام صادق علیه السلام برده می‌شد، تا شب لبخندی بر لبان حضرت نبود.»^۳

زید شحام می‌گوید: همراه جماعتی از اهل کوفه در خدمت امام صادق علیه السلام بودیم، یکی از شعرای عرب به نام جعفر بن عفان وارد شد آن حضرت او را احترام نموده و در نزدیک خود جای داد، آن گاه فرمود: ای جعفر! او عرض کرد: لبیک، حضرت فرمود: به من گفته‌اند تو اشعار نیکی درباره امام حسین علیه السلام سروده‌ای؟ عرض کرد: آری.

حضرت فرمود: اشعارت را بخوان. او شعر می‌خواند و امام و اطرافیانش می‌گریستند به گونه‌ای که قطرات اشک بر صورت و محاسن آن حضرت جاری بود. سپس امام فرمود: «یا جعفر! والله لقد شهدت ملائكة الله المقربون هاهنا يسمعون قولك في الحسين و لقد بكوا كما بكينا او اكثر...؛ ای جعفر! فرشتگان مقرب الهی در این مجلس حاضر شدند و شعرت را شنیدند و گریه کردند همانگونه که ما گریه کردیم بلکه بیشتر از ما گریستند.»^۴

۱. الغدير، ج ۲، ص ۱۸۷؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۴۱.

۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۴.

۳. کامل الزیارات، ص ۱۰۱؛ اقناع اللائم، ص ۱۸۱.

۴. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲.

شیخ صدوق رحمته الله با سند خویش از امام صادق علیه السلام روایت می کند:
 بسیار گریه کنندگان پنج نفرند: آدم، یعقوب، یوسف، فاطمه دختر پیامبر و علی بن
 الحسین علیه السلام و اما علی بن الحسین علیه السلام بیست یا چهل سال بر امام حسین علیه السلام گریه کرد.
 هرگاه غذا مقابلش می گذاشتند گریه می کرد و ... می فرمود: من هرگاه به یاد شهادت
 فرزندان فاطمه علیه السلام می افتم، اشک در چشمم می آید.^۱

امام صادق علیه السلام به مسمع بن عبدالملک فرمود:
 آیا مصائب آن جناب (امام حسین علیه السلام) را یاد می کنی؟
 عرض کرد: بلی والله مصائب ایشان را یاد کرده و گریه می کنم.
 حضرت فرمود: آگاه باش که در وقت مردن پدران مرا خواهی دید که به ملک الموت
 وصیت تو را می کنند که سبب روشنی چشم تو باشد.
 همچنین فرمود:

«ای مسمع! گریه بر احوالات حسین علیه السلام سبب می شود که ملک الموت بر تو مهربان-
 تر از مادر گردد. گریه بر حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام باعث راحتی در قبر، فرحناک
 شدن مرده، شادمان و پوشیده بودن او در هنگام خروج از قبر است در حالی که او
 مسرور است، فرشتگان الهی به او بشارت بهشت و ثواب الهی را می دهند. اجر و مزد
 هر قطره آن این است که شخص همیشه در بهشت منزل کند.^۲

و همچنین از امام رضا علیه السلام نقل کرده که فرمود: از امام صادق علیه السلام از زیارت امام
 حسین علیه السلام سؤال شد فرمود که:

۱. خصال، ج ۱، ص ۲۷۲.

۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۹؛ کامل الزیارات، باب ۳۲، ص ۱۰۱.

«إِنَّ حَوْلَ قَبْرِهِ أَرْبَعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ شُعْثًا غُبْرًا يَبْكُونَ عَلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ آرى هفتاد هزار فرشته و ملائکه تا روز قیامت در کنار مضجع نورانی سیدالشهدا علیه السلام غبارآلود، دائماً در حال گریه و ماتم هستند.»^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«حادثه روز عاشورا دل‌های ما را آتش می‌زند، اشک‌های ما را جاری می‌سازد، و ما وارث غم و اندوه سرزمین کربلا هستیم، پس گریه کنندگان بر مثل حسین علیه السلام باید گریه کنند، زیرا ای مومنان! گریه بر او گناهان را از بین می‌برد.»^۲

گریه‌های امام کاظم و امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام فرمود:

كَانَ أَبِي علیه السلام إِذَا دَخَلَ شَهْرَ الْمُحَرَّمِ لَا يُرَى ضَاحِكًا وَ كَانَتْ الْكِتَابَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمْضِيَ مِنْهُ عَشْرَةُ أَيَّامٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمُ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَ حُزْنِهِ وَ بُكَائِهِ؛ با فرا رسیدن ماه محرم پدرم موسی بن جعفر علیه السلام با چهره خندان دیده نمی‌شد و حزن و اندوه سراسر وجودش را فرا می‌گرفت تا روز دهم فرا می‌رسید آن روز، روز مصیبت، اندوه و گریه آن حضرت بود.»^۳

دعبل خزاعی شاعر بزرگ اهل بیت علیه السلام می‌گوید:

«در ایام محرم بر امام رضا علیه السلام وارد شدم، حضرت فرمود: دوست دارم برای من شعر بخوانی، این روزها روز حزن و اندوه ما اهل بیت و شادی دشمنان ما به ویژه بنی امیه است ...، پس از آن امام رضا علیه السلام برخاست پرده‌ای را جهت حضور خانواده در مصیبت

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۲۲.

۲. نورالعین فی مشهد الحسین علیه السلام، ابواسحاق اسفرائینی، ص ۸۴.

۳. امالی، صدوق، ص ۱۲۸؛ نورالعین، ص ۲۸۴.

جداشان حسین علیه السلام اویزان کردند. سپس فرمود: دعبل برای حسین علیه السلام مرثیه بخوان تا زنده‌ای یار و مدیحه سرای ما هستی، آنگاه گریستم به گونه‌ای که قطرات اشک بر صورت‌م جاری شد و این شعر را سرودم که: «فاطم لو خلت الی آخر» امام رضا علیه السلام گریست و به همراه حضرت خانواده و فرزندان حضرت گریستند.^۱

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«... فَإِنَّ الثُّبَاءَ يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ ؛ گریه بر امام حسین علیه السلام گناهان بزرگ را محو می‌کند.»^۲

از امام معصوم علیه السلام نقل شده است: «هر که بگرید یا بگریاند یا حالت اندوه و گریه داشته باشد بر مصیبت امام حسین علیه السلام، بهشت برای او واجب می‌شود.»^۳

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَقْرَحَ جُفُونَنَا وَ أَسْبَلَ دُمُوعَنَا وَ أَذَلَّ عَزِيزَنَا بِأَرْضِ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ وَ أَوْرَثَنَا الْكَرْبَ وَ الْبَلَاءَ إِلَى يَوْمِ الْإِنْقِضَاءِ فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكُ الْبَاكُونَ ... ؛ همانا روز شهادت حسین علیه السلام پلک‌های ما را مجروح نمود، و اشک‌های ما را جاری ساخت، و عزیز ما را در سرزمین کربلا به ذلت کشاند و از آن روز ذلت و سختی را تا روز تمام شدن مشکلات به ارث بردیم، پس باید بر کسی مثل حسین علیه السلام گریه کنندگان گریه کنند...»^۴

امام رضا علیه السلام فرمود:

۱. سفینه البحار، ج ۳، ص ۴۶.

۲. مسند امام رضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷.

۳. الخصائص الحسينية علیه السلام، ص ۱۴۲.

۴. امالی صدوق، ص ۱۲۸.

«من کان یوم عاشورا یوم المصیبة و حزنه و بکائه جعل الله عزوجل یوم القيامة یوم فرحه و سروره؛ هر کس که عاشورا، روز مصیبت و اندوه و گریه‌اش باشد، خداوند روز قیامت را برای او روز شادی و سرور قرار می‌دهد.^۱

تأسی شیعیان به اهل بیت علیهم‌السلام در گریستن بر حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام
گریه با اشک نشان از سوز دل است. قطرات اشک برای امام حسین علیه‌السلام ریختن، برات بهشت و رهایی از دوزخ است.

امام حسین علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:
«مَنْ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ فِينَا قَطْرَةً بَوَّأَهُ اللَّهُ عزوجل الجنة؛ چشمان هر کس در مصیبت‌های ما قطره‌ای اشک بریزد، خداوند او را در بهشت جای می‌دهد.»^۲

در سوگ تو با سوز درون می‌گیریم از نیل و فرات و شط فزون می‌گیریم
گر چشمه چشم من بخشد تا حشر از دیده به جای اشک، خون می‌گیریم^۳
شیعیان حضرت با تأسی به حضرت عقیله بنی هاشم، در ماتم سرور شهیدان دائماً می‌گیرند، همچنان که در زیارت نامه حضرت زینب کبری علیه‌السلام آمده است:
«می‌گیریم به حال بانویی که روزگار او را از منظره‌های وحشت انگیزی غمگین کرد، در حالی که مصیبت او با دیگر مصیبت‌ها شباهتی نداشت.

می‌گیریم به حال بانویی که بدن‌های پاره پاره مقتولین را بر روی زمین افتاده دید.
می‌گیریم به حال بانویی که قتلگاه خویشاوندان و برادران و عموزادگان شهید خود را مشاهده فرمود که شمشیر میان سر و بدن‌های آنان جدایی انداخته و حرارت آفتاب رنگ آنان را دگرگون ساخته بود و در میان آنان پیکر گل گلزار مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آقای

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۴.

۲. احقاق الحق، ج ۵، ص ۵۲۳.

۳. شعر از سید مصطفی آرنک.

جوانان اهل بهشت بر روی خاک‌های گرم کربلا افتاده بود به ناگاه فریادش به گریه بلند شد و فرمود: خدایا! این قربانی را از آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قبول فرما.^۱

و زهی سعادت بر گریه کنندگان سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَامُ چرا که از امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده که فرمودند:

آگاه باشید! خداوند به فرشتگان مقرب خویش دستور می‌دهد اشک‌های گریه کنندگان بر عزای حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را گرفته و گرد آورند و به خزانه بهشت ببرند و آن را با آب حیات بیامیزند تا هزار بار گوارتر و خوشبوتر گردد و ...^۲

بلند گریستن بانوان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در مصیبت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ

نساء طاهرات و حرم مطهر ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در مصیبت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ صدا را به گریه و فریاد و زاری بلند می‌کردند. هنگامی که سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَامُ مقابل لشکر دشمن خطبه خواندند، روایت شده است که:

« فَلَمَّا خَطَبَ هَذِهِ الْخُطْبَةَ وَ سَمِعَ بَنَاتُهُ وَ أُخْتَهُ زَيْنَبُ كَلَامَهُ بَكَيْنَ وَ نَدْبِنَ وَ لَطْمَنَ وَ ارْتَفَعَتْ أَصْوَاتُهُنَّ ... ؛ چون دختران و خواهرش زینب عَلَيْهَا السَّلَامُ ، کلام ابی عبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ را شنیدند اشک ریختند و بلند گریه کردند و لطمه زدند و صداهایشان بلند شد...»^۳

«فلما نظر اخوات الحسين و بناته و اهله الى الفرس ليس عليه احد رفعت اصواتهن بالبكاء و العويل...؛ هنگامی که نگاه خواهران امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و دختران و اهل حرم او به اسب حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ افتاد که احدی بر او سوار نیست صدا را به گریه بلند نمودند...»^۴

۱. اشک حسینی سرمایه شیعه، ص ۱۲۵.

۲. تفسیر الامام العسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ، ص ۳۶۷، ذیل آیه «و اذ اخذنا میثاقکم...» (بقره/۸۵).

۳. ملهوف، ص ۱۶۲.

۴. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵۹.

عبدالله بن غالب نقل کرده گفت: بر حضرت امام صادق علیه السلام داخل شده، پس شعری

در مرثیه حضرت امام حسین علیه السلام خواندم و وقتی به این بیت منتهی شدم:

لبلیة تسقو حسینا
بمسقاة الثری غیر التراب

هر آینه مصیبتی بود که آن مصیبت حسین علیه السلام را در آب خورگاه زمینی مرطوب (دارای آب) نه خشک سیراب نمود.

«فصاحت باکیه من وراء الستر وا ابتاه؛ پس مخد ره ای که در پشت پرده می گریست با صدای بلند فریاد زد: وا ابتاه»^۱

این تنها چند نمونه از صدها نمونه‌ای است که نساء طاهرات اهل بیت علیهم السلام در مصیبت امام حسین علیه السلام صدا را به گریه بلند کرده‌اند. با تذکر این دو نکته که:

اولاً: بی تردید ائمه اطهار علیهم السلام بسیار از ما غیورتر بوده‌اند، بلکه غیرت الله هستند و اگر بلند گریستن اهل حریشان اشکال داشت، از این کار ممانعت می‌کردند.

ثانیاً: نساء طاهرات اهل بیت علیهم السلام بسیار با حیا تر و عفیف‌تر از خانم‌های ما بوده‌اند، اما با این وجود در مصیبت امام حسین علیه السلام صدا به گریه و زاری بلند می‌کرده‌اند.

پس آنان را چه شده که از اهل بیت علیهم السلام جلو افتاده و می‌گویند: بلند گریستن زن در عزاداری امام حسین علیه السلام اشکال دارد!

گریستن به گونه‌ای که اشک تمام صورت را فرا گیرد و کاملاً خیس کند. صورت غرق در اشک شود.

روایت شده است که:

۱ . مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۸۵، باب ۸۳، ح ۱۲۲۳۵؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶؛ کامل الزیارات، ص ۱۰۵.

«ان زين العابدين عليه السلام بکی علی ابیه اربعین سنة، صائماً نهاره، قائماً ليله ... ثم رفع رأسه من السجود و ان لحیه و وجه؛ همانا امام زين العابدين عليه السلام چهل سال بر پدر بزرگوارشان گریست، روزها روزه می گرفت و شبها به نماز می ایستاد. سپس سر را از سجده بلند نمودند و در حالی که محاسن و صورت حضرت غرق اشک چشم شده بود.»^۱

گریه حضرت زهرا عليها السلام در مصیبت امام حسین عليه السلام

به سند معتبر روایت شده از ابابصیر ، که وی می گوید: در خدمت حضرت امام صادق عليه السلام بودم و مطالب خود را به آن حضرت عرض می کردم؛ ناگاه بر آن حضرت طفل کوچکی داخل شد ، پس به او فرمود:
مرحباً بک یا ولدی.

و او را گرفته و به سینه خود چسبانید و او را بوسید و فرمود:
«حقرا لله من حقرکم و انتقم ممن و ترکم؛ خدا حقیر و ذلیل گرداند کسی که شما را حقیر کرد و انتقام بکشد از کسی که شما را یکه و تنها گردانید.
لعن الله من قتلکم

و خدا لعنت کند کسی را که شما را کشت.
و خدا شما را حافظ و یار و معین می باشد.
فقد طال بکاء النساء و بکاء الانبياء و الصديقين و الشهداء و ملائكة السماء؛ پس به تحقیق که طول کشیده گریه زنان و گریه پیغمبر و صدیقان و شهدا و ملائکه آسمانها بر شما.

و بعد از آن حضرت گریست گریه شدیدی و فرمود: ای ابابصیر!
إذا نظرت الى ولد الحسين اتانى ما لا املكه مما اتى الى ابيهم و اليهم.

۱ . الملهوف، ص ۲۰۹؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۸۲ و ج ۲۵، ص ۲۷۸؛ اسرارالشهادات، ج ۲، ص ۳۷۸؛ مسکن الفؤاد، ص ۱۰۰.

هر وقت که نظرم می‌افتد به سوی اولاد امام حسین علیه السلام حالتی به من دست می‌دهد که دیگر مالک خود نمی‌باشم و نمی‌توانم خود را حفظ نمایم، به سبب مصیبت‌هایی که بر پدر ایشان، امام حسین علیه السلام وارد شده است.

ای ابابصیر! به درستی که فاطمه علیه السلام چنان بر حسین مظلوم گریه می‌کند و نعره می‌زند که آتش جهنم به خروش می‌آید و اگر حافظین و موکلین جهنم در وقتی که صدای ناله حضرت فاطمه علیه السلام را می‌شنوند آن را حفظ نکنند، می‌سوزاند جمیع اهل زمین را و جهنم آرام نمی‌گیرد تا صدای گریه حضرت زهرا علیه السلام ساکن نشود. و دریاها به جهت گریه او به خروش و موج و اضطراب می‌آیند و بر هر قطره‌ای از آن، ملکی است که آن را حفظ می‌کند و نمی‌گذارد که طغیان بگیرد و بال‌های خود را بر آن می‌زنند و آن را حبس می‌کنند که غرق نکند زمین و اهل آن را.

فلا تزال الملائكة مشفقين يبكون لبكائها.

پیوسته ملائکه به جهت گریه فاطمه گریه می‌کنند و به جهت گریه آن مظلوم به درگاه خدا تضرع و زاری می‌کنند. و بلند است صدای ملائکه به تقدیس و تسبیح خدا، به جهت خوف بر اهل زمین و اگر صدایی از صداهاى ایشان برسد بر زمین، هر آینه، زمین از هم می‌پاشد و زهره خواهند شکافت اهل زمین و پاره پاره خواهند شد کوه‌ها و زلزله در زمین به نحوی واقع خواهد شد که همه اهل زمین را هلاک نماید.

ابابصیر عرض کرد: پس این امری بسیار عظیم و شدید است.

حضرت فرمود: آنچه شنیده‌ای اعظم از این است. بعد از آن، فرمود: ای ابابصیر! اما تحب ان تكون ممکن یسعد فاطمه؟

آیا دوست نمی‌داری که از جمله یاری کنندگان فاطمه علیه السلام در این مصیبت باشی؟

فبکیت حين قالها فما قدرت على المنطق و ما قدر على الكلام من البكاء

ابابصیر می گوید: به گریه در آمدم وقتی که حضرت این سخن را فرمودند و از شدت گریه نتوانستم جواب بگویم و حضرت هم نتوانست از شدت گریه متوجه کلام من بشود. پس حضرت به نماز ایستاد و من بیرون رفتم.^۱

اسرار گریه صدیقه طاهره علیها السلام

اخبار متعددی در خصوص گریه آن معصومه مظلومه در اکثر اوقات عالم برزخ ذکر گردیده، کسی که در این اخبار تدبر و تأمل کند در می یابد که نسبت گریه و ناله آن مظلومه صدیقه علیها السلام در دنیا با عالم برزخ مثل نسبت اقل قلیل است به اکثر کثیر. حال آنکه حضرت در دنیا فرمود:

صبت علی مصائب لوانها صبت علی الایام صرن لیالیا

گرفتاری ها و مشکلات زیادی بر من وارد آمد که اگر اینها بر روز وارد می شد تحمل آن را نداشت و به شب و تاریکی تبدیل می شد.

هیچ کس به اندازه حضرت صدیقه کبری علیها السلام پس از وفات [شهادت] پدر بزرگوارش سیدالمرسلین صلی الله علیه و آله و سلم گریه و زاری نکرد. وقتی این امر مشخص شد یک سؤال در این بحث وارد می شود که:

چطور می شود خداوند عالمیان راضی شود که حبیبه خودش، صدیقه عظمی و افضل خلق پس از رسول خدا و امیرالمؤمنین علیه السلام، علی الدوام و الاتصال هم در دنیا و هم در عقبی در حزن و غم، گریه و بکاء و جزع و ناله باشد. حال آنکه حق تعالی هر دو عالم را به خاطر وجود شریف آن معصومه مظلومه خلق فرموده است؟ علاوه بر اینکه دار عقبی و آخرت برای حجج الله و خلفاء الله و اولیاء الله علیهم السلام و همچنین برای شیعیان مؤمنین و مؤمنان خانه نعمت، راحت و سرور است، پس باید از آن اموری که در دنیا داشتند (حزن و غم و بکاء و گریه) ذره ای در آخرت نداشته باشند؟!

۱. انوارالشهادة فی مصائب الحسین علیه السلام، ص ۱۲۹-۱۳۱؛ کامل الزیارات، ص ۸۲، باب ۲۶، ح ۷؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۰۸، باب ۴۰.

بعد از تدبر و تأمل در خصوص این سؤال، برای عاقل عارف سؤال دیگری مطرح می‌شود با این مقدمه که در شهادت حضرت سیدالشهداء علیه السلام همه موجودات گریه کردند. از آن جمله اهل بهشت و آنچه در آن است (مانند حورالعین و غلمان، چنانکه حورالعین لطمه بر صورت زدند و سینه‌ها را خراشیدند) و اهل جهنم همه و همه گریه کرده و صیحه و ضجه زدند. در مورد تمامی این اتفاقات اخبار متکثری وجود دارد و اینها از ضروریات مذهب امامیه محسوب می‌شود.

با این مقدمه سؤال دوم مطرح می‌شود که: اهل بهشت و سعادتمندان برزخ باید در نعمت، زینت، فرح، سرور و نشاط باشند. این امر با گریه، بکاء، حزن، غم، الم، لطمه بر صورت و خراشیدن سینه منافات دارد. علاوه بر اینکه از اخباری که درباره گریه و بکاء حضرت صدیقه عظمی فاطمه زهرا علیه السلام وارد شده استفاده می‌شود که هرگاه آن معصومه مظلومه مشغول گریه و ناله می‌شود، همه کسانی که گریه حضرت را می‌شنوند گریه می‌کنند و ناله می‌زنند. پس لازمه این قضیه این است که همه اهل بهشت و برزخ غرق در حزن و بکاء و الم باشند!

برای پاسخ به این دو سؤال ابتدا مقدمه‌ای مختصر و مفید را ذکر می‌کنیم و سپس به پاسخ سؤال می‌پردازیم. بر هر عاقل عارف روشن است که التذاذ و بهره‌مندی از نعمات، فرح و سرور و انبساط در میان اهل جنان خواه در نشئه برزخی باشد، خواه در آخرت به یک سطح و اندازه نیست؛ بلکه انواع و اقسام دارد. چه بسا مقربین درگاه حق تعالی و فانیان عبودیت، در خضوع، خشوع برای حق سبحانه و تعالی، بهره‌مندی از نعمات حسی ظاهری را مثل خوردن، آشامیدن، هم‌نشینی با حور عین و امثال اینها را از جنس لذات به حساب می‌آورند.

بلکه لذت واقعی در نزد ایشان به اقسام روحانی و تقرّبات الهی و در زیر پرچم ملکوت منحصر است و این مقام در واقع مقام تقرب رضای حق تعالی است. این بهترین نعمت و لذت اهل بهشت است کما اینکه در قرآن مجید هم به این امر اشاره شده است.

با این مقدمه مختصر و مفید سیری از اسرار شهادت آشکار می‌شود و آن این است که آنچه در خصوص بسیاری گریه و کثرت بکاء حضرت صدیقه عظمی فاطمه زهرا علیها السلام و همچنین گریه مقربین انبیاء و ملائکه بیان شده است در واقع مقامی است که به مقربین کبریایی عطا می‌شود. پس مقام گریه، زاری، بکاء، جزع و فزع برای سیدالشهداء علیه السلام عین مقام جزاء مقربین و رضوان الله است. در حقیقت مقام رضوان الله، اکبر مقامات، اعظم درجات، اشرف پاداشها و نعمت‌های ظاهری و باطنی است به عبارت روشن‌تر گریه کنندگان و جزع و فزع کنندگان بر حضرت سیدالشهداء علیه السلام (از مرد و زن) در حین بکاء و گریه در دریای رضای خداوند و سرچشمه رحمت و محبت حق تعالی (در دنیا و برزخ و آخرت) غرق هستند.^۱

۱. سعادات ناصریه، ص ۳۱۷-۳۱۹.

فصل یازدهم: اشک‌های همیشه جاری

امام صادق علیه السلام فرمود:

«ما بکی لنا من الملائكة اكثر و ما رقأت دموع الملائكة منذ قتلنا؛ موجودی بیشتر از فرشتگان بر ما گریه نکرده است، ایشان اشک‌هایشان لا ینقطع جاری بوده و هرگز قطع نمی‌شود.»^۱

به راستی چه مصیبتی صعب و سخت روی داده است که ملائکه در عالم بالا اشک-هایشان متصل جاری است؟

آسمان‌ها و زمین تا ابد بر مصائب امام حسین علیه السلام گریانند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«إذا قبض الله نبیا علیه السماء اربعین سنة و اذا مات امام من الائمة الاوصیاء بکت علیه السماء و الارض اربعین شهراً و اذا مات العالم العامل بعلمه بکت اربعین يوماً علیه. و اما الحسین علیه السلام فتبکی علیه السماء و الارض طول الدهر و تصدیق ذلک ان یوم قتلة قطرت السماء دماً.»

همانا هنگامی که خداوند متعال قبض روح پیامبری را کند، آسمان تا چهل سال بر او می‌گرید و هنگامی که امامی از امت از دنیا مفارقت کند، آسمان بر او تا چهل ماه می‌گرید و هنگامی که عالمی که به علم خود عمل می‌نموده بمیرد، آسمان بر او تا چهل روز می‌گرید ... و اما حسین علیه السلام، پس گریست بر او آسمان‌ها و زمین به طول روزگار و تصدیق آن این است که روزی که به شهادت رسید، از آسمان باران خون بارید.^۲

۱. کامل الزیارات، ص ۱۰۲.

۲. اسرارالشهادت، ج ۳، ص ۸۳؛ المنتخب، ج ۱، ص ۱۴۳.

فصل دوازدهم: تداوم عزاداری

فصل: همیشه برای مصائب ابا عبدالله الحسین علیه السلام عزادار باشیم

عن الصادق علیه السلام: رحم الله شيعتنا لقد شاركونا في المصيبة بطول الحزن و الحسرة على مصاب الحسين علیه السلام.

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند رحمت کند شیعیان ما را، به تحقیق که مشارکت کردند با ما در مصیبت [او] با حزن و حسرت همیشگی بر مصائب امام حسین علیه السلام [با ما همدردی کردند].^۱

قال الرضا علیه السلام: إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَقْرَحَ جُفُونَنَا وَ أَسْبَلَ دُمُوعَنَا وَ أَذَلَّ عَزِيزَنَا بِأَرْضِ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ وَ أَوْرَثَتْنَا الْكَرْبَ وَ الْبَلَاءَ إِلَى يَوْمِ الْإِنْقِضَاءِ ... ؛

امام رضا علیه السلام فرمود: به درستی که روز حسین علیه السلام پلک‌های چشم ما را [در اثر گریه-های همیشگی] مجروح کرد و [هماره] اشک‌های ما را روان و جاری ساخت و عزیز ما را در سرزمین کربلا ذلیل کرد. کرب و غم نفس گیر و بلا و مصیبت را تا روز پایان برای ما به ارث گذاشت.^۲

قال دعبل بن علی الخزاعي: دخلت على سیدی و مولای علی بن موسی الرضا علیه السلام ... ثم التفت الي و قال : يا دعبل ارث الحسين علیه السلام فانت ناصرنا و مادحنا، فلا تقصر عن نصرنا ما استطعت ما دمت حياً ...؛

دعبل بن علی خزاعی می‌گوید: بر آقا و مولای خود علی بن موسی الرضا علیه السلام وارد شدم ... سپس به من رو کرد و فرمود: ای دعبل! هماره رثای امام حسین علیه السلام را بخوان

۱. اسرار الشهادات، ج ۱، ص ۱۰۰ به نقل از: المنتخب فی المقتل، ص ۲۸.

۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۳.

که تو یار و کمک کار ما و مدح کننده ما هستی. از این رو تا جایی که می‌توانی و تا زمانی که زنده هستی، در یاری ما کوتاهی نکن...^۱

شیعیان از عزاداری خود عذر تقصیر بخواهند!

فإذا كان أواخر نهار يوم عاشوراء فقم قائماً و سلم على رسول الله ﷺ و على مولانا أمير المؤمنين علياً و على مولانا الحسن بن علي و على سيدتنا فاطمة الزهراء و عترتهم الطاهرين صلوات الله عليهم أجمعين و عزهم على هذه المصائب بقلب محزون و عين باكية و لسان ذليل بالنوائب ثم اعتذر إلى الله جل جلاله و إليهم من التقصير فيما يجب لهم عليك و أن يعفو عما لم تعمله مما كنت تعمله مع من يعز عليك فإنه من المستبعد أن يقام في هذا المصائب الهائل بقدر خطبة النازل...»

در هنگامی که ساعات پایانی روز عاشورا فرا می‌رسد، از جای خود برخیز و بایست و بر آقا رسول الله ﷺ و مولایمان امیرالمؤمنین علیاً و مولایمان امام حسن علیاً و بر بی بی فاطمه زهرا علیها و عترت طاهرين ایشان علیهم، سلام بفرست و با قلبی محزون و چشمی اشکبار و زبانی که از شدت مصیبت خاضع و ذلیل شده است، آن بزرگوار را درباره این مصائب تعزیت بده. سپس به درگاه خداوند متعال جل جلاله و اهل بیت علیهم عذرخواهی کن و به جهت کوتاهی خود در آن حقی که برای ایشان بر گردن تو واجب است، پوزش بطلب و از ایشان نسبت به آن کارهایی که می‌توانستی در عزای ایشان انجام دهی [و کوتاهی کردی] و انجام ندادی، که [چه بسا] اگر عزای عزیزان خودت بود، آن کارها را انجام می‌دادی، طلب عفو و بخشش کن؛ زیرا که

۱. معالی السبطين، ج ۱، ص ۱۶۰.



بسیار بعید است که بتوانی در این مصیبت هولناک به اندازه لازم و درخور شایسته
شان آن مصائب عظیم که بر ساحت اهل بیت علیهم السلام نازل شد، عزاداری نمایی.^۱

۱ . اقبال الاعمال (ط قدیمه) ، ج ۲، ص ۵۸۳؛ بحار الانوار، (ط بیروت) ج ۹۵، ص ۳۴۴.

فصل سیزدهم : گردیدن اشک در چشم پیش از جاری شدن آن

«ما بکی احد رحمة لنا و لما لقینا الا رحمة الله قبل از تخرج الدمعه من عینیه»^۱
امام صادق علیه السلام می فرماید: خداوند گریه کننده را رحمت کند ، پیش از آن که اشک
از چشمش بیرون آید.

۱ . کامل الزیارات ، ص ۱۰۲.

فصل چهاردهم : جاری شدن اشک بر صورت (گونه‌ها)

۱: امام صادق علیه السلام درباره کیفیت گریه کردن امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

« كَانَ جَدِّي إِذَا ذَكَرَهُ بَكَى حَتَّى تَمَلَأَ عَيْنَاهُ لَحِيْمَةً وَ حَتَّى يَبْكِي لِبُكَائِهِ رَحْمَةً لَهُ مِنْ رَأَاهُ »^۱

عادت جدم این بود که هر وقت به یاد امام حسین علیه السلام می‌افتاد، می‌گریست تا آنکه محاسنش از اشک چشمش خیس می‌شد و آن قدر می‌گریست که هر که او را می‌دید به گریه در می‌آمد و دلش برای او می‌سوخت.

۲: حضرت رضا علیه السلام به ریان بن شبيب فرمودند:

اگر به گونه‌ای بر حسین علیه السلام گریه کنی که اشک‌هایت بر گونه‌هایت جاری شود، خداوند هر گناهی که مرتکب شده باشی، چه کوچک، چه بزرگ و چه کم و چه زیاد، خواهد بخشید.^۲

۳: امام صادق علیه السلام به فضیل فرمود: «يَا فَضِيلُ، مَنْ ذَكَرَنَا - أَوْ ذَكَرْنَا عَنْدَهُ - فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الذُّبَابِ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ».^۳

کسی که در حضورش یادی از مصیبت ما شود و از چشمش به اندازه بال مگسی اشک جاری شود، خداوند گناهانش را هر چند مانند کف دریاها باشد، می‌آمرزد. تعبیر «جناح ذباب؛ به مقدار بال مگس» ناظر به این نکته است که هر طور شده، بکوشید خود را از طریق گریه به امام حسین علیه السلام متصل کنید، هر چند به کمترین حد آن، چرا که آن چه مهم است اصل اتصال است، هر چند که اگر اشک بیشتری بیرون آید پاداش بیشتری خواهد داشت.^۴

۱. کامل الزیارات، ص ۸۱.

۲. لوامع صاحبقرانی، ج ۶، ص ۲۶۸؛ امالی صدوق، مجلس ۲۷، ح ۵، ص ۲۰۶، ترجمه کریم فیضی؛ امالی صدوق، م ۲۷، ص ۱۲۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۲، باب استحباب البكاء لقتل الحسین علیه السلام؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۰۴، باب ۲۸، ترجمه: حمید رضا مستفید و علی اکبر غفاری.

۳. قرب الاسناد، حمیری، ص ۳۶.

۴. سلوک ماتم، پاورقی، ص ۱۶۴.

فصل پانزدهم : جاری شدن گریه بر صورت ، ریش و سینه

۱: «...یا بن عباس اتعرف هذا الموضع ؟ قلت له ما اعرفه يا امير المؤمنين. فقال : لو عرفته كعمرتي لم تكن تجوزه حتى تبكي كبكايي قال فبكي طويلاً حتى اخضلت لحيته و سالت الدموع على صدره».

ابن عباس می گوید همراه حضرت علی علیه السلام در جنگ صفین از سرزمین نینوا گذشتیم. به من فرمود: ای ابن عباس! آیا این سرزمین را می شناسی؟ عرض کردم: خیر ، ای امیرمؤمنان.

حضرت فرمودند: اگر مثل من آن را می شناختی از اینجا عبور نمی کردی، مگر آنکه مانند من می گریستی ، آنگاه شروع به گریستن کرد تا اینکه اشک ، محاسنش را فرا گرفت و بر سینه مبارک جاری شد.^۱

۲: « فَبَكَى وَمِنْ حَوْلِهِ حَتَّى صَارَتِ الدَّمُوعُ عَلَى وَجْهِهِ وَ لِحْيَتِهِ ثُمَّ قَالَ يَا جَعْفَرُ وَاللَّهِ لَقَدْ شَهِدَتْ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ هَاهُنَا يَسْمَعُونَ قَوْلَكَ فِي الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ لَقَدْ بَكَوْا كَمَا بَكَيْنَا وَ أَكْثَرَ »

امام صادق علیه السلام وقتی که مرثیه خوان مرثیه می خواند می گریست ، تا اینکه اشک محاسنش را فرا می گرفت و بر سینه مبارک جاری می شد. سپس می فرمود: هر آینه ملائکه گریه کردند، چنان که ما گریه کردیم، بلکه بیشتر . خداوند تمام بهشت را برای تو واجب کرد.^۲

۱ . امالی، ابن بابویه، ص ۵۹۷.

۲ . بحار الانوار ، ج ۴۴ ، ص ۲۸۳.

فصل شانزدهم: بلند کردن صدا به گریه

۱ : هنگامی که نگاه خواهران امام حسین علیه السلام و دختران و اهل احرم او به اسب حضرت افتاد که صاحبش بر او سوار نیست، صدا را به گریه بلند کردند.
«فلما نظر اخوات الحسين عليه السلام و بناته و اهله الى الفرس عليه احد رفعن اصواتهن بالبكاء و العويل»^۱.

۲ : عبدالله بن غالب نقل می کند : خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و شعری در مرثیه امام حسین علیه السلام خواندم پس شنیدم مخدره‌ای که در پشت پرده می‌گریست . با صدای بلند فریاد زد : وا ابتاه.

عن عبدالله بن غالب قال: دخلت على ابي عبدالله عليه السلام فانشدته مرثية الحسين عليه السلام فلما انتهيت الى هذه الموضع ... فصاحت باكياً من وراء الستر وا ابتاه^۲.

این دو روایت نمونه‌هایی بود از نمونه‌های بسیار که زنان اهل بیت علیهم السلام در حضور امام معصوم علیه السلام صدا را به گریه بلند کرده‌اند و معصومین علیهم السلام نیز از این کار ممانعت نکرده‌اند.

۱ . بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۶۰.

۲ . کامل الزیارات ، ص ۱۰۵.

فصل هفدهم: گریستن به گونه‌ای که مردم برای او دلسوزی کنند

امام صادق علیه السلام در مورد حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمودند:

«و کان جدی اذا ذکره بکی حتی تملأ عیناه لحیته و حتی یبکی لبکائه رحمة له من رآه؛ و عادت جدم این بود که هر وقت یاد و ذکر امام حسین علیه السلام می‌شد می‌گریست تا آن که محاسنش از اشک چشمش خیس می‌شد و آن قدر می‌گریست که هر که او را می‌دید از گریه او به گریه در می‌آمد و دلش بر او می‌سوخت.»^۱

حضرت زینب کبری علیها السلام نیز به قتلگاه آمده و پس از آنکه بدن پاره پاره برادر را یافت به مرثیه سرایی پرداخت که تمام اهل بیت علیهم السلام و حتی لشکریان کفر نیز گریستند.^۲

۱. کامل الزیارات، ص ۸۰؛ مدینه المعاجز لائمة الاثنی عشر، ج ۴، ص ۱۶۷؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۰۶؛ ریاض الابرار، ج ۱، ص ۲۶۶؛ عوالم العلوم، ج ۱۷، ص ۴۶۲.

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵۸.

فصل هجدهم : ممزوج شدن اشک چشم با غذا و آب

روی عن الصادق عليه السلام انه قال ان زين العابدين عليه السلام بكى على ابيه اربعين سنة صائماً نهاره قائماً ليله فاذا حضر لافطار جاءه غلامه بطعامه و شرابه فيضعه بين يديه فيقول كل يا مولاي فيقول قتل ابن رسول الله عليه السلام لي جائعاً قتل ابن رسول الله عليه السلام عطشاناً فلا يزال يكرر ذلك و يبكي حتى يبل طعامه من دموعه ثم يخرج شرابه بدموعكم يزل كذلك حتى لحق بالله عزوجل.

اماو صادق عليه السلام می فرماید : زين العابدين عليه السلام چهل سال در عزای پدرش گریه کرد ، در حالی که روزها روزه بود و شبها عبادت می کرد. هنگامی که وقت افطار فرا می - رسید ، غلام آن بزرگوار خوراک و آشامیدنی آن حضرت را حاضر می کرد و در مقابل آن بزرگوار می نهاد و می گفت: ای مولای من! افطار کن. امام سجاد عليه السلام می فرمود : پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گرسنه کشته شد . پسر پیغمبر خدا با لب تشنه شهید شد. آن بزرگوار همچنان این سخنان را می گفت و گریه می کرد، تا این که غذای آن حضرت با اشک چشمش تر می شد و آب آشامیدنی آن بزرگوار با اشک چشمش ممزوج می شد. امام سجاد عليه السلام همیشه این حال را داشت تا به لقای حق تعالی پیوست.^۱

۱ . بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۹.

فصل نوزدهم: پاره شدن رگ قلب در اثر شدت مصیبت (نیاط القلب)

انقطاع نیاط القلب: نیاط القلب: رگ دل است. انقطاع نیاط القلب: یعنی درد مصیبت به رگ قلب مصیبت زده رسیده و آن را پاره کند.

وقتی حضرت سکینه علیها السلام در شام، حضرت زهرا علیها السلام را در خواب می بیند و از مصائب کربلا خدمتشان عرض می کنند، حضرت زهرا علیها السلام می فرمایند:

«كُفِّي صَوْتَكَ يَا سَكِينَةَ فَقَدْ أَحْرَقَتْ كَبِدِي وَ قَطَعَتْ نِيَاطَ قَلْبِي هَذَا قَمِيصُ أَبِيكَ الْحُسَيْنِ مَعِيَ لَا يُفَارِقُنِي حَتَّى أَلْقَى اللَّهَ»

ای سکینه! همانا که جگرم را آتش زدی و رگ قلبم را قطع نمودی این پیراهن پدرت حسین علیه السلام است که از من جدا نمی شود تا خداوند را با آن ملاقات کنم.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۰.

فصل بیستم: مردن از شدت گریستن (ازهاق)

شرح :

«ازهاق» در کتب لغت به معنای جدا شدن روح از بدن و هلاک شدن است.^۱ در روایت فوق ، حضرت امیرمؤمنان علیه السلام نمی فرماید: اگر مصیبت سیدالشهداء علیه السلام را می دانستید جان می دادید ؛ این که جای خود دارد. بلکه روایت می فرماید: اگر اثری که مصیبت امام حسین علیه السلام بر اهل دریاها و ساکنین کوهها کرد را می دانستید روحتان از بدن جدا می شد . یعنی از اثر مصیبت می مردید؛ خود مصیبت که جای خود دارد !

اینجاست که باید اقرار کرد که حد مصیبت، ما فوق جان دادن ماست.

حضرت اباذر علیه السلام روایت ذیل را نقل می کنند که:

« وَ إِنَّكُمْ لَوْ تَعْلَمُونَ مَا يَدْخُلُ عَلَى أَهْلِ الْبَحَارِ وَ سُكَّانِ الْجِبَالِ فِي الْغِيَاضِ وَ الْأَكَامِ وَ أَهْلِ السَّمَاءِ مِنْ قَتْلِهِ لَبَكَيْتُمْ وَ اللَّهُ حَتَّى تَرْهَقَ أَنْفُسُكُمْ وَ مَا مِنْ سَمَاءٍ يَمُرُّ بِهِ رُوحُ الْحُسَيْنِ علیه السلام إِلَّا فَرَعَ لَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَقُومُونَ قِيَامًا تَرْعِدُ مَفَاصِلُهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مَا مِنْ سَحَابَةٍ تَمُرُّ وَ تَرْعِدُ وَ تَبْرِقُ إِلَّا لَعَنَتْ قَاتِلَهُ وَ مَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا وَ تَعْرَضُ رُوحُهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَسَلَّمَ فَيَلْتَقِيَانِ »

اگر شما می دانستید که از این مصیبت چه چیز بر اهل دریاها و ساکنین کوهها در جنگلها و تپهها و اهل آسمانها وارد خواهد آمد والله که جانهایتان از سینه بیرون می آمد. روح امام حسین علیه السلام را به آسمانها بردند، به هیچ آسمانی نگذشت، مگر آن که هفتاد هزار ملک فزع کردند و از جای برخاستند، و در حالی که مفاصل آنها می - لرزید و به همین حال ماندند تا روز قیامت و هیچ ابری نیست که حرکت کرده و بغرد

۱ . جمهره اللغة ، ج ۲، ص ۳۲۲؛ العین، ج ۳، ص ۳۶۳؛ لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۴۷.

و برق زند مگر آنکه کشنده حضرت را لعنت می‌کند و هیچ روزی نیست مگر آنکه روح مطهر آن حضرت را بر رسول خدا ﷺ عرضه داشته پس آن دو با هم ملاقات می‌کنند.^۱

به احتمال قوی همین سختی مصیبت بود که سبب شد :

حضرت رقیه علیها السلام ، بیست و پنج روز بعد از عاشورا در پنجم ماه صفر به شهادت رسیدند.^۲

حضرت ام کلثوم علیها السلام ، چهارماه بعد از بازگشت قافله کربلا به مدینه رحلت نمودند.^۳

همچنین ام سلمه علیها السلام ، یک سال بعد از عاشورا از دینا رفت.^۴

و نیز حضرت رباب علیها السلام ، نیز یک سال در کربلا ماند و بعد از آن به مدینه برگشت و از غصه وفات نمود.^۵

و حضرت رقیه همسر حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام و خواهر امام حسین علیه السلام چند روز قبل از حضرت زینب علیها السلام به شهادت رسیدند.

همچنین حضرت زینب علیها السلام یک سال و نیم بعد از عاشورا در نیمه رجب رحلت شهادت‌گونه داشته‌اند.^۶ [البته عده‌ای از علما قائلند که حضرت زینب علیها السلام را به شهادت رساندند.]

۱ . کامل الزیارات، ص ۷۳؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۱۹؛ عوالم، ج ۱۷، ص ۴۵۵، ح ۱؛ تذکره الشهداء، ج ۱، ص ۱۲۱.

۲ . وقایع الشهور، ص ۴۷؛ کامل بهایی، ج ۲، ص ۱۷۹؛ تقویم شیعه، ص ۵۶.

۳ . ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۲۵۶؛ تقویم شیعه، ۲۹ جمادی الثانی، ص ۱۷۷.

۴ . بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۱۴۳ و ۱۸۵؛ تقویم شیعه، دهم محرم سال ۶۲ ق، ص ۲۹.

۵ . نفس المهموم، ص ۵۲۸؛ الكامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۴، ص ۸۸؛ الدایه و النهایه، ج ۸، ص ۲۱۰؛ تذکره الخواص، ص ۲۶۵؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۶۹، ص ۱۲۰؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۵۶؛ دانشنامه امام حسین علیه السلام، ج ۹، ص ۴۰۴.

۶ . مستدرک سفینه البحار، ج ۴، ص ۳۲۶؛ تقویم شیعه، ص ۲۰۷؛ مواسات با سیدالشهدا علیه السلام، ص ۹۰.

فصل بیست و یکم : آرزو و تمنای گریستن تا آخرین لحظه زندگی

امام صادق علیه السلام در مورد گریه کنندگان بر امام حسین علیه السلام فرمودند:

«فلو علم الباکون ای اجر یؤجرون لثمنوا دوام هذه الحال حتی المأل»

اگر گریه کنندگان بر حسین علیه السلام می دانستند چه اجری برای آنها در نظر گرفته شده هر آینه تنها و آرزوی این را می داشتند که تا آخرین نفس در گریه و ناله بر آن بزرگوار باشند.^۱

منتها تمنایی که امام صادق علیه السلام برای گریه کنندگان امام حسین علیه السلام می فرماید این است که: «تا آخرین نفس برای امام حسین علیه السلام گریه کند.»

اگر به فرمایش امام صادق علیه السلام ایمان داریم باید منتها تمنا و آرزوی ما گریستن دائمی در مصیبت امام حسین علیه السلام باشد و بس.

۱. امالی، صدوق، ص ۲۲۱؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۳.

فصل بیست و دوم : تباهی

تباهی در لغت:

تباهی بر وزن تفاعل است که یکی از معانی وزن تفاع ، تظاهر می‌باشد که در کتب ادبیات عرب مذکور است. قد یكون وزن تفاعل للتظاهر بما ليس في الواقع نحو تمارض ای : اری من نفسه المرض و ليس به.^۱

خود را به گریه زدن، خود را گریه نشان دادن، خود را شبیه گریه کننده ساختن، حالت گریه به خود گرفتن.

گذاشتن دست مقابل پیشانی و چشم‌ها، پایین انداختن سر، خشوع در اعضا و جوارح، انکسار و شکستگی در چهره و هر کاری که انسان را شبیه گریه کنندگان در آورد از مصادیق تباهی است.

در راه احیای عاشورا و سوگواری بر عزای امام حسین علیه السلام هم گریستن، هم گریانیدن و هم حالت گریه داشتن، ثواب دارد. حتی اگر کسی نگرید یا گریه اش نیاید، گرفتن این حالت، هم در خود شخص حالت اندوه و تحسّر ایجاد می‌کند، هم به مجلس عزاء، چهره و رنگ غم می‌بخشد.

تباهی، هم سویی با داغ داران سوگ عاشوراست و مثل گریستن و گریانیدن است. نداشتن گریه و خشک بودن چشم؛ نشانه عدم رقت قلب، و طبق روایات علامت شقاوت است، بدین لحاظ اگر افراد در مراسم سوگواری سیدالشهدا علیه السلام گریه نمی‌کنند، باید به مصائب آن بزرگوار و اهل بیت او علیهم السلام توجه کنند و همراه با گریه کنندگان، تباهی و اظهار حزن و تأثر و اصرار به گریه کردن نمایند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«اذا لم یجئک البكاء فتباك فان خرج مثل راس الذباب فبخ بخ»

۱ . بزرگترین مصیبت عالم، ص ۴۹ به نقل از: مبادی العربیه، ج ۴، ص ۲۰.

اگر گریهات نمی‌آید، خود را به گریه وادار کن، زیرا اگر به اندازه سرمگشی اشک از چشم تو بیرون آید، مبارک است و جای خوشحالی دارد.^۱

همان‌طور که اشاره شد «تباکی» خود را به گریه زدن است، که گاهی با ناله سردادن، به پیشانی زدن، و خود را به حزن و اندوه واداشتن همراه است و دارای اجر و پاداش نیز می‌باشد.

البته غیر از تباکی در مصیبت اباعبدالله الحسین علیه السلام حالت گریه به خود گرفتن در مناجات و دعا و از خوف خدا نیز مطلوب است و این از نمونه‌های روانی تأثیر ظاهر در باطن است.

تباکی، نفس گریه را دارد و با صدا همراه است، یا با منقبض کردن عضلات صورت و یا با حرکت کردن و زدن بر پیشانی، بدون اینکه اشک جاری شود.

تباکی معمولاً برای کسانی است که به لزوم گریستن بر فاجعه‌ای باور دارند، اما به دلایل پزشکی (طبی)، توان اشک ریختن ندارد؛ بنابراین حالت ناراحتی به خود می‌گیرند.

کسی که تلاش می‌کند گریه کند، اگر چه توان آن را نداشته باشد، در حقیقت انسان مؤمنی است که به وجوب حمایت از مظلوم و قیام علیه ظالم، اعتقاد دارد؛ اگر چه عملاً توان آن را نداشته باشد. این سعی و کوشش او نشان دهنده اعتقاد درونی وی برای از بیان بردن ضعف درونی است و هر کس برای اصلاح خود کوشش کند، قطعاً پیروز خواهد شد؛ چرا که هر کس در راه درست گام نهد، حتماً به مقصود خواهد رسید. هر شخصی که نقطه ضعف خویش را بشناسد و برای اصلاح آن تلاش کند، موفق خواهد شد.

بنابراین کسی که حالت گریه به خود می‌گیرد، ثواب گریه کننده را دارد؛ به جهت اشتراک هر دو در انجام واجب دینی‌شان.

۱. بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۴۴.

ائمه معصومین علیهم السلام به مساوی بودن ثواب گریه کردن و حالت گریه به خود گرفتن در چندین مناسبت تأکید کرده‌اند و همان‌گونه که به گریستن تشویق کرده‌اند، همان‌طور نیز تباکی (حالت گریه گرفتن) را ترغیب کرده‌اند.

در کتاب «کنز العمال» مذکور است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای گروهی از انصار آیه شریفه: «وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا»^۱ را خواند، همه گریه کردند جز یک جوان! وی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: قطره‌ای اشک از چشم من نیامد، اما حالت گریه به خود گرفتم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس که حالت گریه هم به خود بگیرد، بهشت جایگاهش خواهد بود.^۲

از جریر نقل شده که: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مَنْ آيَةُ الْهَيْكَمِ التَّكَاثُرُ» را برای شما می‌خوانم، هر کس گریه کرد بهشت جایگاهش خواهد بود. همانا من برای مرتبه دوم این آیه را می‌خوانم، هر کس گریه کرد، جایگاه او بهشت خواهد بود و کسی که نتواند گریه کند، پس باید خود را شبیه گریه کنندگان در آورد.^۳

در مجموعه شیخ ورام آمده است: اباذر غفاری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرد که فرمودند: «هر کس از شما توانست بگیرد، پس باید گریه کند و هر کس نتوانست گریه کند، حالت اندوه به خود بگیرد و خود را شبیه گریه کنندگان در آورد؛ چرا که قسی القلب از خدا دور است.»^۴

۱. زمر/ ۷۱؛ و آنان را که به خدا کافر شدند، فوج فوج به جانب دوزخ رانند.

۲. بحارلأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۸ و ۲۸۷.

۳. کنز العمال، ج ۱، ص ۵۹۶.

۴. شیوه‌های یاری غریب کربلا، ص ۷۳.

احادیث تباهی:

روایاتی که درباره تباهی صحبت می‌کند در حد تواتر اجمالی است (یعنی انسان قطع به صدور برخی آن روایات دارد) و فقط منحصر به آن روایتی نیست که در آن لفظ «اظنه» آمده است.

۱: شیخ صدوق در کتاب «امالی» از ابوعماره و او نیز از امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند:

ای اباعماره! هر کس که شعری درباره امام حسین علیه السلام بخواند و پنجاه نفر را بگریاند، بهشت جایگاه اوست و هر کس شعری درباره امام حسین علیه السلام بخواند و چهل نفر را بگریاند، بهشت جایگاه اوست و هر کس که شعری درباره امام حسین علیه السلام بخواند و سی نفر را بگریاند، بهشت جایگاه اوست، و هر کس شعری درباره امام حسین علیه السلام بخواند و بیست نفر را بگریاند هم بهشت جایگاه اوست. و هر کس شعری درباره امام حسین علیه السلام بخواند و ده نفر را بگریاند هم بهشت جایگاه اوست و هر کس شعری درباره امام حسین علیه السلام بخواند و حالت گریه به خود بگیرد جایگاه او هم در بهشت است.^۱ بنابراین، گریستن و حالت گریه به خود گرفتن، یک کارند و دارای یک اثر هستند؛ لذا ثواب واحدی هم خواهند داشت. پس هر کس که توان لازم بدنی را داشته باشد، می‌گیرد و هر کس سلامت کامل را دارا نباشد، حالت گریه به خود می‌گیرد.

۲: حضرت موسی علیه السلام در مناجات

حضرت موسی علیه السلام در مناجات خود از پروردگار متعال برای یک نفر از بنی اسرائیل درخواست آمرزش نمود. خداوند تبارک و تعالی فرمود:

ای موسی! هر کس از من در خواست آمرزش و بخشش کند من او را می‌بخشم و مورد عفو خود قرار می‌دهم، مگر قاتلین امام حسین علیه السلام.

۱. امالی صدوق، ص ۱۲۱-۱۲۲؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲.

حضرت موسیٰ علیه السلام عرض کرد: پروردگارا این حسین علیه السلام کیست؟
خداوند متعال فرمود: همان کسی که در کوه طور ذکری از او شنیدی.
عرض کرد: قاتلین او چه کسانی هستند؟

خداوند متعال فرمود: گروهی از طاغیان و ظالمان امت جدش در زمین کربلا او را
می‌کشند و اسب او ناله می‌کند و فریاد می‌زند: «الظلیمه الظلیمه من امة قتلت ابن بنت
نییها؛ فریاد فریاد از امتی که پسر دختر پیامبرشان را کشتند.»

پس بدن او بدون غسل و کفن و بر روی ریگ‌ها می‌گذارند و اموال او را به غارت
می‌برند و اهل و عیال او را به اسیری می‌برند و یار و یاورانش را می‌کشند و سر
مقدسش را با سر یاورانش بر روی نیزه می‌گذارند و می‌گردانند.

ای موسی! اطفال کوچکش از تشنگی می‌میرند و پوست بدن بزرگان‌شان از تشنگی جمع
می‌شود، هر چه استغاثه و امان می‌خواهند کسی آنها را یاری نمی‌کند و امان نمی‌دهد.

حضرت موسیٰ علیه السلام گریه کرد و عرض کرد: ای پروردگارا! چه عذابی برای قاتلین او هست.
خداوند متعال فرمود: عذابی که اهل آتش از شدت آن عذاب به آتش پناه می‌برند
رحمت من و شفاعت جدش به آنها نخواهد رسید و اگر برای کرامت و بزرگواری آن
حضرت نبود من همه آنها را به زمین فرو می‌بردم.

حضرت موسیٰ علیه السلام فرمود: پروردگارا از آنها و کسانی که راضی به کار آنها باشند بیزارم.
خداوند متعال فرمود: من برای تابعین آن حضرت رحمت قرار دادم و بدان هر کس
که بر او گریه کند و یا دیگری را بگریاند یا خود را مانند گریه کنندگان در آورد، بدن
او را بر آتش حرام می‌گردانم.^۱

۳: وَ فِي حَدِيثِ مُنَاجَاةِ مُوسَى علیه السلام وَقَدْ قَالَ يَا رَبِّ لِمَ فَضَّلْتَ أُمَّةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى
سَائِرِ الْأُمَمِ فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى فَضَّلْتُهُمْ لِعَشْرِ خِصَالٍ قَالَ مُوسَى وَمَا تِلْكَ الْخِصَالُ الَّتِي
يَعْمَلُونَهَا حَتَّى أَمَرَ بَنِي إِسْرَائِيلَ يَعْمَلُونَهَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى الصَّلَاةُ وَالزَّكَاةُ وَالصَّوْمُ وَالْحَجُّ

وَالْجِهَادُ وَالْجُمُعَةُ وَالْجَمَاعَةُ وَالْقُرْآنُ وَالْعِلْمُ وَالْعَاشُورَاءُ قَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا رَبِّ وَمَا الْعَاشُورَاءُ قَالَ الْبُكَاءُ وَالتَّبَاكُّبُ عَلَى سَيْطَرِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَالْمَرْتِيَةُ وَالْعَزَاءُ عَلَى مُصِيبَةِ وَلَدِ الْمُصْطَفَى يَا مُوسَى مَا مِنْ عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِي فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بَكَى أَوْ تَبَاكَّى وَتَعَزَّى عَلَى وَلَدِ الْمُصْطَفَى ﷺ إِلَّا وَكَانَتْ لَهُ الْجَنَّةُ ثَابِتًا فِيهَا وَمَا مِنْ عَبْدٍ أَنْفَقَ مِنْ مَالِهِ فِي مَحَبَّةِ ابْنِ بَنْتِ نَبِيِّهِ طَعَامًا وَغَيْرَ ذَلِكَ دِرْهَمًا إِلَّا وَبَارَكْتُ لَهُ فِي الدَّارِ الدُّنْيَا الدَّرْهَمَ سَبْعِينَ دِرْهَمًا وَكَانَ مُعَافَاً فِي الْجَنَّةِ وَغُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُهُ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا مِنْ رَجُلٍ أَوْ امْرَأَةٍ سَالَ دَمْعُ عَيْنَيْهِ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ وَغَيْرِهِ قَطْرَةً وَاحِدَةً إِلَّا وَكُتِبَ لَهُ أَجْرُ مِائَةِ شَهِيدٍ.

حضرت موسی علیہ السلام در مقام مناجات به حضرت قاضی الحاجات عرض کرد: ای پروردگار! چرا امت حضرت محمد ﷺ را بر سایر امت‌ها برتری دادی؟ خداوند فرمود: به جهت ده خصلت.

حضرت موسی علیہ السلام عرض کرد: آن خصلت‌ها که امت محمد ﷺ عمل می‌کنند، کدام است تا من نیز به بنی اسرائیل دستور دهم به آنها عمل کنند؟ خداوند فرمود: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، جمعه، جماعت، قرآن، علم و عاشورا.

حضرت موسی علیہ السلام سؤال کرد: پروردگارا عاشورا چیست؟ [و چگونه عملی است؟]

خداوند فرمود: گریه کردن و خود را به گریه زدن [تلاش برای گریه] بر فرزند دختر حضرت محمد ﷺ و مرثیه خوانی و عزاداری در مصیبت فرزند مصطفی ﷺ است.

هیچ بنده‌ای نیست که از مال خود به اندازه درهم یا دیناری در راه محبت فرزند دختر رسول خدا ﷺ، طعام یا چیز دیگری را انفاق کند، مگر آنکه برکت دهم برای او در عالم دنیا هر درهمی را به هفتاد مقابل و بهشت ارزانی او خواهد بود و گناهان او را خواهم بخشید.

به عزت و جلالم قسم! هر مرد یا زنی، در روز عاشورا یا روز دیگر، یک قطره اشک از چشمش [در عزای بر حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ] جاری شود، برای او اجر صد شهید نوشته خواهد شد.^۱
 ۴: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«... من انشد فی الحسین فتباکی فله الجنة...»

هر که درباره حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ شعری بخواند و تباکی کند، بهشت برای اوست.^۲
 ۵: در حدیثی سید بن طاووس نقل کرده:

«من تباکی فله الجنة؛ هر کسی تباکی کند، بهشت بر او واجب است.»^۳
 ۶: در حدیث قدسی آمده است:

«یا موسی! ما من عبد من عبیدی فی ذلک الزمان بکی او تباکی و تعزّی علی ولد المصطفی الا و کانت له الجنة ثابتاً فیها»

ای موسی! هر یک از بندگانم که در زمان شهادت فرزند مصطفی صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم گریه کند یا حالت گریه به خود گیرد و بر مصیبت سبط پیامبر صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم تعزیت گوید، همواره در بهشت خواهد بود.^۴

تباکی در کلام علما

۱: مرحوم علامه مجلسی می‌فرماید:

«التباکی حُمْل النفس علی البكاء و السعی فی تحصیلہ و قیل : المراد به اظهار البكاء و التشبیه بالباکین فی الهيئة و هو ایضاً حسن فان من تشبه بقوم فهو منه و الاول اظهر.»

۱ . مجمع البحرين، ج ۳، ص ۱۸۴.

۲ . امالی صدوق، ص ۱۴۲، مجس ۱۹.

۳ . بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۸.

۴ . مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۹.

تباکی یعنی اینکه انسان خودش را وادار به گریه کند و در این امر تلاش کند و برخی گفته‌اند به این معناست که انسان خودش را تشبیه گریه کنندگان در بیاورد و اظهار گریه کند که این معنا نیز نیکوست؛ زیرا هر کس که خودش را به گروهی تشبیه کند از آن گروه محسوب می‌شود. البته معنی اول ظاهرتر است.^۱

نکته: می‌توان گفت که این دو معنایی که علامه مجلسی ذکر فرموده است لازم و ملزوم یکدیگر هستند یعنی هر کس که خودش را وادار بر گریه کردن بکند قطعاً در اظهر هم شبیه گریه کنندگان در می‌آید.

۲: مرحوم آیت الله شیخ جعفر شوشتری می‌فرماید:

«التشبيه بالبكاکی و هو التباکی الذی ورد فیہ بالخصوص ان من تباکی فله الجنة؛ یعنی اینکه انسان خودش را تشبیه گریه کنندگان در آورد، همان تباکی است.»^۲

مشابهت با گریه کننده که همان تباکی است؛ در این خصوص وارد شده است که: کسی که تباکی کند بهشت از آن اوست. یعنی اگر کسی سنگ دل شده و دلش آتش نمی‌گیرد، باید سر را به زیر افکند و خود را شبیه مصیبت زده و دل شکسته بنماید. من نمی‌دانم چگونه قلب قساوت پیدا می‌کند و بر ذکر مظلوم نمی‌سوزد. ذکری که حتی صبر - اگر صبر بر مصیبتش تحقق یابد - بر آن می‌گردد.^۳

شیخ در جای دگر از کتابش می‌نویسد:

«این از شگفتی‌ها است که گریه بر حسین علیه السلام اگر صورت ظاهر پیدا نکند و تشبه به آن حاصل شود، ثواب آن نصیب شخص می‌گردد. یعنی اگر گریه تحقق پیدا نکند و تباکی صورت گیرد، یعنی شخص حالت خود را شبیه کسی کند که گریه می‌نماید و سرش را پایین اندازد و صدای گریه در آورد و علائم رقت و تأثر در او ظاهر شود،

۱. مرآة العقول، ج ۱۲، ص ۵۶.

۲. خصائص الحسینیه، باب ۶.

۳. زیتون ترجمه خصائص الحسینیه، ص ۱۴۳.



ثواب گریه برای او مقدر می‌گردد؛ نه به این معنا که برای خدا تباکی کند، نه برای تظاهر به مردم؛ زیرا تباکی عملی است که اخلاص شرط آن می‌باشد.^۱

۳: مرحوم طریحی در مجمع البحرین می‌فرماید:

«تباکی الرجل : تکلف البكاء» تباکی یعنی اینکه انسان در گریه کردن خودش را به سختی بیندازد.

۴: سایر علما و بزرگان فرموده‌اند که : تباکی یعنی خود را به گریه زدن، حتی اگر کسی نگرید، گرفتن این حالت هم در خود شخص حالت اندوه و حزن ایجاد می‌کند و هم به مجلس عزا چهره و رنگ غم می‌بخشد.^۲

نتیجه:

تباکی نه تنها ریاکاری نیست، بلکه از مصادیق شعائر الهی است که از نشانه‌های تقوای قلوب است می‌باشد و مانند لباس مشکی به تن کردن است که فایده‌اش این می‌باشد که زنگ عزا و ماتم به جامعه می‌بخشد و انسان با دیدن کسی که خودش را شبیه گریه کنندگان در آورده، یا لباس مشکی پوشیده به یاد مصائب حضرت سیدالشهدا علیه السلام می‌افتد، در واقع کسی که تباکی می‌کند، به مرور زمان هم، خودش واقعاً محزون می‌شود و اشک او جاری می‌شود. چنانچه در روایات فراوانی وارد شده : کسی که یک صفت حسنه اخلاقی را ندارد، بر خودش آن صفت را تحمیل و وادار کند تا کم کم آن صفت در او ایجاد شود.

۱. همان، ص ۲۱۸.

۲. بزرگترین مصیبت عالم، ص ۵۱.

فصل بیست و سوم : ضجه: ناله و فریاد

ناله و فریاد زدن در مصائب اهل بیت علیهم السلام، به ویژه امام حسین علیه السلام، امری است که مکرر در روایات مختلف ذکر شده است و این کار در سیره معصومین علیهم السلام، ملائکه و حتی توسط آسمانها و زمین صورت گرفته است.

ضجه :

از ریشه «ض ج ج» است و در اکثر کتب لغت به معنای «ناله زدن هنگام مصیبت آمده است».^۱

فیومی و طریحی می گویند : به ناله‌ای که شخص هنگام ترس از مصیبت، از خود خارج کند و با آن مردم را به خود جلب می کند «ضجیح» گفته می شود.^۲ فریاد از شدت غم و دهشت را ضجه می گویند.

ضجه زدن بر مصیبت‌های بزرگی چون مصیبت شهادت امام حسین علیه السلام ارزشمند است و پاداش بزرگی را نصیب شخص می کند.

۱: در دعای ندبه آمده است: « پس بر پاکان از اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام باید گریه کنند گریه کنندگان و بر خصوص آنها باید ندیه کنند ندبه کنندگان و برای مانند آنها باید جاری شود اشک ها و صرخه بزنند صرخه زندگان و ضجه بزنند ضجه زندگان و صدای خود را بلند کنند فریاد گران».^۳

۲: امام صادق علیه السلام می فرماید : هنگامی که کار حسین بن علی علیه السلام بدانجا انجامید [که به دست اشقیاء به شهادت رسید] ملائکه به درگاه خدا ضجه زدند [و از شدت غم و خوف و دهشت این مصیبت عظیم، فریاد برآوردند] و گفتند: پروردگارا! آیا با

۱. جوهری ، الصحيح، ج ۱، ص ۳۲۶؛ ابن منظور، لسان العرب ، ج ۲، ص ۳۱۲.

۲. فیومی ، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ص ۳۵۸؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۳۱۴.

۳. «فعلى الا طائب من اهل بيت محمد يعج العاجون» ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۵۷۹.

حسین علیه السلام، برگزیده خود و فرزند پیغمبرت این چنین رفتار می‌شود؟ امام صادق علیه السلام فرمود: در این هنگام خداوند برای ملائکه سایه حضرت قائم علیه السلام را برپا داشت و فرمود: توسط این شخص برای حسین علیه السلام از ظالمینش انتقام می‌گیرم.^۱

۳: در حدیث ام ایمن از کلماتی که جبرئیل خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: ... [ای محمد!] هنگامی که آن روز [عاشورا] فرا رسد که در آن نوه تو و خاندانش کشته شوند، و لشکریان اهل کفر و ملعونین بر گرد آنان احاطه پیدا کنند، زمین با تمام نواحی و گوشه‌های آن به حرکت می‌آید و کوه‌ها از جای خود جنبش کرده و به اضطراب شدید می‌افتند و دریاها امواج خود را زیر و رو می‌نمایند و آسمان بر اهلش به هیجان و اضطراب می‌افتد، و این از سر غضب برای تو و ذریه تو خواهد بود. یا محمد! و به جهت سختی و عظمت حرمتی که از تو هتک می‌شود ... در آن هنگام هر آنچه در آسمان‌ها و زمین‌هاست، ضجه (فریاد) خواهد کرد و لعن بر کسانی را که به عترت ظلم کردند و حرمت تو را حلال دانستند.

و آنگاه که آن گروه به آرامگاه‌های خود برسند، خداوند عزوجل به دست خود جان‌های آنان را قبض خواهد کرد [و خود قبض روح آنان را به عهده خواهد گرفت] و فرشتگانی از آسمان به زمین فرود خواهند آمد که به دست آنها ظرف‌هایی از یاقوت و زمرد باشد که لبریز از آب حیات است و لباس‌هایی از لباس‌های بهشتی و عطرهایی از عطر بهشت به همراه آن ملائکه خواهد بود. پس جسدهای شهدا را با آن آب غسل

۱. «لما كان من امر الحسين بن علي عليه السلام ما كان، ضجت الملائكة الى الله تعالى و قالت: يا رب يفعل هذا بالحسين عليه السلام صفيك و ابن نبيك صلی الله علیه و آله و سلم؟ قال: فاقام الله لهم ظل القائم عليه السلام و قال: بهذا انتقم له من ظالميه». امالي طوسي، ص ۴۱۸؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۲۱.

می دهند و لباس ها را بر ایشان می پوشانند و به آن عطرها آنان را حنوط می کنند و ملائکه صف به صف بر آنان نماز می خوانند...^۱

۴: در کتاب علل الشرایع مسنداً از ابی حمزه ثمالی روایت کرده که امام باقر علیه السلام فرمود:

«لما قتل الحسين جدی ضجت الملائكة الى الله عزوجل بالبكاء و النحيب...»

«وقتی که جد من حسین علیه السلام کشته شد فرشتگان به درگاه خدا نالیدند و به گریه و زاری فریاد برآوردند...»^۲

۵: گریه جناب ام کلثوم علیها السلام:

ام کلثوم علیها السلام اشعاری قرائت فرمود که صدای شیون بلند شد و صدای ناله بلندی از قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیرون آمد که شنیدند و ضجه و ناله مردم همه جا را فرا گرفت.^۳

۱. (فی حدیث ام ایمن مما خاطب به جبرئیل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم) ... فاذا كان ذلك اليوم الذي يقتل فيه لسبطك و اهله و احاطت بهم كتائب اهل الكفر و اللعنة ، تزعزت الارض من اقطارها ، و مادت الجبال و كثر اضطرابها ، و اصفقت البحار بامواجها ، و ماجت السماء باهلها ، غضباً لك يا محمد و لذريتک و استعظماً لها ينتهک من حرمتک ...

فعند ذلك يضح كل شيء شيء في السماوات و الارضين بلعن من ظلم عترتك و استحل حرمتك، فاذا برزت تلك العصابة الى مضاجعها تولى الله عزوجل قبض ارواحها بيده، و هبط الى الارض ملائكة من السماء السابعة معهم آنية من الياقوت و الزمرد مملوءة من ماء الحياة ، و حلل من حلل الجنة و طيب من طيب الجنة، فغسلوا جثتهم بذلك الماء و البسوها الحلل و حنطوها بذلك اطيب و صلى الملائكة عليهم صفافاً ... كامل الزيارات، ص ۲۶۴؛ بحار الانوار، ۴۵، ص ۱۸۲.

۲. بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۹۴؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۰.

۳. اشک حسینی سرمایه شیعه، ص ۸۶؛ به نقل از مقتل ابی مخنف، ص ۲۲۶؛ معالی السبطين، ج ۲، ص ۲۰۹-۲۱۰.

فصل بیست و چهارم: شیون شدید (صرخه)

صرخه: فریاد غم و دادخواهی با جدیت و شدت تمام

«صرخه» از ریشه «ص ر خ» است و در لسان العرب چنین معنا شده است: «الصيحة الشديدة عند الفزع او المصيبة؛ صرخه، شیون شدیدی است که هنگام ناآرامی یا وحشت مصیبت، از فرد سر می‌زند.^۱ البته در سایر کتاب‌های لغت به «ناله و شیون بلند که همراه با استغاثه و دادخواهی باشد» معنا شده است.^۲ بعضی از روایات در مورد صرخه از قرار ذیل می‌باشد:

۱: ابن عباس روایت می‌کند که ام سلمه از طریق خواب دیدن حضرت رسول ﷺ از شهادت امام حسین علیه السلام خبردار شد:

«بینا انا راقد فی منزلی اذ سمعت صراخاً عظيماً عالياً من بیت ان سلمه ... و قالت: یا بنات عبدالمطلب اسعدننی و ابکین معی»

من در منزل خوابیده بودم که ناگاه از خانه ام سلمه صدای گریه و فریاد دادخواهی بلندی را شنیدم ... که او می‌گفت: ای دختران عبدالمطلب! مرا کمک کنید و با من گریه کنید، چرا که آقای شما کشته شد». به ام سلمه گفتند: از کجا این را دانستی؟ گفت: در این ساعت رسول خدا ﷺ را در خواب دیدم در حالی که ژولیده و خراسان بود. از حضرتش درباره علت این امر پرسیدم. فرمود: فرزندم حسین علیه السلام و اهل بیتش کشته شدند و من آنان را دفن کردم.

ام سلمه گفت: در آن وقت به تربت حسین علیه السلام نگاه کردم، دیدم که به خون تبدیل شده است، خونی که تازه است در حال جوشش و فوران.^۳ و این تربت همان تربتی

۱. لسان العرب، ج ۳، ص ۳۴.

۲. جوهری الصحاح، ج ۱، ص ۴۲۶؛ ازهری، تهذیب اللغة، ج ۷، ص ۶۳؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۴۳۷.

۳. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۳۱؛ امالی طوسی، ص ۳۱۴؛ اعلام الوری، ص ۲۲۰؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۶.

است که جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ آن را از کربلا آورده بود و به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرضه داشت: هرگاه به خون تبدیل شد، فرزند تو کشته شده است. پیغمبر آن تربت را به ام سلمه داد و فرمود: آن را در شیشه‌ای قرار بده و نزد تو باشد. هرگاه به خون تبدیل شد، بدان حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ کشته شده است.^۱

۲: ابن قولویه در «کامل الزیارات» از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند که در سجده برای زائرین و عزاداران امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ دعای طولانی می‌فرمود و چنین فرمودند: (معاویه بن وهب می‌گوید)

«اللَّهُمَّ... وَارْحَمْ تِلْكَ الْأَعْيْنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا وَارْحَمْ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَاخْتَرَقَتْ لَنَا وَارْحَمْ الصَّرَخَةَ الَّتِي كَانَتْ لَنَا»

خدایا... آن دیدگان را که اشک‌هایش در راه ترحم و عاطفه بر ما جاری شده و دل‌هایی را که به خاطر ما بی تاب گشته و سوخته و آن فریادها و ناله‌هایی را که در راه ما بوده است، مورد رحمت قرار بده.^۲

۳: اما صرخه می‌تواند سبب مرگ شود، به عنوان نمونه هنگامی که حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَامُ وارد شهر کوفه می‌شدند، به شمر ملعون رو کرده و فرمودند:

«قُلْ لِحَامِلِ الرَّأْسِ أَخِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَخْرُجَ مِنْ بَيْنِ الْمَحَامِلِ لَأَنْ نَبْتَهُ سَكِينَةً كَمَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ تَصْرُخُ صَرَخًا تَكَادُ أَنْ تَهْلِكَ مِنْ كَثَرَةِ خَرِيهَا وَشَجْوَاهَا لَا يَبِيهَا ثُمَّ مَرَّ بِنَا مِنْ مَكَانٍ قَلِيلٍ النَّظَارَةِ وَبَعِيدِ الشَّمَامَةِ»

به حامل سر برادرم حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ بگو: سر را از بین محمل‌ها خارج کند که هرگاه دخترش سکینه عَلَيْهَا السَّلَامُ بدان می‌نگرد، چنان می‌نالد که نزدیک است هلاک شود و

۱. کامل الزیارات، ص ۱۱۷؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۲۷.

۲. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۸؛ کامل الزیارات، ص ۱۱۷. (کامل الزیارات، باب ۴۰، ص ۳۳۶)

بمیرد از شدت و زیادی ذلت و خوار شدنش، امر کن ما را از جای خلوت ببرند که مردم کمتر به ما نگاه کنند.^۱

۴: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرمایند:

«ان الحسين لما قتل اتاهم آتٍ و هم في العسكر فصرخ فزبر فقال لهم و كيف لا اصرخ و رسول الله قائم ينظر الى الارض مرة و الى حربكم مرة ... جعلت فداك من هذا الصارخ قال ما نراه الا جبرييل اما انه لو اذن له فيهم لصاح بهم صيحة يخطف به ارواحهم من ابدانهم الى النار و لكن امهل لهم ليزدادوا اثماً و لهم عذاب اليم.

هنگامی که امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ کشته شد فردی نزد قاتلین آمد در حالی که قاتلین در لشکر بودند و پراکنده نشده بودند، پس این فرد شیون بلندی کشید و مصیبت زده شد رو به لشکر نمود و گفت: چگونه شیون نکنم در حالی که رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ایستاده و یکبار نگاه به زمین می کند و یکبار نگاه به گروه شما... از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: فدایتان کردم این شیون کننده چه کسی بود؟

فرمود: اعتقاد ندارم کسی غیر از جبرئیل باشد. آگاه باش که اگر اذن داشت صیحه‌ای بر سر آنها می کشید که از آن صیحه، ارواح آنها و بدن‌هایشان به سوی آتش رבוده می شد، لکن خداوند آنها را مهلت داد تا بر گناهانشان افزوده شود و برای آنها عذاب دردناکی است.^۲

صرخه و شیون‌های بلند و این نوع عزاداری در روز قیامت

۵: حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

۱. غوغای کوفه و شام (مقتل مقرر)، ص ۸۹ به نقل از بحارالمصائب و مفتاح البكاء.

۲. کامل الزیارات، ص ۳۳۶؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۷۲.

« إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَاءَتْ فَاطِمَةُ ع فِي لُحْمَةٍ مِنْ نِسَائِهَا فَيَقَالُ لَهَا ادْخُلِي الْجَنَّةَ فَتَقُولُ لَا أَدْخُلُ حَتَّى أَعْلَمَ مَا صَنَعَ بَوْلَدِي مِنْ بَعْدِي فَيَقَالُ لَهَا انْظُرِي فِي قَلْبِ الْقِيَامَةِ فَتَنْظُرُ إِلَى الْحُسَيْنِ ع قَائِمًا وَ لَيْسَ عَلَيْهِ رَأْسٌ فَتَصْرُخُ صَرْخَةً وَ أَصْرُخُ لِصُرَاخِهَا ... »

هنگامی که روز قیامت شود حضرت فاطمه علیها السلام با عده‌ای از زنان همراهش وارد می‌شوند، پس به او گفته می‌شود به بهشت داخل شو؟
می‌فرماید: داخل نمی‌شوم تا بدانم که بعد از من با فرزندانم چه کردند؟
پس به ایشان گفته می‌شود: وسط صحنه قیامت را نگاه کن، نگاه می‌کند به امام حسین علیه السلام که ایستاده و سری بر بدن شریفش نیست، پس شیون و فریادی می‌زند که من هم از شیون او شیون می‌کنم و ملائکه از شیون او به شیون فریاد می‌آیند...»^۱
۶: در دعای ندبه آمده است : «پس بر پاکان از اهل بیت محمد و علی علیهما السلام باید گریه کنند گریه کنندگان ... صرخه بزنند صرخه کنندگان...»^۲

۱ . بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲۲.

۲ . المزار الكبير، ابن المشهدي، ص ۵۷۹.

فصل بیست و پنجم: شیون بلند (شهقه)

یکی از موارد عزاداری حسینی علیه السلام «شهقه» می باشد.

شهقه از ریشه «ش ه ق» است و در کتب لغت «شهقه» چنین معنا شده است: شیون بسیار بلند.^۱

شهق، الشهیق: ردد البكاء فی صدره ... الليث: الشهیق ضد الزفیر، و الزفیر اخراج النفس ... و الشهقه: كالصيحه، يقال: شهق فلان و شهق شهقه فمات ...^۲

شهق: الشهیق ضد الزفیر، فالشهیق رد النفس و الزفیر اخراجه، شهق یشهق شهیقاً و جبل طولاً و یجمع: شواهِق و هو یشهق شهوقاً.^۳ شهق شهقه و مات.^۴

گریه را در سینه گردانیدن، نعره‌ای که سبب مرگ می شود، ناله و نعره‌ای که از اندوه و خشم و گیج کننده است و سبب می شود اشک و ناله و صوت در سینه حبس و گاهی منجر به جان دادن شود.

منظور از شهقه، گیر کردن نفس در خود سینه است بدون اینکه بیرون بیاید، به صورتی که منجر به جان باختن شخص شود.^۵

برخی از احادیث مرتبط با شهقه زدن معصومین علیهم السلام

امام صادق علیه السلام در مورد حالت و نوع عزاداری حضرت زهرا علیها السلام لفظ «شهقه» را به کار می برند و می فرمایند:

۱. لسان العرب، ج ۵، ص ۱۹۷؛ مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۹۷.

۲. لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۹۱.

۳. کتاب العین، ج ۳، ص ۳۶۱.

۴. المنجد، ج ۱، ص ۱۰۱۳.

۵. المنجد، ج ۱، ص ۱۰۱۳.

«... ان فاطمة اذا نظرت اليهم و معها الف نبى و الف صديق و الف شهيد و من الكروبيين الف الف يسعدونها على البكاء و انها لشهق شهقة فلا يبقى فى السماوات ملك الا بكى رحمة لصوتها و ما تسكن حتى ياتيها النبى [ابوها] فيقول: يا بنية قد ابكيت اهل السماوات و شغلتهن عن التسبيح و التقديس فكفى حتى يقدسوا...؛ ... همانا وقتى حضرت فاطمه عليها السلام به آنها (ملائكى كه حسين عليه السلام را زيارت مى كنند) نگاه مى كند، در حالى كه هزار پيامبر و هزار صديق و هزار شهيد و از كروبيان هزار هزار (يك ميليون) نفر با او هستند كه او ار در گريه بر حسين عليه السلام كمك مى كنند، او (يعنى بى بى دو عالم) از شدت ناراحتى شهقه و فريادى مى زند كه در آسمان ها ملكى نمى ماند كه به سبب صدای او به گريه نيفتد، و آرام نمى شود تا اينكه پيامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزد او مى آيد و مى فرمايد: دخترم! همانا اهل آسمان ها را به گريه انداختى و از تسبيح و تقدیس خدا باز داشته شدند، دست از گريه بردارد تا تقدیس الهی كنند...»^۱

همان طور كه از روايت بر مى آيد اينكه به سبب گريه حضرت فاطمه عليها السلام تمامى مراتب ملائكه الله و قدیسين و مستبحين از فعل خود يعنى تسبيح و تهليل و تقدیس الهی دست بر مى دارند. افعال ملائكه الهیه كه مامور بدانند، مختل مى گردد.

نكته مهم تر اينكه چنان كه در روايات صحيحه آمده: اين فعل مربوط به هر روزى است كه ملائكه زوار به سوى آسمان صعود مى كنند.

شهقه حضرت فاطمه عليها السلام در روز قيامت

شهقه و فرياد در مصيبت امام حسين عليه السلام حتى در روز قيامت هم وجود دارد.

حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

۱. كامل الزيارات، ص ۸۶؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۲۴؛ اسرار الشهادات، ج ۳، ص ۸۵.

«اذا كان يوم القيامة نصب لفاطمه قبة من نور و اقبل الحسين صلوات الله عليه رأسه في يده فاذا راته شهقت شهقه لا يبقى في الجمع ملك مقرب و لا نبى مرسل و لا عبد مومن الا بكى ...؛ چون روز قیامت شود برای فاطمه علیها السلام قبه ای از نور نصب می شود. حسین که - صلوات خدا بر او باد- در حالی که سر خود را به دست گرفته است می- آید. پس هنگامی که فاطمه علیها السلام او را می بیند چنان شیون و شهقه ای می زند که در اثر ناله او هیچ فرشته مقرب و هیچ نبی مرسل و هیچ بنده مومنی باقی نمی ماند مگر آن که می گرید...»^۱

به درستی چه فردی و چه مرتبه ای از وجود، چنین در غم امام حسین علیه السلام شهقه و فریاد می زد؟ وجود نورانی که علت خلقت و حبیبه خدا و ناموس الله است. منزلت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام که در رتبه اسوه و حجت بر تمامی حجج الهی از انبیاء و اوصیاء تا ائمه معصوم علیهم السلام قرار دارد وقتی چنین عزاداری می فرمایند؛ پس حجت بر حجج و مخلوقین در این زمینه واضح خواهد بود. امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

«نحن حجة الله على خلقه و امنا فاطمه حجة علينا؛ ما حجت های خداوند بر خلقیم و مادران حضرت فاطمه علیها السلام حجت بر ماست.»^۲

از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند که فرمود: «یا ابابصیر! ان فاطمه لتبکیه و تشهق؛ ای ابابصیر! به درستی که فاطمه علیها السلام هر آینه گریه می کند برای حسین علیه السلام و در مصیبت او شهقه می زند.»^۳

۱. ثواب الاعمال، ص ۲۱۷؛ ملهوف، ص ۱۳۹؛ مشیرالاحزان، ص ۸۱؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۲۲.

۲. تفسیر اطیب البیان، ج ۱۳، ص ۲۲۵.

۳. کامل الزیارات، ص ۸۲.

شهقه امام سجاد علیه السلام

غلامی از غلامان امام سجاد علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت روزی به صحرا رفت. به دنبال آن حضرت راه افتادم و او را در حالی یافتیم که بر روی سنگ ریزه‌ای سجده می‌کرد؛ در این حال صدای شهقه و ناله غم و گریه او را می‌شنیدم. سپس سر از سجده برداشت در حالی که محاسن آن حضرت و صورتش از اشک چشمش پوشیده شده بود. به آن حضرت عرض کردم: آقای من! آیا زمان آن نرسیده است که حزن شما پایان پذیرد و گریه شما کم شود؟

فرمود: وای بر تو! یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم داراری دوازده فرزند بود خداوند یکی از آنان را از جلوی چشمش پنهان کرد، در حالی که فرزندش زنده بود، چشمان یعقوب علیه السلام از اندوه سفید شد؛ اما من به چشم خود شاهد بودم پدرم، برادرم، عمویم و هفده تن از اهل بیتم و گروهی از یاران پدرم را به قتل رساندند و سرهایشان را از تن جدا کردند. چگونه اندوه من پایان پذیرد.^۱

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۸۲؛ لهوف، ص ۸۸. عَنْ بَعْضِ مَوَالِيهِ قَالَ: خَرَجَ يَوْمًا إِلَى الصَّخْرَاءِ فَتَبِعْتُهُ فَوَجَدْتُهُ قَدْ سَجَدَ عَلَى حِجَارَةٍ خَشِنَةٍ فَوَقَفْتُ وَأَنَا أَسْمَعُ شَهيقَهُ وَبُكَاءَهُ وَأَحْصَيْتُ لَهُ أَلْفَ مَرَّةٍ وَهُوَ يَقُولُ - لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعَبُّدًا وَرِقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيمَانًا وَصِدْقًا - ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ مِنْ سُجُودِهِ وَإِنَّ لِحَيْتَهُ وَوَجْهَهُ قَدْ غَمِرَا بِالْمَاءِ مِنْ دُمُوعٍ عَيْنِيهِ فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي مَا أَنْ لِحُزْنِكَ أَنْ يَنْقُضِي وَ لِبُكَائِكَ أَنْ يَقَالَ لِي وَيَحْكُ إِنَّ يَعْقُوبَ بْنَ إِسْحَاقَ بْنَ إِبْرَاهِيمَ كَانَ نَبِيًّا ابْنَ نَبِيٍّ وَكَانَ لَهُ اثْنَا عَشَرَ ابْنًا فَغَيَّبَ اللَّهُ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَشَابَ رَأْسُهُ مِنَ الْحُزْنِ وَاحْدُودَبَ ظَهْرُهُ مِنَ الْغَمِّ وَالْهَمِّ وَذَهَبَ بَصَرُهُ مِنَ الْبُكَاءِ وَابْنُهُ حَيٌّ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَأَنَا رَأَيْتُ أَبِي وَأَخِي وَ سَبْعَةَ عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي صَرَغِي مَقْتُولِينَ فَكَيْفَ يَنْقُضِي حُزْنِي وَيَذْهَبُ بُكَائِي.

فصل بیست و ششم: جزع و بی تابی (از خود بیخود شدن)

«جزع» از ریشه «ج ز ع» است و اهل لغت برای آن دو معنا ذکر کرده‌اند: «بریدن»^۱، «بی صبری»^۲ بعضی معنای اصلی آن را بریدن و قطع کردن دانسته و معنای دوم را به آن برگرداده‌اند؛ به این گونه که شخص جزع کننده از ادامه صبر و طمأنینه دست بر می‌دارد.^۳ در هر صورت آنچه مسلم است، جزع کردن در مصیبت به معنای «بی تابی» است و این بی تابی هرگونه که آشکار شود، «جزع» به شمار می‌رود. همچنان که طبق تصریح آیات قرآن، حضرت یعقوب علیه السلام نیز در فرق یوسف علیه السلام آن قدر گریست که بینایی چشمان خود را از دست داد.^۴ و جزع و بیتابی او به حدی بود که فرزندان او می‌ترسیدند که پدر در فراق یوسف علیه السلام جان خود را از دست بدهد.^۵ جزع و بی تابی مراتب مختلفی دارد که از فریاد و زاری و دست از غذا خوردن کشیدن، شروع می‌شود تا سر و سینه و کندن مو و محاسن و ...، به عنوان نمونه روایت ذیل معنای «جزع» را این گونه تبیین می‌کند.

«جزع» نقیض صبر و به معنای اظهار حزن و درد و مصیبت است. ابن منظور می‌گوید: و جزع نقیض صبر است. و الجزع نقیض الصبر.^۶ در اقرب الموارد در تفسیر جزع آمده است: «او صبر نکرده و اظهار حزن نموده است». لم یصبر فظاهر الحزن.^۷

۱. صاحب، المحيط فی اللغة، ج ۱، ص ۲۴۳؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۴۹.

۲. العین، ج ۱، ص ۲۱۶؛ تهذیب اللغة، زهری، ج ۱، ص ۲۲۱.

۳. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱، ص ۱۹۵؛ مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۹۵.

۴. «و ابیضت عیناه من الحزن». یوسف/۸۴.

۵. تالله تفتنوا تذکر یوسف حتی تکنون حرصاً او تکنون من الهالکین. یوسف/۸۵.

۶. لسان العرب، ج ۱، ص ۱۸۴.

۷. اقرب الموارد، ج ۱، ص ۱۲۰.

در المنجد نیز به همین معنا تفسیر شده است.

اظهار حزن دارای انواع و اقسامی است:

۱: بلند کردن صدا به همراه گریه که به آن نوحه سرایی می‌گویند.

۲: گریه همراه شیون که به آن عویل می‌گویند.

۳: گریه همراه با شمردن محاسن شخص از دنیا رفته که به آن ندبه می‌گویند.

۴: گاهی هم با قول است مثل گفتن واویلا و ...

۵: گاهی هم همراه با عمل است، به این که دستش را بر پیشانی یا صورت و یا سینه - اش می‌زند و جزع می‌کند در هر حال، هر کردار و گفتاری که از آثار غلبه حزن و اظهار آن باشد از مصادیق این جزع است و این مطلبی است که در روایات نیز به آن اشاره شده است.

فرمایش امام باقر علیه السلام در معنای جزع

جابر از امام محمد باقر علیه السلام نقل می‌کند که عرض کردم:

«... ما الجزع قال اشد الجزع الصراخ بالویل و العویل و لطم الوجه و الصدر و جز الشعر من النواصي و من اقام النواحة فقد ترك الصبر ...؛ جزع چیست؟ فرمود: شدیدترین نوع جزع، فریاد با صدای بلند گریستن و شیون زدن و بر صورت و سینه زدن و کندن مو از بالای پیشانی است و کسی که اقامه کند گلایه‌ها را، پس به تحقیق صبر را ترک کرده است.»^۱

در روایتی که در مورد امام زین العابدین علیه السلام که تعبیر «فکادت نفسی ان تخرج» وارد شده است معنای جزع را تا مرتبه جان دادن نیز توسعه داده است و آن موقعی است

۱. الکافی، ج ۳، ص ۲۲۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۷۱؛ بحار الانوار ج ۷۹، ص ۸۹؛ مسکن الفؤاد، ص ۵۱.

که اسرا را از قتلگاه عبور می دادند و چیزی نمانده بود تا جان از سینه امام سجاد علیه السلام مفارقت کند، و در جواب عمه جانسان حضرت زینب علیه السلام می فرماید:

«کیف لا اجزع و اهلع؛ چگونه جزع نکنم و بی قرار نباشم»^۱.

طبق این روایت جزع تا مرتبه جان دادن نیز می باشد. لذا معنای «کادت نفسی ان تخرج» چنین می شود که: «هیچ نمانده بود که من جان بدهم».

کلام مرحوم آیت الله دربندی درباره جزع

الجزع هو نقيض الصبر لغة وعرفاً، و كما يدخل تحته رفع الصوت في النوح والبكاء و اعلان الصيحة و الضجة و النحيب و تنفس الصعداء فكذا تدخل تحته دق الصدر و ضرب الرأس و شق الجيوب و تمزيق الثياب و حثو التراب و الرماد على الرأس و التلبس اهل المصائب.

جزع [ابی تابي] همان نقيض صبر است در عرف و لغت و چنانکه در معنای جزع اموری مانند بالا بردن صدا در نوحه گری و گریه، اظهار فریاد [داد زدن]، ضجه [او فریاد از شدت غم و دهشت]، گریه با صدای بلند و نفس کشیدن های طولانی از شدت هم و غم داخل می شود، همچنین اموری مانند کوبیدن بر سینه و زدن بر سر و چاک دادن گریبان و پاره کردن لباس ها و ریختن خاک و خاکستر بر روی سر و پوشیدن لباس های اهل عزا و مصیبت، در این معنی داخل می شود.

و نشر الشعور و لطم الوجوه و خدش الخدود و الصدور و ضرب الافخاذ و الرأس و الجباه بالاكف ... الى غير ذلك من جملة الامور الأخر، داخل تحت الجرع.

۱. کامل الزیارات، ص ۲۶۰ (فضل کربلا و زیارة الحسین علیه السلام، باب ۸۸، ح ۱)؛ بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۲.

و پریشان کردن موها و لطمه زدن بر صورت‌ها و خراش دادن و خدشه زدن بر گونه - ها و سینه‌ها و زدن با دست بر روی ران‌ها و سر و صورت و ... و نیز آن از امور دیگر داخل است در معنای جزع.^۱

احادیث درباره جزع بر امام حسین علیه السلام

آنچه در مورد عزای بر حضرت سیدالشهدا علیه السلام وارد شده است هر نوع بی صبری مجاز شمرده است، بلکه مأجور معرفی شده است:

علی بن حمزه از امام صادق علیه السلام نقل کرده که حضرت فرمودند: «ان البكاء و الجزع مکروه للعبد فی کل ما جزع، ما خلا البكاء و الجزع علی الحسین بن علی علیهما السلام فانه فیه مأجور»

همانا گریه و چزع برای انسان در هر چه جزع می‌شود مکروه است به جز گریه و جزع بر حسین بن علی علیهما السلام که در این مورد ثواب دارد.^۲

«... کل الجزع و البكاء مکروه ما خلا الجزع و البكاء لقتل الحسین علیه السلام فانه مأجور؛ هر بی صبری و گریه‌ای مکروه است مگر بی صبری و گریه در مورد قتل امام حسین علیه السلام ، همانا که آن دارای اجر است.»^۳

همان‌طور که از لفظ جزع و همچنین از اطلاق و عموم آن در احادیث بر می‌آید، مصادیق زیادی را در بر می‌گیرد؛ زیرا در روایت فوق واژه «کل» یعنی هر نوع جزع وارد شده است. و همچنین در این روایت و روایت قبل و مانند آن «الجزع» به صورت مفرد محلی به الف و لام و اسم جنس می‌باشد که شامل تمامی افراد خود است. از این

۱ . جلوه‌های عزاداری در تعالیم اهل بیت علیهم السلام، ص ۱۲۴- ۱۲۵، به نقل از اسرارالشهادت، ج ۱، ص ۱۴۱.

۲ . کامل الزیارات، ص ۲۰۱، باب ۳۲.

۳ . وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۵؛ منظور روایت اباحه به معنی الاستجاب است، بدین معنا که هر

نوع جزع و بی تابی در مصیبت امام حسین علیه السلام مستحب است.

رو مصداق تمام اعمال و رفتاری می‌شود که در اثر بی تابی و بی صبری از انسان سر می‌زند.

آری، اگر چه صبر، صفتی پسندیده و نیک است اما صبر در مصیبت حضرت سیدالشهداء علیه السلام و خودداری از بی تابی نمودن در مصیبت ایشان، صبری مذموم و قبیح می‌باشد. همین مطلب در مورد مصیبت شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده است که امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام دفن بدن مبارک پیامبر اکرم علیه السلام فرمود:

«ان الصبر لجميل الا عنك، و ان الجزع لقبیح الا عليك؛ همانا صبر زیباست اما در مصیبت غیر تو و همانا جزع و بی تابی زشت و قبیح است مگر بر تو.»^۱

و در مورد امام حسین علیه السلام امر به اظهار این جزع شده‌ایم، «بإظهار الجزع علیه» یعنی اگر چه جزع همان بی تابی و بی صبری است و بی تابی و بی صبری در ظاهر هر انسان مصیبت زده‌ای دیده می‌شود، اما ائمه اطهار علیهم السلام باز برای تاکید در علنی بودن شعائر امام علیه السلام لفظ «اظهار» را نیز در کنار «جزع» ذکر نموده‌اند.

امام باقر علیه السلام در بیان آداب روز عاشورا می‌فرماید: باید ندبه و گریه کند بر حسین و به اهل منزل و کسانی که در خانه او هستند، دستور بدهد که بر حسین علیه السلام گریه کنند و در خانه خود مصیبت آن حضرت را بر پا کند، به این ترتیب که برای آن حضرت اظهار جزع کنند و با گریه یکدیگر را ملاقات کنند.^۲

همچنین روایت شده است:

«و لما نظر علی بن الحسین علیهما السلام الی جنة ابيه و بنی ابيه... عظم ذلک فی صدره و اشتد علیه فزاد قلقه و عظم جزعه، فکادت نفسه ان تخرج من بدنه و تفارق روحه

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، باب ۶۸، ص ۴۴۵، ح ۲۴۲۲؛ بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۳۴؛ نهج البلاغه، ص ۵۲۷؛ غرر الحکم، ص ۱۰۹.

۲. کامل الزیارات، ص ۱۰۱. «ثم لیندب الحسین علیه السلام و یامر من فی داره بالبکا علیه و یقیم فی داره مصیبةً بإظهار الجزع علیه و یتلاقون بالبکاء».

الدنيا...؛ و هنگامی که علی بن الحسین علیه السلام به جسد شریف پدرش و فرزندان پدرش نظر کرد ... مصیبت بر سینه او بزرگ آمد و برای او سخت و طاقت فرسا گردید و اضطراب او فزونی گرفت و بی تابی او زیاده از حد گردید. پس نزدیک بود که جاننش از بدن خارج شود و روحش از دنیا مفارقت کند...^۱

جزع و بی تابی حضرت ابراهیم علیه السلام در عزای امام حسین علیه السلام

عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ^۲ قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَا علیه السلام يَقُولُ لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام أَنْ يَذْبَحَ مَكَانَ ابْنِهِ إِسْمَاعِيلَ الْكَبْشَ الَّذِي أَنْزَلَهُ عَلَيْهِ تَمَنَّى إِبْرَاهِيمُ علیه السلام أَنْ يَكُونَ قَدْ ذَبَحَ ابْنَهُ إِسْمَاعِيلَ بِيَدِهِ وَ أَنَّهُ لَمْ يُؤْمَرْ بِذَبْحِ الْكَبْشِ مَكَانَهُ لِيَرْجِعَ إِلَى قَلْبِهِ مَا يَرْجِعُ إِلَى قَلْبِ الْوَالِدِ الَّذِي يَذْبَحُ أَغْزَّ وَ لَدِهِ عَلَيْهِ بِيَدِهِ فَيَسْتَحِقَّ بِذَلِكَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ أَهْلِ الثَّوَابِ عَلَى الْمَصَائِبِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ يَا إِبْرَاهِيمُ مَنْ أَحَبُّ خَلْقِي إِلَيْكَ فَقَالَ يَا رَبِّ مَا خَلَقْتَ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ أ فَهُوَ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ نَفْسِكَ قَالَ بَلْ هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَفْسِي قَالَ فَوَلَدُهُ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ وَلَدُكَ قَالَ بَلْ وَلَدُهُ قَالَ فَذَبْحُ وَلَدِهِ ظُلْمًا عَلَى أَيْدِي أَعْدَائِهِ أَوْ جَعُ لِقَلْبِكَ أَوْ ذَبْحُ وَلَدِكَ بِيَدِكَ فِي طَاعَتِي قَالَ يَا رَبِّ بَلْ ذَبْحُ وَلَدِهِ ظُلْمًا عَلَى أَيْدِي أَعْدَائِهِ أَوْ جَعُ لِقَلْبِي قَالَ يَا إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ طَائِفَةً تَزْعُمُ أَنَّهَا مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ سَتَقْتُلُ الْحُسَيْنَ ابْنَهُ مِنْ بَعْدِهِ ظُلْمًا وَ عُدْوَانًا كَمَا يَذْبَحُ الْكَبْشُ وَ يَسْتَوْجِبُونَ بِذَلِكَ سَخَطِي فَجَزِعَ إِبْرَاهِيمُ علیه السلام لِذَلِكَ وَ تَوَجَّعَ قَلْبُهُ وَ أَقْبَلَ بَيْنَكَ

۱ . عبرات المصطفین، ج ۲، ص ۲۲۳.

۲ . فضل بن شاذان از اصحاب امام رضا و امام جواد علیه السلام است. شیخ نجاشی درباره او فرموده: او از فقها و متکلمینی است که بین شیعیان منزلت و جلالت والایی دارد که به وصف نیاید. او صد و هشتاد تألیف دارد. معجم رجال الحديث، ج ۱۴، ص ۳۰۹.

فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ فَدَيْتُ جَزَعَكَ عَلَى ابْنِكَ إِسْمَاعِيلَ لَوْ ذَبَحْتَهُ
بِيَدِكَ بِجَزَعِكَ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ قَتْلِهِ وَ أَوْجَبْتُ لَكَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ أَهْلِ الثَّوَابِ عَلَى
الْمَصَائِبِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ فَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ ؛

امام رضا علیه السلام فرمود: هنگامی که خدای عزوجل به حضرت ابراهیم علیه السلام دستور داد که
به جای حضرت اسماعیل علیه السلام قوچی را که برای او فرستاده بود قربانی کند، حضرت
ابراهیم علیه السلام آرزو کرد که ای کاش اسماعیل علیه السلام را ذبح کرده بود نه قوچ را تا قلبش
در عزای عزیزترین فرزندانش - که به دست خود ذبح شده - داغدار می شد و به
بالاترین درجات پاداش مصیبت زدگان نائل می گشت.

خداود به او وحی کرد: محبوب ترین خلق نزد تو کیست؟

عرض کرد: خدایا! حبیب تو محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

او را بیشتر دوست می داری یا خودت را؟

او را از خودم بیشتر دوست دارم.

فرزند او را بیشتر دوست داری یا فرزند خودت را؟

فرزند او را.

اگر فرزند او به دست دشمنان مظلومانه کشته شود ، بیشتر قلب تو را به درد می آورد،
یا اینکه با دست خود فرزندت را به جهت اطاعت من ذبح کنی؟

پروردگارا! کشته شدن فرزند او را بر دست دشمنان، بیشتر قلب مرا به درد می آورد.

ای ابراهیم! گروهی که خود را از امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می دانند پس از او فرزندش حسین
علیه السلام را از روی ستم و دشمنی به قتل می رسانند و مستوجب خشم و غضب من
خواهند گشت.

حضرت ابراهیم علیه السلام از شنیدن این خبر بی تاب شد، قلبش به درد آمد و شروع به
گریه نمود.

خدای عزوجل به او وحی فرمود: بی‌تابی و جزع تو را در عزای امام حسین (علیه السلام) به جای بی‌تابی در کشته شدن فرزندان اسماعیل - اگر او را با دست خود قربانی می‌کردی - پذیرفتم و بالاترین درجات و پاداش مصیبت زدگان را بر تو (ثبت نموده و) لازم دانستم.

سپس امام رضا (علیه السلام) فرمود: مقصود از آیه شریفه «و فدیناه بذبح عظیم»^۱ نیز همین قضیه است.^۲

اهل جزع چه کسانی هستند؟

جزع و بی‌تابی در مصائب ائمه اطهار (علیهم السلام) از درجهٔ اهمیتی برخوردار است که عده‌ای از یاران خاص اهل بیت (علیهم السلام) را به نام «اهل الجزع» می‌خوانند و بالاترین نوع بشارت را به ایشان می‌دهند:

مسمع کردین می‌گوید: ... امام باقر (علیه السلام) سؤال فرمود:

آیا یادی از مصائب امام حسین (علیه السلام) می‌نمایی؟

عرض کردم: آری،

حضرت فرمود: آیا جزع و فزع می‌کنی؟

۱. علامه مجلسی (رحمه الله) در توضیح آیه بنابر روایت گذشته بیانی دارد به این شرح که: خداوند تعالی جزع حضرت ابراهیم (علیه السلام) در عزای امام (علیه السلام) را به (جای) جزع حضرت ابراهیم (علیه السلام) در عزای حضرت اسماعیل (علیه السلام) (پذیرفت و) تعویض کرد. ایشان فرموده: عبارت «فدی» در «فدیناه» در معنای حقیقی اش استعمال نشده، بلکه به معنای تعویض آمده است. غدیر و عاشورا در سیره امام رضا (علیه السلام)، ص ۵۰-۵۲. به نقل از: بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۲۶-۲۲۷.

۲. الخصال، ج ۱، ص ۵۹؛ عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۱۸۷-۱۸۸؛ تأویل الآیات، ج ۲، ص ۴۹۷-۴۹۸؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۲۴-۱۲۵؛ و ج ۴۴، ص ۲۲۵-۲۲۶؛ عوالم العلوم، ج ۱۷، ص ۱۰۶.

عرض کردم: آری، به خدای قسم به خاطر این یادآوری، اشکم جاری می‌شود تا آنجا که خانواده‌ام اثر آن را در صورتم می‌بینند و نیز از خوردن غذا امتناع می‌کنم تا آن که اثر آن در صورتم پدید می‌آید.

سپس حضرت علیه السلام فرمود:

«رحم الله دمعتك اما اتك من الذين يعدون من اهل الجزع لنا و الذين يفرحون لفرحنا و يحزنون لحزننا و يخافون لخوفنا و يامنون اذا امننا...؛ خدا رحمت کند اشک‌های تو را، بدان که قطعاً تو از کسانی محسوب می‌شوی که به خاطر ما جزع نموده و به واسطه سرور و فرح ما مسرور گشته و به خاطر حزن ما محزون گردیده و به خاطر خوف ما خائف بوده و هنگام ایمنی ما در امان است.^۱»

سپس بالاترین بشارت‌ها را به «اهل الجزع» می‌دهند و می‌فرمایند:

«آگاه باش! به زودی ما را خواهی دید و هنگام مرگ پدران مرا زیارت می‌کنی و آنان را کنار بستر مرگ می‌نگری که به فرشته مرگ سفارش تو را می‌کنند، سپس ملک الموت از مادر نسبت به فرزندش بر تو مهربان‌تر می‌گردد.»

مسمع می‌گوید: زمانی که سخنان حضرت به این جا رسید شروع به گریه نمودند و من نیز گریستم. بعد فرمود:

«.. به راستی هیچ کس به مصیبت‌ها و ظلم‌هایی که بر ما وارد شده نمی‌گرید، مگر آنکه خداوند پیش از آنکه اشک از چشمان او بیرون آید رحمت و درودش را بر او می‌فرستد و هرگاه اشک بر صورتش جاری شد اگر قطره‌ای از آن در دوزخ افتد، حرارت آن را خاموش می‌کند و هنگام مرگ شاد و مسرور است تا وقتی که در کنار حوض کوثر بر ما وارد شود، کوثر هم از دیدار او شاد می‌گردد و پیوسته از آب کوثر لذت‌های بهشتی بهره می‌برد.»^۲

۱. کامل الزیارات، ص ۱۰۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۸؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۹.

۲. همان. ویژگی‌های کوثر و آب کوثر نیز بیاید از کتاب خصائص الحسینیه.

در عزای حضرت سیدالشهدا علیه السلام جزع یعنی آنچه که بی صبری نامیده شود، چه بر سر و صورت زدن باشد یا زنجیر و ... نه تنها اشکالی ندارد بلکه مأجور می‌باشد و مکرر از جانب ائمه اطهار علیهم السلام بدان توصیه شده است.

امام صادق علیه السلام در سجده خود بر جزع کنندگان بر امام حسین علیه السلام چنین دعا می‌کرد و می‌فرمود:

«اللهم ... وارحم تلك الاعين التي جرت دموعها رحمة لنا و ارحم تلك القلوب التي جزعت و احترقت بنا و ارحم الرصخة التي كانت لنا؛ خديا!.. آن دیدگان را که اشک- هایش در راه ترحم و عاطفه بر ما جاری شده و دل‌هایی را به که خاطر ما نالان گشته و سوخته و آن فریادها و ناله‌هایی را که در راه ما بوده است، مورد رحمت قرار بده»^۱.

وقتی دل محب، داغ امام حسین علیه السلام در آن جلوه کند، آرام و قرار را از دست می‌دهد و به بالاترین نوع جزع دست می‌زند.

اللهم اجعلني من اهل الجزع على مصائب الامام الحسين عليه السلام
عن ابن قولويه قال: حدثني ابي و اخي رحمهما الله عن احمد بن ادريس و محمد بن يحيى جميعاً عن العمرى بن علي البوفكي قال: حدثنا يحيى و كان في خدمة ابي جعفر الثاني عليه السلام عن علي عن صفوان الجمال عن ابي عبدالله عليه السلام قال: سئلته في طريق المدينة و نحن نريد مكة فقلت يابن رسول الله مالي اراك كئيباً حزيناً منكسراً فقال عليه السلام: لو تسمع ما اسمع لشغلک عن مسئلتی. قلت: فما الذي تسمع؟ قال عليه السلام :

۱ . بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۸؛ کامل الزیارات، ص ۱۱۷، باب ۴۰، باب دعا رسول الله و علی و فاطمه و ائمه علیهم السلام لزوار الحسين عليه السلام، ح ۲.

ابتهال الملائكة الى الله عزوجل على قتله امير المؤمنين و قتله الحسين عليهما السلام و نوح الجن و بكاء الملائكة الذين حوله و شده جزعهم، فمن يتهنّا معه هذا بطعام او بشراب او نوم؟ راوی می گوید در راه مدینه در حالی که ما قصد مکه را داشتیم از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: ای پسر پیامبر چرا شما را غمگین و حزین و شکسته می بینم. پس حضرت فرمود: اگر تو می شنیدی آنچه را که من می شنوم دیگر این سؤال را از من نمی کردی.

از ایشان پرسیدم چه چیز شما می شنوید؟ حضرت فرمود: تضرع ملائکه در نزد خدا در نفرین و لعن بر قاتلان امیرالمومنین و قاتلان امام حسین علیهما السلام و نوحه جن و گریه ملائکه ای که بر گرد قبر او هستند از شدت جزع و بی قراری آنها، پس با همه اینها چه کسی از غذا یا نوشیدن یا خواب شاد می گردد؟^۱

امام باقر علیه السلام روز عاشورا به تمامی اهل خانه که از آنها تقیه نمی کرد می فرمود: بر آن حضرت گریه کنند و در خانه اش مجلس عزا بر پا کرده و اظهار جزع می کنند، یعنی بی تابی خود را آشکار کرده نشان دهید.^۲

عن الرضا عليه السلام: فجزع ابراهيم عليه السلام لذلك و توجع قلبه و اقبل يبكي فاوحى الله عزوجل: يا ابراهيم قد فديت جزعك على ابنك اسماعيل لو ذبحته بيدك بجزعك على الحسين عليه السلام و قتله ...^۳

امام رضا عليه السلام می فرماید: ابراهيم عليه السلام در هنگام شنیدن مصیبت حضرت حسین عليه السلام به جزع افتاد و قلبش دردناک شد و شروع به گریه کرد. آنگاه خداوند متعال وحی

۱ . کامل الزیارات، باب ۲۸، باب بکاء السماء و الارض علی قتل الحسين عليه السلام، ح ۱۸؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۲۶.

۲ . وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۹.

۳ . الخصال، ج ۱، ص ۵۹؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۲۵.

فرمود: ای ابراهیم! جزع تو را بر حسین علیه السلام و کشته شدن او، فدیۀ جزع تو بر فرزندت اسماعیل اگر او را به دست خود ذبح می‌کردی قرار دادم.
عن ابی جعفر الباقر علیه السلام: ... ثم لئندب الحسین علیه السلام یبکیه و یأمر من فی داره بالبکاء و یقیم فی داره مصیبتہ باظهار الجزع علیه و یتلاقون بالبکاء ...
از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

... سپس باید ندبه کند بر حسین علیه السلام بر او گریه کند و به اهل منزل و کسانی که در خانۀ او هستند، دستور بدهد که بر امام حسین علیه السلام گریه کنند و در خانۀ خود مصیبت آن حضرت را بر پا کند، به این ترتیب که برای آن حضرت اظهار بی‌تابی و جزع نمایند و با گریه یکدیگر را ملاقات کنند [و گرد هم بیایند] ...^۱

حدیث معاویه بن وهب :

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ قُؤْلُوبِهِ رضی اللہ عنہ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ الزَّرَّادِ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: كُلُّ الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ مَكْرُوهٌ سِوَى الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ عَلَى الْحُسَيْنِ علیه السلام.^۲

تمام راویان این حدیث امامی و ثقه‌اند. در سند این روایت هفت شخص واقع شده که به توثیق آنها می‌پردازیم:

۱. کامل الزیارات، باب ۷۱، ح ۵۵۶.

۲. امالی شیخ طوسی، ص ۱۶۲؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۵.

۱: وثاقت شیخ مفید رحمته الله:

نجاشی در رجال خود، وی را با عنوان «محمد بن محمد بن النعمان» ذکر می‌کند و می‌گوید:

«فضل او فراتر است از اینکه در وثاقت و دانش، فقه، کلام و روایت توصیف شود.^۱ شیخ طوسی که افتخار شاگردی او را دارد می‌نویسد: «محمد بن محمد بن نعمان» معروف به ابن المعلم، از متکلمان شیعه است که مرجعیت و ریاست امامیه در عصر خویش به او منتهی شد. وی در فقه و کلام بر هر دانشمندی مقدم بود و حافظه خوب و ذهنی دقیق داشت و در پاسخ به سئوالات، حاضر جواب بود. او بیش از دویست جلد کتاب کوچک و بزرگ دارد.^۲

۲: وثاقت ابن قولویه رحمته الله:

نجاشی درباره او چنین می‌گوید:

«هر زیبایی و دانش و فقهی که مردم با آن وصف کردند، ابن قولویه برتر و فوق آن است.^۳»

شیخ طوسی در «الفهرست» می‌نویسد:

«ابوالقاسم، جعفر بن محمد بن قولویه قمی، شخصی معتمد بوده و دارای نگاشته های فراوان، به تعداد ابواب فقه است.^۴ علامه حلی نقل می‌کند: «ابوالقاسم از علمای موثق و ارزشمند در حدیث و فقه است.^۵»

۱. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۹۹.

۲. طوسی، الفهرست، ص ۲۳۸.

۳. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۲۳.

۴. طوسی، الفهرست، ص ۹۱.

۵. حلی، خلاصه الاقوال، ص ۹۱.

ابن طاووس در توصیف وی می‌گوید: «راوی صادقی بوده است که تمام بزرگان بر امانتداری او اتفاق دارند».^۱

ابن حجر عسقلانی از علمای اهل سنت، او را از بزرگان و علمای مشهور شیعه می‌داند.^۲

۳: وثاقت محمد بن قولویه رحمته الله:

ابوجعفر محمد بن جعفر بن موسی بن مسرور بن قولویه قمی، پدر ابن قولویه، محدث والامقام و از مهم‌ترین ناقلان حدیث شیعه در سده های سوم و چهارم هجری است. شیخ مفید در شعری که در معرفی استادش سروده، او را فرزند صالح و محل اعتماد دانسته است.^۳

نجاشی در رجالش، او را از یاران خوب سعد بن عبدالله اشعری قمی برشمرده است.^۴ آیت الله خوسی در «معجم رجال الحدیث» می‌نویسد: «پسرش جعفر، از او روایات بسیاری در کامل الزیارات نقل کرده است و این در حالی بوده که خود را ملزم می‌دانسته است در این کتاب به جز از معتمدان، به نقل روایت نپردازد ... این دلیل خوبی بر ثقه بودن اوست».^۵

۴: وثاقت سعد بن عبدالله

شیخ طوسی می‌نویسد: «سعد نزد بزرگان امامیه محدثی معتبر به شمار می‌آید. او محدثی جلیل القدر، ثقه، راوی اخبار و مؤلف چند کتاب است».^۶

۱. ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳۴.

۲. عسقلانی، لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۲۵.

۳. علیاری تبریزی، بهجة الآمال فی شرح زبدة المقال، ج ۶، ص ۳۳۷.

۴. رجال النجاشی، ص ۱۲۳.

۵. خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۱۶۷.

۶. طوسی، الفهرست، ص ۷۵.

شیخ طوسی نیز از سعد به نیکی یاد کرده است. « سعد از یاران امام عسکری علیه السلام و معاصر آن حضرت بوده، ولی به روایتش از امام دسترسی ندارم.»^۱ به همین دلیل، نام سعد را در ردیف کسانی آورده است که از معصومان علیهم السلام روایت نقل نکرده‌اند.^۲ نجاشی می‌نویسد: «ابوالقاسم سعد بن عبدالله اشعری، فقیه و محدثی والامقام، مورد اطمینان و از بزرگان و استادان خاندان اشعری بوده است ... سعد حدود ۳۶ تألیف دارد.»^۳ بسیاری از علمای رجال از قبیل شیخ کشی^۴ و علامه مجلسی^۵ و علامه حلی^۶ نیز از سعد به نیکی یاد کرده‌اند.

۵: وثاقت احمد بن محمد بن عیسی

وی فرزند محمد بن عیسی است که از نظر بزرگان امامیه شخصیتی جلیل القدر شمرده می‌شود. قدیمی‌ترین اظهار نظر درباره او از احمد بن علی بن نوح سیرافی، استاد نجاشی است که در جواب نامه نجاشی نوشته است: «می‌خواستی نظر مرا در باره کتاب‌های حسن بن سعید اهوازی بدانی؟ در جواب باید بگویم آنچه معتمد اصحاب شیعه است همان است که احمد بن محمد بن عیسی نقل کرده است.»^۷ نجاشی درباره او می‌نگارد: «احمد بن محمد بن عیسی که رحمت خدا بر او باد، از دانشمندان اهل قم است. او رئیس و فقیه بی نظیر شیعه بوده است که با حاکمان قم

۱. طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۹۴.

۲. رجال الطوسی، ص ۴۲۷.

۳. رجال النجاشی، ص ۴۳۹.

۴. طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۵۲۸.

۵. الوجیزه فی الرجال، ص ۵۹.

۶. حلی، خلاصة الاقوال، ص ۷۸.

۷. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۸۱.

رابطه داشت و به خدمت سه امام ، امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام رسیده است.» در ادامه سخن نیز به نه کتاب از تألیفات او اشاره می‌کند.^۱

علامه حلی نام او را در قسمت اول کتاب خود (کسانی که به آن‌ها اعتماد دارد) ذکر کرده و همانند نجاشی او را به نیکی توصیف می‌کند.^۲

۶: وثاقت حسن بن محبوب

برقی در رجال خود می‌گوید: «حسن پسر محبوب بود و جدش وهب نام داشته و کنیه‌اش ابوعلی و لقب وی سرّاد یا زرّاد است.»^۳

علامه مجلسی او را راوی و فقیه بزرگ شیعه دانسته و از یاران امام کاظم و امام رضا و امام جواد علیهم السلام برشمرده است. وی می‌گوید: «رجال شناسان و محدثان متقدم و متأخر در وثاقتش متفق‌اند».^۴

کشی وی را یکی از اصحاب اجماع، یکی از شش فقیه برجسته از یاران امام کاظم و امام رضا علیهم السلام می‌شمارد که به گفته او طایفه امامیه بر صحت احادیث و فقهائشان اجماع دارند.^۵

طبق بررسی آیت الله خویی، او علاوه بر چند حدیث که بی واسطه از امام کاظم و امام رضا علیهم السلام روایت کرده از ۱۸۸ راوی حدیث شنیده است که ۶۰ تن از آنان از یاران امام صادق علیه السلام بوده‌اند. همچنین نام او در طریق نزدیک به سه هزار حدیث از کتب اربعه امامیه دیده می‌شود.^۶

۱. رجال النجاشی، ص ۸۱.

۲. حلی، خلاصة الاقوال، ص ۱۷.

۳. برقی، رجال البرقی، ص ۳۸ و ص ۴۸.

۴. رجال البرقی، ص ۳۸ و ص ۴۸؛ مجلسی، الوجیزه فی الرجال، ص ۵۹.

۵. طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۵۵۶.

۶. خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۸۹ - ۹۵.

بنابر تحقیق آیت الله مامقانی ، برخی علمای شیعه همانند شهید ثانی و محقق سبزواری ، عقیده داشتند که وی مانند محمد ابن ابی عمیر، حدیث مرسل را جز از راویان ثقه نقل نمی کند و این والاترین درجه و میزان اعتماد به راوی است.^۱

۷: وثاقت ابی محمدانصاری

نجاشی در رجالش از او با عنوان «عبدالله بن حمّاد الانصاری» و باتعبیر «شیوخ اصحابنا» یاد کرده است.^۲

به نظر می رسد تعبیر نجاشی به «مشایخ اصحاب امامیه» دلالت بر وثاقت او دارد؛ زیرا رجال شناسان قدیم هنگامی از این تعبیر استفاده می کنند که راوی به قدری معروف است که از توثیق بی نیاز باشد و به عبارت دیگر، توثیق کردن او حد و مرتبه او را پایین می آورد.^۳

شیخ طوسی او را از یاران امام رضا علیه السلام و با عنوان «عبدالله بن ابراهیم» در رجال و فهرست خود ذکر کرده است.^۴

۸: وثاقت معاویه بن وهب

نجاشی می گوید: «ابوالحسن ، معاویه بن وهب، عربی الاصل، معتمد و بر عقیده مستقیم بوده و از امام صادق و امام کاظم علیه السلام روایت نقل کرده است. وی کتابی به نام «فضائل الحج» دارد که ابن ابی عمیر از آن حدیث نقل می کند.^۵

حاصل واکاوی سند حدیث معاویه بن وهب این است که راویان این سند، همگی از راویان موثق شیعه اند و این حدیث بنابر اصطلاح متاخران ، صحیح است.

۱ . مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۲۰، ص ۳۶۰.

۲ . رجال النجاشی، ص ۵۶۸.

۳ . سلوک ماتم، ص ۸۰.

۴ . رجال الطوسی، ص ۳۶۲؛ الفهرست، ص ۲۹۲.

۵ . رجال الطوسی، ص ۴۱۲.

معنای عدم کراهت جزع در سوگ امام حسین علیه السلام:

شیخ یوسف بحرانی در شرح روایت «معاویه بن وهب» از امام صادق علیه السلام که فرمود: «همه انواع جزع و گریه مکروه است، مگر جزع و گریه در شهادت امام حسین علیه السلام». می‌فرماید:

پس ظاهر آن است که مراد به کراهت در اینجا مجازاً عدم ترتب ثواب و اجر بر گریه باشد، نه کراهتی که موجب مذمت گردد و جهت آن این است که در هیچ نوع گریه چیزی که موجب ثواب ارزشمند و اجر زیبا شود نیست، همانند گریه بر امام حسین علیه السلام و گریه بر پدر و اجداد و فرزندان او علیه السلام که چنین ثواب و اجر دارد. و نهایت حکمی که مترتب بر گریه بر دیگران می‌شود آن است که مباح است.^۱

۱. الحدائق الناظرة، ج ۴، ص ۱۶۴. فالظاهر ان المراد بالكراهة هنا عدم ترتب الصواب و الاجر عليه مجازاً، لا الكراهة الموجبة للذم، و ذلك فانه ليس في شيء من افراد البكاء ما يوجب ثواب الجزيل و الاجر الجميل مثل البكاء عليه و البكاء على آباءه و ابنائه و قصارى البكاء على غيرهم ان سبيله سبيل المباحات. واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات، ص ۲۸۹.

فصل بیست و هفتم: دست بر سر نهادن از شدت اضطراب

فرد مصیبت زده از شدت اضطراب و بیچاره شدن از مصیبت، دست بر روی سر قرار

دهد. در مورد حضرت ام کلثوم علیها السلام وارد شده است که در روز عاشورا:

«وضعت ام کلثوم یدها علی رأسها و نادت وامحمداه واجداه واعلیاه ...

ام کلثوم دست خود را بر سر نهاد و فریاد زد: ای محمد! ای جدبزرگوار! ای امیرالمؤمنین!^۱

در مورد حضرت زینب علیها السلام نیز روایت شده است که:

واضعاً یدها علی رأسها تندب وتقول وامحمدا هذا حسین بالعراء قد سلب العمامة و الرداء.

دستش را روی سرش قرار داده و ندبه می کرد و می گفت: وای ای جد بزرگوار! این حسین توست که در صحرا افتاده است در حالی که عمامه و ردای او را به غارت برده اند.^۲ این ماهی فتاده به خون حسین توست وین صید دست و پا زده در خون حسین توست.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵۹.

۲. همان، ج ۴۴، ص ۳۲۱.

۳. اشعار محتشم.

فصل بیست و هشتم: کئیب و اندوهگین بودن

کئیب به معنای اندوهگین و دلشکسته و در هم بودن، به گونه‌ای که انکسار در چهره شخص مشخص شود و چهره‌اش تیره و مایل به سیاهی شود.

در مورد اهل بیت علیهم‌السلام آمده است که در عزای امام حسین علیه‌السلام کئیب بودند.
۱: دعبل خزایی شاعر می‌گوید:

«دخلت علی سیدی و مولای علی بن موسی الرضا علیه‌السلام فی مثل هذه الايام فرأیته جالسا جلسه الحزین الکئیب و اصحابه من حوله...»

محضر آقايم و مولایم علی بن موسی الرضا علیه‌السلام وارد شدم در مثل چنین روزی (عاشورا) پس دیدم که نشسته اند در نشستن فردی حزین و غمگین و درهم شکسته و یاران حضرت پیرامون ایشان بودند پس به محض اینکه مرا دید فرمود ...^۱
۲: همچنین روایت شده است:

«خرج النبی الی سفر فوقف فی بعض الطريق استرجع و دمت عیناه فسل عن ذلک فقال هذا جبرئیل یخبرنی عن ارض بشط فرات یقال لها کربلاء یقتل فیها ولدی الحسین ... کانی انظر الیه و الی مصرعه و مدفنه بها ... رجع عن سفره مغموماً مهموماً کئیباً حزیناً...»

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای سفری خارج شدند پس در بین راه توقف نموده و آیه استرجاع [انا لله و انا الیه راجعون] را خواندند و از چشمان‌شان اشک جاری شد، پس از حضرت در این مورد پرسیدند. فرمودند: جبرئیل است که به من خبر می‌دهد از سرزمینی در شط فرات که به آن کربلا گفته می‌شود فرزندم حسین علیه‌السلام در آن کشته می‌شود... گویا

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۸۶، ب ۱۳، ح ۱۲۲۳۶؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۵۷.

نگاه می‌کنم به سوی او و به سوی مقتل و محل دفن او ... پس پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از سفر خود بازگشتند در حالی که مصیبت زده ، بی تاب و درهم شکسته و محزون بودند.^۱

۳: قال الرضا عليه السلام: ... كان ابي اذا دخل شهر المحرم لا يري ضاحكاً و كانت الكآبة تغلب عليه ...

امام رضا عليه السلام می‌فرماید:

پدرم امام کاظم عليه السلام چنان بود که هرگاه ماه محرم فرا می‌رسید دیگر کسی او را خندان نمی‌دید و غم و شکسته حالی از حزن بر او چیره می‌شد [و افسردگی و دلگیر می‌گردید].^۲

۴: صدیقه طاهره حضرت فاطمه عليها السلام می‌فرمایند:

ان حزني عليك حزن جديد و فؤادي والله صب عنيد
كل يوم يزيد فيه سجونى واكتيابى عليك ليس يبيد
ان قلنا عليك يآلف صبرا او عزاء فانه لجليد

همانا حزن من بر تو حزن تازه‌ای است و قلبم والله که شیدا و جانسوز شده.
هر روز غصه‌ام گلوگیرتر می‌شود و چهره‌ام شکسته‌تر می‌شود بر تو، که این غم نابود شدنی نیست.

به راستی قلبی که در برابر مصیبت تو با صبر یا آرامش خو بگیرد آن قلب واقعاً قلب سختی است.^۳

۵: عن الصادق عليه السلام: اذا اردت زيارة الحسين عليه السلام فزره و انت كئيب حزين مكروب، شعث مغبر، جائع عطشان، فان الحسين عليه السلام قتل حزينا مكروباً شعثاً مغبراً جائعاً عطشاناً ...

۱ . بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۹؛ مشیرالاحزان، ص ۱۸.

۲ . وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۵؛ امالی صدوق، ص ۱۹۱؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۳.

۳ . بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۶.

امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه اراده کردی امام حسین علیه السلام را زیارت کنی، با خاطر افسردگی و شکسته حال و محزون او را زیارت کن و در حالت شدت غم او اندوهی که راه نفس را می گیرد [باش و ژولیده و غبارآلود و گرسنه و تشنه او را زیارت کن. چرا که حسین علیه السلام در حالتی که محزون و غم زده بود و با حال شدت غم او اندوه نفس گیر] شهید شد ژولیده و غبار آلود و گرسنه و تشنه کشته شد...^۱

۶ : عن صفوان الجمال عن ابي عبدالله علیه السلام قال: سئلته ... مالی اراک کثیباً حزیناً منکسراً

صفوان جمال از امام صادق علیه السلام نقل می کند که از آن حضرت پرسیدم: ... چه شده است که شما را دلگیر و افسرده و محزون و شکسته حال می بینم.^۲

۱ . کامل الریارات ، باب ۴۸ ، ح ۳۷۶ .

۲ . بحار الانوار، ج ۴۵ ، ص ۲۲۶ .

فصل بیست و نهم: امتناع از خوردن طعام (بی رغبتی به آب و غذا در هنگام عزای و ایام عزاداری)

فرد مصیبت زده از شدت مصیبت و جزع، از خوردن طعام خودداری کند به گونه‌ای که آثار آن در صورت نمایان شود.

۱: « عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ كَرْدِينَ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ... قَالَ لِي: أَمَا تَذْكُرُ مَا صُنِعَ بِهِ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: فَتَجْزَعُ؟ قُلْتُ: إِي وَاللَّهِ وَاسْتَعْبِرُ لِدَلِكِ حَتَّى يَرَى أَهْلِي أَثَرَ ذَلِكَ عَلَيَّ، فَأَمْتَنِعُ مِنَ الطَّعَامِ حَتَّى يَسْتَبِينَ ذَلِكَ فِي وَجْهِهِ. قَالَ رَحِمَ اللَّهُ دَمْعَكَ أَمَا إِنَّكَ مِنَ الَّذِينَ يُعَدُّونَ مِنْ أَهْلِ الْجَزَعِ لَنَا وَالَّذِينَ يَفْرَحُونَ لِفَرْحِنَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا ... »

امام صادق علیه السلام به من [مسمع کردین] فرمود: .. آیا یادی از مصائب حسین علیه السلام می‌نمایی؟
عرض کردم: آری،

فرمودند: آیا جزع و فزع می‌کنی؟

عرض کردم: آری به خدا قسم، به خاطر این یادآوری، اشکم جاری می‌شود تا آنجا که خانواده‌ام اثر آن را در صورتم می‌بینند و نیز از خوردن غذا امتناع می‌کنم تا آنکه اثر آن در صورتم پدید می‌آید.

امام فرمود: خدا اشک‌های تو را رحمت کند، آگاه باش که تو از افرادی هستی که از اهل جزع بر مایی و از کسانی هستند که شادند به شادی ما و محزونند به حزن ما.^۱

۱. کامل الزیارات، ص ۱۰۱؛ تسلیة المجالس، ج ۱، ص ۶۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۸؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۹؛ نفس المهموم، ص ۵۶، ح ۴.

عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ كَرْدِينَ الْبَصْرِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَا مِسْمَعُ أَنْتَ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ أَمَا مَا تَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام قُلْتُ لَا أَنَا رَجُلٌ مَشْهُورٌ عِنْدَ أَهْلِ الْبَصْرَةِ وَ عِنْدَنَا مَنْ يَتَّبِعُ هَوَىٰ هَذَا الْخَلِيفَةِ وَ عَدُوَّنَا كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْقَبَائِلِ مِنَ النَّصَابِ وَ غَيْرِهِمْ وَ لَسْتُ أَمْنُهُمْ أَنْ يَرْفَعُوا حَالِي عِنْدَ وَلَدِ سُلَيْمَانَ

فَيَمْتَلُونَ بِي قَالَ لِي أَمَا تَذْكُرُ مَا صُنِعَ بِهِ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَتَجَزَّعُ قُلْتُ إِي وَاللَّهِ وَاسْتَعْبِرْ لَذَلِكَ حَتَّى يَرَى
أَهْلِي أَتَرَ ذَلِكَ عَلَى فَاْمْتَنِعْ مِنَ الطَّعَامِ حَتَّى يَسْتَبِينَ ذَلِكَ فِي وَجْهِهِ قَالَ رَحِمَ اللَّهُ دَمْعَتَكَ - أَمَا إِنَّكَ مِنْ
الَّذِينَ يُعَدُّونَ مِنْ أَهْلِ الْجَزَعِ لَنَا وَالَّذِينَ يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا وَيَخَافُونَ لَخَوْفِنَا وَيَأْمَنُونَ إِذَا
أَمِنَّا أَمَا إِنَّكَ سَتَرَى عِنْدَ مَوْتِكَ حُضُورَ آبَائِي لَكَ - وَوَصِيَّتَهُمْ مَلِكَ الْمَوْتِ بِكَ وَ مَا يَلْقَوْنَكَ بِهِ مِنْ
الْبِشَارَةِ أَفْضَلَ وَ لِمَلِكِ الْمَوْتِ أَرْقُ عَلَيْكَ وَ أَشَدُّ رَحْمَةً لَكَ مِنَ الْأُمِّ الشَّفِيقَةِ عَلَى وَلَدِهَا قَالَ ثُمَّ اسْتَعْبِرْ وَ
اسْتَعْبِرْتُ مَعَهُ - فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى خَلْقِهِ بِالرَّحْمَةِ وَ خَصَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بِالرَّحْمَةِ يَا مَسْمُوعُ إِنَّ
الْأَرْضَ وَ السَّمَاءَ لَتَبْكِي مُنْذُ قُتِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع رَحْمَةً لَنَا وَ مَا بَكَى لَنَا مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَكْثَرُ - وَ مَا رَقَاتُ
دُمُوعِ الْمَلَائِكَةِ مُنْذُ قُتِلْنَا وَ مَا بَكَى أَحَدٌ رَحْمَةً لَنَا وَ لِمَا لَقِينَا إِلَّا رَحِمَهُ اللَّهُ - قِيلَ أَنْ تَخْرُجَ الدَّمْعَةُ مِنْ
عَيْنِهِ فَإِذَا سَالَتْ دُمُوعُهُ عَلَى خَدِّهِ فَلَوْ أَنَّ قَطْرَةً مِنْ دُمُوعِهِ سَقَطَتْ فِي جَهَنَّمَ لَأُطْفَأَتْ حَرُّهَا حَتَّى لَا يُوْجَدَ
لَهَا حَرٌّ وَ إِنَّ الْمَوْجَعَ لَنَا قَلْبُهُ لَيَفْرَحُ يَوْمَ يَرَانَا عِنْدَ مَوْتِهِ فَرَحَةً لَا تَزَالُ تِلْكَ الْفَرَحَةُ فِي قَلْبِهِ حَتَّى يَرِدَ
عَلَيْنَا الْحَوْضُ وَ إِنَّ الْكَوْثَرَ لَيَفْرَحُ بِمُحِبِّينَا إِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ حَتَّى إِنَّهُ لَيُذِيقُهُ مِنْ ضُرُوبِ الطَّعَامِ مَا لَا يَشْتَهِي أَنْ
يَصْدُرَ عَنْهُ يَا مَسْمُوعُ مَنْ شَرِبَ مِنْهُ شَرْبَةً لَمْ يَظْمَأْ بَعْدَهَا أَبَدًا وَ لَمْ يَسْتَقْ بَعْدَهَا أَبَدًا وَ هُوَ فِي بَرْدِ الْكَافُورِ وَ
رِيحِ الْمِسْكِ وَ طَعْمِ الزَّنجَبِيلِ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَ الْلَيْنَ مِنَ الزُّبْدِ وَ أَصْفَى مِنَ الدَّمْعِ وَ أَذْكَى مِنَ الْعَنْبَرِ
يَخْرُجُ مِنْ تَسْنِيمٍ وَ يَمُرُّ بِأَنْهَارِ الْجَنَانِ يَجْرِي عَلَى رَضْرَاضِ الدَّرِّ وَ الْبَاقُوتِ فِيهِ مِنَ الْقِدْحَانِ أَكْثَرُ مِنْ عَدَدِ
نُجُومِ السَّمَاءِ يُوْجَدُ رِيحُهُ مِنْ مَسِيرَةِ أَلْفِ قِدْحَانَةٍ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْوَانِ الْجَوْهَرِ يُفُوحُ فِي وَجْهِ
الشَّارِبِ مِنْهُ كُلُّ فَائِحَةٍ حَتَّى يَقُولَ الشَّارِبُ مِنْهُ يَا لَيْتَنِي تَرَكْتُ هَاهُنَا لَا أَبْغِي بِهَذَا بَدَلًا وَ لَا عَنْهُ تَحْوِيلًا -
أَمَا إِنَّكَ يَا ابْنَ كَرْدِينَ مِمَّنْ تَرَوِي مِنْهُ وَ مَا مِنْ عَيْنٍ بَكَتْ لَنَا إِلَّا نَعِمْتَ بِالنَّظَرِ إِلَى الْكَوْثَرِ - وَ سُقِيتُ مِنْهُ
مَنْ أَحَبَّنَا وَ إِنَّ الشَّارِبَ مِنْهُ لَيُعْطَى مِنَ اللَّذَّةِ وَ الطَّعْمِ وَ الشَّهْوَةِ لَهُ أَكْثَرُ مِمَّا يُعْطَاهُ مَنْ هُوَ دُونُهُ فِي حُبِّنَا وَ
إِنَّ عَلَى الْكَوْثَرِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ فِي يَدِهِ عَصَا مِنْ عَوْسَجٍ يَحِطِّمُ بِهَا أَعْدَاءَنَا فَيَقُولُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ إِنِّي
أَشْهَدُ الشَّهَادَتَيْنِ فَيَقُولُ انْطَلِقْ إِلَى إِمَامِكَ فَلَان - فَاسْأَلْهُ أَنْ يَشْفَعَ لَكَ فَيَقُولُ تَبَرَّأْتُ مِنِّي إِمَامِي الَّذِي تَذْكُرُهُ
فَيَقُولُ ارْجِعْ إِلَى وَرَائِكَ فَقُلْ لِلَّذِي كُنْتَ تَتَوَلَّاهُ وَ تُقَدِّمُهُ عَلَى الْخَلْقِ فَاسْأَلْهُ إِذَا كَانَ خَيْرَ الْخَلْقِ عِنْدَكَ أَنْ
يَشْفَعَ لَكَ - فَإِنْ خَيْرَ الْخَلْقِ مَنْ يَشْفَعُ [حَقِيقٌ أَنْ لَا يُرَدَّ إِذَا شَفَعَ] فَيَقُولُ إِنِّي أَهْلِكُ عَطْشًا فَيَقُولُ لَهُ زَادَكَ
اللَّهُ ظَمًا وَ زَادَكَ اللَّهُ عَطْشًا قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ كَيْفَ يَقْدِرُ عَلَى الدُّنُوِّ مِنَ الْحَوْضِ وَ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ غَيْرُهُ

۲ : عَنْ صفوانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ فِي طَرِيقِ الْمَدِينَةِ وَنَحْنُ نُرِيدُ الْمَكَةَ [مَكَّة] فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا لِي أَرَاكَ كَثِيبًا حَزِينًا مُنْكَسِرًا فَقَالَ لَوْ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ لَشَغَلَكَ عَنْ مَسْأَلَتِي قُلْتُ فَمَا الَّذِي تَسْمَعُ قَالَ ابْتِهَالُ الْمَلَائِكَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى قَتْلَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَتْلَةِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ نَوْحِ الْجَنِّ وَ بُكَاءِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ حَوْلَهُ وَ شِدَّةَ جَزَعِهِمْ فَمَنْ يَتَهَنَّا مَعَ هَذَا بِطَعَامٍ أَوْ بِشَرَابٍ أَوْ نَوْمٍ ؛

صفوان جمال از امام صادق عليه السلام نقل می کند که در خدمت حضرت از مدینه به سمت مکه می رفتیم. در راه از آن حضرت پرسیدم: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چه شده است که شما را غمگین و افسرده و محزون و شکسته حال می بینم؟ حضرت فرمودند: اگر آنچه را که من می شنوم، تو نیز می شنیدی، تو را از سؤال و جواب کردن با من باز می داشت.

عرض کردم: چه چیزی می شنوید؟ فرمودند: جد و جهد کردن ملائکه به درگاه خداوند عزوجل در طلب لعنت بر قاتلان امیرالمؤمنین و قاتلان امام حسین علیه السلام و نوحه گری جنیان و گریه ملائکی که در اطراف او [گرداگرد قبر حسین علیه السلام] هستند و شدت جزع و بی تابی ایشان! اکنون با این حال چه کسی می تواند از خوردن غذا و نوشیدن و خوابیدن بهره ببرد او گوارایش شود؟^۱

فَقَالَ وَرِعَ عَنْ أَشْيَاءَ قَبِيحَةٍ وَ كَفَّ عَنْ شَتْمِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِذَا ذُكِرْنَا وَ تَرَكَ أَشْيَاءَ اجْتَرَى عَلَيْهَا غَيْرُهُ وَ لَيْسَ ذَلِكَ لِحُبِّنَا وَ لَا لِهَوًى مِنْهُ لَنَا وَ لَكِنَّ ذَلِكَ لِشِدَّةِ اجْتِهَادِهِ فِي عِبَادَتِهِ وَ تَذْيِينِهِ وَ لِمَا قَدْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِهِ عَنْ ذِكْرِ النَّاسِ فَأَمَّا قَلْبُهُ فَمُنَافِقٌ وَ دِينُهُ النَّصَبُ وَ اتِّبَاعُهُ أَهْلَ النَّصَبِ وَ وَلَايَةُ الْمَاضِينَ وَ تَقَدُّمُهُ [تَقْدِيمُهُ] لَهُمَا عَلَى كُلِّ أَحَدٍ.

۱ . بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۳ ؛ کامل الزیارات، باب ۲۸، ص ۹۲.

۳: المفید فی مسار الشیعه [ص ۶۰] قال: فی العاشر من المحرم قتل الحسین و جاءت
 علیه السلام الروایه عن الصادق علیه السلام باجتناب الملاذّ فیهِ و اقامة سنن المصائب و الامساک عن
 طعام و الشراب الی ان تزول الشمس ، و التغذی بعد ذلک بما یتغذی به اصحاب
 المصائب کالالبان و ما اشبهها دون اللذیذ من الطعام ؛

شیخ مفید در کتاب مسار الشیعه [ص ۶۰] فرموده: روز دهم ماه محرم، روزی است که
 امام حسین علیه السلام کشته شد و روایت از امام صادق علیه السلام وارد شده است که باید در این
 روز از چیزهای لذت بخش اجتناب شود و سنت‌های عزا و مصیبت بر پا شود و از
 خوردن و آشامیدن پرهیز شود تا هنگام ظهر و نیمروز و بعد از آن خوراکی‌هایی که
 اهل مصیبت می‌خورند، مانند لبنیات و امثال آن بخورند و از خوراکی‌های لذیذ
 استفاده نکنند.^۱

۴ : فی الانوار المحمدية تألیف یوسف بن اسماعیل النبهانی : کان رسول الله ﷺ یوم
 عاشورا یدعا برضعائه و رضعاء ابنته فاطمه علیها السلام فیتفل فی افواههم و یقول للامهات: لا
 ترضعنهم الی اللیل ، فکان ریقہ یجزیهم؛

در کتاب الانوارالمحمدیه تألیف یوسف بن اسماعیل نبهانی آمده است:
 رسول خدا ﷺ در روزهای عاشورا فرزندان شیرخوار خود و فرزندان شیرخوار دخترشان
 فاطمه علیها السلام را طلب می‌کردند؛ آنگاه از آب دهان مبارک خود در دهان آن شیرخواران قرار
 می‌دادند و به مادران ایشان سفارش می‌فرمودند: «تا شب به این کودکان شیر ندهید» و
 آب دهان مبارک آن حضرت ، آن کودکان را از آب و غذا بی‌نیاز می‌کرد.^۲

۱ . جلوه‌های عزاداری در تعلیم اهل بیت علیه السلام ، ص ۱۶۸ به نقل از وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۵،
 چاپ آل البيت علیهم السلام

۲ . جلوه‌های عزاداری در تعلیم اهل بیت علیه السلام ، ص ۱۶۹ به نقل از معالی السبطین، ج ۱، ص ۴۲۱.

۵ : عن الصادق عليه السلام: اذا اردت زيارة الحسين عليه السلام فزره و انت كئيب حزين مكروب، شعث مغبر، جائع عطشان، فان الحسين عليه السلام قتل حزينا مكروباً شعثاً مغبراً جائعاً عطشاناً...

امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه اراده کردی امام حسین عليه السلام را زیارت کنی، با خاطر افسردگی و شکسته حال و محزون او را زیارت کن و در حالت شدت غم او اندوهی که راه نفس را می گیرد [باش و ژولیده و غبارآلود و گرسنه و تشنه او را زیارت کن. چرا که حسین عليه السلام در حالتی که محزون و غم زده بود و با حال شدت غم او اندوه نفس گیر] شهید شد ژولیده و غبار آلود و گرسنه و تشنه کشته شد...^۱

۱ . کامل الریارات ، باب ۴۸ ، ح ۳۷۶.

فصل سیام : لرزش مدام بدن عزادار حسین علیه السلام تا روز قیامت

علامه مجلسی رحمۃ اللہ علیہ در بحار الانوار از ابوذر رحمہ اللہ حدیثی را روایت و نقل کرده است کہ گفت: اگر بدانید چقدر حزن و اندوه و الم وارد می شود بر اهل دریاها در وقت موج آن ها و بر ساکنین کوه ها و تل ها و بیابان ها و اهل آسمان ها و از شہادت آن حضرت ہر آینہ بہ ذات خدا قسم آن قدر می گریستند کہ روح های شما از بدن ہایتان مفارقت کند و از گریہ ہلاک شوید:

« مَا مِنْ سَمَاءٍ يَمُرُّ بِهٖ رُوحُ الْحُسَيْنِ عليه السلام إِلَّا فَزِعَ لَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَقُومُونَ قِيَامًا تُرْعَدُ مَفَاصِلُهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمَا مِنْ سَحَابَةٍ تَمُرُّ وَ تُرْعَدُ وَ تُبْرِقُ إِلَّا لَعْنَتْ قَاتِلَهُ وَمَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا وَ تُعْرَضُ رُوحُهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَيَلْتَقِيَانِ »

آسمانی نیست کہ روح سیدالشہداء علیہ السلام بہ آن عبور کند، مگر آنکہ ہفتاد ہزار ملک بہ فزع در می آیند و بی تاب می شوند، این ملائکہ و فرشتگان می ایستند بہ طوری کہ مفاصل آن ها تا روز قیامت می لرزد و هیچ ابری نیست کہ حرکت کردہ و بغرد و برق زند مگر آن کہ کشندہ حضرت را لعنت می کند و هیچ روزی نیست مگر آن کہ روح مطہر آن حضرت را بر رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم عرضه داشتہ پس آن دو با ہم ملاقات می کنند.^۱

وقتی در عالم بالا کہ اشرف است بر این عالم؛ این چنین عزا بر حضرت اباعبداللہ علیہ السلام تا روز قیامت بر قرار است، آیا این سؤال برای عقلاً پدید نمی آید کہ چگونه باید حق این مصیبت عظمی و داهیہ کبری را در این دنیا ادا نمود؟
آیا فقط گریہ و اشک کافی است؟

۱ . کامل الزیارت، ص ۷۳؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۱۹؛ عوالم، ج ۱۷، ص ۴۵۵.

فصل سی و یکم : مایل به سیاهی شدن چهره

چهره انسان تغییر کند و مایل به سیاهی شود.

« دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ ، فَأَلْفَيْتُهُ كَاسِفَ اللَّوْنِ ظَاهِرَ الْحُزْنِ ، وَ دُمُوعُهُ تَنْحَدِرُ مِنْ عَيْنَيْهِ كَاللُّوْثِ الْمُتَسَاقِطِ ، فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مِمَّ بُكَاءُكَ لَا أَبْكِي اللَّهَ عَيْنَيْكَ؟

فَقَالَ لِي أَوْ فِي غَفْلَةٍ؟ أَنْتَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ أَصِيبَ فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ؟

در روز عاشورا خدمت آقایم امام صادق عليه السلام رسیدم ایشان را در حالی افتم که رنگش پریده بود و حزن و ناراحتی در او نمایان بود و اشک از چشمانش سرازیر بود مانند لؤلؤ پی در پی فرو ریخته می‌شد.

عرض کردم: یابن رسول الله! برای چه گریه می‌کنید؟ خدا هیچ‌گاه چشمان شما را گریان نکند.

پس حضرت به من فرمود: آیا در غفلتی؟ آیا نمی‌دانی که در مثل چنین روزی حسین بن علی علیهما السلام به شهادت رسید.^۱

در روایت فوق سه اثری که در مصیبت امام حسین عليه السلام از چهره مبارک امام صادق عليه السلام نمودار بوده ذکر شده است:

یکی «ظاهر الحزن» است ، یعنی حزن در چهره مبارک حضرت ظاهر و نمایان شده بود. دوم اینکه: «دموعه تنحدر» یعنی اشک‌های شریفشان سرازیر بود. و سوم اینکه: «کاسف اللون» بودند یعنی چهره حضرت از اندوه زرد و متمایل به سیاه شود. بسیار قابل تأمل است، سوالی که از امام صادق عليه السلام می‌شود و جواب حضرت، وقتی راوی از

۱ . مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۷، ب ۴۹، ح ۱۲۰۸۱.

حالت حضرت تعجب می‌کند، امام علیه السلام با خطاب و تخدر می‌فرمایند: «اما عملت؛ آیا هنوز نفهمیدی؟» یعنی این باید برای شما جا افتاده باشد که مصیبت امام حسین علیه السلام در جایگاهی قرار دارد که من امام معصوم در آن بی‌قراری می‌کنم. خطاب «اما عملت»، بیانگر این است که این امر یعنی عزاداری بدین نحو، یک امر بدیهی است و باید مانند اولیات و بدیهیات برای شما حل شده باشد و جای پرسش ندارد.

فصل سی و دوم : سفید شدن موها در عزای سیدالشهداء علیه السلام

امام باقر علیه السلام فرمودند:

هنگامی که حضرت حسین علیه السلام با افراد و نفرات، از مدینه آهنگ خروج نمودند، زنان بنی عبدالمطلب پیش آمده برای نوحه سرایی و گریستن اجتماع نمودند و گفتند:
 بگو حسیناً سیدا و لقتله شاب الشعر

برای علیه السلام که سرور و آقای همه است گریه کنید و به خاطر شهادتش مویها سفید شد.^۱

۱ . کامل الزیارات، ص ۳۱۱.

فصل سی و سوم : بی قرار و بی اختیار بودن در عزای امام حسین علیہ السلام

در روایت صحیحہ «کامل الزیارت» از ابی نصیر روایت شده است کہ:
 «كنت عند ابی عبدالله علیہ السلام احدثه فدخل علیہ ابنه فقال له: مرحباً و ضمّه و قبله و قال:
 حقراً و حقّراً ... ثم بکی و قال: یا ابابصیر اذا نظرت الی ولد الحسین اتانی ما لا
 املکہ بما اتی الی ابيهم و الیهم»

نزد امام صادق علیہ السلام بودم و حدیث می‌گفتم: پس فرزند حضرت داخل شد، پس
 حضرت به او خوش آمد گفتند و او را در آغوش گرفتند و بوسیدند و فرمودند: خدا
 حقیر کند هر کس شما را حقیر کند ... سپس گریستند و فرمودند: ای ابابصیر! هرگاه
 نگاه می‌کنم به فرزندان حسین علیہ السلام حالتی به من عارض می‌شود کہ مالک آن نیستم،
 تاب آن نمی‌آورم به خاطر آن مصائبی کہ پدر ایشان حضرت امام حسین علیہ السلام و به
 ایشان وارد شد.^۱

در این تردیدی نیست کہ امام و حجت خدا، واجد صبر الہی است. تاب و تحمل و
 آرامش و قرار او مافوق تصور ماست. امام کسی است کہ قرار و آرام زمین و زمان به
 وجود اوست کہ:

«لو خلت يوماً بغير حجه لماجت باهلها، كما يموج البحر باهله»

«اگر زمین لحظه‌ای از حجت خالی باشد موج می‌زند به اهلش، همانگونه کہ اهل دریا
 دچار موج می‌شوند.»^۲

امامی کہ در این مرتبه از قرار و آرامش است، کہ آرامش عالم وجود بسته به اوست
 مگر در مصیبت امام حسین علیہ السلام چه می‌بیند کہ می‌فرماید:

۱ . بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۰۳.

۲ . کمال الدین، باب ۲۱، ح ۹.



«اتانی ما لا املکه، بر من وارد می‌شود آنچه که مالکیت آن را ندارم» از حد بی‌قراری
در این مصیبت عظمی؟!
فتأمل! که این تعبیر والای امام و حجت خدا بسی قابل تدبر است.

فصل سی و چهارم : واله : مبهوت شدن از شدت مصیبت

در برخی روایات چنین آمده است که:

«الواله من شدة الحزن»؛ واله بدین معناست: «به شدت اندوهگین به گونه ای که نزدیک بود عقل خود را از دست بدهد و از شدت مصیبت مات و سرگشته شد. حیران و بی تاب و بی قرار.»

امام زمان علیه السلام در زیارت جد غریبشان می فرمایند:

«سلام من قلبه بمصابک مقروح و دمه عند ذکرک مسفوح، سلام المفجوع الحزین
الواله...»

سلام بر کسی که قلبش در مصیبت تو مجروح است و اشکش هنگام یاد تو پی در پی جاری است.

سلام بر کسی که در مصیبت او دردمند شده و غمین و مات و مبهوت و بیچاره و مقهور است...^۱

۱. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۲۰.

فصل سی و پنجم : رائع : وحشت زده از مصیبت

رائع به معنای ترسیده و وحشت زده از مصیبت است.

امام زین العابدین علیه السلام در خطبه‌ای که بعد از اسارت خود در مدینه ایراد نمودند ، فرمودند:

«ایهاالناس ای قلب لا يتصرع لقتله ام ای فؤاد لا یحن الیه ام ای سمع یسمع هذه الثلثة التي ثلمت فی الاسلام فلا یرتاع لها»

ای مردم! کدام دل است که در شهادت او نشکند و کدام قلبی است که در مصیبت او ترحم نکند و نسوزد؟! یا کدام گوشی است که این رخنه بزرگ را که در اسلام روی داده، بشنود و فزع و بی‌تابی نکند؟!^۱

۱ . الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۱۶۴.

فصل سی و ششم: به هیجان در آوردن

در روایت آمده است که اباهارون به خدمت امام صادق علیه السلام رسید:

«دخلت ابی عبدالله فقال لی انشدنی فانشدته فقال لا کما تنشدون و کما ترثیه عند قبره قال فانشدته: امرر علی جدث الحسین فقل لا عظمه الزکیة ... قال زدنی انشدته یا مریم قومی فاندبی مولاک و علی الحسین فاسعدی بیکاک؛ قال فبکی و تهايج النساء»

ای اباهارون! درباره حسین علیه السلام برایم چند بیت شعر بخوان. پس من هم خواندم. (حضرت گریستند) سپس فرمودند: آن طور برایم بخوان که خودتان می‌خوانید و آن چنان که نزد قبرش مرثیه می‌خوانید (یعنی با لحن) من هم این ابیات را خواندم: مرور کن بر خاک‌هایی که در اطراف قبر حسین علیه السلام است و به استخوان‌های والایش بگو.

پس حضرت گریه کردند و سپس فرمودند: باز هم بخوان، من هم شعر دیگری را برایش خواندم. پس حضرت گریه کرد و من صدای گریه خانم‌های حرم را از پشت پرده شنیدم که همدیگر را در مصیبت به هیجان در می‌آوردند.^۱

چقدر زیباست که محب در عزای مولایش هم خود بی قرار شود و دیگران را به شور و هیجان در آورد. این روایت قابل توجه آنانی باشد که به شور حسینی ایراد می‌گیرند.

۱. کامل الزیارات، ص ۱۰۶؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۷.

فصل سی و هفتم: تجدید العزاء (سال به سال و نسل به نسل عزاداری را تجدید کنیم)

تجدید عزا یعنی تازه‌تر شدن مصیبت؛ بدین معنا که گویا الآن مصیبت وارد شده است. تجدید عزا یعنی هر روز که می‌گذرد نه تنها از حزن مصیبت زده به سبب نسیان و فراموشی و گذر زمان کم نشود، بلکه هر لحظه این غم زیاده‌تر گردد.

۱: حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لما اخبر النبی ابنته فاطمه بقتل ولدها الحسین و ما یجری علیه من المحن بکت فاطمة بكاء شديداً، وق تالت یا اهل متی یکون ذلک؟

قال فی زمان حال منی و منک و من علی، فاشتد بكاءها و قالت: یا ابت فمن یبکی علیه؟ و من یلتزم باقامة العزاء له؟

فقال النبی: یا فاطمة، ان نساء امتی یبکون علی نساء اهل بیتی و رجالهم یبکون علی رجال اهل بیتی، و یجددون العزاء جیلاً بعد جیل، فی کل سنة...

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و آله خبر شهادت امام حسین علیه السلام و مصائبی که بر آن حضرت وارد می‌شود برای حضرت فاطمه علیه السلام بیان کرد، حضرت فاطمه علیه السلام گریه

شدیدی نمود، بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سئول نمود، پدرم این واقعه در چه زمانی است؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در زمانی این حادثه واقع می‌شود که من و تو و علی علیه السلام

نیستیم، گریه حضرت فاطمه علیه السلام بیشتر شد و فرمود: پدرم چه کسی بر حسینم گریه خواهد کرد؟ و چه کسی مجالس عزا برای پسر من بر پا می‌کند؟

رسول خدا ﷺ فرمود: ای فاطمه! زنان امت من بر زنان اهل بیتم گریه می‌کنند و مردان امتم بر مردان اهل بیتم گریه می‌کنند. و این عزاداری را هر سال بر پا می‌کنند.^۱

این روایت حائز نکته بسیار مهمی است که تسلی دادن حضرت صدیقه طاهره علیها السلام به تجدید عزای هر ساله شیعیان بر امام حسین علیه السلام می‌باشد.

۲: در مورد عزای حضرت صدیقه طاهره علیها السلام بعد از شهادت پدرش وارد شده است که: «و لم یکن فی اهل الارض و الاصحاب و الاقرباء و الاحباب اشد حزناً و اعظم بکاءً و انتخاباً من مولاتی فاطمة الزهرا و کان حزنها یتجدد و یزید و بکاؤها یشدد.»

«اما در اهل زمین و اصحاب و خویشان و دوستداران پیامبر کسی شدیدترین حزن و بیشترین گریه و بی قراری را مانند سرورم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نداشت. این چنین بود که حزن او جدید و زیاد می‌شد و گریه‌اش شدت می‌گرفت.^۲

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۳. ادامه روایت چنین است:

فاذا کان القيامة شفيعین انت للنساء و انا شفيع للرجال و کل من بکی منهم علی مصاب الحسین اخذنا بیده و ادخلناه الجنة. یا فاطمة کل عین باکیة یوم القيامة الا عین بکت علی مصاب الحسین فانها ضاحكة مستبشرة بنعيم الجنة.

(و پاداش این عزاداری‌ها این است که) روز قیامت تو برای زنان امتم شفاعت می‌کنی و من هم برای مردان، و هر کس از این امت من بر مصیبت حسین علیه السلام گریه کرده باشد، این چشم روز قیامت خندان است و بشارت بر او به نعمت‌های بهشتی باد.

ای فاطمه! هر چشمی روز قیامت گریان است مگر چشمی که بر امام حسین علیه السلام گریسته باشد، پس همانا آن چشم در روز قیامت خندان است و به نعمت‌های بهشتی مژده داده می‌شود.

۲. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۵ (زندگی نامه حضرت زهرا علیها السلام).

فصل سی و هشتم: البهره و خنقته : بی تابى بسته شدن راه تنفس از شدت گریه و بریده شدن نفس

بُهره به چه معنایی است؟ «وقعت علیه البهره؛ شگفتی بر او واقع شد». نفسش در اثر مصیبت برید. بریدن نفس در اثر خستگی زیاد و مصیبت بزرگ، به نفس افتادن، مات شدن.^۱

۱ : «إِنِّي لَمْ أَذْكُرْ مَصْرَعَ بَنِي فَاطِمَةَ إِلَّا حَنَقْتَنِي الْعُبْرَةَ لِذَلِكَ.»^۲

امام سجاد علیه السلام می فرماید: من هیچ گاه کشته شدن فرزندان فاطمه علیها السلام را به یاد نمی آورم ، مگر آنکه به سبب آن، اشک راه نفس را بر من می بندد. (و گریه گلوگیر من می شود).

۲ : سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُ الْقَائِمَ عليه السلام عَنْ تَأْوِيلِ كَهَيْصَ قَالَ هَذِهِ الْحُرُوفُ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ أَطَّلَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا عَبْدُهُ زَكْرِيَّا ثُمَّ قَصَّهَا عَلَى مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ ذَلِكَ أَنَّ زَكْرِيَّا عليه السلام سَأَلَ رَبَّهُ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْأَسْمَاءَ الْخَمْسَةَ فَأَهْبَطَ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلَ فَعَلَّمَهُ إِيَّاهَا فَكَانَ زَكْرِيَّا إِذَا ذَكَرَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ سُرِّيَ عَنْهُ هَمُّهُ وَ انْجَلَى كَرْبُهُ وَ إِذَا ذَكَرَ اسْمَ الْحُسَيْنِ عليه السلام حَنَقَتْهُ الْعُبْرَةُ وَ وَقَعَتْ عَلَيْهِ الْبُهْرَةُ فَقَالَ ذَاتَ يَوْمٍ إِلَهِي مَا بَالِي إِذَا ذَكَرْتُ أَرْبَعًا مِنْهُمْ تَسَلَّيْتُ بِأَسْمَائِهِمْ مِنْ هُمُومِي وَ إِذَا ذَكَرْتُ الْحُسَيْنَ تَدَمَّعُ عَيْنِي وَ تَتَوَّرُ زَفَرَتِي؟ فَأَنْبَأَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَنْ قِصَّتِهِ فَقَالَ كَهَيْصَ فَالْكَافُ اسْمُ كَرْبَلَاءَ وَ الْهَاءُ هَلَاكُ الْعِتْرَةِ وَ الْيَاءُ يَزِيدُ وَ هُوَ ظَالِمُ الْحُسَيْنِ وَ الْعَيْنُ عَطَشُهُ وَ الصَّادُ صَبْرُهُ فَلَمَّا سَمِعَ بِذَلِكَ زَكْرِيَّا عليه السلام لَمْ يُفَارِقْ مَسْجِدَهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ مَنَعَ فِيهِنَّ النَّاسَ مِنَ الدُّخُولِ عَلَيْهِ وَ

۱ . لسان العرب، ج ۴، ص ۸۱ و ۸۲؛ المنجد، ج ۱، ص ۱۰۹.

۲ . کامل الزیارات، ص ۱۰۷.

أَقْبَلَ عَلَى الْبُكَاءِ وَ النَّحِيبِ وَ كَانَ يُرِثِيهِ إِلَهِي أ تَفْجِعُ خَيْرَ جَمِيعِ خَلْقِكَ بِوَلَدِهِ؟ إِلَهِي أ تُنْزِلُ بِلَوَى هَذِهِ الرِّزْيَةِ بَفَنَائِهِ؟ إِلَهِي أ تُلْبِسُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ ثَوْبَ هَذِهِ الْمُصِيبَةِ؟ إِلَهِي تَحِلُّ كُرْبَةُ هَذِهِ الْمُصِيبَةِ بِسَاحَتَيْهِمَا ثُمَّ كَانَ يَقُولُ إِلَهِي ارْزُقْنِي وَلَدًا تَقَرُّ بِهِ عَيْنِي عَلَى الْكِبَرِ فَإِذَا رَزَقْتَنِيهِ فَافْتَنِي بِحُبِّهِ ثُمَّ أَفْجَعْنِي بِهِ كَمَا تُفْجِعُ مُحَمَّدًا حَبِيبَكَ بِوَلَدِهِ فَرَزَقَهُ اللَّهُ يَحْيَى وَ فَجَعَهُ بِهِ وَ كَانَ حَمْلُ يَحْيَى سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَ حَمْلُ الْحُسَيْنِ كَذَلِكَ ... ؛

سعد بن عبدالله گوید: از حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره تأویل «کهیص» پرسیدم. حضرت فرمودند: این حروف از اخبار غیبی است که خداوند بنده خود حضرت زکریا عَلَيْهِ السَّلَامُ را بر آن مطلع کرد و سپس این قضیه را [در قرآن] بر حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بازگو کرد و قضیه از این قرار است که:

حضرت زکریا عَلَيْهِ السَّلَامُ از پروردگار خود درخواست کرد که نام «پنج تن» را به او تعلیم فرماید. خداوند هم جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ را بر او نازل کرد و او نام‌ها را به زکریا عَلَيْهِ السَّلَامُ تعلیم نمود. از آن پس حضرت زکریا عَلَيْهِ السَّلَامُ چنان بود که هرگاه نام محمد و علی و فاطمه و حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ را ذکر می‌کرد، حزن و اندوه او برطرف می‌شد و غم از دل او زدوده می‌شد و هرگاه اسم حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را ذکر می‌کرد اشک راه نفس را بر او می‌بست [و از شدت گریه] نفس‌هایش بریده بریده می‌شد.

روزی حضرت زکریا عَلَيْهِ السَّلَامُ از خداوند سؤال کرد: خدايا! مرا چه می‌شود که هرگاه چهار نفر از پنج تن را یاد می‌کنم، در اثر ایشان از غم‌های خود فارغ شده و تسلی پیدا کنم و هرگاه حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را ذکر می‌کنم، چشمم اشکبار می‌شود [و از شدت حزن] نفس‌های سوزناک سینه‌ام زیاد می‌شود؟

خداوند تبارک و تعالی بها و قصه حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را خبر داد و فرمود: «کهیص»: کاف اسم کربلاست و هاء هلاکت عترت طاهره است و یاء یزید است که ظالم حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ است و عین عطش حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ است و صاد صبر اوست.

هنگامی که زکریا عَلَيْهِ السَّلَامُ این را شنید، سه روز از مسجد خود بیرون نیامد و در این مدت مردم را از این که بر او داخل شوند، منع کرد و به عزاداری و گریه‌های بلند برای امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ رو آورد و چنین بر او مرثیه می‌خواند:

خدایا! آیا بهترین خلق خودت را به فرزندش مصیبت زده می‌کنی [و این فاجعه را بر او وارد می‌کنی]؟

خدایا! بلای این مصیبت را به درگاه او نازل می‌کنی؟ خداوندا! آیا لباس‌های این مصیبت را بر علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و فاطمه عَلَيْهِمَا السَّلَامُ می‌پوشانی؟ خدایا! غم جانکاه و نفس گیر این مصیبت را بر ساحت علی و فاطمه عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وارد می‌کنی؟

پس از آن حضرت زکریا عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌گفت: خدایا! فرزندی به من روزی کن که در سن پیری نور چشم و مایه فرح و سرور من باشد. آن‌گاه که این فرزند را به من عطا فرمودی، مرا به محبت او مفتون نما و سپس مرا به او مصیبت زده کن، آن‌چنان که حبیب محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را در مورد فرزندش مصیبت زده می‌نمایی. خداوند هم به او حضرت یحیی عَلَيْهِ السَّلَامُ را عطا فرمود و او را به حضرت یحیی عَلَيْهِ السَّلَامُ مصیبت زده کرد و مدت حمل و زمان ماندن حضرت یحیی عَلَيْهِ السَّلَامُ در شکم مادر شش ماه بود، چنان‌که مدت حمل امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ همین مقدار بود.^۱

وقتی معصوم عَلَيْهِ السَّلَامُ چنین عزاداری کند تکلیف دیگران مشخص است.

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۲۳؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۳؛ ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۴۲۱.

فصل سی و نهم: هلع : بالاتر از جزع

یکی دیگر از انواع عزاداری امام معصوم علیه السلام در مصیبت حضرت سیدالشهداء علیه السلام «هلع» می باشد.

«الهلع» الحرص و قیل الجزع و قلة الصبر و قیل هو اسواء الجزع و افحشه؛ «الهلع» حرص است و گفته شده جزع و قلت صبر می باشد و برخی گفته اند هلع بدتر از جزع و فاحش تر از آن است.^۱

جزع و فرع و بی تابی و بی قراری به گونه ای که از آن سیر نشود و به چیز دیگر توجهی نکند نا آرامی که از شدت مصیبت باشد.

امام زین العابدین می فرماید:

«...لما اصابنا بالطف ما اصابنا و قتل ابی و قتل معه من ولده و اخوته و سائر اهله و حملت حرمه و نساؤه علی الاقتاب یراد بنا الكوفة فجعلت انظر اليهم صرعی و لم یواروا فعظم ذلک فی صدری و اشتد لما اری منهم فلقی فکادت نفی تخرج و تبینت ذلک منی عمتی زینب الکبری بنت علی قالت ما لی اراک تجود بنفسک یا بقیة جدی و ابی و اخوتی فقلت و کیف لا اجزع و اهلع و قد اری سیدی و اخوتی و عمومتمی و ولد عمی و اهلی مصرعین بدمائهم مرملمین بالعزاء مسلمین لا یکفنون و لا یوارون و لا یعرج علیهم احد و لا یقربهم بشرکائهم اهل بیت من الدیلم و الخزر...»

هنگامی که در کربلا آن مصیبت بر ما وارد شد و پدرم و تمام فرزندان و برادران و جمیع اهلس که با او بودند کشته شدند و حرم و زنان آن حضرت را بر روی شتران بی جهاز نشانده و ما را به کوفه می بردند، پس به قتلگاه ایشان چشم دوختم و بدن های (طاهره را برهنه و عریان) دیدم که روی خاک افتاده و دفن نشده اند، این حال

۱. لسان العرب، ج ۸، ص ۳۷۵.

بر من گران آمد و در سینه‌ام اثرش را یافته و هنگامی که از ایشان چنین منظره‌ای را دیدم، اضطراب و بی آرامی در من شدت یافت به حدی که چیزی نمانده بود که روح از کالبدم خارج شود، این هیئت و حالت را وقتی عمه‌ام زینب کبری دختر علی بن ابیطالب علیه السلام از من مشاهده نمود، عرض کرد: این چه حالتی است که از تو می‌بینم، ای یادگار جد و پدر و برادرم! چرا با جان خود بازی می‌کنی؟

گفتم: چگونه جزع و بیتابی نکنم در حالی که می‌بینم سرور و برادران و عموها و پسر عموها و اهل خود را در خون خود طپیده، عریان و برهنه بوده، جامه‌هایشان را از بدن بیرون آورده‌اند، بدون اینکه کفن شده یا دفن گردیده باشند، احدی بالای سرشان نبوده و بشری نزدیکشان نمی‌شود، گویا ایشان از خاندان دیلم و خزر می‌باشند.^۱ همان طور که از روایت به دست می‌آید «هلع» تا آنجا بوده است که امام می‌فرماید: «فکادت نفسی تخرج» «چیزی نمانده بود که جان از سینه من خارج شود.»

فعل کاذب وقتی سر یک فعلی آید آن فعل را بسیار قریب الوقوع می‌کند. امام علیه السلام می‌فرماید: هیچ نمانده بود که جان از سینه من خارج شود.

حال سؤال اینجاست: وقتی امام معصوم علیه السلام که دارای صبر و طمأنینه الهیه است کسی است که بقای جهان وابسته به اوست که در روایات متعدد وارد شده است: «لو بقیة الارض بغیر امام لساخت» اگر زمین بدون امام باقی بماند، هر آینه اهلش را فرو می‌برد.^۲ چنین مقامی به چنین جزعی دست می‌زنند. تکلیف غیر از امام مشخص است. وقتی او که حفظ جان‌ش از حفظ جان عالمیان از حفظ جان پیغمبران و اولیاء و جبرئیل و ... اولی است در مصیبت امام حسین علیه السلام به چنین جزعی دست می‌زنند، تکلیف ما که به ایشان عرضه می‌داریم:

بابی انتم و امی و نفسی و اهلی و مالی ؛ پدر و مادرم و جانم و اهل و مالم فدای شماست، چیست؟!

۱ . کامل الزیارات، ص ۲۶۱.

۲ . الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹؛ بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۳۷؛ احادیث در این موضوع بسیار زیاد و مشهور می‌باشد.

فصل چهارم : تمثیل و تعزیه

بی شک یادآوری مصیبت اباعبدالله علیه السلام زنده کردن یاد او و امر اوست. لذا از دیر باز تاکنون روش‌های مختلفی برای زنده کردن مصائب کربلا و نمایش دادن مصیبت آل الله علیهم السلام انجام می‌گرفته است، نظیر تعزیه که خود شامل مناقب خوانی، رجزخوانی، نوحه خوانی، بحر طویل خوانی، مقتل خوانی، شهادت خوانی، هجران خوانی (زبان حال اسرا)، اشقیاء خوانی و شمر خوانی (از زبان سران سپاه عمر سعد علیه لعائن الله) است. همچنین مواكب عزا و مراسم تشبیه و تمثیل از برخی از وقایع کربلا، نظیر سوزاندن نمادین خیام و زنجیر زدن بر دست و پاهای حضرت زین العابدین علیه السلام و اهل حرم سیدالشهداء؛ این تشبیه و تمثیل در سیره اهل بیت علیهم السلام نیز بوده است، به عنوان نمونه:

کمیت شاعر بر امام صادق علیه السلام وارد شد و برای آن حضرت اشعار و مرثیه می‌خواند و آن جناب گریه شدیدی می‌نمود، همچنین زن‌ها و اهل حرم در پشت پرده گریه می‌نمودند و ناله آن‌ها بلند بود. ناگاه کنیزی از پشت پرده بیرون آمد و کودکی در دامن امام صادق علیه السلام گذاشت، گریه حضرت بی‌نهایت شدید شد و صدای آن حضرت و زنان از پشت پرده به گریه بلند شد.^۱

بی‌تردید آوردن کودک، تمثیلی و حکایتی از داغ جانسوز حضرت علی اصغر علیه السلام و یا اطفال دیگر حرم سیدالشهدا علیه السلام بوده است و بی شک این نمادها و تمثیل‌هاست که بر سوز و گریه و شدت حزن و عزاداری می‌افزاید. همان‌گونه که بعد از گذاردن کودک در آغوش امام صادق علیه السلام بر گریه حضرت افزوده می‌شود.

۱. معالی السبطين، ج ۱، ص ۲۶۰.

از همین روست جریان معروف حضرت زین العابدین علیه السلام که با مشاهده آب، ذبح گوسفند، جوان، طفل شیرخوار و ... بر بی‌تابی و گریه‌هایشان افزوده می‌شد؛ زیرا در نگاه محب عزادار، هر کدام حکایتی از داغ‌های بی‌نهایت عظیم کربلاست. این تشابه تا جایی از اهمیت قرار دارد که حتی شبیه‌گریه‌کننده امام حسین علیه السلام شدن در بسیاری از روایات امر شده و آن را مأجور و مُثاب معرفی فرموده‌اند، چه رسد به شبیه خونین کفنان و یاران امام حسین علیه السلام شدن.

از جمله این تحاکی و تماثل، مشق شب عاشوراست که به یاد رزمایش نمادین و تمثیلی حبیب بن مظاهر علیه السلام در شب عاشورا برای تسلای خاطر حضرت زینب علیه السلام و در صبح عاشورا، شیعیان به یاد ضربات و زخم‌هایی که بر بدن و فرق سر مقدس اباعبدالله الحسین علیه السلام وارد شد، انجام می‌دهند. شیعیان چه زیبا بیان می‌دارند که اگر دست روزگار آنان را به این زمان انداخت و نبودند تا سر و جان را فدای یک تار موی امام حسین علیه السلام کنند، نه تنها در این غم بگریند، بلکه به یاد مصائب بی‌شمار مولایشان به یاد شلاق‌ها و زنجیرهای سنگینی که بر سر و صروت بانوان اطفال و اهل حرم امام حسین علیه السلام زدند، زنجیر بر تن خویش می‌زنند و اگر نبودند تا ضربه‌های تیر و سنان و نیزه و شمشیر را بر جان بخرند، خود را به خون خویش مزین می‌کنند تا علاوه بر اینکه تشبیه و تمثیل از واقعه عاشورا بوده، نماد آمادگی و ایستادن تا مرزخون و جان دادن در راه انتقام سیدالشهدا علیه السلام باشد.

این‌گونه است که حبیب وار به امام زمان عجل الله تعالی فرجه تسلیت عرض می‌کنند. ذکر روایت ذیل خالی از لطف نیست:

فرعون دلک و مسخره‌گری داشت که با افعال و حرکات او تفریح می‌کرد و برای تمسخر و استهزاء خود را در گفتار و حرکات و لباس به شکل حضرت موسی علیه السلام در می‌آورد، تا اینکه فرعون با قوم خود غرق شدند، ولی او به سلامت نجات یافت.

حضرت موسیٰ علیه السلام به خداوند عرض کرد: خدایا! او به من اذیت و اهانت نمود، چرا او هلاک نشد؟

خطاب شد: «یا موسی! انه تشبه بک فی الثیاب و الکلام فانجیته لها تشبه باحبایی»
ای موسی! او در لباس و سخن گفتن به تو شباهت پیدا کرد و به جهت این که به دوستان من شبیه شد، او را نجات دادم.^۱
حال کسانی که بر اساس اعتقاد صحیح و صدق نیت و به خاطر محبت به امام و یادآوری و زنده کردن مصیبت او، خود را مانند حبیب خدا، امام حسین علیه السلام می- سازند، در پیشگاه خداوند متعال به چه مقام و منزلتی نائل می‌شوند. آنان که برای کم رنگ شدن ظلمی که بر امام حسین علیه السلام و اهل بیت ایشان شد، و به جهت آمادگی برای انتقام خون سیدالشهداء علیه السلام که هدف قیام منتقم الله است، خود را شبیه به امام و مولای خویش امام حسین علیه السلام می‌کنند، چه اجر عظیمی در پیشگاه خدای حسین علیه السلام دارند؟ فطوبی لهم.

نظریه صاحب قوانین درباره شبیه خوانی

مرحوم صاحب قوانین، حضرت آیت الله العظمی میرزا ابوالقاسم قمی متوفی ۱۲۳۱ق درباره جواز شبیه خوانی در محرم به جواز و رجحان و استحباب مؤکد با عملیاتی که در آن واقع می‌شود با ذکر ادله مشروحاً در اوائل متفرقه کتاب «جامع الشتات» چاپ شده است.^۲

۱. الانوار النعمانیة، ج ۳، ص ۱۷۷؛ همچنین در خزائن نراقی، ص ۴۳۰ به همین مضمون نقل شده است.

۲. عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه، ص ۷۴.

سؤال: در ولایت ترکستان در ماه محرم تشبیه در می‌آوریم که مردم عوام گریه کنند. و بعضی نوحه را از پیش خودمان اختراع می‌کنیم که مردم گریه کنند. آیا این ضرر دارد یا نه؟

جواب: تشبیه در آوردن به جهت گریه کردن - یعنی کسی را به صورت شهدا یا کفار و اشقیاء در آوردن - ظاهری ضرری ندارد و دروغ و افترا در مرثیه و نوحه و غیر آن جایز نیست.^۱

این سؤال و جواب مدرک و سند قاطع است بر علیه کسانی که با ژست محققانه می‌گویند شبیه خوانی از ناصر الدین شاه بنا نهاده است که در سفر فرنگ تحت تأثیر نمایش به دارآوریختن عیسی علیه السلام قرار گرفت و شبیه خوانی را بنا نهاد. میرزا فخرالدین متوفای ۱۲۳۱ قمری می‌باشد و جلوس ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۱ قمری است. مرحوم صاحب قوانین درباره مسئله شبیه خوانی در مسئله ۱۰۴ به طور کاملاً مشروح و مستدل بحث کرده است که ما در اینجا تمام گفتار معظم له را می‌آوریم:

سؤال: آیا جایز است در ایام عاشوراء، تشبیه به صورت امام یا اعادی اهل بیت، به جهت گریانیدن مردم؟ و آیا جایز است که مردان در لباس زنان اهل بیت علیهم السلام یا غیر ایشان متشبه شوند به همان [نساء]^۲ یا نه؟

جواب:

بدان که تحقیق این مطلب موقوف است به تمهید مقدمه، و آن این است که: علما ذکر کرده‌اند حرمت تزئین مرد به آن چه از مختصات زنان است؛ خواه [از] محرمات ذاتیه باشد مثل طلا و حریر در غیر مواضع مستثنی، یا غیر آن مثل خلخال و [دسترنج]^۳ و امثال آن. و طلا و حریر اجماعی است و اخبار اهل بیت علیهم السلام بر آن

۱. جامع الشتات، ج ۱۰، ص ۵۱، س ۳۴.

۲. در نسخه: نساء.

۳. در نسخه: دست رنج. - توضیح: دسترنج به معنی الگو، معرب «دسترنگ» است مانند لوله‌نگ.

مستفیض است. و اما مثل خلخال و غیر آن از لباس های مختصّی که به حسب هر زمان و مکان، مختلف می شود؛ پس ظاهر این است که در آن نیز خلافی نباشد. و کتب اصحاب که الآن نزد حقیر موجود است (از کتب فاضلین و شهیدین و غیرهم) در هیچ کدام نقل خلاف نشده. و علاوه بر این، دلالت دارد بر این، اخبار بسیار که دلالت می کنند بر منع از «لباس شهرت». و در برخی از اخبار صحیحه از جمله آن ها فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ شُهْرَةَ اللَّبَاسِ»^۱. و اخبار به این مضمون بسیار است. و عموم آن چه وارد شده است که «الشُّهُرَةُ خَيْرُهَا وَ شَرُّهَا فِي النَّارِ»^۲ هم مؤید است. و همچنین؛ دلالت دارد بر این، اخباری که دلالت دارد بر حرمت [تشبه]^۳ رجال به نساء، و به عکس. چنان که از علل و غیره نقل شده^۴. و ظاهر این است که در این معانی قائل به فرقی مابین زنان و مردان نباشد. هرگاه این را دانستی؛ پس می گوییم در تشبیه به معصوم و نیکان، راه منعی در نظر نیست. و عمومات رجحان بکاء و ابکاء و تباهی بر سید الشهداء علیهم السلام و تابعان ایشان، دلالت بر آن دارد. و شکی نیست که اعانت بر «برّ» است. و گاه است که توهم شود که این موجب هتک حرمت بزرگان دین است. این توهم فاسد است. زیرا مراد تشبیه نفس به نفس و شخص به شخص نیست. بل که تشبیه صورت وزیّ و لباس است محض از برای تذکره احوال ایشان را. [اگر]^۵ مراد آن چیزی است که در آلسنه است که هتک حرمت ایشان است از جهت این که [خواری]^۶ ها

۱. وسائل، ج ۵، ص ۲۴، ط آل البیت.

۲. وسائل، ج ۵، ص ۲۴، ح ۵۷۹۱.

۳. در نسخه: تشبیه.

۴. این حدیث در علل یافت نشد. در «عوالی اللّثالی»، ج ۱، ص ۱۶۵.

۵. در نسخه: که.

۶. در نسخه: خاری.

که نسبت به ایشان رسیده نباید به نظرها [ای] مردم در آورده [شود] که مردم مطلع بر آن خواری‌ها بشوند. پس آن نیز باطل است. زیرا که در احادیثی از ائمه اطهار علیهم‌السلام وارد شده ذکر از خواری‌ها و ما را مامور کرده‌اند به خواندن آن‌ها در مجامع.....^۱ است. و ما الحال تصویر آن خواری‌ها [را] در شخص غیر ایشان جلوه می‌دهیم.

با وجود آن که می‌گوییم: در اخبار و السنه اخبار، تشبیه امیرالمؤمنین علیه‌السلام به شیر که حیوانی است، و جناب سید الشهداء علیه‌السلام به گوسفندی که سر آن را ببرند، و نیکان و متقیان به غرّ المحجلّین که امیرالمؤمنین علیه‌السلام قائد آن‌ها است، بسیار است. پس چرا تشبیه ایشان به صورت شیعه [ای] از شیعیان و محبّی از محبّان ایشان، جایز نباشد؟ و این هتک حرمت باشد؟ و همچنین تصویر عورات^۲ سواره بر شتران برهنه به اشخاص مشابه آن‌ها، چه ضرر دارد؟ با وجود اخبار بسیار که چنین واقع شده، و در مجالس می‌خوانند آن‌ها را.

و اما تشبیه به اعدای اهل بیت علیهم‌السلام: پس دلیل بر آن، [آن سخن] مشهور است که «من تشبه بقوم فهو منهم». و مظنون این است که مضمون روایت باشد.^۳ و لکن الحال در نظرم نیست. و بر این وارد است که اولاً: این که این را «تشبه» نگویند. چون ظاهر از تشبه این است که خواهد خود را از ایشان داند و به طوع و رغبت در آن لباس رود، خواهد که خود را از جمله آنها شمرد. سلّما که عموم، شامل آن باشد، پس می‌گوییم: بعد منع سند و دلالت، و تسلیم عموم این که نسبت میان آن، و عمومات ابکاء، عموم من وجه است. و شکی نیست که عموم رجحان بکاء سنداً و دلالتاً و اعتضاداً، راجح است بر حرمت این گونه [تشبّه].^۴ و همچنین هرگاه استدلال

۱. سه لفظ در این جا خوانده نشد. احتمالاً «و برایش وعده حسنی» باشد.

۲ - مراد اولاد و زنان است. نه به معنی لغوی.

۳ - در عوالی اللثالی، ج ۱، ص ۱۶۵ ط انتشارات سید الشهداء علیه‌السلام قم، به صورت روایت مرسل آمده است.

۴ - در نسخه: تشبیه. - و همین طور است دیگر مکررات این لفظ تا پایان این مسئله.

شود بر حرمت اذلال مؤمن نفس خود را، [که]^۱ همچنین جواب می‌گوییم منعاً و تسلیماً و تضعیفاً. بل که گاه است که این از اعظم مجاهدات است، و این را محض از برای رضای خدا کردن جهاد عظیم است. و حق تعالی اکرم از آن است که کسی خود را در راه او ذلیل کند، محروم کند از فیض. و دیگر این که اشخاص مختلف می‌باشند و نسبت به بعضی اشخاص، اذلال نیست، به جهت مهانت نفس او، و غالب این است که از این اشخاص متشبّه می‌شوند به صورت اعدای.

و اما مسئله تشبه بر زنان: پس جواب از آن نیز از آن چه گفتیم ظاهر می‌شود که ممنوع است که مراد از «تشبه» این باشد، به جهت آن که این شخص متشبّه به زنان از حیثیت آن که تشبه به زنان است، نمی‌کند. بل که می‌خواهد که مثلاً زینب خاتون را مصور کند به لباسی که صریح در زنان نیست غالباً، و اگر باشد هم مضر نیست؛ مثل چادر شب به سرکردن، و مکالماتی که ایشان می‌فرمودند، بکند به جهت ابکاء. و این را تشبه به زنان نمی‌گویند. چون ظاهر آن تشبه به آن چه مختص به جنس زنان است بدون غرضی دیگر. و در این جا لباس زنان پوشیدن نه از برای نمود خود است در صورت زن. و فرق بسیار است میانه ملاحظه تشبه به شخص معین از زنان از راه خصوصیات فعال آن زن، و تشبه به جنس زنان از راه تشبه به این جنس. پس خوب تأمل کن.^۲

۱ - در نسخه: و.

۲ - جامع الشتات، ج ۱۰، ص ۲۸۵-۲۸۷، م ۱۰۴.

فصل چهل و یکم: زخم (شدن) نمودن و جراحت چشم و پلک از گریه

«القرح بالفتح و السكون» الجراح، به جراحت و ددر جرحت «قرح» می‌گویند.

در معنای «قرح» چنین وارد شده است:

«قرح القرح: مما يجرح من الجسد^۱ قرح ذكر القرح بالفتح و السكون: الجراح و قيل القرح بالفتح الجراح و القرح بالضم ألم الجراح، بفتح القاف و سكون الراء واحدة القرح و القروح و هي حبة تخرج في البدن»^۲

«قيل: الْقَرْحُ الْآثَارُ، وَ الْقَرْحُ الْأَلَمُ؛ وَ قَالَ يَعْقُوبُ: كَانَ الْقَرْحُ الْجِرَاحَاتُ بِأَعْيَانِهَا...كَأَنَّ الْقَرْحَ الْجِرَاحَ بِأَعْيَانِهَا...! الصَّحِيحُ أَنَّ الْقَرْحَةَ الْجِرَاحَةَ...و قيل: الْأَقْرَحُ الَّذِي غُرَّتْهُ مِثْلَ الدَّرْهِمِ أَوْ أَقْلَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ أَوْ فَوْقَهُمَا مِنَ الْهَامَةِ؛ قَالَ أَبُو عُبَيْدَةَ: الْغُرَّةُ مَا فَوْقَ الدَّرْهِمِ وَ الْقَرْحَةُ قَدَرُ الدَّرْهِمِ فَمَا دُونَهُ»^۳

«قرح» آن چیزی است که از بدن خارج می‌شود. به جراحت و درد جراحت نیز اطلاق می‌شود همچنین به دانه‌هایی که از بدن خارج می‌شود. گفته شده قرح، آثار جراحت و یا درد آن است. گفته شده قرح جراحتی مانند درهم است برخی گفته‌اند مقداری کمتر از آن است و برخی گفته‌اند: بیشتر از یک درهم می‌باشد.

در مورد عزای امام حسین علیه السلام «اقرح جفوننا» وارد شده است.

امام رضا علیه السلام فرمودند:

۱. العين، ج ۳، ص ۴۳.

۲. مجمع البحرين، ج ۲، ص ۴۰۳.

۳. لسان العرب، ج ۲، ص ۵۵۷.

«إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَقْرَحَ جُفُونَنَا وَ أَسْبَلَ دُمُوعَنَا- وَ أَذَلَّ عَزِيزَنَا بِأَرْضِ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ-
أُورَثْنَا الْكَرْبَ وَ الْبَلَاءَ إِلَى يَوْمِ الْإِنْقِضَاءِ»

همانا روز امام حسین علیه السلام دیدگان ما را مجروح کرده است و اشک‌های ما را جاری قرار داد و عزیز ما را در سرزمین کربلا خوار ساخته و برای ما بلا و سختی را تا روز قیامت به ارث گذاشت.^۱

به راستی وقتی معصوم علیه السلام که در جایگاه حجت الهی بر تمام خلق و عالمیان هستند؛ در مقام عزای بر امام حسین علیه السلام به گونه‌ای جراحت بر چشمان و پلکان خود وارد می‌کنند و پلک‌هایشان از شدت گریه زخم می‌شود؛ دیگر جایی برای بحث «لا ضرر» و ... باقی نمی‌ماند، بلکه صحبت در این جا مستقر می‌شود که فعل امام رجحان ذاتی دارد و عنوان حجت بر آن تلقی می‌شود.

محمد بن حنفیه نقل می‌کند که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام شهادت خود به امام حسین علیه السلام فرمود:

«... فقال: یا حسین یا ابا عبدالله! ادن منی فدنا منه و قد قرحت اجفان عینیه من البكاء فمسح الدموع من عینیه و وضع یده علی قلبه و قال له یا بنی ربط الله قلبک بالصبر و اجزل لک و لاخوتک عظیم الاجر...»

پس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ای حسین! ای ابا عبدالله! نزدیک من بیا. پس حضرت نزدیک رفت در حالی که پلک چشمانش از شدت گریه زخم شده بود. پس اشک را از دو چشمانش پاک کرد و دستش را بر قلبش نهاد و فرمود: ای فرزندم! خدا قلبت را صبور گرداند و در این مصیبت اجر عظیم و جزای جزیل برای تو و برادرت قرار دهد.^۲

۱. الامالی للصدوق، ص ۱۲۸؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۳؛ الاقبال، ص ۵۴۴؛ روضه الواعظین، ج ۱،

ص ۱۶۹؛ المناقب، ۴، ص ۸۶.

۲. بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۲۸۸.



آری، اگر چشمان در عزای سیدالشهداء علیه السلام درد گرفت، پایمان مجروح شد،
پیشانیمان ضربه خورد، کربلا و نهر علقمه و عصر عاشورا و پیشانی خونین مولایمان
را به خاطر می‌آوریم.

فصل چهل و دوم : خراشیدن صورت

یکی از انواع عزاداری که اهل بیت علیهم السلام در مصیبت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام انجام می‌دادند «خدش و خمش» می‌باشد.

خدش در کتب لغت به معنای پاره کردن یا پاره شدن پوست است کم یا زیاد...^۱ و «الخدش» آثار آن است، پوست خراشیده شده.^۲

«خمش» علاوه بر معنای «خدش» به معنای بریدن نیز استعمال می‌شود.^۳ ابومنصور می‌گوید: خدش و خمش با ناخن‌ها است.^۴

ابن درید نیز با استناد به اشعار عرب می‌گوید: «خمش» هنگامی که صورت با ناخن‌ها خراشیده و خون جاری شود». سپس گوید: زنان این عمل را در مجالس ماتم و سوگواری انجام می‌دادند.^۵

بنابراین «خدش» هنگامی است که جراحت در ظاهر پوست باشد. و «خدش» بالاتر از کدح (پوست خراشیده شده) است و کمتر از «خمش» می‌باشد، زیرا خمش در معنای بریدن نیز استعمال می‌شود، گفته می‌شود: خمش فلان فلاناً؛ یعنی از و عضوی را قطع کرده است.^۶

درمعنای «خمش» نیز چنین گفته شده است: خمش (چنگ) در صورت است و گاهی اوقات در سایر اعضای بدن نیز استفاده می‌شود.

در حدیثی موثق از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

۱. الصحاح، جوهری، ج ۳، ص ۱۰۰۳؛ لسان العرب، ج ۶، ص ۲۹۲.

۲. النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۲، ص ۱۴.

۳. مجمع البحرین، طریحی، ج ۴، ص ۱۲۷.

۴. لسان العرب، ج ۶، ص ۲۹۲.

۵. جمهره اللغة، ج ۱، ص ۶۰۲.

۶. مجمع البحرین، ج ۴، ص ۱۳۶.

«على مثل الحسين فلتشق الجيوب، و لتخمش الوجوه و لتلطم الخدود...»

برای مثل حسین علیه السلام بایستی گریبان‌ها چاک شود و صورت‌ها خراشیده شود و برگونه‌ها سیلی زد.^۱

برخی از روایات در این زمینه :

عزاداری زنان انصار در سوگ عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۱: امام صادق علیه السلام در مورد عزاداری زنان انصار در عزای عموی صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:
«... نساء الانصار قد خدشن الوجوه و نشرن الشعور و جزرن النواصي و خرqn الجيوب و حزمن البطون علی النبی فلم رأینه قال لهن خيراً و امرهن ان یستترن و یدخلن منازلهن»
زنان انصار، صورت‌هایشان را خراشیدند و موهایشان را پراکنده کردند و موهای بالای پیشانی خود را کردند و گریبان پاره کردند و به خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم غذا نمی‌خوردند. هنگامی که زنان حضرت را دیدند، حضرت برای آن‌ها دعا کرد و امر کردند که خودشان را بیوشانند و داخل منازلشان بشوند.^۲

۲: و عن خالد بن سلمه قال: لما جاء نعی زید بن حارثه. الی النبی صلی الله علیه و آله و سلم، اتی النبی صلی الله علیه و آله و سلم
منزل زید، فخرجت الیه بنیة لزید، فلما رأأت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خمشت فی وجهها، فبکی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال هاه هاه فقیل یا رسول الله ما هذا ؟ فقال: شوق الحبيب الی حبیبه»

خالد بن سلمه می‌گوید: موقعی که خبر شهادت زید بن حارثه به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسید، دختری از زید به طرف حضرت آمد. زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دید بر صورت خود پنجه زد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم گریه کرد و فرمودند: هاه هاه، عرض کردند: این چیست؟

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۸۳.

۲. الکافی، ج ۸، ص ۳۲۲.

فرمودند: شوق حبیب به حبیبش.^۱

آنچه که از این دو روایت بر می آید این است که پیامبر صلی الله علیه و آله عمل زنان انصار و دختر زید را نهی نمی فرماید ، بلکه از این حالت وی اشک می ریزد و گریه می کنند و چون از سبب گریه می پرسند، این گونه جواب می دهند که: «شوق حبیب به حبیب» است.

خراشیدن صورت توسط اهل حرم

*در روز دوازدهم، وقتی کاروان اسرا را به کوفه آوردند جدیل اسدی می گوید:
«رأیت اهل البيت مهتکات الجيوب مخمشات الوجوه يلطنن الخدود داخلات الى الكوفة و رایت علی بن الحسین یبکی لسوء حاله و فقد رجاله؛ دیدم اهل بیت علیهم السلام را وقتی وارد کوفه می شدند؛ در حالی که گریبان چاک کرده بودند و صورت های خود را می خراشیدند و لطمه به گونه های خود می زدند و دیدم علی بن الحسین علیهما السلام را در حالی که بر اسیری خود و کشته شدن مردان خود می گریید.»^۲
*در مصادر روایی و تاریخی مختلف این تعبیر آمده است که:

«وضع التراب علی رؤسهن و خمشن وجوههن و ضربن خدودهن»

بانوان حرم خاک بر سر می ریختند و صورت هایشان را می خراشیدند و بر صورت می زدند.^۳
این همه در حالی است که اولاً اهل حرم تربیت شده ائمه معصومین علیهم السلام هستند، ثانیاً حضرت حوراء، مخدره زینب علیهما السلام پرورش یافته دامن فاطمه زهرا علیهما السلام در میان ایشان است و بر صورت خدش وارد می کند، و ثالثاً امام معصوم حضرت زین العابدین علیه السلام همراه ایشان است و اهل حرم را از این کار نهی نمی فرمایند، با امعان

۱ . مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۶۵، ج ۲۴۷۵؛ مسکن الفؤاد، ص ۱۰۶.

۲ . تذکره الشهداء، ج ۲، ص ۲۷۰.

۳ . بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۲؛ عوالم، ص ۳۸۱؛ لواعج الاشجان، ص ۲۰۵؛ ملهوف، ص ۱۵۶.

نظر بدین مطلب که در برخی مواضع در سفر اسارت امر و نهی فرمودند که به عنوان نمونه به حضرت زینب علیها السلام فرمودند: «یا عمتی اسکتی؛ ای عمه من! سکوت کن.»^۱ ابی مخنف در مورد ورود آل الله علیهم السلام به کوفه چنین نقل می کند که: «روی بو جدیله الاسدی (فی بعض النسخ حذیفه) قال: كنت بالكوفة سنة قتل الحسين، فرأيت نساء اهل الكوفة مشققات الجيوب، ناشدات الشعور، لاطمات الخدود، مخمشات الوجوه، فاقلت الى شيخ كبير قلت: ما هذا البكاء والنحيب؟ فقال: هذا لاجل رأس الحسين.»

راوی می گوید من در سال قتل امام حسین علیه السلام در کوفه بودم، پس دیدم زنان کوفه را که گریبان ها دریده اند و موهای خود را رها کرده اند و بر گونه ها می زنند و صورت ها می خراشیدند ، پس به طرف پیرمردی رفتم و گفتم: این بلند گریستن برای چیست؟ پس گفت: به خاطر سر حسین علیه السلام».^۲

*و هنگامی که اهل بیت علیهم السلام به همراه زین العابدین علیه السلام به مدینه بر می گشتند چنین نقل شده است:

«فما بقيت في المدينة مخدرة ولا محجبة الا برزن من خدورهن مكشوفة شعورهن مخمشة وجوههن ضاربات خدودهن يدعون بالويل والثبور فلم ار باكياً اكثر من ذلك اليوم» پس در مدینه هیچ زنی نماند، مگر آن که از خانه ها بیرون آمدند، در حالی که پریشان مو و خراشیده رو بودند و بر صورت های خود می زدند و واویلا و واثبورا می - گفتند ، هیچ روزی بیشتر از آن روز گریه کن ندیدم»^۳

و بعد از مشاهده این صحنه امام سجاد علیه السلام سخنرانی می کنند و علاوه بر آنکه از این نوع عزاداری، نهی نمی فرمایند، بلکه عباراتی به کار می گیرند که تک تک آن ها برای عزاداری بیشتر مردم بر ابا عبدالله علیه السلام دلالت دارد و مردم را تشویق و ترغیب به عزای

۱ . بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۶۴، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۵.

۲ . اسرارالشهدات، ج ۳، ص ۲۱۹؛ الدمع السجوم در ترجمه نفس المهموم، ص ۳۵۹.

۳ . الملهوف، ص ۱۵۶ و ص ۱۹۷؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۲ و ص ۱۴۷؛ تذکره الشهداء، ج ۲، ص ۴۱۶.

دائمی و همیشگی بر آن مظلوم می نمایند که این همه، رجحان سیلی زدن و صورت خراشیدن در عزای امام حسین علیه السلام را دارد بلکه بیشتر از آن.

« قُتِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَ عِزَّتُهُ وَ سُبَى نِسَاؤُهُ وَ صَبِيَّتُهُ ... أَيُّهَا النَّاسُ فَأَيُّ رِجَالٍ مِنْكُمْ يُسَرُّونَ بَعْدَ قَتْلِهِ أَمْ آيَةُ عَيْنٍ مِنْكُمْ تَحْبِسُ دَمْعَهَا وَ تَضَنُّ عَنْ انْهِمَالِهَا فَلَقَدْ بَكَتِ السَّبْعُ الشَّدَادُ لِقَتْلِهِ وَ بَكَتِ الْبِحَارُ بِأَمْوَاجِهَا وَ السَّمَاوَاتُ بِأَرْكَانِهَا وَ الْأَرْضُ بِأَرْجَائِهَا وَ الْأَشْجَارُ بِأَغْصَانِهَا وَ الْحِيتَانُ وَ لُجَجُ الْبِحَارِ وَ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ أَجْمَعُونَ أَيُّهَا النَّاسُ أَيُّ قَلْبٍ لَا يَنْصَدِعُ لِقَتْلِهِ أَمْ أَيُّ فُؤَادٍ لَا يَحِنُّ إِلَيْهِ أَمْ أَيُّ سَمْعٍ يَسْمَعُ هَذِهِ الثُّلُمَةَ الَّتِي ثَلِمَتْ فِي الْإِسْلَامِ أَيُّهَا النَّاسُ أَصْبَحْنَا مَطْرُودِينَ مُشَرَّدِينَ مَذُودِينَ شَاسِعِينَ عَنِ الْأَمْصَارِ كَأَنَّا أَوْلَادُ تُرْكٍ وَ كَابِلٌ مِنْ غَيْرِ جُرْمٍ اجْتَرَمْنَاهُ وَ لَا مَكْرُوهٍ ارْتَكَبْنَاهُ وَ لَا ثُلْمَةَ فِي الْإِسْلَامِ ثَلَمْنَاهَا - مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ - إِنَّ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ - وَ اللَّهُ لَوْ أَنَّ النَّبِيَّ تَقَدَّمَ إِلَيْهِمْ فِي قِتَالِنَا كَمَا تَقَدَّمَ إِلَيْهِمْ فِي الْوَصَايَةِ بَنَّا لَمَّا ازْدَادُوا عَلَى مَا فَعَلُوا بَنَّا فَإِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ مِنْ مُصِيبَةٍ مَا أَعْظَمَهَا وَ أَوْجَعَهَا وَ أَفْجَعَهَا وَ أَكْظَهَا وَ أَفْظَهَا وَ أَمَرَهَا وَ أَفْدَحَهَا فَعِنْدَ اللَّهِ نَحْتَسِبُ فِيهَا أَصَابَنَا وَ مَا بَلَغَ بَنَّا إِنَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ .

«ای مردم! کدام یک از شما می تواند پس از کشته شدن حسین علیه السلام شاد و خرم باشد؟ یا کدامین قلب است که برای او اندوهگین نشود؟ و کدامین چشمی است که بتواند اشکش را نگه دارد و از دیدگان جاری سازد؟ در حالی که آسمان های هفتگانه بر او گریستند و ارکان آسمان به خروش آمد و زمین با اعماق و اطرافش و درختان با شاخه و ماهیان در قعر دریا و ملائکه مقرب الهی و جمیع اهل آسمان ها بر او گریستند.

ای مردم! کدام دل است که در شهادت او نشکند و کدام قلبی است که در مصیبت او ننالد؟! و یا کدام گوشی است که بشنود این شکاف بزرگی را که در اسلام پدیدار شد و کر نشود؟! ای مردم! ما را پراکنده ساختند و از خانه هایمان دور کردند و آواره بیابان ها نمودند، که گویا ما فرزندان ترک و کابل هستیم، بی آنکه جرمی داشته باشیم و یا کار زشتی

از ما سرزده باشد، یا رخنه‌ای در اسلام ایجاد کرده باشیم، و این رفتاری که با ما کردند نظیر آن در امت‌های پیشین سراغ ندارم و این بدعتی بیش نیست.

قسم به خدا! اگر پیامبر خدا ﷺ دستور قتل کار را می‌دادند همان‌گونه که وصیت به نیکی به ما فرمودند بیش از آنچه که با ما کردند، انجام نمی‌دادند.

... انا لله و انا الیه راجعون از مصیبت بزرگتر و دردناکتر و ضجیع‌تر و گلوگیرتر و ناگوار و تلخ‌تر و تر ما همهٔ مصائب را نزد خدا به حساب می‌گذاریم که او قادر و منتقم می‌باشد.^۱

در روایتی امام سجاد علیه السلام فرمودند: حضرت زینب علیه السلام هنگامی که شنید امام حسین علیه السلام این ابیات را می‌خوانند:

یا دهر اف لك من خلیل كل لك بالاشراق والاصیل

صورت خود را خراشید و پیراهن خود را پاره کردند و بی‌هوش بر زمین افتادند.^۲

و نیز در حدیثی از حضرت صادق علیه السلام روایت گشته:

«... و لقد شققن الجيوب و لظمن الخدود الفاطمیات علی الحسین بن علی علیه السلام و علی مته تلطم الخدود و تشقّ الجيوب» «فاطمیات (زنان فاطمی) گریبان‌ها را دریدند و بر صورت‌ها زدند و به جهت شهادت حسین بن علی علیه السلام، و بر مانند علیه السلام به صورت‌ها زده می‌شود و گریبان‌ها و یقه‌ها چاک داده می‌شود.»^۳

آری؛ جز در روز مصیبت حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام و اهل بیت اظهار علیه السلام امری است محبوب و پسندیده و اظهار آن به صورت‌های مختلف است و اگر آن اظهار جزع با هدف «مواسات» با حضرت ابی عبدالله علیه السلام و اصحاب و اهل بیتش علیه السلام همراه باشد مقبول‌تر است، یعنی هر چه شدیدتر باشد، پسندیده‌تر و محبوب‌تر است.

۱. ملهوف، ص ۲۰۰؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۷.

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۸۳، باب ۳۱، باب كفارة شق الثوب، ح ۱.

روز عاشورا در وداع آخر امام حسین علیه السلام با اهل بیتش، نوبت به حضرت سکینه علیها السلام رسید که بیاید و با پدر بزرگوار خود وداع کند، آن مخدره با دلی پر خون پیش آمد در حالی که صورت خود را خراشیده بود و لباس سیاه در عزای برادرانش پوشیده بود.^۱

۱. ریاض القدس، ج ۲، ص ۱۴۱.

فصل چهل و سوم : از هوش رفتن از شدت گریه

یکی از دیگر انواع عزاداری در سیره اهل بیت علیهم السلام گریستن در حد از هوش رفتن است. با امعان نظر بدین مطلب که اولاً: در هوش رفتن احتمال مرگ وجود دارد و ثانیاً: اگر چه ممکن است بی هوشی اختیاری نباشد اما مقدمات آن مثل یادآوری مصیبت و جزع نمودن و فکر کردن روی آن اختیاری است؛ به نمونه‌هایی که اهل بیت علیهم السلام از شدت مصیبت اباعبدالله الحسین علیه السلام از هوش می‌رفتند می‌پردازیم:

از هوش رفتن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

از ابن عباس روایت شده است که:

چون امام حسین علیه السلام متولد شد - و در آن وقت قابله او ، صفیه [دختر عبدالمطلب ، عمه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم] بود- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر او وارد شد و فرمودند: ای عمه! فرزندم را نزد من بیاور، صفیه عرض کرد: پدران و مادران فدایت شوند! هنوز او را پاکیزه نکرده‌ام، چگونه بیاورم؟

حضرت فرمودند: به آن خدایی که جانم در دست اوست، او را خداوند از بلندای عرشش طاهر و پاکیزه نمود، آن‌گاه حضرت دستش را دراز نمود و صفیه، امام حسین علیه السلام را به او داد، حضرت خم شد و پیشانی و گونه‌های او را غرق بوسه نمود و زبانش را می‌مکید گویی عسل یا شیر می‌مکد.

«ثم بکی طويلاً فلما افاق قال صلی الله علیه و آله و سلم: قتل الله قوماً قتلوك؛ سپس گریه طولانی نمود و از هوش رفت. وقتی به حال عادی برگشت ، فرمود: خدا بکشد قومی که تو را می‌کشند.»^۱

۱. عبرات المصطفین فی مقتل الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۱۵۸، به نقل از مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۲، ص ۲۳۴.



از تعبیر «افاق» معلوم می گردد که گریه های طولانی حضرت به قدری شدید بوده که راوی بدین کلمه تعبیر نموده است، یعنی از شدت گریه از هوش رفته و بعد به هوش آمده اند.

از هوش رفتن امیرالمؤمنین علیه السلام

امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ صفین از زمین کربلا عبور نموده و خاک آن را برداشته و بو نموده و فرمود:

«خداوندا! ... به کشندگان حسین علیه السلام و یاری دهندگان دشمن او و آنان که او را کمک نکنند برکت مده».

ابن عباس می گوید:

«... ثم بكى بكاءً طويلاً و بكينا معه ختى سقط لوجه و غشى عليه طويلاً...»

سپس گریست گریه ای طولانی و ما نیز با او گریستیم تا آن که از بسیاری گریه از صورت بر زمین خورد و مدت زیادی به حالت غش بود...^۱

از هوش رفتن امام حسین علیه السلام در برخی از مصائب

شدت مصیبت در واقعه کربلا به گونه ای بود که امام حسین علیه السلام نیز از اثر آن بی هوش

می شدند. به عنوان نمونه در قضیه به میدان رفتن حضرت علیه السلام چنین وارد شده است:

«ثم خرج القاسم بن الحسن و هو غلام صغير لم يبلغ الحلم فلما نظر اليه الحسين اعتنقه

جعلاً يبكیان حتی غشى عليهما ثم استأذن الحسين علیه السلام فی المبازه ... ؛ سپس حضرت

قاسم فرزند امام حسن علیه السلام خارج شد که نوجوانی نابالغ بود و به سن بلوغ نرسیده

بود، برای وداع با امام حسین علیه السلام و اذن میدان گرفتن، بیرون آمد. هنگامی که چشم

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۵۴.

امام حسین علیه السلام به او افتاد ، مدتی طولانی او را در آغوش گرفت و آن قدر هر دو گریستند تا از هوش رفتند پس از آن قاسم علیه السلام اجازه مبارزه گرفت .^۱

گروه در یک زمان [وارد شدند و] با هم ملاقات کردند و شروع کردند به گریه کردن و صداها را به گریه بلند نمودند و بر خود لطمه زدند و تا سه روز عزاداری بر پا کردند. زن‌های روستاها و مناطق اطراف [با اطلاع از این قضیه] گرد ایشان جمع شدند، آن-گاه حضرت زینب علیها السلام در آن جمع حاضر شد و دست برد و گریبان خود را چاک داد و با صدای محزون و غمناکی که قلب‌ها را مجروح می‌ساخت، ندا داد: وای از مصیبت برادرم! وای حسینم! وای از مصیبت حبیب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! وای از مصیبت فرزند مکه و منی! وای از مصیبت فرزند فاطمه زهرا علیها السلام! وای از مصیبت فرزند علی مرتضی علیه السلام! آه و بعد از آن [که این جملات را فرمود] غش کرد و بیهوش بر زمین افتاد.^۱

از هوش رفتن امام رضا علیه السلام

در قصیده‌ای که دعبل خزاعی در محضر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌سراید چنین می‌گوید:

افاطم خلت الحسین مجدلاً و قد مات عطشاناً بشط فرات
اذا لطمت الخذ فاطمة عنده واجريت دمع العين فی الوجنات^۲
ای فاطمه! اگر در نظر می‌آوری حسین علیه السلام را که تیغ دشمن بر خاک افتاده و بر کنار فرات، تشنه لب جان داده است، هر آینه نزد او بر چهره می‌زدی و آب دیده را بر گونه‌های گلگونت روان می‌ساختی.

« و للامام الثامن علیه السلام مع دعبل الخزاعی قضية مشهورة : و ذلك لما وفد عليه بعقریته التائیه ، تلك القصيدة التاريخية الرنانة ، التي تجاذبت بها اندیة الادب و انتشرت فی اقطر العرب و قامت بتلاوتها فی دار الرضا علیه السلام قیامة الاحزان و قرعت ساحته الشریفة بنوح دعبل

۱ . جلوه‌های عزاداری در تعالیم اهل بیت علیهم السلام ، ص ۱۵۵ ، به نقل از : معالی السبطين، ج ۲، ص ۱۸۶-۱۸۷.

۲ . شرح تائیه دعبل خزاعی علامه مجلسی، ص ۴۷-۴۸ و ۷۰ و ۷۱.

بها الاشجان ، فبکی الامام احراً بکاء و علا من وراء الستر صراخ النساء و و کان لاطفاله انین و ماق و رغاء، حتی استولی علیه الاغماء ، و اشترک معه جنة الارض و ملائكة السماء.

قضیه مشهوری است از امام هشتم علیه السلام با دعبل خزاعی و این ماجرا در هنگامی بود که دعبل با آن شعر بی نظیر و اعجاب انگیز خود، ابیاتی که به حرف «ت» منتهی می‌شود، به محضر امام علیه السلام شرفیاب شد [و شعر را به حضرت تقدیم کرد] همان قصیده تاریخی خوش آوایی که مجامع ادبی را تحت تأثیر قرار داد و مجذوب ساخت؛ در تمامی نواحی عرب منتشر شد و در اثر خواندن آن در منزل امام رضا علیه السلام قیامتِ حزن و اندوه برپا شد.

وقتی دعبل با خواندن این اشعار بر مصائب امام حسین علیه السلام نوحه گری کرد، به ناگاه غم‌ها و غصه‌ها بر ساحت مقدس امام رضا علیه السلام وارد شد؛ آن حضرت سوزناک‌ترین گریه‌ها را سر دادند و صدای گریه و فریاد غم بانوان از پشت پرده بلند شد و صدای کودکان آن حضرت به گریه شنیده می‌شد. آن کودکان با بالاترین صدا گریه می‌کردند و در اثر شدت گریه، نفس‌های آنان منقطع می‌شد و ناله می‌زدند.

عزاداری امام علیه السلام به حدی رسید که حالت اغماء و بی‌هوشی بر حضرت مستولی شد و در این عزاداری به همراه حضرت ، جنیان زمینی و ملائکه آسمان شرکت داشتند.^۱
- در مورد حضرت ام سلمه نیز روایت شده که چون خبر کشته شدن امام حسین علیه السلام به ایشان رسید گفت:

«او قد فعلوها ملأ الله بیوتهم و قبورهم ناراً»

آیا آن کار زشت را مرتکب شدند، خدا خانه‌ها و گورهاشان را از آتش پر کند.»
آنگاه چندان بگریست که بی‌هوش شد و بعد از سی روز از شهادت مصیبت امام حسین علیه السلام از شدت مصیبت جان داد.^۲

۱. عبرات المصطفین، ج ۱، ص ۱۱۱.

۲. دمع السجوم در ترجمه نفس المهموم، ص ۳۷۹.

از این قبیل موارد در تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام بسیار نقل شده است، اما آنچه مهم است اینکه فعل معصوم علیه السلام مجوز و حجت است که عزاداری تا چه حد و مرتبه است و توجه شود به آنکه حفظ جان ولی خدا اوجب واجبات است.

اسرار از هوش رفتن حضرت سیدالشهدا علیه السلام

حضرت پس از افتادن از پشت ذوالجناح به روی خاک کربلا، دوبار از هوش رفتند و عجب این است که لشکر کفار با آن که در کشتن حضرت شتاب و عجله زیادی داشتند در این حالت نزدیک نمی آمدند. با وجود اینکه این وقت برای اتمام امر شهادت بسیار راحت تر بود.

در بیان سرّ و توضیح این وجه می گوئیم:

خلیفه الله و ولی مطلق پروردگار یعنی صاحب ولایت تامه و مطلقه چنانچه این خلافت و ولایت مختص خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیاء گرامی آن بزرگوار که وارث جمیع کمالات او بودند، است. بر خلاف و ولایت مطلقه و تامه، آثار، مراتب و خواص بی شماری مترتب می شود از جمله خواص این است که صاحب این خلافت و ولایت، به منزله قطب عوالم امکان و مانند قلب همه موجودات است.

پس به مقتضای این قاعده، در حین از هوش رفتن امام مبین و صاحب خلافت و ولایت مطلقه، می بایست همه عوالم از فرش تا عرش متلاشی، متفرق و معدوم شوند. به غیر از ارواحی که در قرب حق تعالی هستند و انوار و ارواح بزرگ و بزرگوار مانند: روح سیدالمرسلین صلی الله علیه و آله و سلم و ارواح امیرالمؤمنین، صدیقه کبری، و سید جوانان بهشت امام حسن مجتبی علیه السلام.

اما آنچه مانع از هم پاشیده شدن عوالم امکان و سلسله موجودات و انهدام و نابودی آنها شده اراده و عنایت ازلی پروردگار بود. در عین حال مشیت و اراده حق تعالی موجب جلوگیری از اضطراب، تزلزل، حیرت و بی حرکت ماندن همه موجودات نشد، یعنی مخلوقات در زمان از هوش رفتن خلیفه الله حضرت سیدالشهداء علیه السلام در

اضطراب و تزلزل و بی حرکتی بودند؛ زیرا بدون جانشین و خلیفه خدا عوالم امکان و موجودات قرار نخواهند گرفت.

این زمان وقتی بود که خلافت و ولایت تامه مطلقه به حضرت زین العابدین علیه السلام منتقل نشده بود و خلعت این مقام بر اندام آن حضرت پوشانده نشده و تاج اعظم بر سر ایشان گذارده نشده بود.

از این قاعده ظریف، محکم و ملکوتی استفاده می‌شود که در زمان از هوش رفتن سیدالشهداء علیه السلام (خواه سه ساعت و یا دقیق‌تر ۶ ساعت که نظر مؤلف نیز شق دوم است)، اعضاء و جوارح منحوس آن قوم کافر اطاعت اوامر نفس‌ها و ارواح خبیث آنها را نمی‌کرد؛ زیرا در حالت اضطراب، تزلزل و بی حرکتی بودند. حتی می‌توان گفت نفس‌ها و ارواح خبیث آنها چون در اضطراب و حیرت بودند قدرت امر کردن به اعضاء و جوارح را نداشتند و این در حقیقت مقام دیگری از مقامات حجت خدا است.^۱

۱. سعادات ناصریه، ص ۱۳۵-۱۳۶.

فصل چهل و چهارم : خاک بر سر ریختن در عزای سید الشهداء علیه السلام

بارها دیده شده است که مصیبت زده در غم و عزای عزیزش، خاک بر سر می‌ریزد. اما از آن زمان که امام حسین علیه السلام جوان در خون تپیده خویش را در آغوش کشید و فرمود: «علی الدنيا بعدک العفا؛ بعد از تو خاک بر سر دنیا باد»^۱ خدا دعای حضرت را در ظاهر و باطن برآورده ساخت و خاکستر بر سر اهل دنیا ریخت.

«تُمْطِرُ السَّمَاءُ رَمَاداً وَ دَمًا وَ يَبْكِي عَلَيْكَ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْوُحُوشُ فِي الْفَلَوَاتِ وَ الْحَيَاتَانُ فِي الْبَحَارِ؛ و آسمان خاکستر و خون می‌بارد و می‌گرید بر تو همه چیزها، حتی وحشیان در بیابان و ماهیان در دریا».^۲

هنگامی که قافله اسرا وارد کوفه گشت حضرت زینب و ام کلثوم و فاطمه صغری و حضرت سجاد علیه السلام به ذکر مصائب امام حسین علیه السلام پرداختند؛ آن قدر جانسوز اقامه عزا نمودند که اهل کوفه از زن و مرد صدای شیونشان بلند شد و خاک بر سر خود ریختند.^۳

همچنین از محمد بن سلمه روایت شده است که:

«لما قتل الحسين بن علي امطرت السماء تراباً احمر؛ چون حسین بن علی علیه السلام کشته شد از آسمان خاک سرخ بارید».^۴

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۴.

۲. امالی صدوق، ص ۱۱۶، مجلس ۲۴.

۳. لهوف، ص ۶۳ و ۶۹.

۴. کامل الزیارات، ص ۹۰؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۱۱.

و خاک بر سر دنیا و اهل دنیا شد. از این روست که اولیاء الله و انبیاء الله علیهم السلام در این مصیبت خاک بر سر ریختند و چون زنان جوان مرده گریستند.

[روی ابی مخنف عن الطرماح]: قال الطرماح بن عدی: كنت فی القتلی و قد وقع فی جراحات ، و لو حلفت لكنت صادقاً انی كنت غیر نائم اذا اقبل عشرون فارساً و علیهم ثياب بیض یفوح منهم المسك و العنبر، فقلت فی نفسی هذا عبیدالله بن زیاد لعنه الله قد اقبل یطلب جثة الحسین علیه السلام لیمثل به، فجاءوا حتی صاروا قریباً منه، فتقدم رجل الی جثة الحسین علیه السلام و جلس قریباً منه و اجلسه فأومی بیده الی الکوفه و اذا بالرأس قد اقبل ، فركب علی الجسد مثل ما كان بقدره الله تعالی و هو یقول : یا ولدی قتلوک ، أترأهم ما عرفوک و من شرب الماء منعوک، و ما اشد جرأتهم علی الله، ثم التفت الی من كان عنده فقال یا ابی آدم! و یا ابی ابراهیم! و یا ابی اسماعیل! و یا اخی موسی! و یا اخی عیسی! أما ترون ما صنعت الطغاة بولدی؟ لا انالهم الله شفاعتی یوم القیامة ، فتأملتہ فاذا هو رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم.

و زاد السید الجزائری فی الانوار : فجعلوا یبکون و یعزون النبی صلی الله علیه و آله و سلم زماناً طویلاً و هو یحثوا التراب علی رأسه و شبیته الطاهرة، و الحسین علیه السلام یقصّ علیہ ما صدر و ما عملوه فیه حتی غشی علیہ من البكاء...؛

[ابی مخنف از طرماح روایت کرده:] طرماح بن عدی گوید: در میان کشتگان کربلا بودم ، در حالی که جراحات زیادی بر من وارده شده بود و اگر بر این مطلب قسم می‌خوردم راستگو بودم که من خواب نبودم و دیدم که ناگاه بیست نفر اسب سوار به طرف ما آمدند ، در حالی که لباس‌های سفیدی پوشیده بودند و از ایشان عطر مشک و عنبر متصاعد بود. با خود گفتم: این عبیدالله بن زیاد (لعنت الله علیه) است که در پی جسد شریف حسین علیه السلام آمده تا آن را مثله و قطعه قطعه کند.

آن گروه آمدند تا نزدیک حسین علیه السلام رسیدند. یکی از مردان به سمت جسد شریف امام حسین علیه السلام آمد. نزدیک او نشست و آن بدن مبارک را [از زمین بلند کرد و] به حالت نشسته قرار داد، پس از آن با دست خود به سمت کوفه اشاره کرد. در این هنگام به قدرت خداوند متعال سر مقدس [از جانب کوفه] رو آورده و بر روی جسد شریف قرار گرفت، همان گونه که قبلاً بوده است.

در این حال آن مرد [که نزد جسد شریف حسین علیه السلام آمده بود] می فرمود: ای فرزندم تو را کشتند! آیا آنها تو را شناختند؟ و از نوشیدن آب تو را منع کردند! چه قدر جرأت آنان بر خدا زیاد است! سپس رو کرد به کسانی که [به همراه او و] نزد او بودند و فرمود: ای پدرم آدم! و ای پدرم ابراهیم! و ای پدرم اسماعیل! و ای برادرم موسی! و ای برادرم عیسی! ایا نمی بینید طغیان گران با فرزندم چه کردند؟ خداوند شفاعت مرا در روز قیامت نصیب آنان نکند. [طرماحج می گوید:] من خوب در [چهره] آن مرد تأمل کردم و دیدم که او رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است.

«و سید جزائری در کتاب انوار اصافه کرده است»: آن گروه شروع کردند به گریه کردن و تعزیت دادن به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و تا مدت طولانی به این کار پرداختند و در این حال رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خاکها را بر و محاسن شریفش می ریخت و حسین علیه السلام واقعه را و آنچه را که بر سر او آورده بودند نقل می کرد، تا جایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از شدت گریه غش کرده و از هوش رفت...»^۱

مراسم عاشورا

مرحوم علامه دربندی صاحب کتاب شریف «اسرار الشهادة» از شاگردان شریف العلماء شیخ مرتضی انصاری اعلی الله مقامه الشریف بوده است، ایشان در اقامه عزای سیدالشهداء علیه السلام اهتمام فراوانی داشته و بر آن مواظبت می نمود. در بالای منبر از

۱. جلوه های عزاداری در تعلیم اهل بیت علیهم السلام، ص ۱۳۹-۱۴۰ به نقل از: معالی السبطين، ج ۲، ص ۴۳.

شدت گریه غش می‌کرد، روز عاشورا، لباس‌های خود را از بدن در می‌آورد و پارچه‌ای به خود می‌بست و خاک بر سر می‌ریخت و گل به بدن می‌مالید و با همان شکل و صورت منبر می‌رفت و روضه خوانی می‌کرد.^۱

مرحوم آیت الله العظمی حاج سیدنور الدین حسینی الهاشمی معروف به آیت الله شیرازی رحمته الله از مراجع طراز اول ایران و مؤسس حزب دینی و ضد استعماری «برادران» بوده است. فرزند ایشان مرحوم حجت الاسلام سید منیرالدین رحمته الله در مورد عزاداری آن مرحوم در روز عاشورا می‌فرمود:

«پدرم روز عاشورا، حالتی متفاوت با همیشه داشتند، انقلابی در روح ایشان رخ می‌نمود و حزن و اندوه همه وجود ایشان را در بر می‌گرفت و رفتار ایشان به کلی دگرگون می‌شد، پا برهنه به سوی «مسجد وکیل» که پایگاه قدرت و خدمت ایشان بود، حرکت نموده تا هنگام ظهر در مراسم عزای حسینی شرکت می‌نمود.

آنگاه پس از خواندن نمازهای «فریضه» با مردم در حالی که همه هیئت‌های «برادران» به مسجد آمده و منتظر بودند، درست پس از نماز عصر (که حسب روایات ساعات نزدیک به پایان فاجعه است) حسب دستور ایشان، ظرفی بزرگی مملو از «گلی پاک» که قبلاً مهیا شده بود، همراه با سفره‌های بزرگ «کاه» به حضور ایشان می‌آوردند. ایشان بر عمامه خود گل می‌زدند و پس از ایشان همه حاضران در مجلس، به خصوص بزرگان بر پیشانی و سر خود با گل نشان عزا نموده، سپس بر سر و روی همه کاه می‌ریختند (این رسوم کلاً در عزای حسینی نماد خاک بر سر کردن است) آنگاه مرجعی که تمام طول سال در نهایت هیبت و وقار حرکت و رفتار می‌نمود. درست مانند کسی که هم اکنون عزیزترین عزیزان خود را از دست داده و فشار مصیبت او را بی‌تاب نموده، گاه به گاه دست‌های خود را می‌گشودند و از دل سوخته آه‌های جانسوز کشیده، آرام آرام ضجه می‌زدند. ریزش اشک از چشمان ایشان قطع نمی‌شد، با همین حال، پابرهنه، شال عزا افکنده، پیراهن عزا به گونه‌ای مودب چاک

۱. سیمای فرزندگان، ص ۱۸۴؛ قصص العلماء، ص ۱۰۹؛ احرام عاشورا، ابن البکائون، ص ۱۵۰.



زده، بدون عبا و با چهره و حالتی که از فرط تأثر هر کسی را منقلب می‌کرد به حرکت عظیم عصر عاشورای شیراز، می‌پیوستند.^۱

در احوال برخی از علمای شیعه آمده که دستور می‌دادند روز عاشورا فرش زیر پای ایشان را بردارند و به جای آن خاکستر بریزند و روی خاکستر می‌نشستند و عزاداری می‌کردند.^۲

۱. این البکائون، ص ۱۵۱-۱۵۲.

۲. این البکائون، ص ۱۵۳.

فصل چهل و پنجم : ژولیده و غبارآلود بودن ملائک تا روز قیامت

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«ان اربعة آلاف ملك هبطوا يريدون القتال مع الحسين بن علي عَلَيْهِ السَّلَامُ فلم يؤذن في القتال، فرجعوا في الاسدئذان و هبطوا و قد قتل الحسين عَلَيْهِ السَّلَامُ فهم عنده قبره شعث غير ييكونه الى يوم القيامة و رئيسهم ملك يقال له منصور؛ به درستی که چهار هزار فرشته به قصد جنگیدن به همراه حسین بن علی عَلَيْهِ السَّلَامُ از آسمان هبوط کردند ولی به آنها اجازه داده نشد در جنگ شرکت کنند. آنها برای گرفتن اجازه به آسمان برگشته و دوباره به زمین هبوط کردند. ولی زمانی رسیدند که حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ کشته شده بود. و از آن پس این ملائک با حالت ژولیده و غبارآلود در نزد قبر حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ باقی ماندند و تا روز قیامت برای او گریه می کنند و رئیس آنان فرشته ای است که منصور نامیده می شود.»^۱

غبار آلودن بودن پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

ام سلمه همسر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می گوید:

«خرج رسول الله منع ندنا ذات ليلة فغاب عنا طويلاً ثم جاءنا و هو اشعث اغبر و يده مضمومة قلت يا رسول الله ما لي اراك شعثاً مغبراً. فقال اسرى بي في هالوقت الى موضع من العراق يقال له كربلا فاريت فيه مصرعاً لحسين ابني و جماعة من ولدي و اهل بيتي فلم ازل القط دماءهم فها هي في يدي و سبطها الى فقال خذيها و احتفظي بها فاخذتها فاذا هي شبه تراب احمر...؛ رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شبی از نزد ما خارج شد و غیبت

۱ . بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۲۰.

طولانی نمود، سپس نزد ما آمد در حالی که آشفته موی و خاک آلود و دستانشان بسته بود، به ایشان عرض کردم: ای رسول خدا! چه می بینم، شما پریشان مو و خاک آلودید؟ حضرت فرمودند: در این وقت به سوی مکانی از عراق برده شدم که به آن کربلا گفته می شود، پس مقتل فرزندانم حسین علیه السلام و جماعتی از فرزندان و اهل بیت را مشاهده کردم، همواره خون هایشان را جمع می کردم و الآن در دست من است، دست خود را به طرف من باز نموده و فرمود: بگیر آن را و نگه داری کن، پس دیدم آن را که شبیه خاکی سرخ بود.^۱

طبیعتاً باید مصیبت بر انسان وارد شود تا در غم آن بنشیند و خاک بر سر ریزد و اما چه غمی است که قبل از واقعه کربلا عقل اول و اشرف مخلوقات و واسطه خلقت و حبیب خدا و خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله بر سر و روی خویش خاک ریختند.

۲ : عن الصادق علیه السلام : اذا اردت زیارة الحسین علیه السلام فزره و انت کئیب حزین مکروب، شعث مغبر، جائع عطشان، فان الحسین علیه السلام قتل حزیناً مکروباً شعثاً مغبراً جائعاً عطشاناً ...

امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه اراده کردی امام حسین علیه السلام را زیارت کنی، با خاطر افسردگی و شکسته حال و محزون او را زیارت کن و در حالت شدت غم او اندوهی که راه نفس را می گیرد [باش و ژولیده و غبارآلود و گرسنه و تشنه او را زیارت کن. چرا که حسین علیه السلام در حالتی که محزون و غم زده بود و با حال شدت غم او اندوه نفس گیر [شهید شد ژولیده و غبار آلود و گرسنه و تشنه کشته شد...^۲

۳ : از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمود: از امام صادق علیه السلام از زیارت امام حسین علیه السلام سؤال شد فرمود که:

۱ . بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۳۹؛ اعلام الوری، ص ۲۱۹؛ روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۹۳.

۲ . کامل الریارات ، باب ۴۸ ، ح ۳۷۶.

« إِنَّ حَوْلَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ شُعْتًا غُبْرًا يَبْكُونَ عَلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ؛

همانا هفتاد هزار فرشته و ملائکه تا روز قیامت در کنار مضجع نورانی سیدالشهدا علیه السلام غبارآلود، دائماً در حال گریه و ماتم هستند.»^۱

۴: قَالَ بُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ أَرْبَعَةَ أَلْفٍ مَلَكٍ هَبَطُوا يُرِيدُونَ الْقِتَالَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمْ يُؤْذَنْ لَهُمْ فِي الْقِتَالِ فَرَجَعُوا فِي الْإِسْتِثْنَاءِ وَهَبَطُوا وَقَدْ قُتِلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَهُمْ عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْتٌ غُبْرٌ يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَرَبِّسَهُمْ مَلَكٌ يُقَالُ لَهُ مَنْصُورٌ؛

امام صادق علیه السلام فرمود: به درستی که چهارهزار فرشته به قصد جنگیدن به همراه حسین بن علی علیه السلام از آسمان هبوط کردند ولی به آنها اجازه داده نشد که در جنگ شرکت کنند. آنها برای گرفتن اجازه به آسمان برگشته و دوباره به زمین هبوط کردند، ولی زمانی رسیدند که امام حسین علیه السلام کشته شده بود. از آن پس این ملائک با حالت ژولیده و غبارآلود در نزد قبر امام حسین علیه السلام باقی ماندند و تا روز قیامت برای او گریه می کنند و رئیس آنان فرشته ای است که منصور نامیده می شود.^۲

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۲۲.

۲. امالی صدوق، ص ۶۳۸، مجلس ۹۲، ح ۷؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۲۰.

فصل چهل و ششم : مریض شدن از شدت مصیبت سیدالشهداء علیه السلام

از حضرت صادق علیه السلام در مورد تفسیر آیه : «فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ»^۱ پرسیدند:

فرمودند: مراد این نیست که به ستاره‌ها نظر کرد. پس گفت: مریضم.
حضرت فرمودند: بلکه در نجوم نظر کرد و حساب کرد، «فَرَأَى مَا يَحِلُّ بِالْحُسَيْنِ علیه السلام»؛
پس دانست که بر حسین علیه السلام چه روی می‌دهد، چون این آیه را دید، گفت: «انی سَقِيمٌ لَمَّا يَحِلُّ بِالْحُسَيْنِ علیه السلام»؛ من بیمارم و مریض شده‌ام به جهت آنچه بر حسین علیه السلام [از مصایب] می‌رسد.^۲

بلی، غم حسین علیه السلام، دوستان خدا را بیمار کرد، انبیاء را مریض گردانید.
وقتی به حضرت زکریا علیه السلام خبر دادند که (کهیصص) یعنی: در کربلا حسین علیه السلام و عترت او، توسط یزید در حالت عطش و تشنگی هلاک می‌شوند و ایشان به جز صبر کاری نخواهند کرد چون زکریا علیه السلام این قصه را شنید، سه روز از خانه بیرون نیامد و در ندبه و گریه و زاری بود و کسی را به نزد خود راه نمی‌داد.
آن گاه گفت: خدایا! مرا فرزندی بده و او را قرۃ العین من گردان و مرا فریفته محبت او گردان و او را از من به منزله حسین علیه السلام نسبت به جدش گردان، پس دل مرا در مصیبت او به درد آور، همچنان که دل حبیب محمد صلی الله علیه و آله و سلم در مصیبت فرزندش به درد می‌آید.^۳

۱ . صافات / ۸۸ و ۸۹.

۲ . الکافی، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۵؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۲۰، ح ۱۲.

۳ . الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۷۲؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۷۸، ح ۱۴؛ و ج ۴۴، ص ۲۲۳، ح ۱.

فصل چهل و هفتم: سینه زدن

سینه و لطمه زنی بر صورت و سینه از بهترین شیوه‌های عزاداری است که در سنت و سیره اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده است و از مصادیق جزع، لطم می‌باشد.

لدم:

به معنای سینه زدن می‌باشد...؛ و التدام زنان: به معنای به سینه و صورت زدن زنان در مصیبت است.^۱

لطم:

به معنای این واژه در لغت عربی «ضرب الخدّ و صفحات الجسم بسیط الید»^۲ «او بالكف مفتوحه»^۳ که بسیاری از لغت شناسان لطم را به معنای ضربه زدن با کف دست بر سینه و سیلی زدن^۴ و سایر اعصاب بدن را نیز به معنای لطم افزوده‌اند. «با پهنای دست به صورت زدن»^۵. همانطور که در روایت امام باقر علیه‌السلام نیز لطم به صورت منحصر نشده، بلکه «لطم صدر» نیز افزوده شده است.^۶ و همچنین «تیره و سیاه شدن صورت بر اثر ضربه»^۷ معنا کرده‌اند. سینه زنی به ویژه در میان زنان، سنت عرب است.^۸

۱. لسان العرب، ج ۱۲، ص ۵۳۹.

۲. العین، ج ۷، ص ۴۳۳.

۳. لسان العرب، ج ۱۲، ص ۵۴۲؛ مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۶۲.

۴. فرهنگ عمید؛ فراهیدی، العین، ج ۷، ص ۴۳۳؛ لسان العرب، ج ۱۲، ص ۵۴۳.

۵. ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱، ص ۲۲۱؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۲۵۰.

۶. عن ابی جعفر علیه‌السلام قال: قلت له ما الجزع قال اشدّ الجزع الصراخ بالعویل و العویل و لطم الوجه و الصدر و جزّ الشعر من النواصی. الکافی، ج ۳، ص ۲۲۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۷۲.

۷. لسان العرب، ج ۱۲، ص ۵۴۳؛ المنجد، ج ۲، ص ۱۶۸۱.

۸. سیاهپوشی در سوگ ائمه نور، ص ۳۱۷.

کلینی به سند خود از جابر نقل می‌کند که به امام باقر علیه السلام عرض کرد: جزع چیست؟ حضرت فرمود: اشد الجزع الصراخ بالویل و لطم الوجه و الصدر.. شدیدترین جزع، فریاد و واویلا و صیحه و زدن به صورت و سینه است.^۱

با استفاده از متون تاریخی متوجه می‌شویم که در عرب آن دوران و حتی قبل از شهادت امام حسین علیه السلام سینه زنی بسیار شایع بوده و هنگام عزاداری به سر و سینه می‌زدند. در این زمینه گزارش‌های تاریخی بسیار زیادی در دست می‌باشد، مثلاً نقل شده که زنان پیامبر نیز به همین روش، نسبت به شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ابراز عزاداری نموده‌اند.

سینه زنی در تاریخ و روایات

۱: ابن هشام، احمد و دیگران به سند صحیح از عایشه نقل کرده‌اند که گفت: «... رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قبض روح شد.^۲ آنگاه سر او را بر بالشتی قرار دادم. در این هنگام من با زنان برخاسته و سینه می‌زدم و من به صورت خود می‌زدم.^۳

محمد سلیم اسد درباره سند این حدیث می‌گوید: این سند صحیح است.^۴

۲: (فی وفاة الامام موسی بن جعفر علیه السلام) ... و خرجت الشیعه و هی تلطم الصدور و تذرف الدموع و خرجت السيدات من نسائهم و هن یندبن الامام علیه السلام و یرفعن اصواتهن بالنیاحة علیه.

در وفات امام موسی بن جعفر علیه السلام

۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۱۵.

۲. در حالی که در دامن من قرار داشت. (ما نظر اهل سنت را در خصوص این موضوع که بر دامن عایشه بود صحیح نمی‌دانیم).

۳. مسند احمد، ج ۶، ص ۲۷۴؛ عبدالملک بن هشام السیره النبویه، ج ۶، ص ۷۵، ح ۲۶۳۹۱.

۴. حاشیه مسند ابی یعلی، ج ۵، ص ۶۳.



شیعیان از خانه‌های خود خارج شدند در حالی که به سینه‌های خود لطمه می‌زدند و اشک‌های آنان جاری بود و بانوان بزرگ از زنان شیعیان خاج شدند، در حالی که بر امام علیه السلام ندبه می‌خواندند و صدای خود را به نوحه گری بر آن حضرت بلند می‌کردند.^۱

نکته:

همین که حدیثی علیه سینه زنی در روایات نقل نشده، نشان دهنده مباح بودن آن است. چرا که در روایات آمده است: «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی؛ همه چیزها جایز است تا زمانی که نهی ای علیه آن وارد شود» و نیز گفته شده است: «کل شیء لک حلال، حتی تعرف انه حرام؛ هر چیزی برای تو حلال است مادامی که حرامی برای آن ندانی.» و هم چنین: «الاشیاء مطلقه ما لم یرد علیک امر او نهی؛ اشیاء مباح می‌باشند مادامی که برای تو امر یا نهی ای در مورد آن نباشد.»

دیدگاه مسیحیان درباره سینه زنی برای امام حسین علیه السلام

جرجی زیدان می‌گوید:

«شکی نیست که ابن زیاد با کشتن امام حسین علیه السلام جرم بزرگی را مرتکب شد که فجیع‌تر از آن در تاریخ عالم واقع نشده است. و لذا باکی نیست بر شیعه که به جهت کشته شدن امام حسین علیه السلام اظهار تظلم کرده، بر او در هر سال بگرید، و گریبان چاک دهد، و با اظهار تأسف بر او به سینه‌های خود زند؛ زیرا او مظلومانه کشته شد.»^۲

۱. جلوه‌های عزاداری در تعالیم اهل بیت علیهم السلام، ص ۱۴۴، به نقل از حیات الامام الرضا علیه السلام، الشیخ باقر شریف القرشی، منشورات سعید بن جبیر، ج ۱، ص ۹۲. نقل از نرم افزار المعجم الفقهی.
۲. پرسش و پاسخ پیرامون حماسه عاشورا، ص ۴۹ به نقل از: تاریخ النیاحه، ج ۲، ص ۳۰.

آنطوان بارا در این باره می‌گوید:

«مشاهده می‌کنم که عزاداری سهم زیادی در تحول ذهن و ضمیر انسان‌ها دارد؛ زیرا شما با این کار واقع عاشورا را بدون آنکه به کسی آزار رسانید مجسم می‌نمایید، و این برای شما ذخیره‌ای ایمانی در طول زندگانی از خود به جای می‌گذارد؛ تو هنگامی که به خود می‌زنی گویا نفست را عقاب معنوی می‌نمایی که چرا در زمان یاری حسین علیه السلام نبودی، و این به معنای آن است که تو الآن آماده جانفشانی هستی، و هر آنچه را که داری در راه ملحق شدن به قافله حسینی صرف می‌نمایی.»^۱

استفتاء

حکم سینه زدن، خراشیدن و سیلی زدن به صورت در مصائب اهل بیت علیهم السلام چیست؟
بسمه تعالی: هر چه که عنوان جزع بر آن منطبق شود، ثواب و اجر دارد، هر چند که موجب ضرر جانی شود [و لیکن نباید به حد جنایت برسد] و مؤمنین باید با تمام وجود با شرکت در مجالس با گریه و سینه زنی شدید، هر چند که به سیاهی یا خون مردگی دچار شوند، مجالس و فیات اهل بیت علیهم السلام را با عظمت برگزار نمایند.^۲

بعضی از عزاداران حسینی به گونه‌ای سینه می‌زنند که گاهی مشاهده می‌-

شود از محل سینه زدن خون خارج می‌شود، نظر مبارک شما چیست؟

بسمه تعالی: سینه زدن شدید به دلیل حزن و جزع بر سید الشهداء و اهل بیت علیهم السلام مطلوب است و هر کاری که عنوان جزع بر آن منطبق شود، مطلوب می‌باشد و اما در مورد سؤال مطرح شده، سینه زنی اگر منجر به ضرر جانی شود، مانعی ندارد و لیکن

۱. همان، ص ۴۹ به نقل از: مجله المنبر، سال ۱۴۲۱ق.

۲. شعائر حسینی، میرزا جواد تبریزی، ص ۲۴.



نباید به حد جنایت برسد. در حفظ شعائر تلاش کنید که بهترین ذخیره آخرت است ، به حرف مشککین گوش ندهید که القاء شیطان می باشد.^۱

۱. همان، ص ۲۵.

فصل چهل و هشتم : لطمه زنی

لطم :

به معنای این واژه در لغت عربی «ضرب الخدّ و صفحات الجسم بسیط الید»^۱ «او بالکف مفتوحه»^۲ که بسیاری از لغت شناسان لطم را به معنای ضربه زدن با کف دست بر سینه و سیلی زدن^۳ و سایر اعصاب بدن را نیز به معنای لطم افزوده‌اند. «با پهنای دست به صورت زدن»^۴. همانطور که در روایت امام باقر علیه السلام نیز لطم به صورت منحصر نشده، بلکه «لطم صدر» نیز افزوده شده است.^۵ و همچنین «تیره و سیاه شدن صورت بر اثر ضربه»^۶ معنا کرده‌اند.

روایات لطمه زنی

۱: لطمه به صورت زدن فاطمیات

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«... و لقد شققن الجيوب و لطنن الخدود الفاطمیات علی الحسین علیه السلام و علی مثله فطمن الخدود و شققن الجيوب؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: ... و هر آینه زنان فاطمی در

۱. العین، ج ۷، ص ۴۳۳.

۲. لسان العرب، ج ۱۲، ص ۵۴۲؛ مجمع البحرين، ج ۶، ص ۱۶۲.

۳. فرهنگ عمید؛ فراهیدی، العین، ج ۷، ص ۴۳۳؛ لسان العرب، ج ۱۲، ص ۵۴۳.

۴. ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱، ص ۲۲۱؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۲۵۰.

۵. عن ابی جعفر علیه السلام قال: قلت له ما الجزع قال اشدّ الجزع الصراخ بالعویل و العویل و لطم الوجه و الصدر و جزّ الشعر من النواصی. الکافی، ج ۳، ص ۲۲۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۷۲.

۶. لسان العرب، ج ۱۲، ص ۵۴۳؛ المنجد، ج ۲، ص ۱۶۸۱.

شهادت امام حسین علیه السلام گریبان‌ها را دریدند و بر صورت‌ها لطمه زدند و بر مانند حسین علیه السلام باید به صورت‌ها لطمه بزنند و گریبان‌ها و یقه‌ها چاک دهند.^۱ عده‌ای می‌گویند: این حدیث از نظر سند ضعیف است؛ ولی عمل فقهای امامیه به آن در مورد احکام کفاراتی که در آن مطرح شده و نیز استناد فقها به آن در مورد عزاداری ائمه اطهار علیهم السلام و امام حسین علیه السلام ضعف سند را جبران می‌کند. چنان که مشهور فقها، قائل به جبران ضعف سند به واسطه شهرت هستند.^۲ صاحب جواهر در باب کفارات کتاب «ظهار» در مورد این روایت می‌گوید: ضعف خبر خالد بن سدیر با آنچه از عدم خلاف و ادعای اجماع سید مرتضی در «انتصار» شنیدی، جبران شده است.^۳

همچنین آیت الله خویی رحمته الله می‌نویسد: فقهای امامیه حرمت انجام این امور را [لطمه زدن، گریبان چاک کردن و ...] در مصیبت ائمه و امام حسین علیه السلام استثناء کرده‌اند و در این زمینه به آنچه زنان بنی هاشم از لطمه زدن به صورت و گریبان چاک کردن برای امام حسین علیه السلام انجام داده‌اند، استناد کرده‌اند. چنان که در روایت خالد بن سدیر وارد شده است.^۴

دلالت این روایت بر جواز کارهایی مانند لطمه و گریبان چاک زدن در عزای امام حسین علیه السلام روشن است؛ چرا که در این روایت ابتدا عمل زنان فاطمی در گریبان چاک کردن و لطمه زدن در مصیبت امام حسین علیه السلام ذکر شده و سپس قاعده‌ای کلی ارائه شده که در چنین مصیبتی شایسته است بر گونه‌ها لطمه زده شود و

۱. تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۳۲۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۸۳؛ وسائل الشیعه، ج ۲۲، ص ۴۰۲؛ جامع الاحادیث، ج ۳، ص ۴۹۲.

۲. سلوک ماتم، ص ۲۰۶.

۳. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۳۳، ص ۸۶.

۴. خویی، التنقیح فی شرح العروه الوثقی، ج ۹، ص ۲۳۵.

گریبان‌ها چاک گردد. این کلام به زمان یا مکان خاصی مربوط نیست و دلیلی بر تخصیص آن به موردی خاص وجود ندارد.

حضرت رجحان لطمه زدن و گریبان دریدن در عزای سیدالشهدا علیه السلام را بیان می‌دارند و با تعبیر «تلطم؛ زده می‌شود» و «شقق؛ دریده می‌شود» چنین بیان می‌دارند که گوئیا دائماً چنین بوده و این سنتی است دیرینه که در این عزا، چنین شود.

صاحب کتاب **شفاء الصدور** ذیل این حدیث می‌نویسد: و از این حدیث، شرف و جلالت خاندان عصمت معلوم می‌شود که امام علیه السلام به فعل دختران علی و فاطمه علیهما السلام در روز عاشورا احتجاج می‌کند تا دلالت کند بر اینکه در آن حالت هم کاری که از قانون شرع بیرون باشد نکرده‌اند و فعل ایشان، دلیل جواز است، چه در منزل وحی تربیت شده و در خانه نبوت نشو و نما کرده و از پستان عصمت و طهارت ارتضاع فرموده‌اند: سلام الله علیهم اجمعین.^۱

۲: دیدن حضرت سکینه علیه السلام در رؤیا مادرش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را به این حالت که: «فلطمت علی وجهها و نادت وا ولداه...» حضرت زهرا علیها السلام در عزای امام حسین علیه السلام بر صورت خویش لطمه زد و صدای ناله‌اش به وای پسر م بلند بود.^۲

۳: «فی رواية حیث ینقل حدیث الحسین علیه السلام مع اخته زینب علیها السلام - ثم لطمت وجهها و هوت الی جبینها فشقته و خرت مغشیا علیها؛

شیخ مفید طبق روایتی بعد از گفتگوی امام حسین علیه السلام با حضرت زینب علیها السلام چنین نقل می‌کند: حضرت زینب علیها السلام بر صورت زدند و گریبان دریدند و به زمین افتاد در حالی که غش کرده بودند، افتادند»^۳

۱. شفاء الصدور، ص ۵۳۸.

۲. لهوف، ص ۱۹۸؛ بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۱۹۹.

۳. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲؛ الارشاد، ج ۲، ص ۹۳؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۷؛ اعلام الوری، ص ۲۳۹؛ ملهوف، ص ۱۷۷؛ مثیر الاحزان، ص ۱۰۰.

۴: «فلما خطب هذه الخطبه و سمعت بناته و اخته زينب كلامه بكين و ندبن و لطنن خودهن و ارتفعت اصواتهن فوجه اليهن ...؛ هنگامي که سيدالشهدا عليه السلام مقابل لشكر دشمن خطبه خواندند، چون دختران و خواهرش زينب عليها السلام، كلام ابي عبدالله عليه السلام را شنيدند اشك ريختند و بلند گريه كردند و لطمه زدند و صداهايشان بلند شد.»^۱

۵: «فلما نظرت النسوة الى القتلى صحن و ضربن وجوههن؛ هنگامي که چشم زنان به كشتگان افتاد شيون كردند و بر صورتشان لطمه زدند.»^۲

اين در حالي است كه هرگز امام سجاد عليه السلام كه همراهشان بود به عمل آنان اعتراض نكرد.

۶: «و جلس الحسين فرقد ثم استيقظ فقال: يا اختاه اني رأيت الساعة جدى محمداً و ابي علياً و امي فاطمه و اخي الحسن عليه السلام و هم يقولون يا حسين انك رائح الينا عن قريب. قال الراوى: فلطمت زينب وجهها و صاحت و بكت؛ هنگامي كه امام عليه السلام در خيام لحظه‌اي به خواب مي‌روند. هنگامي كه از خواب برخاست فرمود: خواهرم! الان جدم رسول صلى الله عليه و آله و سلم، پدرم علي عليه السلام، مادرم فاطمه زهرا عليها السلام و برادرم امام حسن عليه السلام رادر خواب ديدم كه آنها همگي به من گفتند: حسين جان! به زودي نزد ما خواهي آمد. راوي گفت: هنگامي كه حضرت زينب عليها السلام اين سخن را شنيد بر صورت خود سيلی زد و با صدای بلند شروع به گريستن نمود.»^۳

علاوه بر اين كه فعل حضرت زينب عليها السلام فعل معصوم عليه السلام مي‌باشد؛ همه اين موارد در مقابل امام معصوم عليه السلام صورت پذيرفته و حضرت هيچ نهي‌اي نمي‌فرمايند؛ لذا تقرير معصوم عليه السلام مهر تأييد ديگري است بر آن؛ بلكه طبق روايت «تهذيب الاحكام» امام

۱. ملهوف، ص ۱۶۲؛ معالي السبطين، ج ۱، ص ۳۵۱.

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵۸.

۳. ملهوف، ص ۱۶۶.

صادق علیه السلام امر به لطمه زدن در این مصیبت فرموده است. همچنین در مقامی که حورالعین در عالم ملکوت لطمه می‌زنند، جای هیچ‌گونه اعتراضی نیست.

۷: لطمه زدن حورالعین در عزای سیدالشهداء علیه السلام

در زیارت ناحیه مقدسه آمده:

«برزن من الخدور، ناشرات الشعور علی الخدود، لاطمات ... و اختلفت جنود الملائكة المقربين، تعزی اباک امیر المؤمنین و اقیمت لک المآتم فی اعلی علیین، و لطمت علیک الحورالعین، و بکت السماء و سكانها و الجنان و خزائنها و الهضاب و اقطارها و الارض و اقطارها، و البحار و حیتانها و مکة و بنیانها و الجنان ولدانها و البيت و المقام و المشعر الحرام و الحل و الحرام؛ بانوان حرام از حریم و پناهگاه خیمه ها خارج شدند و در حالی که موها پریشان کرده بودند و بر گونه‌های خود لطمه می‌زدند ... و لشکریان ملائک مقربان الهی به آمد و شد پرداختند تا بر پدرت امیر المؤمنین علیه السلام تعزیت بدهند. و برای تو در اعلی علیین مجالس ماتم و عزا بر پا داشته شد و حورالعین در عزای تو بر خود لطمه زدند و آسمان‌ها و ساکنان آن‌ها و بهشت‌ها و خزانه داران آن‌ها و کوه‌ها و گوشه گوشه‌های آن‌ها و دریاها و ماهیان آن‌ها و بهشت‌ها و فرزندان بهشتی آن‌ها و خانه خدا و مقام ابراهیم و مشعرالحرام و خارج حرم و داخل حرم در مصیبت تو گریه کردند»^۱.

دلیل بر جواز لطمه زدن علاوه بر حدیث بالا، فرموده حضرت بقیت الله الاعظم رحمته الله است که در زیارت معروفه از حال بانوان معظمات فاطمیات و مجلات علویات حکایتی فرموده: «لاطمات الوجوه»^۲

۱. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۲۲ و ۳۲۳؛ المزار الکبیر، ابن مشهدی، ص ۵۰۶.

۲. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۲۲.

ابن قولویه نقل کرده که : حورالعین در اعلیٰ علیین بر حسین علیه السلام به سینه و صورت زدند.^۱

سر مطلب:

شاید سر مطلب این باشد که تمام عالم از نور ائمه علیهم السلام خلق شده‌اند مخصوصاً اینکه طبق حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حوریان بهشتی از نور امام حسین علیه السلام آفریده شده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صدر ضمن حدیثی می‌فرمایند:

فتق نور الحسین علیه السلام فخلق منه الجنان و الحور العین و الحسین و الله افضل من الحور العین؛ خداوند متعال نور امام حسین علیه السلام را گشود و از آن بهشت و حوریان را آفرید و به خدا سوگند که امام حسین علیه السلام از حورالعین افضل است؛^۲ لذا حوریان بهشتی عزاداری را وظیفه خودشان می‌دانند؛ زیرا وجودشان را مدیون امام حسین علیه السلام هستند.^۳

۸ : امام رضا علیه السلام در جمع یاران نشسته بودند و خانواده حضرت در پشت پرده بودند که دعبل خزاعی این اشعار را در مصیبت حضرت سیدالشهدا علیه السلام خواند :

افاطم لو خلت الحسین مجدلاً و قد مات عطشانا بشط فرات

اذن لطمت الخد فاطم عنده و اجریت الدمع العین فی الوجنات

«ای فاطمه! اگر حسینت را با آن وضع می‌دیدی که لب تشنه کنار شط فرات جان سپرد. اگر می‌دیدی در کنارش به صورت خود لطمه می‌زدی و قطرات اشک به گونه‌ات جاری می‌ساختی.

۱ . کامل الزیارات، ص ۸۰؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۰۱.

۲ . بحار الانوار ، ج ۴۰، ص ۴۳.

۳ . بزرگترین مصیبت عالم ، ص ۹۰-۹۱.

سپس امام رضا علیه السلام دعبل را مورد تشویق قرار داد و صله‌ای به او عطا فرمود و برایش دعا کرد.^۱

امام رضا علیه السلام به وی نفرمود: تو چگونه این مطلب را فهمیدی؟! چرا که تعبیری مسامحی است که هر کس مصیبتی بزرگ بر او وارد شده، آن را می‌گوید.

۹: «فلما خطب هذه الخطبة و سمع بناته و اخته زينب كلامه بكين و ندبن و لطنن و ارتفعت اصواتهن فوجه اليهن اخاه العباس و عليا ابنه و قال لهما سكناهن فلعمري ليكثرن بكاءهن؛ هنگامی که امام حسین علیه السلام این خطبه را خواند و دخترانش و خواهرش حضرت زینب علیه السلام آن را شنیدند گریه کردند و ندبه کردند و به گونه‌های خود لطمه زدند و صدای آن‌ها بلند شد و آن‌گاه امام حسین علیه السلام برادرش حضرت عباس علیه السلام و فرزندش حضرت علی اکبر علیه السلام را به سوی آن بانوان فرستاد و به برادر و فرزند خود فرمود: آن بانوان را ساکت کنید به جان خودم قسم گریه آنها بعد از این بسیار زیاد خواهد بود...»^۲

۱۰: ابومخنف نقل می‌کند از راوی که گوید:

«.. نظرت الى تلك النسوة لما مرر بالحسين و اهله و ولده و هم صعي تسفی عليهم الرياح، فصحن و لطنن و جوههن؛ نگاه کردم به آن بانوان در حالی که بر حسین علیه السلام و خاندان و فرزندانش گذر کردند؛ در حالی که آن‌ها کشته شده و بر زمین افتاده بودند و باده‌ها بر بدن آنان می‌وزید، پس آن بانوان فریاد غم سر دادند و به صورت‌های خود لطمه زدند...»^۳

۱۱: در ورود اهل بیت علیهم السلام به مدینه آمده است:

۱. کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۲۱؛ خورشید مهربانی؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۵۷؛ منتخب طریحی، ص ۲۷.

۲. معالی السبطين، ج ۱، ص ۳۵۱.

۳. عبرات المصطفین، ج ۲، ص ۲۲۲.

«... فیما كان الا ساعة و اذا قد اتت نساء اهل المدینه فتلقتهن نساء الحسین بلطم یکاد الصخر یتصدع الیه؛ ساعتی نگذشت که زنان اهل مدینه آمدند و بانوان حسین علیهم السلام با آنان روبرو گردیدند، در حالی که چنان به خود لطمه می زدند که نزدیک بود سنگ از چنین لطمه ای قطعه قطعه شود.»^۱

۱۲: بانوان در مجالس زنانه موهارا پریشان کنند

فی ورود اهل البیت بکربلا: و اما ام کلثوم فقد نشرت شعرها و لطمت خدیها و نادت برفیع صوته: الیوم مات جدی محمد المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم، الیوم مات ابی علی المرتضی علیه السلام، الیوم مات امی فاطمه الزهرا علیها السلام، الیوم جل الثکل بالزهرا علیها السلام، و باقی النساء لاطمات نادیات ناعیات...؛
در قضیه ورود اهل بیت به کربلا:

حضرت ام کلثوم علیها السلام موهای خود را پریشان کرد و بر گونه های خود لطمه زد و با بلندترین صدای خود ندا سر داد: امروز جدم محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفت! امروز پدرم علی مرتضی علیه السلام از دنیا رفت! امروز مادرم فاطمه زهرا علیها السلام از دنیا رفت! امروز مصیبت مرگ فرزند بر زهرا علیها السلام وارد شد! [او او به فرزند خود داغ دیده گشت] و بقیه بانوان به خود لطمه می زدند و ندبه می کردند و از شهادت امام حسین علیه السلام خبر می دادند [و مرثیه می خواندند].^۲

۱۳: قال بشیر فرکت فرسی و رکضت حتی دخلت المدینه فلما بلغت مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم رفعت صوتی بالبکاء فانشأت اقول: یا اهل یشرب لا مقام لکم بها ... قال فما بیت فی

۱. معالی السبطين، ج ۲، ص ۱۹۵.

۲. جلوه های عزاداری در تعالیم اهل بیت علیهم السلام، ص ۱۴۳ به نقل از: معالی السبطين، ج ۲، ص ۱۸۷.

المدينة محذرة و لا محجة الا برزن من خدودهن مكشوفة شعورهن مخمشة وجوههن ضاربات خدودهن يدعون بالويل و الثبور...؛

بشیر گوید: سوار بر اسبم شدم و آن را به سرعت راندم تا و ارد شهر مدینه شدم. هنگامی که به مسجدالنبی ﷺ رسیدم صدایم را به گریه بلند کردم این ابیات شعر را بخوانم: «ای اهل مدینه! دیگر در مدینه جایگاهی برای شما نیست...» در این هنگام احدی از بانوان پرده نشین و بانوان محجبه باقی نماند مگر آنکه از پس پرده و حریم خود خارج شدند و زنان مدینه از خانه‌های خود بیرون آمدند ، در حالی که موهای آنان مکشوف بود و به صورت‌های خود پنجه می‌کشیدند و بر گونه‌های خود ضربه می‌زدند و فریاد وایلا و واثورا سر می‌دادند او از شدت حزن این واقعه مهلک و مصیبت بار شکایت و استغاثه می‌کردند.^۱

فتاویٰ علما و مراجع بزرگ تقلید

۱ : صاحب جواهر رحمته الله علیه فرموده است: از حرمت جزع استثنا می‌شود (جزع، لطمه زنی بر سر و صورت و سینه و فریاد زدن و ...) به خاطر روایاتی که گذشت.

۲ : آیت الله نائینی رحمته الله علیه درباره مسائل عزاداری سیدالشهدا علیه السلام فتاویٰ معروفی دارند که پس از ایشان مراجع بزرگ تقلید آن را تأیید کرده و درستی و صحت آن را از واضحات شریعت دانسته‌اند. ایشان فرموده‌اند:

بر سر و سینه و صورت زدن به حدی که به مرتبه سرخی عضو یا سیاهی رسد اشکالی ندارد، بلکه اگر موجب شود که خون کمی از عضو صدمه دیده بیاید اشکالی ندارد.^۳

۱ . جلوه‌های عزاداری در تعالیم اهل بیت علیهم السلام ، ص ۱۵۰ ، ح ۶.

۲ . فتاویٰ معروف معظم له در فصل و بخشی جداگانه به طور کامل همراه با فتاویٰ مراجع دیگر در تأیید آن می‌آید.

۳ . الدعاء الحسینیة ، ص ۱۰۵ .

پس از این فتوا ، علمای بزرگی چون آیت الله سیدعبدالهادی شیرازی، آیت الله سید جمال الدین گلپایگانی، آیت الله سید محسن حکیم، آیت الله سید محمود شاهرودی، و بسیاری از علمای دیگر فتوا را تأیید کرده‌اند.^۱

۳: آیت الله میرزا جواد تبریزی رحمته الله علیه:

لطمه زدن و پوشیدن لباس سیاه از شعائر اهل بیت علیهم السلام است ... و هر کس در تضعیف این شعائر تلاش کند در حق اهل بیت علیهم السلام گناه کرده است.^۲

۱. همان، ص ۱۱۰.

۲. الانوار الالهیه ، ص ۱۵۲.

فصل چهل و نهم: موی پریشان نمودن

فی ورود اهل البیت بکربلا: و اما ام کلثوم فقد نشرت شعرها و لطمت خديها و نادت برفیع صوتها: اليوم مات جدی محمد المصطفی ﷺ، اليوم مات ابی علی المرتضی ﷺ، اليوم ماتت امی فاطمه الزهرا ﷺ، اليوم جل الثكل بالزهرا ﷺ، و باقی النساء لا طمات نادیات ناعیات ...؛

در قضیه ورود اهل بیت به کربلا:

حضرت ام کلثوم ﷺ موهای خود را پریشان کرد و بر گونه‌های خود لطمه زد و با بلندترین صدای خود ندا سر داد: امروز جدم محمد مصطفی ﷺ از دنیا رفت! امروز پدرم علی مرتضی ﷺ از دنیا رفت! امروز مادرم فاطمه زهرا ﷺ از دنیا رفت! امروز مصیبت مرگ فرزند بر زهرا ﷺ وارد شد! [او او به فرزند خود داغ دیده گشت] و بقیه بانوان به خود لطمه می‌زدند و ندبه می‌کردند و از شهادت امام حسین ﷺ خبر می‌دادند [و مرثیه می‌خواندند].^۱

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زیارت ناحیه مقدسه^۲ فرمودند:

«و اسرع فرسک شارداً الی خیامک قاصداً محمداً باکیا فلما راین النساء جوادک ... برزن من الخدور للشعور ناشرات و للخدود لا طمات و للوجوه سافرات و بالعویل داعیات؛ در این هنگام اسب تو شیون کنان و شیهه کنان با سرعت به سوی حرمت

۱ . جلوه‌های عزاداری در تعالیم اهل بیت علیهم السلام، ص ۱۴۳ به نقل از: معالی السبطين، ج ۲، ص ۱۸۷.

۲ . درباره زیارت ناحیه مقدسه و اعتبار آن فصلی جداگانه به آن می‌پردازیم.

بازگشت، زنان که این صحنه را دیدند از خیمه‌ها بیرون آمدند در حالی که موهایشان پریشان بود بر سر و صورت خود می‌زدند و با صدای بلند گریه و شیون می‌کردند».^۱

سؤال :

چگونه ممکن است اهل بیت علیهم‌السلام با این خصوصیات موجود در زیارت ناحیه از خیام حرم (در حالی که موهای خود را پریشان کرده بودند و ...) خارج شده و به طرف مقتل حرکت کرده باشند؟

اول : «خرجن» که در زیارت ناحیه آمده ، مستلزم آن نیست که عیالات اهل بیت علیهم‌السلام مخالف تکلیف شرعی را عمداً مرتکب شده باشند.

دوم : اهل بیت علیهم‌السلام به خاطر شدت مصیبت و دیدن سر بریده امام حسین علیه‌السلام در زیر حجاب موهای خود را پریشان کردند و بر سر و صورت زدند و در همان حال به سوی قتلگاه حرکت کردند.

سوم : اگر خروج اهل بیت علیهم‌السلام از خیام با آن حالت گیسوان پریشان کرده در حالی که حجاب نداشته بودند واقع می‌شد، دشمنان آن را ماده تاریخ می‌کردند و این واقعه را نقل کرده و بهانه قرار می‌دادند و می‌گفتند: ببینید خاندان اهل بیت علیهم‌السلام این‌گونه عمل کردند، بلکه آنان در حالی که زیر حجاب، موها را پریشان کرده بودند خارج شدند.

چهارم : این‌گونه تعبیر در این زیارت مقدسه ، حکمی از عظمت ظلمی است که در حق اهل بیت علیهم‌السلام روا شد و حاصل ما وقع ، در زیارت ناحیه مقدسه نقل شده است.

پنجم : خروج زنان در اطراف خیام، هنگامی واقع شد که اسب بی صاحب سیدالشهدا علیه‌السلام کنار خیام آمد و با دیدن اسب خونی، عیالات حضرت علیه‌السلام در خیام و اطراف آن شروع به شیون کردند و این عمل از دید دیگران پنهان بود؛ زیرا سیدالشهدا علیه‌السلام خیام حرم را طوری قرار داده بود که حرم اهل بیت علیهم‌السلام در معرض دید نباشد.

۱ . بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۲۲.

ششم : در مقتل بدین نحو نقل شده است: هنگامی که خواهران و دختران اهل بیت علیهم السلام اسب بی صاحب امام علیه السلام را دیدند ، فریاد و شیون و زاری برآوردند ام کلثوم دست بر سر نهاد ، فریاد زد: وامحمداه، واجداه و ... و فریاد زد این حسین است که بر زمین افتاده، سرش از قفا بریده شده و عمامه و ردایش به یغما رفته است... و همچنین آمده است: دختران رسول صلی الله علیه و آله از حریم خیمه‌ها بیرون آمدند و گریستند و در فراق حامیان و عزیزان خود شیون کردند، آن‌گاه است: «خرجن من الخدور ناشرات الشعور علی الخدود لاطمات»^۱ که نشر شعر (در حالی که زیر حجاب انجام داده بودند) بر سر و صورت می‌زدند و به اطراف قتله‌گاه حرکت کردند.^۲

آیا پریشان نمودن موهای سر، شایسته اهل حرم حسینی است؟

این که حضرت زینب علیها السلام و زن‌های دیگر در حرم حسینی علیه السلام هنگام دیدن بدن بی سر امام حسین علیه السلام از شدت مصیبت، موی سر پریشان کردند و به صورت زنان از خیمه‌ها بیرون دویدند آیا این کار شایسته اهل خیام حرم حسینی است؟ آنان برای ادعای خود به فرازی از زیارت ناحیه مقدسه استناد جسته و می‌گویند:

هنگامی که بانوان حرم، اسب تیزیپایت را خوار و زبون دیدند و زین آن را بر آن واژگون یافتند، از پس پرده‌ها (ی خیمه) خارج شدند، در حالی که گیسوان بر گونه‌ها پراکنده نمودند، بر صورت‌ها لطمه زدند و نقاب از چهره‌ها افکنده بودند.

«فلما رأین النساء جوادک مخزياً و نظرن سرجک علیه ملویا بزرن من الخدور، ناشرات الشعور ، علی الخدود لاطمات، الوجوه سافرات»^۳

پاسخ:

۱ . فرازی از زیارت ناحیه مقدسه.

۲ . شعائر حسینی، ص ۱۲۰-۱۲۲، تبریزی.

۳ . المزار، ص ۵۰۴، فرازی از زیارت ناحیه مقدسه، محمد بن جعفر المشهدی (قرن ششم).

۱ : با دقت در متن بالا مشاهده می‌شود که شبهه کننده متن عربی را به نحوی قرائت کرده و سپس ترجمه نموده که معنای مورد نظرش را تأمین کند، شبهه کننده متن را چنین خوانده : «ناشرات الشعورِ علی الخدود» (زن‌ها در حالی که موهای خود را پریشان نموده و بر صورت‌های خود ریخته بودند از خیمه‌ها بیرون ریختند) در این صورت الزاماً پریشان نمودن موها به معنای آشکار نمودن آنهاست، در حالی که اگر جمله را به شکل صحیح بخوانیم و ترجمه کنیم الزاماً چنین معنایی را نخواهد داشت: «ناشراتُ الشُّعُورِ، علی الخدودِ لاطماتٌ» (زن‌ها با موهای پریشان، لطمه زنان از خیمه‌ها بیرون ریختند).

۲ : همان‌گونه که اشاره شد در صورتی پریشان کردن گیسو به معنای آشکار نمودن آنها خواهد بود که متن عربی را به صورتی که بالاتر گفته شد بخوانیم؛ در حالی که ممکن است گیسوان را از زیر چادر و با حجاب کامل به نشانه مصیبت و اندوه باز و پریشان کنند؛ چنان که امروزه نیز این شیوه میان زنان عرب مرسوم می‌باشد.

۳ : باتوجه به مکان خیمه‌گاه و مسافت زیادی که با لشکرگاه دشمن داشت، حتی اگر زنان به هنگام دیدن اسب امام حسین علیه السلام موهای خود را آشکار کرده و به عزاداری پرداخته باشند باز هم به این معنا نیست که این کار در برابر دیدگان نامحرمین صورت گرفته باشد.

۴ : در زبان عربی «خِدر» به مطلق پوشش و حفاظ برای زن گفته نمی‌شود؛ بلکه به پوششی گفته می‌شود که اندرون خانه برای زن نصب می‌شود و او را از دید نامحرمین مصون می‌سازد؛^۱ بنابراین ترجمه «با موهای پریشان از پشت پرده (خُدور) خارج شدند»، الزاماً به معنای در معرض دید همگان قرار گرفتن نیست؛ بلکه بنا به رسم عرب آن روز و حتی امروز هنگامی که زن به اوج ناامیدی و یأس از بازگشت عزیز سفر کرده خود می‌رسید و چنان داغی بر دلش می‌نشست که دیگر امید لبخندی بر لبان

۱ . والخدر به الکسر سترٌ للجارية فی ناحية البيت. لسان العرب، ج ۴، ص ۲۳۰. محمد بن مکرم بن منظور الافریقی المصری، ۷۱۱هـ. دارصادر، بیروت، الطبعة الاولى.

خود نداشت، در چنین حالی گیسوانِ بسته و آراسته خود را باز و پَریشان می‌کرد تا با این کارِ خود، وارد شدنِ مصیبتی داغ و سنگین را خبر دهد و این کار می‌تواند در برابر نزدیکان و اقارب محرم خویش صورت گیرد و سپس زیر پوششی همچون روسری یا مقنعه قرار گیرد. به عبارت دیگر در قدیم الایام، آرایش موی زنان به بستن (یا بافتن) مو بود که در شادی‌ها موهای خود را چنین کرده و هنگام عزا و سوگواری به نشانه عزا، آن را باز کرده و تا هنگامی که سوگوار بودند آن را نبسته و بر آن شانه نمی‌زدند، بلکه مقنعه یا روسری خود را روی موهای خود می‌بستند، نه این گونه که باموهای باز و سرلخت جلوی نامحرمان بیرون آیند.

۵: همان‌گونه که در گریبان چاک زدن زنان انصار برای پیامبر ﷺ اتفاق افتاده و نه تنها با اعتراض حضرت روبرو نگشتند، بلکه مشمول دعای خیر حضرت گردیدند.^۱

۱. شبهات عزاداری، عصیری، ج ۱، صص ۴۶۶-۴۶۹.

فصل پنجاهم : گریبان چاک زدن

تعریف گریبان چاک زدن:

پاره کردن یقه پیراهن است که شخص ماتم زده به علت شدت مصیبت، به صورت غیر طبیعی انجام می دهد.^۱

مصیبت معصومین علیهم السلام به ویژه امام حسین علیه السلام به اندازه ای بزرگ است که حتی اهل بیت علیهم السلام که خود مظهر صبر خدا هستند، بی تاب می شدند و گریبان خویش را پاره می کردند.

مصیبت حضرت سیدالشهداء علیه السلام به قدری عظیم است که قبل از آن که حضرت متولد شوند، هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خبر شهادت امام حسین علیه السلام را به حضرت فاطمه علیه السلام می دهند، ایشان بی تاب شده و گریبان خویش را پاره می کنند.

گریبان چاک نمودن حضرت زهرا علیه السلام

۱: از امام صادق علیه السلام نقل شده است که:

«دخلت فاطمه علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و عیناه تدمع فسألته مالک؟! فقال: ان جبرائیل اخبرنی ان امتی تقتل حسینا! فجزعت و شق علیها فاخبرها بمن یملک من ولدها فطابت نفسها و سكنت؛

حضرت فاطمه علیه السلام به محضر مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسید و چشمان مبارک ایشان را گریان دید، از آن جناب پرسید: شما را چه شده است؟

۱ . دهخدا، لغت نامه، ج ۲، ص ۲۴۲۶؛ معین، فرهنگ معین، ص ۹۲۳.

حضرت فرمود: جبرئیل به من خبر داده که امتم به زودی حسین علیه السلام را می‌کشند. پس فاطمه علیه السلام به جزع آمده و دست برد و جامه خود را پاره کرد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: یکی از فرزندان این مولود مالک امور گشته و انتقام از قاتلین خواهد گرفت. پس از این خبر حضرت فاطمه علیه السلام اندکی آرام و نفس مبارکش تسکین یافت.^۱

جامه دریدن اهل حرم در هنگام اسارت

همچنین بارها روایت شده که در شب و روز عاشورا و ایام اسارت، مخدرات حرم از شدت مصیبت، جامه دریدند و گریبان چاک زدند و همه آن‌ها در برابر امام سجاد علیه السلام صورت می‌گرفت.

۲: در مورد حضرت زینب علیه السلام روایت شده است که:

«انه لما علی بن الحسین علیه السلام و حرمة علی یزید لعنه و جیء براس الحسین علیه السلام و وضع بین یدیه فی طشت نجعل یضرب ثنایاه بمحضرة کانت فی یده ... فلما رأته زینب ذلک فاهوت الی جیبها فشقتہ ثم نادت بصوت حزین تقرع القلوب: یا حسیناه ...»^۲

هنگامی که علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام و خانواده اش بر یزید که خداوند او را لعنت کند وارد شدند و سر حسین علیه السلام آورده شد و در برابر یزید در داخل طشتی گذاشته شد، او با چوب دستی به دندان‌های پیشین امام زد ... وقتی زینب علیه السلام آن را دید، دست به گریبان برد و آن را پاره کرد و با صدای محزون که دل‌ها را می‌سوزاند

۱. کامل الزیارات، ص ۵۷؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۳۳. اهل بیت علیهم السلام به واسطه عزاداری شیعیان

بر مصائب سیدالشهدا علیه السلام و خبر خون خواهی امام زمان ارواحنا فداه تسکین می‌یافتند.

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۲.

فرمود: «ای حسین!» راوی گفت: به خدا قسم! هر کس را که در آن مجلس بود بگریانید.^۱

۳ : در مورد امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز وارد شده است که:
هنگام خطبه خواندن در مجلس یزید، بعد از آن که مؤذن به دستور آن ملعون شروع به اذان می‌کند و به فراز «اشهد ان محمداً رسول الله» می‌رسد امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید:
«ای یزید! بگو این محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که نامش را به بزرگی یاد می‌کنی، جد من است یا جد تو؟ اگر می‌گویی جد توست، دروغ گفتی و کافر شدی و اگر می‌گویی جد من است پس چرا عترت او را کشتی؟ چرا پدرم را از روی ستم به قتل رساندی و مالش را غارت کردی و زنان او را اسیر نمودی؟
امام عَلَيْهِ السَّلَامُ این سخنان را فرمود و آنگاه:
«و اهوٰی الی جیبہ بیدہ فشقه ثم بکی؛ دست برد و گریبان چاک زد و گریست».^۲

۴ : هنگام شهادت اباعبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ یکی از لشکریان فریاد زد که:
به خدا قسم که پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را می‌بینم که دستی به محاسن دارد و دستی بر سر می‌زند. دیگری صدا زد که قسم به خدا علی بن ابیطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ را می‌بینم که با عمامهٔ ژولیده و گریبان پاره به فرزندش نگاه می‌کند و گریه می‌نماید.^۳
در حبیب عالمی ز عزا چاک ماتم است
یا رب عزای کیست که
منسوب عالم است

۵ : امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده که فرمود:
«... و لقد شققن الجيوب و لطنن الخدود الفاطمیات علی الحسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و علی مثله تلطم الخدود و تشق الجيوب؛ و هر آینه زنان فاطمی در شهادت حسین بن علی عَلَيْهِ السَّلَامُ

۱ . دمع السجوم، ص ۴۰۶؛ لهوف، ص ۲۱۳.

۲ . مقتل ابی مخنف، ص ۴۰۴.

۳ . تذکره الشهداء، ج ۲، ص ۱۶۱.

گریبان‌ها را دریدند و بر صورت‌ها لطمه زدند و بر مانند حسین علیه السلام باید به صورت‌ها لطمه زده شود و گریبان‌ها و یقه‌ها چاک داده شود.^۱
مرحوم علامه بحر العلوم در این باره می‌گوید:

قل البكاء على رزء يقل له شق الجيوب و عطّ القلب و العطب

در این مصیبت کبری و داهیه عظمی، کم است اشک ریختن و کم است پاره کردن پیراهن‌ها.

جای آن دارد که جگرها پاره پاره شود و از هم بپاشد و روح‌های شیعیان از بدن بیرون رود و همه به یکباره هلاک شوند و روح‌ها بدن‌ها را خالی گذارده، بدن‌ها بی روح بمانند.^۲

دکتر ناظر زاده کرمانی گوید:

ای یاد تو در عالم آتش زده بر جان‌ها هر جا زفراق تو چاک است گریبان‌ها و طرب شیرازی (۱۲۷۶ - ۱۳۳۰ ق) گفته است:

سوخت از یاد شه تشنه لبان جان و تنم نه عجب باشد، اگر چاک شود پیرهنم^۳

۶: کشی و دیگران با سندهای عدیده‌ای روایت کرده‌اند که: امام عسکری علیه السلام برای پدر بزرگوارش امام هادی علیه السلام رفته بود، در حالی که پیراهنش دریده بود.

ابن عون الابرش در نامه‌ای برای حضرت نوشت: آیا کسی از ائمه علیهم السلام در مثل این مصیبت پیراهنش را دریده است؟

امام عسکری علیه السلام در جواب نوشت: ای احمق! تو چه می‌دانی این چیست؟ موسی علیه السلام هم برای هارون پیراهن خود را درید.^۴

۷: شیخ مفید رحمته الله از علی بن الحسین علیهما السلام نقل کرده است:

۱. تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۳۲۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۸۳؛ جامع الاحادیث، ج ۳، ص ۴۹۲.

۲. شرح مرآئی سید بحر العلوم، ص ۱۱۸-۱۱۹.

۳. مرثیه عاشورایی، ص ۳۰۴ و ۳۳۳. شیوه‌های یاری غریب کربلا، پاورقی، ص ۹۹.

۴. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۹۱؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۱۷، باب ۸۴، کراهه الصیاح علی المیت، ح ۵.

حضرت زینب کبری علیها السلام هنگامی که شنید امام حسین علیه السلام این ابیات را انشاد می کند:

یا دهر اف لک من خلیل کم لک بالاشراق و الاصلیل

صورت خود را خراش داد و پیراهن پاره کرد و بی هوش بر زمین افتاد.^۱

این حدیث که از فردی مانند شیخ مفید و با این خصوصیت که ایشان نزدیک به دوران معصومین علیهم السلام بوده نقل گردیده ویژگی و اهمیت به سزایی دارد.

* (لما نزلوا بکربلا) ... وَ جَلَسَ الْحُسَيْنُ عليه السلام يُصْلِحُ سَيْفَهُ وَ يَقُولُ: يَا دَهْرُ أَفِ لَكَ مِنْ خَلِيلٍ قَالَ الرَّأْوِي: فَسَمِعْتُ زَيْنَبَ بِنْتَ فَاطِمَةَ عليها السلام ذَلِكَ فَقَالَتْ يَا أَخِي هَذَا كَلَامُ مَنْ أَتَيْنَ بِالْقَتْلِ فَقَالَ نَعَمْ يَا أُخْتَاهُ فَقَالَتْ زَيْنَبُ وَ أَتُكَلِّاهُ يَنْعَى الْحُسَيْنَ عليه السلام إِلَيَّ نَفْسُهُ قَالَ: وَ بَكَى النِّسْوَةُ وَ لَطَمْنَ الْخُدُودَ وَ شَقَقْنَ الْجُيُوبَ.

سید بن طاووس در لهوف فرموده است: (هنگامی که کاران در کربلا منزل گرفت) ... امام حسین علیه السلام نشسته بو و به آماده کرد شمشیر خود و اصلاح آن مشغول بود و در این حال این شعر را می خواند: ای روزگار اف بر تو که چه بد رفیق هستی ... راوی گوید: حضرت زینب دختر حضرت فاطمه علیها السلام این کلمات را شنید و به آن حضرت عرضه داشت: ای برادر! این گفتار کسی است که به کشته شدن خود یقین پیدا کرده است! آن حضرت فرمود: بله خواهر کم. زینب علیها السلام گفت: وای از داغ این مصیبت من! اکنون مانند مادران فرزند از دست داده مصیبت زده شده ام! امام حسین علیه السلام خبر کشته شدن خود را برای من آورده است! راوی کوید: بانوان گریه کردند و به گونه های خود لطمه زدند و گریبان ها را چاک دادند ...

وَ رَوَى مِنْ طَرِيقٍ آخَرَ أَنَّ زَيْنَبَ لَمَّا سَمِعَتْ مَضْمُونِ الْأَبْيَاتِ وَ كَانَتْ فِي مَوْضِعٍ آخَرَ مُنْفَرِدَةً مَعَ النِّسَاءِ وَ الْبَنَاتِ خَرَجَتْ حَاسِرَةً تَجُرُّ ثَوْبَهَا حَتَّى وَقَفَتْ عَلَيْهِ وَ قَالَتْ وَ أَتُكَلِّاهُ لَيْتَ الْمَوْتُ أَغْدَمَنِي الْحَيَاةَ الْيَوْمَ مَاتَتْ أُمِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي عَلِيٌّ وَ أَخِي الْحَسَنُ يَا خَلِيفَةَ

الْمَاضِينَ وَثِمَالِ الْبَاقِينَ ثُمَّ أَهْوَتْ إِلَى جَبِيهَا فَشَقَّتْهُ وَخَرَّتْ مَغْشِيَةً عَلَيْهَا فَقَامَ عَلَيْهِ
فَصَبَّ عَلَيْهَا الْمَاءَ حَتَّى أَفَاقَتْ... ؛

و به طریق دیگری چنین روایت شده:

هنگامی که حضرت زینب علیها السلام مضمون این اشعار را [که امام حسین علیه السلام می خواند]
شنید، جدای از او ، همراه بانوان و دختران بود. آنگاه [از خیمه] خارج شد، در حالی -
که بالاپوش خود را انداخته بود و لباس هایش را بر زمین می کشید و می آمد، تا جایی
که نزد امام حسین علیه السلام ایستاد و فرمود: وای از داغ مصیبت من! اکنون مانند مادران
فرزند از دست داده، مصیبت زده شده ام! ای کاش مرگ به زندگی من پایان می داد!
امروز از دنیا رفت، مادرم فاطمه علیها السلام و پدرم علی علیه السلام و برادرم امام حسین علیه السلام ای
جانشین و بازمانده گذشتگان! ای سرپرست و یاری گر درماندگان! ... سپس دست به
سمت گریبان خود برد و آن را چاک داد و بیهوش بر زمین افتاد. پس از آن امام
حسین علیه السلام از جا برخاست و بروی خواهر خد آب ریخت تا او به هوش آمد ...^۱

۸ : سید بن طاووس نیز روایت کرده است: ... یزید دستور داد طنابها را پاره کنند،
سپس سر حسین علیه السلام را در بین دستانش قرار داد و زنان پشت سر او نشستند تا این
صحنه را نظاره نکنند. امام علی بن الحسین علیه السلام او را دید و پس از آن هیچ گاه کله
(سر گوسفندی) نخورد^۲، و زینب علیها السلام هنگامی که آن صحنه را دید، پیراهن خود را
درید و با صدایی پر از اندوه، که قلبها را به درد می آورد، ناله یا حسینه ... سر داد.^۳
۹ : در کتاب الدمعه الساکبه (اشک ریخته)، تألیف علامه سید هاشم بحرانی آمده
است: زمانی که بنی هاشم به کربلا رسیدند - پس از بازگشت از مدینه - شروع به
گریه و زاری و شیون و لطم کردند و سه روز به عزاداری پرداختند. زینب کبری علیها السلام

۱ . اللهوف علی قتلی الطفوف ، ص ۸۳-۸۴.

۲ . عبارت نخوردن سر در کتاب لهوف ذکر نشده است.

۳ . لهوف، ج ۱، ص ۷۸.

پیراهن خویش را درید و با صدایی حزین و اندوهناک، ناله و احسیناه، و احبیب رسول الله، وای پسر مکه و منی، ای فرزند فاطمه زهرا و ای فرزند علی مرتضی سر داد.. سپس آهی کشید و بی هوش بر زمین افتاد.

پاسخ به وهابیت

روایت زیر درباره حضرت زینب علیها السلام است:

«ثُمَّ وَضَعَ رَأْسَ الْحُسَيْنِ عليه السلام بَيْنَ يَدَيْهِ وَاجْلَسَ النِّسَاءَ خَلْفَهُ لِيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ فَرَأَاهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام فَلَمْ يَأْكُلِ الرَّءُوسَ بَعْدَ ذَلِكَ أَبَدًا وَأَمَّا زَيْنَبُ فَإِنَّهَا لَمَّا رَأَتْهُ أَهْوَتْ إِلَى جَنْبِهَا فَشَقَّتْهُ ثُمَّ نَادَتْ بِصَوْتٍ حَزِينٍ يُفْرِغُ الْقُلُوبَ يَا حُسَيْنَاهُ يَا حَبِيبَ رَسُولِ اللَّهِ يَا ابْنَ مَكَّةَ وَمَنِي يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ يَا ابْنَ بِنْتِ الْمُصْطَفَى. قَالَ الرَّأْوِي: فَأُبْكْتُ وَاللَّهِ كُلُّ مَنْ كَانَ فِي الْمَجْلِسِ وَزَيْدٌ عَلَيْهِ لَعَائِنُ اللَّهِ سَاكِتٌ. ثُمَّ دَعَا زَيْدٌ عَلَيْهِ اللَّعْنَةَ بِقَضِيبٍ خَيْرُزَانَ فَجَعَلَ يَنْكُتُ بِهِ ثَنَابًا الْحُسَيْنِ عليه السلام ... وَجَعَلَ يَزِيدُ يَتَمَثَّلُ بِأَيَّاتِ ابْنِ الزُّبَيْرِ...»^۱

... یزید سر مبارک امام حسین علیه السلام را پیش روی خود نهاد و زنان را پشت سر خود جای داد تا آنان رفتار او را نبینند؛ به محض آن که نگاه امام سجاد علیه السلام به سر نازنین پدر افتاد و آن صحنه دلخراش را دید، دیگر تا پایان زندگی از گوشت تناول نفرمود، و چون حضرت زینب علیها السلام سر مبارک برادر را دید از اوج ناراحتی دست به گریبان برد و آن را چاک کرد؛ سپس چنان با آوای غمناک فریاد زد: واحسیناه که با ناله اش دل-ها ریش شد ...

وهابیت با استناد به روایت بالا می گویند: آیا عملی همچون گریبان چاک کردن در شأن شخصیتی همچون اهل بیت علیهم السلام و حضرت زینب علیها السلام و سایر اهل بیت علیهم السلام

۱. لهوف، صص ۱۷۸-۱۸۰.

می‌باشد؟! سپس با استناد به آیاتی از قرآن کریم دستور به صبر و شکیبایی هنگام مصیبت « وَ لَنْبَلُوَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ، الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ »^۱ و « إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ »^۲

و در منع از چاک کردن گریبان به هنگام ماتم شبهه خود را با روایاتی همچون آنچه در زیر می‌آید تحکیم می‌بخشند:

۱ : استناد به روایاتی که در کتب روایی اهل سنت در لعن پیامبر ﷺ نسبت به چاک کنندگان ریبان و لطمه زندگان به صورت وارد شده :

عن عبدالله قال قال النبی ﷺ ليس منا من لطم الخدود و شق الجيوب و دعا بدعوى الجاهلية ؛

پیامبر ﷺ فرمود: کسی که در مصیبت بر صورت زند و گریبان چاک کند و سخنان جاهلی بر زبان آورد از ما نیست.^۳

و با این روایت که در کتاب‌های خود آورده اند مبنی بر این که :

عن ابی امامه ان رسول الله ﷺ الخامشه وجهها و الشاقه جيبها و الراعيه بالويل و الثبور ؛

ابو امامه می‌گوید: پیامبر ﷺ زانی که در مصیبت‌ها به صورت‌ها خدشه زده، گریبان چاک کرده و آه و فغان به راه می‌اندازند را لعن فرمود.^۴

۱ . بقره / ۱۵۵ - ۱۵۶ .

۲ . زمر / ۱۰ .

۳ . صحیح بخاری، ج ۱، ص ۴۳۵، کتاب الجنائز، باب ۳۴، باب ليس منا من شق الجيوب، محمد بن اسماعیل البخاری، (۲۵۶ق) ، دار ابن کثیر، بیروت، ۱۴۰۷ق ، طبع سوم، تحقیق: ديب البغا

۴ . سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۵، ح ۱۵۸۵، باب ۵۲، باب النهی عن ضرب الخدود، محمد بن یزید القزوينی (۵۲۷هـ) دارالفکر، بیروت، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي.

استاد به روایاتی از کتب شیعه در منع گریبان چاک کردن و امثال آن، مانند این روایت که امام حسین علیه السلام در ساعات پایانی حیات خویش به هنگام وداع با خواهرش زینب علیها السلام به او فرمود:

... و قال لها يا اخية اني اقسمت فابري قسمي لا تشقى على جيبا و لا تخمشي على وجهها و لا تدعى على بالويل و الثبور اذا انا هلك.

ای خواهرم! در شهادت من گریبان چاک مکن، صورت مخراش و ناله و فغان سر مده.^۱

پاسخ نقضی:

گریبان چاک زدن در مرگ یزید به عمر بن هبیره (۱۸۲هـ) آخرین حاکم اموی در عراق

در متون تاریخی اهل سنت و مورد قبول وهابیت گزارش‌هایی از گریبان چاک زدن‌ها ثبت شده که حاکی از رویه عادی انسان‌ها برای تخلیه فشار روحی و کاهش دردها و آلام ناشی از مصیبت بوده و از نگاه فطرت سلیم بشر، مورد نهی و نکوهش نبوده، چنان که موردی از آن را درباره وفات ابن هبیره در سال ۱۸۲ هـ.ق در شهر واسط نقل کرده‌اند که پس از کشته شدن وی به دست عباسیان، ابوعطاء سندی این اشعار را که گویای بخشی از حوادث اتفاق افتاده در رثای اوست سرود:

همانا چشمی که روز کشته شدند در شهر واسط برای تو اشکش جاری نشود، خشک باد. در شب گذشته زنان نوحه خوان در عزای تو نوحه‌ها سر داده و در مصیبت از دست دادن تو گریبان‌ها چاک زدند و گونه‌ها خراشیدند.^۲

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۱۱۷، باب ليله عاشوراء، الشيخ المفيد، (۴۱۳هـ) دارالمفيد للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت، ۱۴۱۴هـ، ۱۹۹۳م، الطبعة الثانية، تحقيق: مؤسسه آل البيت.

۲. الا ان عينا لم تجد يوم واسط عليک يجاری دمعها لجمود

عشية فام النائحات و شقت جیوب بایدی ماتم و حدود

تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۶۴، ابوجعفر محمد بن جریر الطبری (۳۱۰هـ) دارالکتب العلمیه، بیروت.

گریبان چاک زدن در مرگ نووی (یکی از علمای پرآوازه اهل سنت)

یا در مرگ نووی اشعار زیادی سروده شده که در یکی از آنها اشعاری چنین آمده است:

بلند مرتبه است آن که در مرگ او گریبان‌ها چاک زده شد. در مرگ او نه تنها گریبان که قلبم را چاک زدم.^۱

پاسخ حلی:

خودداری از رفتارهای جاهلی و کفرآمیز

دین مبین اسلام همواره تخلیه صحیح فشارهای روحی که بر اثر شدت مصیبت بر انسان وارد می‌گردد را موافق با فطرت سلیم بشر و مؤثر در کاهش دردها و آلام به جا مانده از آن دانسته و مادامی که به خلاف شرع نیجامد نه تنها آن را امضا کرده، بلکه جایز شمرده است.

ضعف سند روایات مخالفان

درباره روایاتی که معمولاً توسط وهابیت مورد استناد قرار می‌گیرد باید گفت: **اولاً:** روایاتی که از کتب اهل سنت بیان می‌شود برای شیعه حجت نبوده و الزام‌آور نیست؛ گذشته آن که از مفهوم همین روایات می‌توان فهمید، این گونه روایات در صدد نهی رفتارهای جاهلی و کفرآمیز در عزاداری است.

تاریخ مدینه دمشق، ج ۶۵، ص ۳۳۴، رقم ۸۳۲۸ (ترجمه یزید بن عمر بن هبیره)، علی بن الحسین بن عبدالله شافعی (۵۷۱ق) دارالفکر بیروت، ۱۹۹۵م، تحقیق: غرامه العمری.

۱. خطب رفع من شق الجيوب له فقد شقت جنانی دون قمصان

تحفه الطالبین فی ترجمه الامام النووی، ج ۱، ص ۲۰، علاء الدین علی بن ابراهیم بن العطار (۷۲۴ق) دارالنشر. شبهات عزاداری، عصری، ج ۱، ص ۴۵۹.

ثانیاً: روایتی که شیخ مفید^(رحمته الله) در ارشاد ذکر کرده و امام حسین^(علیه السلام) خواهرش را از گریبان چاک نمودن نهی نموده، از جهت سند به خاطر «مُرسل» بودن ضعیف و غیر قابل استناد می‌باشد.

ثالثاً: با صرف نظر از اشکال سندی، این نهی به خاطر موقعیت خاص حضرت زینب^(علیها السلام) و امکان سوء استفاده دشمن، تضعیف روحیه فرزندان و دیگر بازماندگان و شرایط حساسی بوده که در انتظار بانوی کربلا بوده است و تا لحظاتی دیگر باید رسالت بزرگی را به دوش کشید که با هرگونه اظهار ضعف از سوی آن بانو امکان پذیر نمی‌باشد.

رابعاً: نهی امام، ارشادی است نه مولوی تا گناه محسوب شود؛ بلکه به جهت آرام ساختن و دلداری بخشیدن به اهل بیت و دیگر زنان و خردسالان خیمه‌ها بوده است؛ بدین معنا که گویا امام حسین^(علیه السلام) با سخنان خود خطاب به خواهر می‌کوشد تا فرزندان خردسال و دیگر زنان اهل حرم چنین پیامی برساند که جای نگرانی نیست. اگر واقعاً نهی امام حسین^(علیه السلام) مولوی بود، چرا هنگامی که حضرت در برابر لشکر دشمن خطبه خواند و اهل بیت با صدای بلند گریستند و به خود لطمه زدند، آنها را نهی نفرمود؟!

... چون دختران اباعبدالله^(علیه السلام) و خواهرش حضرت زینب^(علیها السلام) صدای آن حضرت را شنیدند اشک ریختند، بلند گریه کردند، لطمه زدند و صداهایشان بلند شد.^۱
«... فلما سمع بناته و اخته زینب کلامه بکین و ندبن و لطن و ارتفعت اصواتهن...»^۲

امضای معصوم^(علیه السلام) بر گریبان چاک زدن زنان حرم حسینی^(علیه السلام)

۱. شبهات عزاداری، ج ۱، ص ۴۶۰-۴۶۱.

۲. لهوف، ص ۸۷.

در روایاتی که شیعه به آن استدلال می‌کند روایتی از امام صادق علیه السلام ذکر می‌شود که در آن چاک کردن گریبان به زنان حرم از سوی آن حضرت نقل شده و ردّی هم بر آن نشده، بلکه با جمله‌ای که پس از آن بیان فرموده این رفتار را در مصیبت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام شایسته و به جا دانسته است:

خالد بن سدير می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد مردی که از مرگ پدر، مادر، برادر و یا یکی از نزدیکانش لباس خود را پاره کند (گریبان چاک زند) پرسیدم. حضرت فرمود: کسی که (در مصیبت نزدیکان خود) به صورت خود زند جز استغفار و توبه بر عهده او نیست (کفاره واجب نیست)؛ همان‌گونه که بانوان حرم حسینی علیهم السلام در مصیبت امام حسین بن علی علیهما السلام گریبان چاک زده و به صورت می‌زدند، و بر مصیبتی چون مصیبت او باید گونه‌ها را لطمه زده و گریبان‌ها چاک گردد.^۱

استثناء شدن چاک زدن گریبان در عزای سیدالشهدا علیه السلام

باتوجه به ادله و روایات عام و خاصی که در باب عزای سیدالشهدا علیه السلام وارد شده^۲ گریبان چاک زدن در این مورد استثنا شده است:

روایات عام

۱. عن خالد بن سدير اخي حنان بن سدير قال: سالت اباعبدالله عليه السلام عن رجل شق ثوبه على ابيه او على امه و او عله ايه او على قريب له. فقال: لا بأس بشق الجيوب ... و لا شيء في اللطم على الخدود سوى الاستغفار و التوبه، و قد شققن الجيوب و لطنن الخدود الفاطميات لى الحسين بن على عليهما السلام و على مثله تلطم الخدود و شق الجيوب.

(تهذيب الاحكام، ج ۸، ص ۳۲۵، باب الكفارات، محمد بن الحسن بن على الطوسى (۴۶۰هـ) دارالاکتب الاسلاميه، طهران، ۱۳۶۵ش، ط: ۴، تحقيق: السيد حسن الموسوى الخرسان.

۲. رک: شبهات عزاداری، ج ۱، ص ۳۲۷، ذیل عنوان ادله عام و خاص برای گریه و اشک در عزای امام حسین علیه السلام.

۱: روایاتی که با سند معتبر از معاویه بن وهب از امام صادق علیه السلام در جواز هر جَزَع و فَزَع (بی تابی) در عزای سیدالشهدا علیه السلام وارد شده که می‌فرماید:
هرگونه جزع و فزع (بی‌تابی) و گریه‌ای در مصیبت مکروه است، جز آن که در عزای امام حسین علیه السلام باشد.^۱

۲: روایتی که از امام رضا علیه السلام نقل شده و در آن مصیبت جزد بزرگوارش در کربلا را مصیبتی غیر قابل قیاس با مصیبت‌های دیگر و احکامی استثنایی بیان فرموده است:
روز شهادت امام حسین علیه السلام پلک‌های ما را مجروح، اشک‌های ما را جاری، عزیز ما را به ظاهر (در نظر مردم) خوار و ما را تا روز قیامت میراث خوار سختی و بلا از سرزمین کرب و بلا ساخت. گریه کنندگان بر همچون حسین علیه السلام، باید بگریند که گریه بر او گناهان بزرگ را می‌بخشد. (سپس فرمود:) چون ماه محرم فرا می‌رسید تا دهم آن ماه کسی پدرم موسی بن جعفر علیه السلام را خندان نمی‌دید و در این مدت، حزن و اندوه بر او غالب بود و آن روز، روز مصیبت، غم و اندوه و گریه‌های پدرم می‌گشت و می‌فرمود: امروز روزی است که جدم حسین علیه السلام به شهادت رسیده است.^۲
گذشته از استثنایی که در چاک کردن گریبان برای عزای سیدالشهدا علیه السلام و عزای پدر و برادر شده، تقریباً همه علمای شیعه قائل به حرمت چاک زدن گریبان و یا پاره نمودن جامه به هنگام مصیبت شده‌اند.

موارد دیگر از گریبان چاک زدن‌ها

۱. عن معاوية بن وهب قال ابو عبد الله علیه السلام: كل الجزع والبكاء مكروه سوى الجزع والبكاء على الحسين علیه السلام.
امالی، ص ۱۶۲، ح ۲۰/۲۶۸، باب ثینح ینتظر دوله الحق، الشیخ الصدوق (۳۸۱هـ) مؤسسة البعثة، قم، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷ق، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه.
۲. امالی، ص ۱۹۰، ح ۲/۱۹۹، المجلس السابع والعشرون.

گریبان چاک زدن اختصاص به حرم حسینی ندارد؛ بلکه بر اساس روایات، موارد دیگری از این رفتار در مصیبت‌ها دیده شده که به مواردی از آن اشاره می‌کنیم:

گریبان چاک زدن حضرت موسی علیه السلام در وفات برادرش حضرت هارون علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام در عزای برادرش هارون علیه السلام گریبان دریده است:

خالد بن سدير می‌گوید: از امام علیه السلام در مورد مردی که در مرگ پدر، مادر، برادر و یا یکی از نزدیکانش لباس خود را پاره کند (گریبان چاک زند) پرسیدم.

حضرت فرمود: اشکال ندارد، مگر نه این که موسی بن عمران علیه السلام در وفات برادرش هارون علیه السلام گریبان چاک زد؟^۱

گریبان چاک زدن زنان انصار برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

در مورد دیگر شاهد همین رفتار از سوی زنان انصار در شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستیم، اما نه تنها حضرت آنها را نهی نفرمود، بلکه برای آنان دعای خیر فرموده است:

زنان انصار (به محض شنیدن شایعه شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ احد) صورت‌های خود را خراشیده، موهای خود را پریشان نموده، موهای جلوی سر را کنده، گریبان‌ها چاک زدند، و غذا خوردن را بر خود حرام کردند و چون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آنان را دید، برای آنان دعای خیر نمود و امر فرمود: تا خود را بیوشانند و به منزل‌های خود بروند...^۲

گریبان چاک زدن امام عسکری علیه السلام در شهادت برادر بزرگوارش

۱. تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۳۲۵، باب الکفارات.

۲. الکافی، ج ۸، ص ۳۱۸، ح ۵۰۲، باب غزوه احد، الشیخ الكلینی، (۳۲۹ق) دارالکتب الاسلامیه، طهران، ۱۳۶۷ش، الطبعة الثالثة، تحقیق: علی اکبر الغفاری. و النساء نساء الانصار قد خدشن الوجوه و نشرن الشعور و جزرن النواصي و خرقت الجيوب و خدمن البطون علی النبی صلی الله علیه و آله و سلم فلما رأینہ قال لهن خیرا و امرهن ان سترن و یدخلن منازلهن.

نمونه دیگر در تأیید مدعای ما:

ابوهاشم جعفری گوید: در تشییع جنازه امام هادی علیه السلام، امام حسن عسکری علیه السلام در حالی که گریبان چاک زده بود بیرون آمد، ابوعون در نامه‌ای به حضرت نوشت چه کسی را دیده‌ای و یا از کدامین امام به تو رسیده لباس را چنین چاک بزنی؟ امام حسن عسکری علیه السلام در پاسخ او نوشت: ای احمق! تو چه می‌دانی این کار چیست؟ (و من در مصیبت چه کسی گریبان چاک زده‌ام). حضرت موسی علیه السلام نیز در وفات برادرش هارون علیه السلام گریبان چاک زد.^۱

پزشکی گریبان چاک زدن

زمانی که بر شخصی مصیبتی وارد می‌شود، درجه حرارت بدن بالا می‌رود و ضربان قلب افزایش می‌یابد و انسان بر اعصاب خود مسلط نیست. در این حالت، دریدن پیراهن امری طبیعی و قابل اغماض برای آن شخص است. ضمن اینکه در آن حالت، شخص احتیاج به هوای بیشتر دارد و ریه با سرعت بیشتری تنفس را انجام می‌دهد و در عین حال نیاز قلب به هوا گاهی بیشتر از قدرت ریه‌ها است؛ بنابراین شخص مصیبت دیده پیراهن خود را می‌درد. این کار به طور طبیعی برای رساندن هوای بیشتر به ریه‌ها صورت می‌گیرد، همان‌گونه که به هنگام نزدیک شدن یک شیء خطرناک به چشم؛ به وسیله حرکات عصبیه، پلک‌های چشم بسته

۱. علی بن عیسی فی کتاب «کشف الغمه» نقلاً من کتاب «الدلائل» لعبدالله بن جعفر الحمیری، عن ابی هاشم جعفری، قال: خرج ابو محمد علیه السلام فی جنازة ابی الحسن علیه السلام و قمیصه مشقوق ، فکتب الیه ابن عون: من رأیت او بلغک من الائمة شق قمیصه فی مثل هذا ؟ فکتب الیه ابو محمد علیه السلام : یا احمق! و ما یدریک ما هذا؟ قد شق موسی علی هارون.

وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۴۷، ح ۵، باب کراهه الصیاح علی المیت، الشیخ الحر العاملی، (۱۱۰۴ق) مهر، قم، ۱۴۱۴هـ، ط: ۲، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث. بحار الانوار، ج ۹، ص ۸۵.

می‌شود. بنابراین پاره کردن پیراهن از نوع بستن پلک‌های چشم می‌باشد و در محدوده شرع نیست؛ چرا که غالباً بدون تأمل فراوان انجام می‌شود. علاوه بر این که بسیاری از اوقات، از سکتۀ قلبی مصیبت دیده پیشگیری می‌کند.^۱

نظرات ارکان و بزرگان شیعه

شرع نیز دریدن پیراهن را، نه فقط برای امام حسین علیه السلام و نه تنها برای معصومین علیهم السلام، بلکه برای هر کس به هنگام فوت نزدیکی از او، مگر فرزند و همسر مباح شمرده شده است.

در جواهر الکلام از خالد بن سدیر نقل شده است:

از امام جعفر صادق علیه السلام راجع به مردی پرسیدند که پیراهنش را در فوت پدر یا برای مادر و یا برادر و یا یکی از نزدیکانش پاره کرده بود.

حضرت فرمودند: اشکالی در شکافتن پیراهن نیست؛ همانا موسی بن عمران علیه السلام برای برادرش هارون، پیراهن خود را شکافت، اما پدر برای فرزند و شوهر برای زن نباید پیراهنش را بدرد، ولی زن برای شوهر اشکالی ندارد... و فاطمیون برای حسین بن علی علیهما السلام پیراهن‌های خویش را دریدند و گونه‌های خود را خراش دادند و در مثل این مصیبت پیراهن‌ها باید دریده و صورت‌ها خراشیده شوند.^۲

بنابراین مانعی در شکافتن پیراهن برای هر فقیدی نیست، به استثنای آنچه که گفته شد. همان طور هم مانعی برای دریدن پیراهن برای امام حسین علیه السلام نیز وجود ندارد، بلکه داخل کردن آن در هر عزای منسوب به آن حضرت مستحب است. چرا که امام صادق علیه السلام همان گونه که در روایت شیخ در تهذیب و روایت خالد بن سدیر آمده

۱. شیوه‌های یاری غریب کربلا، ص ۹۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۸۳.

است، آن را اجازه داده‌اند. بلکه فراتر از آن برای غیر از امام حسین علیه السلام نیز اجازه داده‌اند؛ به دلیل کلمه «مثل» در این دو روایت.

بسیاری از علمای بزرگ شیعه با استناد به همین روایات به جواز بیان گریبان چاک زدن در مرگ پدر یا برادر فتوا داده‌اند.

شهید اول علیه السلام می فرماید:

به جز ابن ادریس حلی همه علمای شیعه گریبان چاک زدن را در مرگ پدر و برادر جایز می دانند؛ زیرا امام حسن علیه السلام در شهادت امام هادی علیه السلام گریبان چاک زد و بانوان حرم حسینی نیز در شهادت امام حسین علیه السلام گریبان چاک زدند... خالد بن سدیر می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد مردی که در مرگ پدر، مادر، برادر و یا یکی از نزدیکانش لباس خود را پاره کند (گریبان چاک زند) پرسیدم؟ حضرت فرمود: اشکال ندارد، مگر نه این که موسی بن عمران علیه السلام در وفات برادرش هارون علیه السلام گریبان چاک زد؟^۱

شهید ثانی علیه السلام می فرماید:

به جز در مرگ پدر و برادر، گریبان چاک زدن در مرگ دیگر نزدیکان حرام است؛ زیرا که موجب از بین رفتن مال و ناخشنودی از قضای الهی است. بیشتر علمای شیعه گریبان چاک زدن در مرگ پدر و برادر استثنا کرده اند؛ زیرا امام حسن عسکری علیه السلام در شهادت پدر بزرگوارش امام هادی علیه السلام گریبانش را از جلو و پشت چاک زد و بانوان حرم حسینی نیز در مصیبت امام حسین علیه السلام گریبان چاک

۱. و استثنی الاصحاح الا ابن ادریس شق الجيوب علی موت الاب و الاخ لفعل العسکری علیه السلام علی الهادی، و فعل الفاطمیات علی الحسین علیه السلام... عن خالد بن سدیر، عن الصادق علیه السلام و سأله عن رجل شق ثوبه علی ابیه او علی امه او علی اخیه او علی قریب له فقال: لا بأس بشق الجيوب قد شق موسی بن عمران علی اخیه هارون. (ذکری الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۲، ص ۵۶).

زدند و از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده که فرمود: همانا موسی بن عمران عَلَيْهِ السَّلَامُ در وفات برادرش هارون عَلَيْهِ السَّلَامُ گریبان چاک زد.^۱

مرحوم میرزای قمی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ می گوید:

دلیل علما بر استثنای گریبان چاک زدن در مرگ پدر و برادر ، روایات است که در مورد گریبان چاک زدن امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ در شهادت امام هادی عَلَيْهِ السَّلَامُ و گریبان چاک زدن حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ در وفات هارون عَلَيْهِ السَّلَامُ و گریبان چاک زدن بانوان حرم حسینی در مصیبت شهادت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ است که به ما رسیده است.^۲

صاحب کتاب شفاء الصدور

ذیل حدیث گریبان چاک زدن بانوان حریم حسینی عَلَيْهِ السَّلَامُ می نویسد: و از این حدیث، شرف و جلالت خاندان عصمت معلوم می شود که امام عَلَيْهِ السَّلَامُ به فعل دختران علی و فاطمه عَلَيْهِمَا السَّلَامُ در روز عاشورا احتجاج می کند تا دلالت کند بر اینکه در آن حالت هم

۱ . شق الثوب علی غیر الاب و الاخ من الاقارب و غیرهم لما فیه من اضاعه المال و السخط بقضاء الله و علی استثناء الاب و الاخ الاکثر الاصحاب لان العسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ شق ثوبه علی ابیه الهادی عَلَيْهِ السَّلَامُ خلف و قدام و فعله الفاطمیات علی الحسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و عن الصادق عَلَيْهِ السَّلَامُ ان موسی شق علی اخیه هارون...
روض الجنان فی شرح ارشاد الازدهان، ج ۲، ص ۸۵۴، باب حرمة نقل المیت بعد دفنه، الشہید الثانی، (۹۶۵ هـ).

۲ . و اما الاستثناء فدلله ما استفیض فی الاخبار من فعل ابی محمد الحسن عَلَيْهِ السَّلَامُ علی ابیه الهادی عَلَيْهِ السَّلَامُ و فی بعضها تعلیل بان عَلَيْهِ السَّلَامُ شق ثوبه علی هارون عَلَيْهِ السَّلَامُ و لما نقل من فعل الفاطمیات علی الحسین عَلَيْهِ السَّلَامُ.
غنائم الایام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۳، ص ۵۵۶، المبحث: ۲، باب لا يجوز شق الثوب علی غیر الاب و الاخ، المیرزا القمی، (۱۲۳۱ ق). شبهات عزاداری، ج ۱، ص ۴۶۵-۴۶۶.

کاری که از قانون شرع بیرون باشد نکرده‌اند و فعل ایشان، دلیل جواز است، چه در منزل حی تربیت شده و در خانه نبوت نشو و نما کرده و از پستان عصمت و طهارت ارتضاع فرموده‌اند: سلام الله علیهم اجمعین.^۱

سایر علما و فقها نیز به فعل امام حسن عسکری علیه السلام و فاطمیات در کربلا تمسک کرده‌اند.^۲

گریبان چاک زدن در مصیبت معصومان علیهم السلام مانعی ندارد.^۳

ابن ادریس در سرائر:

به عبارت ذیل این حدیث تعبیر کرده، استدلال بر جواز «شق ثوب» می‌کند.^۴
و از این جا معلوم می‌شود که این خبر قطعی الصدور است، چه طریقه او در اصول منع حجیت اخبار آحاد است، چنانچه نزد اهلش مشهور است.

۱. شفاء الصدور، ص ۵۳۸.

۲. روضه المتقین، ج ۸، ص ۶۸؛ ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۴؛ بزرگترین مصیبت عالم، ص ۱۸۴.

۳. الشعائر الحسینیه، صافی گلپایگانی، ص ۱۳۰.

۴. اسرار، ج ۳، ص ۷۸.

فصل پنجاه و یکم : لا تبصر من تواتر البكاء^۱

بدین معنا که چشم از اشک‌های زیاد و پی در پی نبیند.

حضرت زهرا علیها السلام برای پدر بزرگوارش ناله و ندبه می‌کرد و می‌فرمود:

وَ اَبْتَاهُ ! وَ صَفِيَّاهُ ! وَ مُحَمَّدَاهُ ! وَ اَبَا الْقَاسِمَاهُ ! وَ رَبِيعَ الْاَرَامِلِ وَ الْيَتَامَى ! مَنْ لِلْقَبْلَةِ وَ الْمُصَلَّى ؟ وَ مَنْ لِبَابَتِكَ الْوَالِهَةِ الشَّكْلَى !

ثُمَّ اَقْبَلَتْ تَعْتُرُ فِي اَذْيَالِهَا وَ هِيَ لَا تُبْصِرُ شَيْئًا مِنْ غَبْرَتِهَا وَ مِنْ تَوَاتُرِ دَمْعَتِهَا حَتَّى دَنَتْ مِنْ قَبْرِ اَبِيهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ^۲

سپس روی آورد به طرف قبر مطهر حضرت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در حالی که می‌لرزید دامن کشان افتاد به خاطر اشک‌های زیاد و گریه‌های پی در پی چشمانش نمی‌دید تا اینکه نزد قبر پدر بزرگوارش شد...

اشک از چشمان مقدس حضرت زهرا علیها السلام به طور متواتر و پشت سر هم می‌آمده است که دید خود را از دست داده بود و بر زمین می‌خوردند. وای از این مصیبت و لعنت بر دشمنان.

۱ . برگرفته از سایت ویلاگ لثارات الحسین بلاگفا دات کام می‌باشد.

۲ . بحار الانوار (ط بیروت) ، ج ۴۳ ، ص ۱۷۵ ؛ عوالم العلوم ، ج ۱۱ ، ص ۷۹۲ و ص ۸۱۱ ؛ منهاج البراعه ، ج ۱۳ ، ص ۲۴ .

فصل پنجاه و دوم : المصيبة اجلی من البكاء

روایت شده که مردم در شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام دیدند که حضرت خضر علیه السلام آمد و فضائل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را برشمرد و ناله کرد سپس گفت:

وَأَتَعَبْتُ مَنْ بَعْدَكَ تَعَبًا شَدِيدًا فَجَلَلْتُ عَنِ الْبُكَاءِ وَ عَظُمَتْ رَزِيَّتُكَ فِي السَّمَاءِ وَ هَدَّتْ مُصِيبَتُكَ الْأَنَامَ فَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.^۱

معنا:

جللت عن البكاء: علامه مجلسی رحمته الله در ذیل این روایت، این کلام را معنی می کنند:

فجللت عن البكاء ، أى أنت أجل من أن يقضى حق مصيبتك البكاء ؛ مصيبت تو اجل از این است که حثق آن با گریه ادا شود.^۲

همچنین در جای دیگر دو احتمال می دهند و احتمال اول را می پذیرند:

فجللت عن البكاء أى أنت أجل من أن يقضى حق مصيبتك و الجزع عليك بالبكاء بل بما هو أشد منه أو أنت أجل من أن يكون للبكاء عليك حد و الأول أظهر.^۳

جللت عن البكاء (معنای اول): یعنی تو بسی بالاتر از آن هستی که حق مصیبت تو و جزع بر تو، با گریه ادا شود. بلکه باید شدیدتر از گریه باشد.

یا (معنای دوم): تو بالاتر از آن هستی که گریه برای تو حدی داشته باشد. احتمال اول ظاهرتر است.

۱ . الکافی، ج ۱، ص ۴۵۶؛ امالی صدوق، ص ۲۴۲؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۹۰؛ الوافی، ج ۳، ص ۷۴۳؛ حلیه الابرار، ج ۲، ص ۴۰؛ مدینه المعاجز، ج ۳، ص ۶۷؛ مرآة العقول، ج ۵، ص ۳۰۳؛ بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۳۰۵.

۲ . بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۳۰۶.

۳ . بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۵۸.

همانطور که از کلام مرحوم علامه مجلسی بر می آید این است که منظور از «جللت عن البكاء» یعنی گریه و تو تا ابدالدهر باشد، حق مصیبت تو را نه تنها ادا نمی کند، بلکه به کار بردن جللت، یعنی تو خیلی عظیم تر و جلیل تر از آن هستی که فقط با گریه و لو تا ابدالدهر حق مصیبت تو ادا شود.

صاحب کتاب شریف «مرآة العقول» بسیار زیبا و البته صریح مطلب را بیان می کند: «فجللت عن البكاء» أی أنت أجل من أن تتدارك مصيبتك بالبكاء، بل قتل الأنفس أيضا قليل في ذلك؛ جللت عن البكاء یعنی تو اجل از آن هستی که مصیبت تو با گریه جبران شود بلکه قتل نفس هم در این راه اندک است.^۱

حق این است و جز این نیست که در مصیبت حجت و ولی و خلیفه خدا او که سبب خلقت و غایت خلقت است قتل نفس نه تنها جایز، بلکه راجح و پسندیده است.

این در مصیبت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ما در مصیبتی که «لا یوم کیومه» است چه باید کرد؟ مصیبتی که به قول خود ذات مقدس خداوند: «تَصْغُرُ عَنْهَا الْمَصَائِبُ»^۲، تمامی مصیبت ها اگر یک طرف جمع شوند در برابر مصیبت امام حسین علیه السلام کوچک اند، چه باید کرد؟!

وای از عظمت مصیبت و ویل بر آنان که در انواع عزاداری بر آن مظلوم ایراد می گیرند!

آنکه می فرمایند: «قتل انفس» در این عزا جایز است اشاره به این روایاتی دارد که می فرماید: بعد از قتل مولای ما ابی عبدالله الحسین علیه السلام بنابر این بود که بساط خلقت برچیده شود و حتی ملائکه اذن گرفتند بر نابودی اهل زمین که والله العلی العظیم، اگر همه عالم هم نابود می شد در این مصیبت کم بود. مگر می شود حق مصیبتی را

۱. مرآة العقول، ج ۵، ص ۳۰۳.

۲. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۵؛ ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، ج ۱، ص ۱۷۴؛ مجموعه رسائل در شرح احادیثی از کافی، ج ۲، ص ۴۱۵.

ادا کرد که خدا عزادار آن است؟ و به خاطر همین است که ذیل آیه: «فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ؛ در قتل اسراف نکنید»^۱ حضرت صادق علیه السلام فرمودند: این برای منتقم ما مهدی علیه السلام نیست؛ زیرا او به خاطر انتقام حسین علیه السلام اگر همه عالم را هم بکشد حق دارد.^۲

به هر ترتیب ای عزیز! این زیباست و شایسته که مصیبت زده در عزای محبوبش در عین اینکه انواع عزاداری را احیاء و تعظیم می کند در عین حال بسوزد و بسازد. باید با این مصیبت سر کند و با این سوز و الم زندگی کند و چه زندگی شیرین تر از آن زندگی که با تلخی و الم ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام باشد. چنانکه امام صادق علیه السلام فرمودند: «فَمَا أَنْقَضَ [أَنْغَصَ] ذِكْرَ الْحُسَيْنِ لِلْعَيْشِ؛ چقدر زندگی با یاد حسین علیه السلام تلخ می شود»^۳

۱. اسراء / ۳۳.

۲. محمد بن الحسن بن احمد، از محمد بن الحسن الصفار، از عباس بن معروف، از محمد بن سنان، از شخصی نقل نموده که وی گفت: از حضرت ابی عبد الله علیه السلام از تفسیر آیه شریفه: «وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» پرسیدم.

حضرت فرمودند: مقصود از «ولی» قائم آل محمد علیه السلام بوده که خروج نموده پس به خون خواهی حضرت سید الشهداء علیه السلام شروع به کشتن می نماید به طوری که اگر اهل زمین را بکشد اسراف نکرده است. و در ذیل این فقره از آیه «فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ» می فرماید: حضرت قائم علیه السلام اقدام به چیزی که اسراف محسوب شود نمی کنند. سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: به خدا قسم! حضرت قائم علیه السلام اعقاب کشندگان سید الشهداء علیه السلام را به واسطه عمل آباء و اجدادشان را خواهد کشت. کامل الزیارات، ترجمه ذهنی تهرانی، ص ۱۹۴.

۳. الأمالی (للمصنوع)، مجلس ۲۹، ص ۱۴۲، ج ۷؛ روضة الواعظین و بصيرة المتعظین (ط - القدیمة)، ج ۱، ص ۱۷۱؛ جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۷۷.

داود بن کثیر رقی گوید خدمت امام ششم بودم آب خواست و چون نوشید گریست و چشمش غرق اشک شد سپس فرمود: ای داود! خدا قاتل حسین علیه السلام را لعنت کند چه اندازه یاد حسین علیه السلام زندگی

فصل پنجاه و سوم : خضاب نکردن و روغن نزدن مو عطر نزدن (ترک زینت در ایام سوگواری)

۱: امام حسین علیه السلام لحظه جان دادن برادر بزرگوارشان حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند:

أَذْهَنُ رَأْسِي أَمْ تَطِيبُ مَجَالِسِي وَرَأْسُكَ مَعْفُورٌ وَأَنْتَ سَلِيبٌ
أَوْ أَسْتَمْتِعُ الدُّنْيَا لِسَيِّءٍ أَحَبُّهُ أَلَا كُلُّ مَا أَذْنَى إِلَيْكَ حَبِيبٌ
فَلَا زِلْتُ أَبْكِي مَا تَغْنَّتْ حَمَامَةٌ عَلَيْكَ وَ مَا هَبَّتْ صَبَا وَ جَنُوبٌ

آیا جا دارد که من روغن بسرم بزنم، یا مجالس من طیب و نیکو باشند؟ در صورتی که سر و صورت تو روی خاک باشد و تو برهنه باشی؟
یا اینکه از آن چیزهای دنیوی که دوست دارم بهره‌مند شوم، آگاه باش: هر چه که به تو نزدیک شود محبوب است.
من دائماً بر تو گریه می‌کنم مادامی که کبوتر بخواند و باد صبا و جنوب بوزد.^۱

را ناگوار کند. من آب سردی ننوشم جز آنکه یاد حسین کنم، بنده‌ای نیست که آب نوشد و یاد حسین علیه السلام کند و قاتلش را لعنت کند جز آنکه خدا صد هزار حسنه برای او بنویسد و صد هزار گناه از او محو کند و صد هزار درجه برای او بالا برد و گویا صد هزار بنده آزاد کرده و روز قیامت با رخسار درخشان محشور گردد. الأمالی (للصدوق)، مجلس ۲۹، ص ۱۴۲، ج ۷.

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۶۰؛ تسلیة المجالس و زینة المجالس (مقتل الحسین علیه السلام)، ج ۲، ص ۶۵؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۴، ص ۴۵.

۲: و عن عبد الله بن محمد بن أبي سعيد عن أبي العيناء عن يحيى بن راشد قال: قالت فاطمة بنت علي ما تحنأت امرأة منا و لا أجالت في عيناها مرودا و لا امتشطت حتى بعث المختار رأس عبيد الله بن زياد.

حضرت فاطمه عليها السلام دختر امير المؤمنين عليه السلام فرمود:

تا زمانی که مختار سر ابن زیاد ملعون را نفرستاد ، هیچ بانویی از ما به حنا زینت نکرد و میل سرمه را در چشم نگردانید و شانه به موی خود نزد.

۳: روایت است که روز اول محرم منادی ندا می‌کند که : ای حوریان بهشتی! زیورها را از خود دور کنید ؛ زیرا ایام عزاداری محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و روز مصیبت علی مرتضی عليه السلام و حزن حسن مجتبی عليه السلام و ماتم فاطمه زهرا عليها السلام می‌باشد.^۲

۴: وَ رَوَى الْمَرْزُبَانِيُّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَا اكْتَحَلَتْ هَاشِمِيَّةٌ وَلَا اخْتَضَبَتْ وَلَا رُمِيَ فِي دَارِ هَاشِمِيٍّ دُخَانٌ خُمْسَ حِجَجٍ حَتَّى قُتِلَ عَبِيدُ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ.

و تا مدت پنج سال هیچ یک از بنی هاشم سرمه به چشم نکشید و موی خود را خضاب نکردند و در خانه هیچ یک از مردان بنی هاشم دود [ناشی از پخت غذا] دیده نشد تا آن زمان که عبيدالله بن زياد لعنت الله عليه کشته شد.^۳

۵ : و قال صاحب المناقب: و ذكر أبو مخنف و غيره : أن يزيد لعنه الله أمر بأن يصلب رأس الحسين عليه السلام على باب داره، و أمر بأهل بيت الحسين عليه السلام أن يدخلوا داره، فلما دخلت النسوة دار يزيد لم يبق من آل معاوية و لا أبي سفيان أحد إلا استقبالهن بالبكاء و

۱ . بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۴۵، ص ۳۸۶.

۲ . جلوه‌های عزاداری در تعالیم اهل بیت عليهم السلام ، ص ۱۷۲ به نقل از بحار المصائب ، ج ۱، ص ۲۲۱.

۳ . بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۴۵، ص ۳۸۶.

الصراخ و النياحة على الحسين عليه السلام، [و قبلن ایدی بنات رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و ارجلهن]^۱ و ألقين ما عليهنّ من الثياب و الحلّیّ و أقمن المأتم عليه ثلاثة أيّام.

یزید دستور داد که سر مقدس امام حسین عليه السلام را بر سر منزل خودش بیاویزند و به اهل بیت حسین عليه السلام دستور داد که وارد خانه‌اش شوند. هنگامی که آن بانوان داغ‌دیده وارد خانه یزید لعنت الله علیه شدند، تمام زنان خاندان معاویه و خاندان ابوسفیان با گریه و فریاد و در حال نوحه‌گری بر امام حسین عليه السلام به استقبال آن بانوان مکرّمه رفتند [و دست و پای دختران رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم را بوسیدند] و لباس‌های زینتی و زیورآلات خود را به کناری انداختند و گریه کردند و نوحه خواندند و تا سه روز در مصیبت امام حسین عليه السلام ماتم و عزا بر پا کردند.^۲

۱. جلوه‌های عزاداری در تعلیم اهل بیت عليهم السلام، ص ۱۷۲ به نقل از معالی السبطین، ج ۲، ص ۱۷۴.

۲. عوالم العلوم، ج ۱۷، ص ۴۴۳؛ البحار، ج ۴۵، ص ۱۴۲؛ مقتل الحسین عليه السلام خوارزمی، ج ۲، ص ۷۳.

فصل پنجاه و چهارم : زفره

بدین معنا که : هو آن یملاً صدره غما ثم یزفر به^۱ : سینه پر از غم شود و سپس بازدهم را به طور عمیق بیرون دهد و صدا را بلند کردن. در اصطلاح آهی که از عمق وجود باشد.

روایات

ثُمَّ رَجَعَتْ إِلَى مَنْزِلِهَا وَ أَخَذَتْ بِالْبُكَاءِ وَ الْعَوِيلِ لَيْلَهَا وَ نَهَارَهَا وَ هِيَ لَا تَرْقَأُ دَمْعُهَا وَ لَا تَهْدَأُ زَفْرَتُهَا

سپس حضرت زهرا علیها السلام به خانه برگشت و شبانه روز شروع به گریه و فریاد نمود و اشک‌هایش خشک نمی‌شد و آه‌هایش تمام نمی‌شد.^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام در مصیبت حضرت زهرا علیها السلام فرمودند:

نَفْسِي عَلَى زَفْرَاتِهَا مَحْبُوسَةٌ يَا لَيْتَهَا خَرَجَتْ مَعَ الزَّفَرَاتِ

لَا خَيْرَ بَعْدَكَ فِي الْحَيَاةِ وَ إِنَّمَا أَخْشَى مَخَافَةَ أَنْ تَطُولَ حَيَاتِي

جان من با آه‌های دردناکش محبوس است. ای کاش این جان همراه با آن آه‌ها بیرون آید.

پس از تو خیری در زندگی نیست و من از ترس این می‌گیرم که زندگی‌ام بعد از تو طولانی شود.^۳

۱. العین، ج ۷، ص ۳۶۰.

۲. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۷.

۳. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۳؛ دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۳۰؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۴۰.



(خیری در زندگی نیست این کلام را حضرت در مصیبت حضرت علی اکبر و حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام هم به کار برده‌اند.)

همچنین در مورد حضرت آدم علیه السلام وارد شده است که به جبرئیل فرمود:

إِذَا ذَكَرْتُ الْحُسَيْنَ تَدْمَعُ عَيْنِي وَ تَثُورُ زَفَرَتِي ؛

هنگامی که ذکر حسین علیه السلام را نمودی چشمانم پر از اشک می‌شود و صدایم به ناله و فریاد بلند می‌شود.^۱

۱ . کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۶۱؛ دلائل الامامه، ص ۵۱۳؛ احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۶۴؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۱۹؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۲۳.

فصل پنجاه و پنجم : دائم الصوم بودن به خاطر مصیبت

فرد به خاطر مصیبت آب و خوراک را بر خود حرام کند. اما چون این کار متضرر است به نفس آدمی و در اسلام ضرری نیست به خاطر همین فرد دائماً روزه دار باشد.

«حَلَفْتُ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَ نَفْسِي أَلَّا أَكُلَ طَعَاماً بِنَهَارٍ أَبَداً حَتَّى يَقُومَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ»
فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ رَجُلٌ مِنْ شِيعَتِكُمْ جَعَلَ لِلَّهِ عَلَيْهِ أَلَّا يَأْكُلَ طَعَاماً بِنَهَارٍ أَبَداً حَتَّى يَقُومَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ قَالَ فَصُمْ إِذَا يَا كَرَامُ وَ لَا تَصُمْ الْعِيدَيْنِ وَ لَا ثَلَاثَةَ التَّشْرِيقِ وَ لَا إِذَا كُنْتَ مُسَافِراً وَ لَا مَرِيضاً فَإِنَّ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا قُتِلَ عَجَّتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ عَلَيْهِنَّ وَ الْمَلَائِكَةُ فَقَالُوا يَا رَبَّنَا انْذَنْ لَنَا فِي هَلَاكِ الْخَلْقِ حَتَّى نَجِدَهُمْ عَنْ جَدِيدِ الْأَرْضِ بِمَا اسْتَحَلُّوا حُرْمَتَكَ وَ قَتَلُوا صَفْوَتَكَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَا مَلَائِكَتِي وَ يَا سَمَاوَاتِي وَ يَا أَرْضِي اسْكُنُوا ثُمَّ كَشَفَ حِجَاباً مِنَ الْحُجُبِ فَإِذَا خَلْفَهُ مُحَمَّدٌ ﷺ وَ اثْنَا عَشَرَ وَصِيّاً لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَخَذَ بِيَدِ فُلَانٍ الْقَائِمِ مِنْ بَيْنِهِمْ فَقَالَ يَا مَلَائِكَتِي وَ يَا سَمَاوَاتِي وَ يَا أَرْضِي بِهَذَا أَنْتَصِرُ لِهَذَا قَالَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ؛^۱

کرام گوید: من پیش خود سوگند یاد کردم که هرگز در روز غذا نخورم (یعنی روزه بگیرم) تا قائم آل محمد ﷺ قیام کند، پس خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و عرض کردم: مردی از شیعیان شما برای خود به گردن گرفته که هرگز در روز غذا نخورد تا قائم آل محمد ﷺ قیام کند.

فرمود: ای کرام! بنا بر این باید روزه بگیری ولی دو روز عید (فطر و قربان) و سه روز تشریق (۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ذیحجه ایام حج‌گزاری) و زمانی که مسافر و بیمار هستی

۱ . الکافی، ج ۱، ص ۵۳۴؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۲۸.

روزه نگیر^۱، زیرا چون حسین علیه السلام کشته شد: آسمان‌ها و زمین و هر چه بر آنهاست با فرشتگان نالیدند و گفتند: پروردگارا، به ما اجازه بده خلق را هلاک کنیم و از صفحه زمین براندازیم، برای آنکه حرمت تو را حلال شمردند و برگزیده تو را کشتند.

خدا به آنها وحی فرستاد که: ای فرشتگانم و ای آسمان و زمین! آرام گیرید، سپس یک پرده از پرده‌ها را عقب زد، پشت آن پرده محمد و دوازده وصی او بود. آنگاه دست فلان قائم میان آنها (امام عصر علیه السلام) را گرفت و فرمود: ای فرشتگان؛ و ای آسمان‌ها و زمین: به سبب این انتقام می‌گیرم [از این] - این جمله را سه بار فرمود. آنچه از این روایت به دست می‌آید اینکه این شیعه بر خود عهد می‌بندد که در روز غذا نخورد تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام. و ظاهراً علت کار او انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. امام صادق علیه السلام کار ایشان را تأیید نموده و می‌فرماید در این صورت روزه بگیر.

نکته مهم این جاست که: حضرت در بیان علت چنین کاری مصیبت امام حسین علیه السلام را بیان می‌کند و می‌فرماید به خاطر چنین مصیبتی است که شایسته است چنین منتظر باشی و روزهایت را به روزه داری بگذرانی. مرحبا بدین همت و بدین انتظاری که یاران امام صادق علیه السلام در آن زمان داشتند در حالی که هنوز قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم به دنیا نیامده بود و ما که در زمان ایشان هستیم باید چگونه منتظر حضرت باشیم و به چه نوعی مصیبت حضرت سیدالشهدا علیه السلام را تجدید کنیم؟!

۱. در حدیث فوق به هر ترتیب اولاً روزه گرفتن هر روز مستلزم نوعی حرج و سختی خواهد بود. و ثانیاً تعهد به عهد لازم و ضروری است. حضرت نه تنها سائل را از تصمیم و تعهد خود نهی نمی‌فرماید؛ بلکه در مقام بیان علت چنین کاری قتل امام حسین علیه السلام و انتظار قیام منتقم حسین علیه السلام را علت چنین زهد و ریاضتی معرفی می‌فرمایند. همچنین علت بقای خلقت و نابود نشدن آن را بعد از قتل امام حسین علیه السلام، انتقام آن معرفی می‌فرماید و شیعه باید به هر نحوی منتظر این قیام بوده و این انتظار را به هر نحوی زنده گرداند. لذا می‌بینیم که هرگاه سخنی از امام زمان علیه السلام و قیام ایشان به میان می‌آمد اهل بیت نام امام حسین علیه السلام و انتقام خون او را زنده می‌کردند.



اما صد افسوس که اکثر ما در غفلت و یا تغافلیم و به جای آنکه آب و خوراک ما
اشک بر امام حسین علیه السلام و انتظار فرج باشد، هم و غممان آب و خوراک شده است
فاین تذهبون؟!

فصل پنجاه و ششم : آسمانها تا ابد بر مصائب امام حسین علیه السلام گریانند

امام صادق علیه السلام فرمود:

«أنه إذا قبض الله نبياً من الأنبياء، بكت عليه السماء والأرض أربعين سنة، وإذا مات العالم العامل بعلمه بكيا عليه أربعين يوماً، وأما الحسين علیه السلام فتبكي عليه السماء والأرض طول الدهر، و تصديق ذلك أن يوم قتله قطرت السماء دماء ... ؛

«... همانا هنگامی که خداوند متعال قبض روح پیامبری را کند، آسمان تا ۴۰ سال بر او می‌گرید و هنگامی که امامی از امت از دنیا مفارقت کند، آسمان بر او تا چهل ماه می‌گرید و هنگامی که عالمی که به علم خود عمل می‌نموده بمیرد، آسمان بر او تا ۴۰ روز می‌گرید... پس بر امام حسین علیه السلام آسمان‌ها و زمین گریست به طول روزگار و تصدیق آن این است که روزی که به شهادت رسید، از آسمان باران خون بارید.»^۱
نکته مهم این جاست که:

آسمان و زمین و ... مقهور اراده الهی‌اند و طبق فرمایش قرآن : «يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»^۲ انجام می‌دهند آنچه را که بدان امر شده‌اند. یعنی اراده قاهر الهیه بر این قرار گرفته است که زمین و آسمان تا ابدالدهر و تا پایان روزگار بر امام حسین علیه السلام گریه کند. گریه دائمی کائنات بر مصائب امام حسین علیه السلام و اراده الهی است؛ چرا ما خود را از این سیطره الهیه و از این فیض عام و رحمت بیکران محروم کنیم و نه تا پایان دنیا، بلکه تا پایان همین مدت کوتاه عمر گریان نباشیم بر سیدالکونین ابی عبدالله الحسین علیه السلام. اللهم اجعلني من الباكين على الحسين.

۱ . تفسیر البرهان، ج ۵، ص ۱۶، ذیل آیه ۲۹ سوره دخان.

۲ . نحل / ۵۰ ؛ تحریم / ۶.

فصل پنجاه و هفتم : خارج شدن از آبادی ها به سوی ویرانه ها

مصیبت اگر عظیم باشد مصیبت زده ممکن است به خاطر آن آواره شود.
در روایت آمده است که جغد بعد از کشته شدن امام حسین علیه السلام از آبادی ها و عمران به سوی خرابه ها و ویرانه ها رفت.

«فَلَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ علیه السلام خَرَجَتْ مِنَ الْعُمَرَانِ إِلَى الْخَرَابِ وَالْجِبَالِ وَالْبَرَارِیِ ؛ هنگامی که حسین علیه السلام کشته شد جغد به سوی خرابه ها و کوه ها و صحراها رفت.»^۱

همچنین روایت شده که امام صادق علیه السلام در مورد جغد فرمود:
« هَلْ أَحَدٌ مِنْكُمْ رَأَاهَا بِالنَّهَارِ قِيلَ لَهُ لَا تَكَادُ تَظْهَرُ بِالنَّهَارِ وَلَا تَظْهَرُ إِلَّا لَيْلًا قَالَ أَمَا إِنَّهَا لَمْ تَزَلْ تَأْوِي الْعُمَرَانَ أَبَدًا فَلَمَّا أَنْ قُتِلَ الْحُسَيْنُ علیه السلام آتَتْ عَلَى نَفْسِهَا أَنْ لَا تَأْوِي الْعُمَرَانَ أَبَدًا وَلَا تَأْوِي إِلَّا الْخَرَابَ فَلَا تَزَالُ نَهَارَهَا صَائِمَةً حَزِينَةً حَتَّى يَجْنَهَا اللَّيْلُ فَإِذَا جَنَّتْهَا اللَّيْلُ فَلَا تَزَالُ تَرْنُ [تَرْتُ] عَلَى الْحُسَيْنِ علیه السلام حَتَّى تُصْبِحَ ؛ آیا هیچ یک از شما او را در روز دیده- اید؟ عرض شد: خیر. در روز آشکار نمی شود و فقط در شب ظاهر می شود. حضرت فرمودند: اما اینکه این حیوان پیوسته در خرابه ها مسکن گرفته و در آبادی نمی آید، جهتش این است که وقتی حضرت امام حسین علیه السلام شهید شدند این حیوان به واسطه قسم بر خود حتم نمود که ابداً در آبادی سکنا نکرده و منزلش تنها در خرابه ها باشد. پس پیوسته در روز صائم و حزین است تا شب فرا برسد. وقتی شب در آمد از ابتدای آن تا صبح بر مصیبت امام حسین علیه السلام زمزمه و نوحه سرایی و مرثیه خوانی می کند.»^۲

۱ . کامل الزیارات، ص ۹۹.

۲ . همان، ص ۹۹.

وقتی حال حیوان این چنین است که در عزای امام حسین علیه السلام خانه نشین می شود چرا حال شیعه و محب او که طبق آیه قرآن مأمور است حب شدید نسبت به مولای خود داشته باشد این گونه نباید.

«وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ ؛ و کسانی که ایمان آورده‌اند، شدیدترین حُب را نسبت به خدا دارند».^۱

و حُباً لله، همان حُب حسین علیه السلام است. طبق این فرمایش امام هادی علیه السلام که: «مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ ؛ کسی که محبت شما را داشته باشد، خدا را دوست داشته است».^۲ پس تکلیف چیست؟

تکلیف ما در این عزای عظمی و داهیة کبری چیست؟ وقتی می‌شنوی که جغد چنین عزاداری می‌کند ما که مأموریم به دوست داشتن شدید امام حسین علیه السلام، باید چگونه رفتار کنیم. به خاطر همین مطلب بود که به ما فرمودند:

«... وَ اللَّهُ كَانِي أَنْظَرُ إِلَى الْوُحُوشِ مَادَّةً أَعْنَقَهَا عَلَى قَبْرِهِ مِنْ أَنْوَاعِ الْوُحُوشِ يَبْكُونَهُ وَ يَرْتُونَهُ لَيْلًا حَتَّى الصَّبَاحِ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَأَيَّاكُمْ وَ الْجَفَاءَ ؛ به خدا قسم ! گویا می‌بینم که وحوش گردن‌های خود را بر قبرش کشیده و بر او می‌گریند و از شب تا صبح بر او مرثیه می‌خوانند و وقتی حال وحوش چنین باشد پس شما انسان‌ها از جفاء به او حذر کنید».^۳

عبرت بگیریم که حضرت فرمود: وقتی حال درندگان و وحشیان در عزای امام حسین علیه السلام این گونه است شما بر امام حسین علیه السلام از طریق قصور عزاداری جفا نکنید...

۱. بقره / ۱۶۵.

۲. من لا يحضر الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۳.

۳. کامل الزیارات، ص ۸۰، باب ۲۶، ح ۲؛ البكاء للحسين علیه السلام، ص ۳۵۳، عوالم العلوم، ج ۱۷، ص ۴۸۹؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۰۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۵۸.



وقتی جغد تا صبح در مصیبت عظمای امام حسین علیه السلام گریان و نالان است پس ای
بی سواد و بی محبت آن جماعت مردمی که ما را از عزاداری تا دیر وقت منع می-
کنند.

تعلیقات:

زیارت ناحیه

بررسی زیارت ناحیه مقدسه

یکی از اشکالاتی که توسط برخی از افراد مطرح شده، بحث زیارت ناحیه مقدسه، و برخی از عبارات آن است که ما در اینجا ابتدا به اسناد و مدارک این زیارت پرداخته و سپس به شبهات آن پاسخ خواهیم داد.

زیارت ناحیه مقدسه یکی از زیارات مشهور امام حسین علیه السلام است. این زیارت در روز عاشورا و غیر آن خوانده می‌شود و به اصطلاح، از زیارات مطلقه است. این زیارت، صحنه کربلا و حادثه بزرگ عاشورا را به زیباترین وجه در مقابل چشمان اشکبار و قلب داغدار شخص زائر مجسم می‌نماید و او را در متن واقعه عاشورا قرار می‌دهد و آنگاه که سراسر وجود انسان را سرشار از عشق و معرفت کرد، جانش را با تولی و تبری مأنوس می‌سازد و سلام بر حسین و یارانش، و بیزاری از یزید و یزیدیان تاریخ را ورد قلب و زبانش می‌نماید.

این زیارت با سلام بر پیامبران الهی و اولیای دین، ائمه اطهار علیهم السلام آغاز می‌شود سپس، با سلام بر امام حسین علیه السلام و یاران با وفایش ادامه می‌یابد. پس از آن، به شرح کامل اوصاف و کردار امام حسین علیه السلام پیش از قیام، زمینه های قیام حضرت، شرح شهادت و مصایب آن حضرت، و عزادار شدن تمام عالم و موجودات زمینی و آسمانی می‌پردازد. در پایان، با توسل به ساحت مقدس ائمه اطهار و دعا در پیشگاه خداوند متعال، پایان می‌پذیرد.

مصادر زیارت ناحیه مقدسه

این زیارت مسلماً از سوی امام معصوم علیه السلام صادر گردیده، و در کتب متقدمان و علمای شیعه از زمان‌های دور تاکنون، ثبت و ضبط شده است.

۱ : نخستین کسی که از این زیارت در کتاب خویش نام برده، شیخ مفید (متوفی ۴۱۳ ه ق) است که آن را در کتاب مزار خویش جزء اعمال روز عاشورا ثبت کرده است. علامه مجلسی می‌نویسد:

«قال الشيخ المفيد - قدس الله روحه - في كتاب المزار ما هذا لفظه: زیاره أخرى فی يوم عاشورا بروایه اخرى، إذا أردت زیارته بها فی هذا اليوم فقف عليه عليه السلام و قل: السلام على صفوه الله...»^۱

۲ : پس از مفید، شاگردش سیدمرتضی علم الهدی (متوفی ۴۳۶ ه ق)، از آن در کتاب مصباح الزائر خویش یا (المصباح) یاد کرد. سیدبن طاووس در مصباح الزائر می‌نویسد:

«زیاره ثانیة بالفاظ شافیه یزار بها الحسین - صلوات الله علیه - زار بها المرتضى علم الهدی - رضوان الله علیه - قال: فإذا أردت الخروج فقل: اللَّهُمَّ إلیک توجهت.... ثم تدخل القبه الشریفه و تقف على القبر الشریف و قل: السلام على آدم صفوه الله...»^۲

۳ : علامه مجلسی هم در نقل این زیارت، به کتاب سید مرتضی علیه السلام اشاره کرده است.^۳ ابن المشهدی (متوفی ۵۹۵ ق)، شاگرد شاذان بن جبریل قمی، عبد الله بن جعفر دوریستی و ورام بن ابی فراس، و استاد ابن نماء حلّی و فخار بن معد حائری است. ابن المشهدی درباره زیارت ناحیه در کتاب المزار الکبیر، می‌نویسد:

«زیاره أخرى فی يوم عاشورا لأبی عبدالله الحسین ممّا خرج من الناحیه إلى أحد الأبواب. قال: تقف علیه و تقول: السلام على آدم صفوه الله...»^۴

۱ . بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۱۷.

۲ . ر.ک: سید محمد امین، اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۲۱۹.

۳ . مصباح الزائر، ص ۲۲۱.

۴ . بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۲۸.

۵ . المزار الکبیر، ص ۴۹۶ - ۵۱۹.

بحثی پیرامون شخصیت ابن مشهدی و کتاب ایشان

علمای بزرگی این عالم فاضل را توثیق و کتابش را تایید کرده‌اند:

شهید اول (متوفی ۷۸۶ ه ق): «الشیخ الامام السعید».^۱

علامه مجلسی: «کتاب المزار الکبیر یعلم من کیفیه اسناده انه کتاب معتبر وقد اخذ منه

السیدان ابنا طاووس کثیرا من الاخبار والروایات».^۲

شیخ حر عاملی: «کان فاضلا محدثا صدوقا».^۳

محدث نوری: «الشیخ الجلیل المتبحر مولف المزار المشهور ... الذی اعتمد علیه اصحابنا

الابرار».^۴

آقا بزرگ تهرانی: عالم جلیل واسع الروایه».^۵

آیت الله وحید خراسانی «حفظه الله»: «اعتمادنا علی المزار المشهدی نتیجه

لا اعتمادالسید عبد الکرم (ابن طاووس) و ولده علیه»^۶

۴ : چهارمین عالم شیعه که به نقل آن پرداخته، سیدبن طاووس، رضی الدین علی بن

موسی بن طاووس حسنی بغدادی (متوفی ۶۶۴ ق)، است که این زیارت را در مصباح

الزائر نقل کرد.^۷

بعد از این کتاب‌ها که مربوط به قدماء بود زیارت ناحیه در کتاب‌های حدیثی و مزار

متأخران نقل گردید، و ترجمه‌ها و شرح‌های متعدد بر آن نگاشته شد. در این باره،

۱ . بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۹۶.

۲ . بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۵.

۳ . مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۶۴.

۴ . همان، ج ۲، ص ۱۹.

۵ . طبقات اعلام الشیعه، ج ۳، ص ۲۰۲.

۶ . صوم عاشورا، ص ۴۸.

۷ . مصباح الزائر، ص ۱۹۲.

می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره کرد: ۱. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۱۷ و تحفه الزائر، ص ۳۳۳، زیارت چهارم امام حسین علیه السلام ۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۳۵؛ ۳. فیض کاشانی، الصحیفه المهدیه، ص ۲۰۳؛ ۴. محدث قمی، نفس المهموم، ص ۲۳۳؛ ۵. آیت الله سید هادی میلانی، قادتنا کیف نعرفهم، ج ۶، ص ۱۱۵؛ ۶. آیت الله بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۱۵، ص ۴۰۵؛ ۷. سید محمود، ده سرخی، رمزالمصیبه، ج ۳، ص ۱۰. پس این زیارت، سابقه‌ای هزار ساله دارد، و در کتاب‌ها و گفتارهای عالمان شیعه مشهور بوده است.

صدر زیارت ناحیه:

اصل صدر زیارت ناحیه از سوی امام معصوم علیه السلام در کتب قدما پذیرفته شده بود. علمای بزرگ شیعه آن را به عنوان یک زیارت مأثور و حدیث مشهور، در کتاب‌های خویش ذکر کرده‌اند.

شیخ مفید (م. ۴۱۳ ق) در مزار خود، می‌نویسد:

«زیاره آخری فی یوم عاشورا بروایه آخری». از این جمله معلوم می‌شود که این روایت، مروی بوده و از جمله احادیث صادره از معصوم به شمار می‌رفته است.^۱

سید مرتضی (م. ۴۳۶ ق) به هنگام زیارت امام حسین علیه السلام نخست این زیارت را می‌خواند و سپس زیارت دیگر را قرائت می‌کرد. سیدبن طاووس در مصباح الزائر می‌نویسد: «زاربها المرتضی علم الهدی - رضوان الله علیه»^۲ و هم، در نسخه خطی کتاب المزار - از نویسندگانی کهن و نامعلوم، که نسخه آن به شماره ۴۲۶ در کتابخانه آیت الله مرعشی قم موجود است - نوشته شده است:

۱. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۱۷، ج ۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۳۵، ج ۱۶؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۵، ص ۴۰۵، ج ۱۶ و ۱۷.
۲. مصباح الزائر، ص ۲۲۱.

«زیاره آخری تختص بالحسین - صلوات الله علیه - و هی مرویه بأسانید مختلفه و هی أول زیاره زاربها المرتضی علم الهدی - رضوان الله علیه.»^۱

معلوم است که تا زیارتی مروی از امام معصوم علیه السلام نبوده باشد، فقیهی بزرگ و عالمی سترگ مانند سید مرتضی، آن را بر زیارات دیگر - مانند زیارت عاشورا - مقدم نمی- داشته و نمی خوانده است.^۲ ابن المشهدی (م. ۵۹۵ق) هم صریحاً می نویسد: «زیاره آخری فی یوم عاشورا لأبی عبدالله الحسین ممّا خرج من الناحیه إلى أحد الابواب.»^۳ از این جمله، به صراحت روشن می شود که زیارت ناحیه، از سوی امام زمان علیه السلام صادر گردیده و به یکی از نواب خاصه و ابواب اربعه داده شده است. پس از آن، از طریق راویان بعدی به دست شیخ مفید رسیده و از ایشان به سید مرتضی و راویان پس از وی، منتقل شده است. از همین رو، اسناد این زیارت به امام زمان علیه السلام در کتب متأخران، بدون هیچ شک و شبهه ای بوده است.

محدث قمی در نفس المهموم می نویسد: فکان کما وصفه ابنه الإمام المهدی.^۴
آیت الله سید محمد هادی میلانی هم می نویسد:

«ونجد فی زیاره الامام المهدی علیه السلام وصفاً دقیقاً لما جرى علی جده الحسین علیه السلام»^۵
در کتاب حماسه حسینی شهید مطهری هم بخش هایی از این زیارت نقل شده است.^۶

۱. المزار، ص ۱۴۶.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۳۵، ح ۱۷.

۳. المزار الکبیر، ص ۴۹۶.

۴. نفس المهموم، ص ۲۳۳.

۵. قادتنا کیف نعرفهم، ج ۶، ص ۱۱۵.

۶. حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۹۱.

اسناد زیارت ناحیه

این زیارت سند دارد؛ به طوری که با اسناد محکم، به شیخ مفید، سید مرتضی و ابن المشهدی می‌رسد. احتمالاً با سند در کتاب مزار شیخ مفید و مصباح سید مرتضی روایت شده، اما با فقدان این دو کتاب، و حذف اسناد زیارات در مزار ابن المشهدی - به دلیل اختصار - سند این زیارت هم مفقود شده است. خود ابن مشهدی در آغاز کتابش، تصریح می‌کند که این زیارات با سند متصل به من رسیده است. او می‌نویسد: «فإتی قد جمعت فی کتابی هذا من فنون الزیارات ... ممّا اتصلت به من ثقات الرواه إلى السادات»^۱ اما ابن المشهدی برای اختصار کتابش و اطمینانی که به صدور زیارات از معصوم داشت، آنها را حذف کرد. علامه مجلسی پس از نقل عبارت ابن مشهدی، می‌نویسد: «فظهر أنّ هذه الزیارة منقوله مرویه»^۲ در نسخه کتاب المزار - که به شماره ۴۶۲ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است (ورق ۱۴۶) - درباره این زیارت چنین آمده است: «و هی مرویه بأسانید مختلفه» در مستدرک الوسائل نیز این عبارت بدون واژه «مختلفه» آمده است^۳ شیخ مفید هم در کتاب مزار و در وصف این زیارت، چنین نگاشت: «زیاره آخری فی یوم عاشوراء بدرایه آخری»^۴ مسلم است تا این زیارت دارای سند عالی و استوار نباشد، شیخ مفید و سیدمرتضی آن را در کتابشان نمی‌آوردند، و سید مرتضی آن را بر زیارات دیگر - مانند زیارت عاشورا، که دارای سندی محکم و متعدد است - مقدم نمی‌داشت و نمی‌خواند. پس، زیارت ناحیه دارای سند صحیح و معتبر است، که از امام زمان علیه السلام صادر شده و از طریق یکی از نمایان خاص آن حضرت، به راویان اخبار، از آنان به شیخ مفید، سپس به ابن المشهدی و از او به سیدبن طاووس، علامه مجلسی و دیگران رسیده است.

۱. المزار الکبیر، ص ۲۷.

۲. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۲۸.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۳۵، ح ۱۷.

۴. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۱۷، ح ۸.

زیارت ناحیه دوم (زیارت شهداء)

یکی دیگر از زیارات ناحیه، زیارتی است که مشتمل بر نام شهیدان کربلاست، در این زیارت، ابتدا از طرف حضرت سلام به امام حسین علیه السلام و سپس به تک تک شهدای کربلا سلام داده شده است که بانام حضرت علی اکبر شروع می شود: «السلام علی اول قتیل من نسل خیر سلیل»

سند زیارت ناحیه دوم

۱ : سیدبن طاووس در کتاب الاقبال، ضمن اعمال روز عاشورا به سند خویش روایت کرده است.^۱

۲ : پیش از سیدبن طاووس این زیارت در مزار شیخ مفید^۲ و مزار کبیر ابن المشهدی آمده است.^۳

این زیارت با اضافاتی، شامل زیارت امام حسین علیه السلام، علی اکبر علیه السلام و دیگر شهداء، بنابر نقل شیخ مفید و سیدبن طاووس، در اعمال اول ماه رجب و شب نیمه شعبان هم تکرار شده و معروف به «زیارت رجبیه» است.^۴

سید - و هم ابن المشهدی در مزار خود - به سند متصل خویش از جدش، شیخ طوسی، از ابو عبد الله محمدبن احمدبن عیاش، از ابومنصور بن عدالمنعم بن نعمان بغدادی نقل می کند که در سال ۲۵۲ق، از ناحیه مقدسه به دست شیخ محمد بن غالب اصفهانی، این زیارت خارج شد. متن عبارت، چنین است:

«خرج من الناحیه سنه اثنتین و خمسين و مأتین علی ید الشیخ محمد بن غالب الاصفهانی».

۱ . بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۷۴-۲۶۹.

۲ . همان، ج ۹۸، ۲۷۴.

۳ . المزار الکبیر، ص ۱۶۲ - ۱۶۴.

۴ . بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۴۱-۳۳۶.

شبهاست

۱ : متاسفانه از برخی سخنوران شنیده شده است که: مگر امام زمان بیکار است که روزی دو مرتبه برای جد مظلومشان گریه کند!!!

پاسخ:

اولاً:

این جمله بدون سند نیست بلکه از ناحیه امام عصر عجل الله تعالی فرجه صادر شده که فرمودند: «فَلَا تُدْبِنُكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً وَ لَا بُكَيْنٌ عَلَيْكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا حَسْرَةً عَلَيْكَ وَ تَأْسُفًا وَ تَحَسُّراً عَلَى مَا دَهَاكَ»^۱

جد غریبم: اگر روزگار، مرا به تاخیر انداخت و من نتوانستم تو را یاری کنم در عوض صبح و شام برای تو خون گریه می‌کنم.

مصیبتی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه برای آن خون گریه می‌کند کدام مصیبت است؟ مرحوم آیت الله شیخ علی اکبر نهاوندی در کتاب گرانسنگ عبقری الحسان نقل می‌کند: مرحوم حاج ملا سلطانعلی روضه خوان تبریزی که از عباد و زهاد بود، نقل کرد که در خواب خدمت حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه رسیدم، عرض کردم: مولای، آنچه در زیارت ناحیه مقدسه آمده که فرمودید:

«فَلَا تُدْبِنُكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً وَ لَا بُكَيْنٌ عَلَيْكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا» صحیح است؟

فرمودند: آری صحیح است، عرض کردم: آن مصیبتی که به جای اشک خون گریه می‌کنید کدام است، آیا مصیبت علی اکبر است؟ فرمودند: اگر علی اکبر زنده بود در این مصیبت او هم خون گریه می‌کرد.

گفتم: آیا مصیبت حضرت عباس است؟ فرمودند: اگر حضرت عباس هم زنده بود او نیز در این مصیبت خون گریه می‌کرد.

۱ . بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۳۷.

گفتم: لابد مصیبت حضرت سیدالشهداء علیه السلام است؟ حضرت فرمودند: حضرت سیدالشهداء علیه السلام اگر زنده بود ایشان هم در این مصیبت خون گریه می کردند عرض کردم: پس کدام مصیبت است؟ فرمودند: مصیبت اسیری زینب علیها السلام می باشد، که همیشه باید برای آن خون گریست.^۱ چنانچه گذشت این زیارت را علمای بزرگی از جمله: شیخ مفید، سید مرتضی، ابن مشهدی، سیدبن طاووس و ... نقل کرده اند.

ثانیاً:

این گونه شبها را کسانی می کنند که عمق مصیبت کربلا را متوجه نشده اند اما اگر حقیقت این واقعه عظیم درک شود دیگر حتی فکر این گونه شبها را نمی کنیم. طبق روایات معتبر چهار هزار ملک هم اکنون نیز غبارآلود و ژولیده مو به دور آن ضریح شش گوشه طواف می کنند و می گریند ویا چنانچه گذشت و مصادر آن به طور مفصل گذشت که بنابر حدیث ابوذر اگر انسان این مصیبت را درک کند سزاوار است که جان بدهد.

ابن قولویه قمی به سند معتبر از حضرت سجّاد علیه السلام روایت کرده که به زائده، فرمود: همانا چون روز عاشورا رسید به ما آنچه رسید از دواهی و مصیبات عظیمه و کشته گردید پدرم و کسانی که با او بودند از اولاد و برادران و سایر اهل بیت او، پس حرم محترم و زنان مکرّمه آن حضرت را بر جهاز شتران سوار کردند برای رفتن به جانب کوفه پس نظر کردم به سوی پدر و سایر اهل بیت او که در خاک و خون آغشته گشته و بدنهای طاهر آنها بر روی زمین است و کسی متوجّه دفن ایشان نشد و سخت بر من گران آمد و سینه من تنگی گرفت و حالتی مرا عارض شد که همی خواست جان از بدن من پرواز کند. عمّه ام زینب کبری علیها السلام چون مرا بدین حال دید پرسید که این چه حالت است که در تو می بینم ای یادگار پدر و مادر و برادران من، می نگرم تو را که می خواهی جان تسلیم کنی؟

۱. عبقری الحسان، ج ۱، ص ۹۸.

گفتم: ای عمّه! چگونه جزع و اضطراب نکنم و حال آنکه می‌بینم سیّد و آقای خود و برادران و عموها و عموزادگان و اهل و عشیرت خود را که آغشته به خون در این بیابان افتاده و تن ایشان عریان و بی کفن است و هیچ کس به دفن ایشان نمی‌پردازد و بشری متوجّه ایشان نمی‌گردد و گویا ایشان را از مسلمانان نمی‌دانند.

عمّه‌ام گفت: از آنچه می‌بینی دل نگران مباش و جَزَع مکن، به خدا قسم که این عهدی بود از رسول خدا به سوی جدّ و پدر و عمّ تو و رسول خدا، مصائب هر یک را به ایشان خبر داده، به تحقیق که حق تعالی در این امت پیمان گرفته از جماعتی که فراعنه ارض، ایشان را نمی‌شناسند لکن در نزد اهل آسمانها معروفند که ایشان این اعضای متفرّقه و اجساد در خون تپیده را دفن کنند.

«وَيَنْصِبُونَ لِهَذَا الطِّفِّ عِلْمًا لِقَبْرِ أَبِيكَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ عَلَيهِ السَّلَامُ لَا يُدْرَسُ اثَرُهُ وَلَا يَعْفُو رَسْمُهُ عَلَى كُرُورِ اللَّيَالِي وَالْآيَامِ»

در ارض طِفّ بر قبر پدرت سیّد الشهداء عَلَیْهِ السَّلَامُ علامتی نصب کنند که اثر آن هرگز برطرف نشود و به مرور ایام و لیالی محو و مطموس نگردد یعنی مردم از اطراف و اکناف به زیارت قبر مطهرش بیایند و او را زیارت نمایند و هر چند که سلاطین کَفَرَه و اَعْوَان ظَلَمَه در محو آثار آن سعی و کوشش نمایند ظهورش زیاده گردد و رفعت و علوّش بالاتر خواهد گرفت.^۱

۲: اگر این زیارت دوم از ناحیه امام زمان است پس چرا سه سال قبل از ولادت آن حضرت صادر شده است؟

پاسخ:

اولاً: یکی از مواردی که موجب این گونه اختلافات می‌شود بحث تصحیف و تحریف الفاظ روایات می‌باشد که این امر بر محققان و پژوهشگران عرصه علوم حدیثی پوشیده و مخفی نیست. تحریف به این معناست که عده‌ای از نساخ و نویسندگانی که نسخه‌های حدیث را جمع‌آوری می‌کنند، عمداً به علل مختلفی در الفاظ روایات

۱. کامل‌الزیارات، ص ۲۶۰.

دست می‌برند اما اگر این کار سهوی باشد آن را تصحیف نامگذاری می‌کنند لذا در اینجا نیز ممکن است در نوشتن، خواندن و قرائت الفاظ، اشتباهی رخ داده باشد و عدد شش را به اشتباه، پنج خوانده باشند.

ثانیاً: ممکن است که این زیارت از ناحیه امام عسکری علیه السلام صادر شده باشد. هر دو احتمال در کلمات علما و بزرگان نیز آمده است:
۱: علامه مجلسی می‌فرماید:

«و اعلم أنّ فی تاریخ الخبر إشکالا لتقدمها علی ولاده القائم علیه السلام بأربع سنین. لعلّها کانت اثنتین و ستین و مأتین و یحتمل أنّ یكون خروجه عن ابی محمد العسکری علیه السلام»
۲. ملا عبدالله بن نورالله بحرانی می‌نویسد:

«هكذا فی جمیع النسخ إلا أنّ هذا التاریخ لا یناسب ولاده و غیبه الامام المهدی علیه السلام»
بفضل عده سنوات فیحتمل تصحیف الرقم، أو أنّها وردت عن الامام العسکری علیه السلام»
۳: حاج میرزا ابوالفضل تهرانی می‌نویسد:

و ظاهراً، مراد به ناحیه، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است؛ چنانچه در کثیری از اخبار، این اطلاق شایع است، چه این تاریخ سابق بر ولادت امام زمان است.^۲
۴: حاج فرهاد میرزا معتمدالدوله می‌نویسد:

گویند: تاریخ خبر خالی از اشکال نیست، چون ولادت با سعادت امام زمان علیه السلام در سال ۲۵۶ است و خروج این زیارت، چهار سال قبل از میلاد است، و احتمال دارد که از امام عسکری باشد و نساخ اشتباه کرده باشند.^۳
بنابراین، اگر سال ۲۵۲ را صحیح بدانیم و احتمال تصحیف - که در متون خطی قدیم بسیار است و اشباه و نظایر فراوان دارد - ندهیم، مراد از ناحیه، امام عسکری علیه السلام

۱. عوالم العلوم، ج ۶۳ (مخطوط)، ص ۷۸۷.

۲. شفاء الصدور، ج ۱، ص ۲۴۳.

۳. قمقام زخار، ص ۶۷۷.

است. اما اگر این سال را نادرست بدانیم و مانند علامه مجلسی و ملا عبدالله بحرانی، احتمال تصحیف بدهیم و صحیح آن را (ستین) بدانیم، مراد از ناحیه، ناحیه مقدسه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.^۱

۱. بزرگترین مصیبت عالم، ص ۲۱۲.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ۸۰۰۰ متر عشق ، مهدی نیلی پور، انتشارات مرغ سیمان، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- اثبات الوصیة ، مسعودی، علی بن حسین، ناشر: انصاریان، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۴ / ۱۴۲۶.
- الإحتجاج علی أهل اللجاج ، طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ناشر: نشر مرتضی، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
- احرام مُحَرَّم ، عبدالحسین نیشابوری، انتشارات دلیل ما، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۵.
- ادب الطف او شعراء الحسين عليه السلام من القرن الاول الهجرى حتى القرن الرابع عشر، اثر: سید جواد شبر
- ارشاد العباد الى استحباب لبس السواد علی سیدالشهدا و الائمه الامجاد، میرزا جعفر طباطبایی الحائری حفید صاحب الرياض (۱۳۲۱هـ.ق)، تحقیق: الحسینی الفحام.
- إرشاد القلوب إلى الصواب ، دیلمی، حسن بن محمد، ناشر: الشریف الرضی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد ، مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
- الاستیعاب ، ابن عبدالبر،
- اسدالغابه ، ابن اثیر، انتشارات اسماعیلیان، تهران.
- اسرارالشهادات ،
- اشک حسینی سرمایه شیعه ، نیشابوری ، عبدالحسین، انتشارات دلیل ما، قم، چاپ دهم ، زمستان ۱۳۹۱ ش.

اشک‌های رقیه علیها السلام، دفاع از دردانه امام حسین علیه السلام، حسینی ، سید جلال،
مترجم: حسین خسروی، انتشارات طوبای محبت، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.

الاصابه ، ابن حجر عسقلانی،

اصول الحديث ، احکام فی علم الدرايه ، سبحانی،

الاصول العامه للفقہ المقارن ، طباطبائی حکیم، محمد تقی،

اصول الفقہ ، مظفر، محمدرضا، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ چهارم،
۱۳۷۰ش.

إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - القديمه) ، طبرسی، فضل بن حسن، ناشر:
اسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ق.

اعیان الشیعہ ، سید محمد امین، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۶ق.

إقبال الأعمال ، ابن طاووس، علی بن موسی، ناشر: دار الکتب الإسلامیه، تهران،
چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.

اقناع اللائم ، سیدمحسن امین،

ام البنین ، مادر پرچمدار کربلا ، سید جمال اشرف

الأمالی ، ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: کتابچی، تهران ، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.

الأمالی ، طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: مؤسسه البعثه، ناشر: دار الثقافه،
قم، چاپ اول ۱۴۱۴ ق.

الأمالی ، مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: استاد ولی، حسین وغفاری علی
اکبر، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

امواج البکاء، گریه‌های حضرت سیدالشهداء علیه السلام ، مؤلف: آیت الله ملا نوروزعلی
معروف به فاضل بسطامی (م ۱۳۰۹ق)، انتشارات طوبای محبت، تصحیح و تحقیق و
اضافات : مجتبی خورشیدی، چاپ دوم، ۱۳۹۲ش.

الانتصار ، الشيخ الکورانی العاملی (معاصر)، دارالسيره بیروت، ۱۴۲۲ه.ق، لبنان،
الطبعه الاولى.

انساب الاشراف ، احمد بن يحيى البلاذري، مؤسسه الاعلمي، بيروت، چاپ اول، ۱۳۹۴ق.

انوار الشهادة في مصائب الحسين عليه السلام ،

اولين دانشگاه و آخرين پيامبر ، سيد محمد رضا پاكناژاد،

اين البكائون ، آداب و سيره علما و بزرگان در عزای سيدالشهدا عليه السلام ، عيوضي مجيد، ناشر: صيام، چاپ ششم، ۱۳۹۱ش.

آداب عزاداری شهيدان كربلا ، حسن سمنانی، حسين، انتشارات راه نيكان، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.

بحار الأنوار ، مجلسي، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان ، ناشر: دار إحياء التراث العربی، بيروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

البرهان في تفسير القرآن ، بحرانی، سيد هاشم بن سليمان ، محقق / مصحح: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، ناشر: مؤسسه بعثه ، قم، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.

بزرگترین مصیبت عالم ، خادمی، محمد، انتشارات آشیانه مهر، مجمع جهانی شیعه شناسی، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.

بشارة المصطفى لشيعة المرتضى ، طبری آملی، عماد الدين أبي جعفر محمد بن أبي القاسم، ناشر: المكتبة الحيدرية، نجف، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ق.

بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلی الله علیهم ، صفار، محمد بن حسن، محقق / مصحح: كوچه باغی، محسن بن عباسعلی، ناشر: مكتبة آية الله المرعشي النجفی، قم ، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.

البكاء للحسين عليه السلام ، علامه ميرجهانی،

بهجة الآمال في شرح زبدة المقال ، علياری تبریزی،

پرسش و پاسخ پيرامون حماسه عاشورا ،

تاج العروس من جواهر القاموس ، حسینی زبيدي، محمد مرتضى، محقق / مصحح: علی، هلالی و سیری، علی، ناشر: دارالفكر ، بيروت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.

- تاریخ طبری ، ابن جریر طبری، موسسه اعلمی، بیروت.
- تاریخ مدینه دمشق ، ابن عساکر، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- تاریخچه عزاداری اهل سنت بر امام حسین علیه السلام ، حسین تهرانی، حسین، انتشارات تهذیب، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۰ش.
- تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره ، استرآبادی، علی، محقق / مصحح: استاد ولی، حسین، ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- تحف العقول، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی ، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: جامعه مدرسین ، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ق.
- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ، مصطفوی، حسن، ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸ش.
- تذکره الخواص، ابن جوزی، منشورات شریف رضی، قم.
- تذکره الشهداء ،
- ترجمه عیون أخبار الرضا علیه السلام ، ابن بابویه، محمد بن علی، مترجم: مستفید، حمید رضا و غفاری، علی اکبر، ناشر: نشر صدوق، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲ش.
- تسلية المجالس و زينة المجالس (مقتل الحسين عليه السلام) ، حسینی موسوی، محمد بن أبی طالب، محقق / مصحح: حسون، کریم فارس، ناشر: مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- تعلیقه بر منهج المقال ، استرآبادی،
- تفسیر اطیب البیان ، طیب، سید عبدالحسین، انتشارات موسسه جهانی سبطين، چاپ اول، ۱۴۹۵ش.
- تفسیر العیاشی ، عیاشی، محمد بن مسعود، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، ناشر: المطبعة العلمیة، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ق.
- تفسیر القمی ، قمی، علی بن ابراهیم، محقق / مصحح: موسوی جزائری، طیب، ناشر: دار الکتاب، قم، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.

التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، حسن بن علي،
امام يازدهم عليه السلام، محقق / مصحح: مدرسه امام مهدي عليه السلام، ناشر:
مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
تفسير نور الثقلين، العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة، محقق / مصحح: رسولی
محلاتی، سید هاشم، ناشر: اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
تقویم شیعه، نیشابوری، عبدالحسین، انتشارات دلیل ما، چاپ، ۱۳.
تنقیح المقال، مامقانی،

التنقیح فی شرح العروه الوثقی، خویی،
تهذیب الاحکام، محمد بن الحسن بن علی الطوسی (۵۴۶۰هـ) دارالکتب الاسلامیه،
طهران، ۱۳۶۵ش، ط: ۴، تحقیق: السید حسن الموسوی الخراسان.
تهذیب اللغة، ازهری،

ثمرات الاعواد، هاشمی نجفی، سیدعلی، المكتبة الحیدریه، قم.
ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ابن بابویه، محمد بن علی، مترجم: غفاری، علی
اکبر، ناشر: کتاب فروشی صدوق، تهران، چاپ اول، بی تا.

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: دار الشریف
الرضی للنشر، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.

جامع أحادیث الشیعة، بروجردی، آقا حسین، محقق / مصحح: جمعی از محققان،
ناشر: انتشارات فرهنگ سبز، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
جامع الرواه، محمد بن علی الاردبیلی، مكتبه المحمدی.
جامع الشتات،

جلاء العیون، علامه مجلسی،

جلوه‌های عزاداری در تعالیم اهل بیت علیهم السلام،

جمهره اللغة، ابن درید، محمد بن حسن، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۸م.
جواهر الکلام، نجفی، محمد حسن، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۷ش.

چرا سیاه می پوشیم ، وحیدالدین شربیانی،

حدائق الناظره ، محدث یوسف بحرانی، موسسه نشر اسلامی، قم.

حضرت حمزه علیه السلام حامی رسالت ، جمعی از محققین حوزه علمیه اصفهان ، نشر مؤلف، چاپ اول، ۱۳۹۶ش.

حضرت زینب علیه السلام ، فروغ تابان کوثر ،

حلیه الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار علیهم السلام ، بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ناشر: مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق

الخصال ، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.

الخصائص الحسينیه علیه السلام ، شوشتری، شیخ جعفر، انتشارات جزایری، چاپ ، سال .

خصائص الزینبیه ، جزایری، سید نورالدین، چاپخانه میهن، ۱۴۰۴ق.

الخصائص الفاطمیه ، کجوری، ترجمه سید علی اشرف،

خلاصه الاقوال ، علامه حلی، حسن بن یوسف، تحقیق: القیومی، جواد، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.

خورشید مهربانی، آقابابایی، مهدی ، انتشارات عطر عترت، چاپ اول، ۱۳۸۸.

دارالسلام ، محدث نوری،

دانشنامه امام حسین علیه السلام ، محمدی ری شهری، محمد، انتشارات دارالحديث، قم.

دانشنامه جهان اسلام ،

در سوگ امام حسین علیه السلام ، سید محمدحسینی شیرازی، ناشر: مؤسسه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

در کربلا چه گذشت ، ترجمه نفس المهموم، قمی، عباس، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم.

الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه ، سید علی خان مدنی، مؤسسه الوفاء ،

الدعاه الحسینیة ، غروی نخجوانی، محمدعلی، چاپخانه مهر، قم، ۱۴۰۶ق.

دعائم الإسلام ، ابن حيون، نعمان بن محمد مغربي، محقق / مصحح: فيضي، آصف،
ناشر: مؤسسة آل البيت عليه السلام ، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق.

دعبل ابوذر امام رضا عليه السلام ، تجويدى، سيد محمد رضا، انتشارات نورالحيات، چاپ اول،
۱۳۹۹.

دلائل الإمامة ، طبرى آملی صغير، محمد بن جرير بن رستم، محقق / مصحح: قسم
الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، ناشر: بعثت، قم، ۱۴۱۳ ق.
الدمع السجوم در ترجمه نفس المهموم ،

ديوان أمير المؤمنين عليه السلام ميبدى، حسين بن معين الدين، مترجم: زمانى، مصطفى ، محقق /
مصحح: زمانى، مصطفى، ناشر: دار نداء الإسلام للنشر، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
ذخيرہ المعاد فى شرح الارشاد،

الذريعة الى تصانيف الشيعة، علامه آقا بزرگ طهرانى، دارالاضواء، بيروت، ۱۴۰۳ ق.
الرجال (لابن داود) ، حلى، حسن بن على بن داود، ناشر: دانشگاه تهران، تهران،
چاپ اول، ۱۳۴۲ ش.

رجال البرقى - الطبقات ، برقى، احمد بن محمد بن خالد، محقق / مصحح: طوسى، محمد
بن الحسن / مصطفى، حسن، ناشر: انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۲ ش.
رجال الطوسى ، طوسى، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: قيومى اصفهانى، جواد، ناشر:
مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجامعة المدرسين بقم المقدسه، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۳ ش.
رجال الكشى - إختيار معرفة الرجال ، كشى، محمد بن عمر، محقق / مصحح:
طوسى، محمد بن الحسن / مصطفى، حسن، ناشر: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد،
مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

رجال النجاشى ، محمد بن على النجاشى، مؤسسه النشر الاسلامى، قم، ۱۴۱۸ ق.
روض الجنان فى شرح ارشاد الازدهان ، الشهيد الثانى،

- روضه المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)، مجلسى،
محمد تقى بن مقصودعلى، محقق / مصحح: موسوى كرماني، حسين و اشتهااردى على
پناه، ناشر: مؤسسه فرهنگى اسلامى كوشانپور، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.
- روضه الواعظين و بصيره المتعظين (ط - القديمة) ، فتال نيشابورى، محمد بن
احمد، ناشر: انتشارات رضى، قم، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
- رياحين الشريعه ، محلاتى، ذبيح الله، انتشارات دارالكتب الاسلاميه، تهران،
۱۳۶۴ ش.
- رياض القدس ، واعظ قزوینى، صدرالدين، انتشارات اسلاميه، تهران، چاپ دوم،
۱۳۷۶ ش.
- رياض الأبرار فى مناقب الأئمة الأطهار ، جزائرى، نعمت الله بن عبد الله، ناشر:
مؤسسه التاريخ العربى، بيروت، چاپ اول، ۱۴۲۷ ق - ۲۰۰۶ م.
- زنان دانشمند و راوى حديث ، صادقى اردستانى، ، انتشارات ، چاپ ، سال .
- زيارت عاشورا ميراث جاودان عاشورا ، نشر راه نيكان، چاپ ، سال ۱۳ ش.
- سحاب رحمت ، ، انتشارات مسجد مقدس جمكران، چاپ ، ۱۳۸۷ ش.
- سخن گفتن سر امام حسين عليه السلام ، على فلسفى،
سعادات ناصريه،
- سفینه البحار ، قمى، عباس، ناشر: اسوه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
- سلوك ماتم ، عمرانى، سيدمسعود، نشر خيمه، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵ ش.
- سنت عزادارى و منقبت خوانى در تاريخ شيعه اماميه ،
- سياه پوشى در سوگ ائمه نور عليهم السلام ، على ابوالحسنى منذر، ناشر: مؤسسه فرهنگى
دانش و اندیشه معاصر، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
- سير اعلام النبلاء ، ذهبى، مؤسسه الرساله، بيروت، طبع التاسعه، ۱۴۱۳ ق.
- السيرة الحلبيه فى سيره الامين المأمون ، حلبى، على بن ابراهيم، دارالمعرفه،
لبنان، ۱۴۰۰ ق.

سیل اشک دیدار با ابرار ، فروغی ، نعمت الله، انتشارات آفتاب خوبان، چاپ اول، بهار ۱۳۸۴ ش.

شبّهات عزاداری ، عصیری، سید مجتبی.

شرح أصول الكافي (صدرا) ، صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، محقق / مصحح: خواجوی، محمد، ناشر: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.

شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام ، ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، محقق / مصحح: حسینی جلالی، محمد حسین، ناشر: جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

شرح تائیه دعبل خزاعی ، علامه مجلسی،

شرح مراثنی سید بحر العلوم ،

شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد ، ابن أبي الحديد، عبد الحمید بن هبة الله، محقق / مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، ناشر: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.

شعائر حسینی ، میرزا جواد تبریزی،

الشعائر الحسينیه ، صافی گلپایگانی،

شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور ، بمبئی، ۱۳۰۹ ق،

شواهد التنزیل لقواعد التفضیل ، حسکانی، عبید الله بن عبد الله، محقق / مصحح: محمودی، محمدباقر، ناشر: التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مجمع إحياء الثقافة الإسلامیة، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

شهاب شریعت، درنگی در زندگی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، علی رفیعی، علاء مرو دشتی، طبع کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی ، قم، ۱۳۷۳ ش.

شیعه و عاشورا ، میلانی، سید ابراهیم.

شیوه های یاری غریب کربلا ، داوری، صادق،

- الصباح، جوهری، دارالعلم للملایین، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- الصراط المستقیم، زین الدین علی بن یونس عاملی، المكتبة المرتضوية، چاپ اول، ۱۳۸۴ق.
- الصواعق المحرقة، ابن حجر عسقلانی، مكتبة قاهرهريال قاهره، چاپ دوم، ۱۹۶۵م.
- طبقات الكبرى، ابن سعد، دارصادر، بیروت.
- الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ابن طاووس، علی بن موسی، محقق / مصحح: عاشور، علی، ناشر: خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۰ق.
- عبرات المصطفین فی مقتل الحسين عليه السلام، محمودی، محمدباقر، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
- عبقري الحسان، نهانندی، شیخ علی اکبر، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه، علی ربانی خلخالی، انتشارات مکتب الحسین عليه السلام، محرم الحرام ۱۴۱۵ق.
- عزاداری رمز محبت، مهدی صدقی،
- عزاداری سنتی شیعیان، سید حسین معتمدی کاشانی، ناشر: قلم مکنون، چاپ دوم، خرداد ۱۳۸۴ش.
- عزاداری، بایدها و نبایدها، باقری بیدهندی، ناصر، انتشارات نورالسجاد، قم، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ش.
- علل الشرائع، ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: کتاب فروشی داوری، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ش / ۱۹۶۶م.
- عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، ابن بطریق، یحیی بن حسن، ناشر: جماعة المدرسين بقم، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
- عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، محقق / مصحح: موحد ابطحي اصفهانی، محمد باقر، ناشر: مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام، ایران؛ قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

- عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیہ ، ابن أبی جمهور، محمد بن زین الدین، محقق / مصحح: عراقی، مجتبی، ناشر: دار سید الشهداء للنشر، قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.
- عیون الاخبار و فنون الآثار، عمادالدین ادریسی قریشی.
- عیون أخبار الرضا علیه السلام ، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ناشر: نشر جهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق.
- الغدير ، علامه امینی، عبدالحسین، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۳۷۹ ق.
- غدير و عاشورا در سیره امام رضا علیه السلام ، صدری، مهدی، انتشارات دلیل ما.
- غرر الحكم و درر الكلم ، تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: رجائی، سید مهدی، ناشر: دار الکتب الإسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
- غنائم الايام فی مسائل الحلال و الحرام ، الميرزا القمی، (۱۲۳۱ ق).
- غوغای کوفه و شام (مقتل مقرر)،
- الفروع من الکافی ، (دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۱ ق)،
- فرهنگ معین ، معین،
- فلاح السائل و نجاح المسائل ، ابن طاووس، علی بن موسی، ناشر: بوستان کتاب، قم، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
- الفوائد الرجاليه ، بحر العلوم، السيد محمد المهدی، تحقیق: بحر العلوم، محمدصادق، مکتبه الصادق، نجف، ۱۳۶۳ ق.
- الفهرست شیخ طوسی، نشر الفقاهه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
- فهرست کتب الشيعه و اصولهم: شیخ الطوسی ، مکتبه المحقق الطباطبائی قم، ۱۴۲۰ ق.
- الفهرست، ابن ندیم، مطبعة الرحمانیه، مصر ۱۳۴۸ ق.
- قادتنا كيف نعرفهم ،
- قاموس الرجال ،

قرب الإسناد (ط - الحديثه) ، حميرى، عبد الله بن جعفر، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت عليه السلام ناشر: مؤسسه آل البيت عليه السلام ، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

قصص العلماء ،

قمقام زخار ،

الكافى ، الشيخ الكلينى، (۳۲۹ ق) دارالكتب الاسلاميه، طهران، ۱۳۶۷ ش، الطبعة الثالثة، تحقيق: على اكبر الغفارى.

كامل بهايى، عمادالدين حسن بن على طبرى، مكتبه مصطفىوى، تهران.

الكامل فى التاريخ ، ابن اثير، دارصادر، بيروت، ۱۴۰۲ ق.

كتابخناسى تاريخى امام حسين عليه السلام ، محمد اسفنديارى كنزالعمال ، متقى هندى.

الكنى والالقب ، قمى، شيخ عباس،

كامل الزيارات ، ابن قولويه، جعفر بن محمد، مترجم: ذهنى تهرانى، محمد جواد ناشر: انتشارات پيام حق، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.

كامل الزيارات، ابن قولويه، جعفر بن محمد، محقق / مصحح: امينى، عبد الحسين، ناشر: دار المرتضوية، نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۵۶ ش.

كتاب العين ، فراهيدى، خليل بن أحمد، ناشر: نشر هجرت، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق. كشف الغمّة فى معرفة الأئمّة (ط - القديمة) ، اربلى، على بن عيسى، محقق / مصحح: رسولى محلاتى، سيد هاشم، ناشر: بنى هاشمى، تبريز، چاپ اول، ۱۳۸۱ ق.

كمال الدين و تمام النعمه ، ابن بابويه، محمد بن على ، محقق / مصحح: غفارى، على اكبر، ناشر: اسلاميه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.

لسان العرب ، ابن منظور، محمد بن مكرم، محقق / مصحح: مير دامادى، جمال الدين، ناشر: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر، بيروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.

لسان الميزان ، عسقلانى، ابن حجر، مؤسسه الاعلمى، بيروت، ۱۳۹۰ ق.

لغت نامه ، دهخدا،

- لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه ، مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی ،
ناشر: مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
- اللهوف علی قتلی الطفوف ، ابن طاووس، علی بن موسی، مترجم: فهری زنجانی،
احمد، ناشر: جهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۸ ش.
- مثیر الأحزان ، ابن نما حلی، جعفر بن محمد، محقق / مصحح: مدرسه امام مهدی
علیه السلام، ناشر: مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، چاپ سوم، ۱۴۰۶ ق.
- مجمع البحرين ، طریحی، فخر الدین بن محمد، محقق / مصحح: حسینی اشکوری،
احمد، ناشر: مرتضوی، تهران، چاپ سوم ، ۱۳۷۵ ش.
- مجمع الدرر فی المسائل للاثنی عشر ، شیخ عبدالله مامقانی.
مجمع الزوائد ، هیثمی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
- مجموعه ورام ، آداب و اخلاق در اسلام / ترجمه تنبیه الخواطر، ورام بن أبی فراس،
مسعود بن عیسی، مترجم: عطایی، محمد رضا، ناشر: بنیاد پژوهش‌های اسلامی
آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش.
- محاسن، محمد بن محمد با خالد البرقی، تحقیق: السید حلال الدین حسینی، ناشر:
دارالکتب الاسلامیه، طهران، الطبعة الاولى، ۱۳۳۰ ش.
- المحکم فی اصول الفقه ، حکیم،
- المحیط فی اللغة ، صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد، محقق / مصحح: آل یاسین،
محمد حسن، ناشر: عالم الکتاب، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
- المختصر، (المحتضر) حسن بن سلیمان حلی، المکتبه الحیدریه، نجف، چاپ اول، ۱۳۷۰ ق.
- مدینه معاجز الأئمة الإثنی عشر ، بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ناشر: مؤسسه
المعارف الإسلامیه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد
تقی، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، ناشر: دار الکتب الإسلامیه، تهران،
چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.

المزار الكبير (لابن المشهدي) ، ابن مشهدي، محمد بن جعفر، محقق / مصحح: قیومی اصفهانی، جواد، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.

مسالك الافهام ، شهيد ثانی،

مستدرک الوسائل، الميرزا حسين النوري (۱۳۲۰ق) تحقيق و الناشر: مؤسسه آل البيت عليه السلام لاحياء التراث، بيروت، ۱۴۰۸هـ، الطبعة الثانية.

مستدرک سفینه البحار ، نمازی شاهرودی، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۹ق.

مستدرک علم رجال ، نمازی شاهرودی،

مستدرک علی الصحیحین ، حاکم نیشابوری،

مُسْكَنُ الْفُؤَادِ عِنْدَ فَقْدِ الْأَحَبَّةِ وَ الْأَوْلَادِ ، شهيد ثانی، زين الدين بن علی، ناشر: بصیرتی، قم، چاپ اول، بی تا.

مسند امام رضا عليه السلام ، عطاردی، عزیزالله ، المؤتمر العالمي للإمام الرضا عليه السلام ، مشهد، ۱۴۰۶ق.

مصائب رأس الحسين عليه السلام ،

مصباح المتجّد و سلاح المتعبّد ، طوسی، محمد بن الحسن، ناشر: مؤسسه فقه الشیعه، بيروت، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

المصباح المنير في غريب الشرح الكبير ، فيومی، أحمد بن محمد ، ناشر: موسسه دار الهجرة، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

معالم العلما في فهرست كتب الشيعة ، محمد بن علی بن شهر آشوب، موسسه نشر الفقاهه، قم، ۱۴۲۵ق.

معالي السبطين ، حائری مازندرانی، محمد مهدي، منشورات الشريف الرضي، قم، ۱۴۰۹ق.

معجزات سر مقدس امام حسين عليه السلام ،

معجم رجال الحديث ، موسوی خویی، سيدابوالقاسم، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ق.

معجم مقاییس اللغة ، ابن فارس، أحمد بن فارس، محقق / مصحح: هارون، عبد السلام محمد، ناشر: مكتب الاعلام الاسلامی، قم، اول، ۱۴۰۴ ق.

مفردات ألفاظ القرآن، راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محقق / مصحح: داوودی، صفوان عدنان، ناشر: دار القلم- الدار الشامیة ، بیروت- دمشق، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.

مقاتل الطالبین، ابوالفرج اصفهانی، دارالکتاب، قم، المكتبة الحیدریه، نجف، ۱۳۸۵ ق.
مقتل الامام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام،

مقتل الحسین علیه السلام، ابو مخنف لوط بن یحیی، مکتبه آية الله مرعشی، قم، ۱۳۹۸ ق.

مقتل الحسین علیه السلام، حافظ ابوالمؤید خوارزمی، دار انوار الهدی، قم، ۱۴۱۸ ق.
من لا یحضره الفقیه ، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر:

دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.

مناقب آل أبی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)، ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ناشر: علامه، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹ ق.

مناقب علی بن ابیطالب علیه السلام، مغازلی،

منتهی الآمال ، قمی، عباس، انتشارات هجرت،

المنجد ، لويس معلوف.

منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (خوئی)، هاشمی خویی، میرزا حبیب الله،

مترجم: حسن زاده آملی، حسن و کمره‌ای، محمد باقر، محقق / مصحح: میانجی، ابراهیم، ناشر: مکتبه الإسلامیة، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۰ ق.

مواسات با سیدالشهداء علیه السلام، تعدادی از نویسندگان.

الموجز فی اصول الفقه ، سبحانی،

میزان الاعتدال فی نقد الرجال ، شمس الدین ذهبی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۶ ق.

میزان تشیع ، برری سند و محتوا و نسخه های زیارت عاشورا، محمد عندلیب همدانی، به کوشش: اجمد نباتی، انتشارات جمکران، چاپ اول، سال ۱۳۹۲ ش.

ناسخ التواریخ ، زندگانی امام سجاد علیه السلام ،

نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا ، ترجمه وقعه الطفّ، ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی، مترجم: سلیمانی، جواد، محقق / مصحح: یوسفی غروی، محمدهادی، ناشر: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ش.
نفس المهموم ، قمی، عباس، انتشارات مسجد مقدس جمکران.

نورالعین فی مشهد الحسین علیه السلام ، ابواسحاق اسفرائینی،
النهایه فی غریب الحدیث و الاثر ،

نهضت حسینی ، حاج شیخ علی فلسفی

واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات ، رضوانی ، علی اصغر،

الوجیزه فی الرجال ، مجلسی ، محمدباقر، نشر ستایش، تهران، ۱۳۷۸ ش.

وسائل الشیعه ، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام ، ناشر: مؤسسه آل البيت علیهم السلام ، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

وقعه الطفّ ، ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی، محقق / مصحح: یوسفی غروی، محمد هادی ، ناشر: جامعه مدرسین، قم، چاپ سوم، ۱۴۱۷ ق.

هدایه الانام فی شرح شرایع الاسلام ، محمد حسین کاظمینی ، طبع نجف، ۱۳۳۰ هـ.

هدایه الأئمه إلى أحكام الأئمه علیهم السلام ، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. گروه حدیث ، ناشر: آستانه

الرضویه المقدسه، مجمع البحوث الإسلامیه، مشهد، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.

ینابیع الموده لدى القربی ، قندوزی حنفی ، دارالاسوه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.

آثار دیگر مؤلف که به چاپ رسیده است:

- ۱: رازهای نهفته در شطرنج
- ۲: خورشید مهربانی
- ۳: تحقیق و پژوهش در کلام مقام معظم رهبری دامت برکاته
- ۴: فیض ماندگار؛ شرح زندگانی و شاگردان و اساتید آیت الله فیاض قدس سره
- ۵: شمع سوزان خرابه شام. (سید مجید نبوی، مهدی آقابابایی)
- ۶: ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ (سه سخنرانی از مرحوم آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی قدس سره)
- ۷: عبد رحمان، زندگی نامه و خاطراتی از سردار شهید عبدالرحمان کرمی
- ۸: تربیت فرزند از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام
- ۹: نور هفتم (میلاد مبارک امام هفتم علیه السلام در ماه ذی الحجه)
- ۱۰: آسمانی‌های خاکی، بر اساس زندگی برادران شهید عبدالرحمان و محمدرضا کرمی هرستانی
- ۱۱: آسمانی‌های خاکی، بر اساس زندگی شهید مصطفی نصرافهانی
- ۱۲: تحریف تاریخی تحلیلی پیرامون ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام
- ۱۳: سخنان ناب بزرگان درباره تحقیق، پژوهش، نگارش و قلم
- ۱۴: عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی (از آثار آیت الله طیب قدس سره).
- ۱۵: دانستنی‌های علمی پیرامون قاعدگی، همجنس‌گرایی، همجنس‌بازی و استمناء
- ۱۶: کتابشناسی زیارت عاشورا
- ۱۷: تحریفات و تصحیفات پیرامون زیارت عاشورا.
- ۱۸: رازهای نهان در موسیقی (جوان و موسیقی).
- ۱۹: کتابشناسی حضرت رقیه علیها السلام.
- ۲۰: زیارت جوادیه (یا زیارت چهارم امام رضا علیه السلام).
- ۲۱: انواع عزاداری در سیره اهل بیت علیهم السلام در روایات (حدود ۶۰ نوع عزاداری). کتاب حاضر.
- ۲۲: روزه داری و کرونا ویروس.

آثار در دست چاپ و تألیف:

- ۱ : حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در محشر
- ۲ : مرد غیرتمند ایرانی، بابا شجاع الدین، ابولؤلؤ
- ۳ : تقویم تبری
- ۴ : شرح حدیث ریان بن شیبب (پیرامون عزاداری سیدالشهدا علیه السلام)
- ۵ : سرگذشت جانسوز حضرت رقیه علیها السلام
- ۶ : زندگانی بلال حبشی
- ۷ : تألیفات و آثار آیت الله طیب قدس سره (کتب مخطوط و چاپی)
- ۸ : دانستنی‌های علمی پیرامون ریش و ریش تراشی
- ۹ : عبدالله بن عمر و نامه پدرش به معاویه
- ۱۰ : هرمرزان کیست؟
- ۱۱ : آتش سوزی کتاب‌ها و کتابخانه‌ها.
- ۱۲ : تحقیقی کوتاه پیرامون حی علی خیرالعمل.
- ۱۳ : حضرت خدیجه علیها السلام نخستین حامی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۴ : غنچه خونین کربلا، حضرت باب الحوائج علی اصغر علیه السلام
- ۱۵ : انفاق و اطعام طعام در عزای سیدالشهدا علیه السلام
- ۱۶ : سفره احسان و کرم امیرالمؤمنین علیه السلام

